

فصلنامه گنجینه اسناد

سال بیست و نهم، دفتر اول، بهار ۱۳۹۸
شماره پیاپی ۱۱۳
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸
شماره: ۱۰۰ نسخه



فصلنامه تحقیقات تاریخی از این شماره، طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره و مطالعات آرشیمیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران- پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر مهدی فرهانی‌منفرد، دانشیار دانشگاه الزهرا / دکتر ربابه معتقدی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com
مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی
ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طراح نشانه و جلد: علیرضا حصارکی

صفحه آرا: مرتضی میرزایی

ناظر چاپ: یوسف امیری

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه نهم، اتاق ۱۱.
صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۲۶۴۰۵۶۲۱

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود
www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد



فهرست مطالب

فهرست مطالب گنجینه اسناد
(علمی-پژوهشی)

سال ۲۹، دفتر ۱، (بهار ۱۳۹۸)

شماره پیاپی ۱۱۳

شاپا(چاپی): ۱۰۳۳-۳۶۵۲

شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

◆ تحقیقات تاریخی ◆

پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰-۱۳۲۰ش)/

۶-۳۰(۲۵)

سیدحسن شجاعی دیوکلانی

راهبرد برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) برای اشتغال مهاجران از روستاها/

۳۲-۵۳(۲۲)

محمدجواد عبدالهی

فعالیت‌های حزب توده در مدارس خراسان (۱۳۲۱-۱۳۳۵ش)/

۵۴-۸۴(۳۱)

کبری نودهی، علی‌اکبر کجیاف، مرتضی نورانی، هادی وکیلی

مسائل زنان در دهه نخست عصر رضاشاه برپایه مقالات دو نشریه زنان /

۸۶-۱۰۸(۲۳)

علی‌اکبر خدری‌زاده

◆ مطالعات آرشیوی ◆

الزام‌های حقوقی انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در فضای مجازی /

۱۱۰-۱۴۱(۳۲)

پیمان‌صالحی، غلامرضا عزیزی

امکان به‌کارگیری استاندارد متس در سامانه‌های اطلاعاتی آرشیوی باز برای اسناد رقمی فارسی /

۱۴۲-۱۶۴(۲۳)

لیلی سیفی، زهرا میرزاوند

محتوا و شکل نکاح‌نامه‌های دوره ناصری (۱۲۶۵-۱۳۱۳ق)/

۱۶۶-۱۹۴(۲۹)

رقیه شکری، یزدان فرخی

۱۹۵-۲۰۰(۶)

نمایه سال ۱۳۹۷ فصلنامه گنجینه اسناد / سید محمود سادات بیدگلی

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانوشت ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

کوتاه‌نوشت‌ها

- نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:
- ساکما (sākmā): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
 - مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
 - کِمَام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - مَرَّاسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
 - مَتْمَا (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - ساکماق (sākmāq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
 - مِپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



Consequences of the state monopoly of foreign trade in the 1930s for the Iranian economy

Seyyed Hassan Shojaee-Divkalee¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This article reports the consequences of the implementation of a law that passed the Iranian parliament in 1929 to end the chronic imbalance of the nation's foreign trade by granting the government the exclusive right of doing foreign trade.

Method and Research Design: Data for this study was collected from the records held at the National Archives of Iran.

Findings and Conclusion: The success of previous strategies to reduce the imbalance was limited. The Great Depression of the 1929 worsened the situation. As the result, the government adopted the new strategy of holding full control of foreign trade to prevent the decline of foreign revenues. However, this in practice led to the expansion of the state bureaucracy's interference in other aspects of the economy.

Keywords:

Iran; foreign trade; Reza Shah Pahlavi; Great Depression, state monopoly

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities and Social Sciences
University of Mazandaran, Babolsar, I. R. Iran
H.shojaee@umz.ac.ir
Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2338

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 6 -30 (25) | Received: 30, Oct. 2017 | Accepted: 10, Jun. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ ش)

سیدحسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده:

هدف: بررسی پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بر اقتصاد ایران در فاصله سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش.

روش/ رویکرد پژوهش: این مقاله با روش تحقیق تاریخی و استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی نوشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: سازمان‌دهی اقتصاد تجاری به‌رغم ابتکارات قبلی حکومت چندان موفق نبود. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اوضاع را وخیم‌تر کرد؛ به‌همین دلیل حکومت پهلوی، قانون انحصار تجارت خارجی را در اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. اگرچه هدف از تصویب این قوانین کاهش پیامدهای بحران اقتصادی و جلوگیری از کاهش درآمدهای صادراتی کشور بود، ولی این کار عملاً به افزایش مداخله و تصدی‌گری دولت نه‌تنها در تجارت خارجی بلکه در کل اقتصاد تجاری ایران انجامید.

کلیدواژه‌ها:

اقتصاد؛ تجارت؛ قانون انحصار تجارت خارجی؛ پهلوی اول.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی
و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران.
H.shojaee@umz.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۳۸

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۳۰-۶ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

تحقیقات تاریخی

مقدمه

اقتصاد تجاری ایران با وجود ادغام در اقتصاد جهانی منبعت از نظام سرمایه‌داری قرن نوزدهم، در تمام دوران قاجار سنتی و پیشاسرمایه‌دارانه باقی ماند و در نتیجه این وضعیت، بازدهی اش کاهش یافت. این امر ناشی از ضعف و ناکارآمدی حکومت قاجار برای محافظت از اقتصاد تجاری ایران بود.

در چنین وضعیتی اقتصاد تجاری ایران به علت برخوردار نبودن از حمایت حکومت، در عرصه مبادلات بین‌المللی به حاشیه رانده شد و به علت ایفای نقشی حاشیه‌ای سهمی کوچک از مبادلات تجاری بین‌المللی را به دست آورد. در تمام دوران قاجار کسری عمده موازنه تجاری گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران بود؛ این کسری نشانه آشکار نقش حاشیه‌ای اقتصاد تجاری ایران در عرصه مبادلات تجاری بین‌المللی و کوچک بودن سهم اقتصاد تجاری ایران از این مناسبات بود.

اقتصاد تجاری ایران با چنین وضعیتی از حکومت قاجار به حکومت پهلوی به میراث رسید. برای حکومت پهلوی و شخص رضاشاه تداوم وضع موجود به دلیل نیاز روزافزون به کسب درآمد بیشتر برای تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی، امکان‌پذیر نبود؛ به همین دلیل رضاشاه از همان نخستین سال ریاست‌الوزرائی به اصلاحات جدی در راستای بهبود وضعیت اقتصاد تجاری ایران دست زد. این اصلاحات در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ به سامان‌دهی اقتصاد تجاری ایران معطوف بود؛ ولی اهداف مدنظر حکومت از این اصلاحات (کسب درآمد بیشتر از اقتصاد تجاری) محقق نشد.

در چنین وضعیتی حکومت پهلوی برای رهایی از مشکل کسری موازنه، کسب درآمدهای ارزی بیشتر، رهایی از پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹- که موجب کاهش شدید درآمدهای حکومت پهلوی از محل اقتصاد تجاری شده بود- و هم‌چنین تأمین هزینه‌های لازم برای ایجاد تمرکز سیاسی و نوسازی جامعه ایرانی، قانون انحصار تجارت خارجی را در ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش و متمم آن را در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ ش به تصویب مجلس رساند.

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در واکنش به پیامدهای بحران اقتصادی را می‌توان از دیدگاه تیلمان اورس در کتاب «ماهیت دولت در جهان سوم» بررسی کرد. اورس اتخاذ تصمیم و درپیش گرفتن راه‌حل آنی برای رهایی از بحران‌ها را از ویژگی‌های جوامع توسعه‌نیافته برمی‌شمارد (اورس، ۱۳۶۲، ص ۱۷۷). به تعبیر جیمز باربر و مایکل اسمیت در کتاب «ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها»، شناخت ماهیت سیاسی غیردموکراتیک و خودکامه حکومت‌ها در جوامع توسعه‌نیافته به فهم بیشتر چرایی اتخاذ چنین سیاست‌ها و راه‌حل‌هایی کمک می‌کند. اعتقاد باربر و اسمیت بر این است که در حکومت‌های



خودکامه و غیردموکراتیک فضا و جو مناسب برای اقدام به این کارهای خطیر وجود دارد. علت این موضوع محدود بودن تصمیم‌گیری در این نظام‌ها به یک یا چند نفر است (باربر و اسمیت، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵). با تلفیق دو دیدگاه مذکور، اتخاذ راه‌حل‌های آنی و بعضاً مخاطره‌آمیز در حوزه سیاست اقتصادی نظیر تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در نتیجه پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در ایران عصر رضاشاه، قابل فهم است.

تصویب این قانون و متمم آن به دلیل اهمیت تجارت خارجی پیامدهایی مهم در بخش اقتصاد تجاری ایران داشت.

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش تجاری اقتصاد ایران از تصویب آن تا پایان حکومت پهلوی اول است. به همین منظور این مقاله در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی به پاسخ این پرسش بپردازد که پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش اقتصاد تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش چه بوده است؟

پیشینه موضوع

به جز مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» که داریوش رحمانیان و همکارانش در فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران چاپ کرده‌اند، هیچ تحقیق مستقلاً درباره این موضوع انجام نشده است. تفاوت مقاله حاضر با اثر رحمانیان و همکارانش در موارد زیر خلاصه می‌شود: مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» از پایان‌نامه شهرام غلامی دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران با عنوان «اقتصاد کشاورزی ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰» به راهنمایی رحمانیان استخراج شده است. بر این اساس این مقاله کاملاً بر قانون انحصار تجارت خارجی و پیامدهای آن متمرکز نیست؛ بلکه موضوعی فرعی و استخراج‌شده از پایان‌نامه‌ای در حوزه اقتصاد کشاورزی ایران در دوران پهلوی اول است. منابع استفاده‌شده در مقاله حاضر عمدتاً اسناد و مدارک آرشیوی است؛ ولی در مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» از اسناد و مدارک آرشیوی استفاده نشده است؛ در حالی که اسناد بخش مهمی از منابع مورد نیاز برای مطالعه تاریخ معاصر ایران هستند. هم‌چنین رحمانیان و همکارانش در مقاله خود پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی را در تمام بخش‌های اقتصاد ایران بررسی کرده‌اند؛ ولی مقاله حاضر با تمرکز بر پیامدهای تصویب این قانون بر بخش اقتصاد تجاری ایران به بررسی تخصصی‌تر این موضوع پرداخته است.

پیش از بررسی موضوع اصلی مقاله حاضر، بررسی نقش و عملکرد حکومت پهلوی اول



در حوزه اقتصاد تجاری ایران در سال‌های پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی ضروری است.

الف. نقش و عملکرد حکومت در حوزه اقتصاد تجاری (۱۳۰۳ تا ۱۳۰۷ ش)

اقتصاد تجاری ایران در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان با کسری موازنه مواجه بود. فقدان سازمان‌دهی و تشکیلات در اقتصاد تجاری که میراثی بازمانده از دوران قاجار بود نقشی مهم در به وجود آمدن این کسری موازنه تجاری داشت. این موضوع در جدول شماره ۱ به‌نمایش درآمده است.

سال	واردات	صادرات	کسری موازنه
۱۳۰۰	۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۱	۶۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۱۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۲	۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۹۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۳	۷۷۳,۰۰۰,۰۰۰	۴۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۸۸,۰۰۰,۰۰۰

جدول ۱

کسری موازنه تجاری ایران در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ براساس واحد پول قران

(مجله اطاق تجارت، ۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۱۳-۱۴)

وجود چنین کسری موازنه‌ای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران را به الزامی برای حکومت پهلوی تبدیل کرد. نخستین گام در این راستا با تصویب قانون علامات صنعتی و تجاری برداشته شد. تلاش برای تصویب این قانون (قانون علامات صنعتی و تجاری) اگرچه با تصویب «لایحه استقرار و حفظ نام تجارت‌خانه‌ها و جلوگیری از تقلید علامت‌های کارخانه‌ها» توسط هیئت وزراء در دلو (بهمن) سال ۱۲۹۸ (ساکما، ۲۴۰۰۵۳۹۳، ص ۲۹) و تصویب طرح قانون علامت‌های تجاری در سال ۱۳۰۰ آغاز شد (ساکما، ۲۴۰/۴۹۲۶۹، صص ۱-۳۹)؛ ولی تحقق عملی آن تا تحکیم قدرت رضاخان در مقام ریاست‌الوزرائی و تصویب لایحه علامات صنعتی و تجاری محقق نشد. این لایحه در ۱۸ ماده در تاریخ ۲ جوزا (خرداد) ۱۳۰۳ از طرف وزارت فلاحت، تجارت و فوائد عامه به مجلس پیشنهاد شد (ساکما، ۲۴۰۰۳۶۱۴، ص ۳) و در ۹ حمل (فروردین) ۱۳۰۴ در مجلس تصویب شد (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴). برخی از مفاد ۱۸ گانه این قانون به حوزه تجارت مربوط می‌شد (نک: ساکما، ۲۴۰/۲۶۳۲۷، صص ۱-۶).



گام بعدی حکومت برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری، تصویب قانون تجارت بود. تصویب این قانون طی سه مرحله در ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ انجام شد. این قانون در ۳۸۷ ماده ذیل هفت باب تصویب شد (نک: مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۸۹-۱۰۹). علاوه بر تصویب قانون تجارت، تصویب نظام‌نامه تأسیس اتاق‌های تجارت از دیگر اقدام‌های مهم برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران بود. تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران براساس نظام‌نامه پیشنهادی وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه به هیئت وزراء و تصویب آن در ۸ دی ۱۳۰۴ محقق شد. این نظام‌نامه ۳۵ ماده داشت (نک: ساکما، ۲۹۱۰۰۲۰۳، صص ۲-۱۲).

اقدام بعدی حکومت پهلوی برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری، تسلط بر امور گمرکی و پایان‌دادن به وضعیتی بود که گمرکات کشور از زمان قاجار به آن دچار شده بودند. در راستای تحقق این مهم حکومت از سال ۱۳۰۶ درصد برآمد تا گمرکات کشور را کنترل کند. به‌همین منظور وزارت دربار در ۱۹ اسفند ۱۳۰۶ به وزارت مالیه اعلام کرد که ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ زمان الغای رژیم کاپیتولاسیون و حقوق دول کامله‌الوداد است. براین اساس مقرر شد طرف‌های تجاری ایران تا این تاریخ عهدنامه‌های گمرکی جدیدی با ایران منعقد کنند؛ در غیر این صورت حداکثر تعرفه گمرکی از کالاهای این کشورها اخذ خواهد شد (ساکما، ۱۷/۱۷۰/۲۴۰، ص ۳۷). در پی این درخواست، وزارت مالیه در ۲۷ اسفند ۱۳۰۶ ماده واحده‌ای را برای تصویب به مجلس ارائه کرد و با تعیین حداقل و حداکثر تعرفه‌های گمرکی، از مجلس خواست که به دولت اجازه دهد تا با دول خارجی براساس حداقل و حداکثر تعرفه‌های مقرر، قرارداد گمرکی منعقد کند (ساکما، ۱۷/۱۷۰/۲۴۰، ص ۴۱). مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ ماده واحده مذکور را با عنوان «قانون تعرفه گمرکی و اجازه انعقاد قراردادهای گمرکی مخصوص با دول خارجه» تصویب و ابلاغ کرد (ساکما، ۲۴۰/۷۵۰۲۰، ص ۱). حکومت پهلوی پس از تصویب این قانون، قراردادهای گمرکی جدیدی با کشورهای طرف تجاری خود مانند بلژیک، هلند، ایتالیا (ساکما، ۱۶۹۸۶/۲۴۰، صص ۹۴-۱۰۹) و آلمان منعقد کرد (ساکما، ۱۶۹۸۷/۲۴۰، ص ۳). با وجود همه اقدام‌های حکومت برای سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران تا سال ۱۳۰۷، تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه ناکام ماند. نشانه این ناکامی را در تداوم کسری موازنه تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷، به‌استناد آماروارقام موجود در جدول شماره ۲ می‌توان مشاهده کرد.



سال	واردات	صادرات	کسری موازنه
۱۳۰۴	۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۲,۰۰۰,۰۰۰	۳۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۵	۷۸۵,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۳۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۶	۸۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۰۷	۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۸,۰۰۰,۰۰۰	۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰

جدول ۲

کسری موازنه تجاری ایران طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ براساس واحد پول قران

این مشکل پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بود. این بحران نقشی مهم در سیاست‌گذاری‌های حکومت در بخش اقتصاد تجاری ایران ایفا کرد؛ از جمله، تصویب قانون انحصار تجارت خارجی که در ادامه مقاله بررسی می‌شود.

ب. تصویب قانون انحصار تجارت خارجی

پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اقتصاد تمام مناطق جهان را اعم از جوامع سرمایه‌داری صنعتی (Lee, 1969, pp 139-143) و جوامع توسعه‌نیافته صادرکننده مواد اولیه (Vernon, 1994, pp 850-851) دربر گرفته بود. اقتصاد ایران هم به‌عنوان کشوری توسعه‌نیافته و صادرکننده مواد اولیه از پیامدهای این بحران بی‌تأثیر نبود. پیامدهای این بحران از اواخر سال ۱۳۰۸ به تدریج گریبان‌گیر ایران شد و در سال ۱۳۰۹ بر اقتصاد کشور چیره شد. در همین سال بود که برای نخستین بار، در گزارش‌های رسمی دولتی (نک: ساکما، ۲۴۰۰۱۰۱۵۵، صص ۴-۱۳) و برخی از روزنامه‌ها (نک: روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱) از پیامدهای این بحران سخن به میان آمد.

همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته، نخستین پیامد بحران در اقتصاد ایران کاهش میزان صادرات بود. این کاهش ناشی از سیاست‌های کشورهای صنعتی در واکنش به بحران بود. کاهش تولیدات صنعتی (نک: رونون، ۲۵۳۷، ج ۲، ص ۹) و به‌دنبال آن کاهش تقاضا برای خرید مواد اولیه موردنیاز این صنایع (Raupach, 1969, p80) و همچنین افزایش موانع و تعرفه‌های گمرکی (نک: کلاف و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۲۷۸) از جمله سیاست‌های جوامع صنعتی در واکنش به بحران بود که موجب کاهش صدور کالا از جوامع توسعه‌نیافته به جوامع صنعتی و در نتیجه کاهش درآمدهای صادراتی این جوامع شد (نک: تاپتون و آلد ریچ، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۷). ایران هم از این قاعده مستثنا نبود و بر اثر این بحران، مشابه سایر جوامع توسعه‌نیافته دچار مشکلاتی شد. نمونه‌ای از این مشکلات را در گزارش‌های روزنامه اطلاعات (سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹، ص ۱؛ سال ششم، شماره ۱۴۹۲، ۳ شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰، ص ۱)



مجله تجارت (دوره سوم، شماره ۲۹، اسفند ۱۳۱۰، ص ۲) و مجله اطاق تجارت (سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۱) می توان مشاهده کرد.

کاهش صادرات ایران بر اثر این بحران اقتصادی دربرگیرنده همه محصولات و اقلام صادراتی ایران اعم از صنایع دستی، محصولات کشاورزی و دامی بود (نک: مجله اطاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، صص ۱۸-۲۶)؛ به نحوی که میزان کل درآمدهای صادراتی ایران در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ در مقایسه با سال ۱۳۰۷ با کاهشی ملموس مواجه شد. این کاهش را، در احصائیه اداره کل تجارت مندرج در جدول شماره ۳ می توان مشاهده کرد.

جدول ۳

میزان صادرات ایران در سال های ۱۳۰۷-۱۳۰۹
بر حسب ریال.

سال ۱۳۰۷	سال ۱۳۰۸	سال ۱۳۰۹
۴۸۲،۵۵۲،۷۲۷	۴۷۳،۸۵۳،۷۵۸	۴۴۹،۶۴۲،۵۳۴

(مجله اطاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱، ص ۲۶)

در نتیجه این بحران حکومت ایران با مشکل کاهش درآمدهای صادراتی مواجه شد. این کاهش درآمد حکومت را ناچار کرد تا از اواخر سال ۱۳۰۹ به مداخله جدی در اقتصاد تجاری بپردازد.

تقریباً از اوایل زمستان سال ۱۳۰۹ روشن شده بود که خواسته اساسی حکومت از مجلس شورای ملی تصویب قانون انحصار دولت بر تجارت خارجی به عنوان یکی از منابع مهم درآمدهای ارزی کشور بود (گل محمدی، ۱۳۸۰، ص نه). باتوجه به این وضعیت، دولت لایحه تصویب قانون انحصار تجارت خارجی را در ۲۴ بهمن ۱۳۰۹ به مجلس ارائه کرد (روزنامه اطلاعات، سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، ۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹، ص ۱). کلیات لایحه ارائه شده دولت، در ۶ اسفند ۱۳۰۹ در مجلس تصویب شد و مقرر شد تا از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت قرار گیرد و حق وارد کردن تمام محصولات طبیعی و صنعتی، و تعیین موقتی و یا دائمی میزان صادرات و واردات به دولت واگذار شود و دولت بتواند تا زمان تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی، از ورود کالاهای خارجی به ایران جلوگیری کند (مجموعه قوانین و مقررات سال های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۶). مجلس متمم قانون انحصار تجارت خارجی را در ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. این متمم ۱۸ ماده ای به نظارت و کنترل کامل حکومت بر تجارت خارجی منجر می شد. مهم ترین مواد این متمم عبارت بودند از:

ماده دوم که براساس آن وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی یا صنعتی خارجی به ایران



مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران بود. ماده سوم که براساس آن دولت مجاز شد حق وارد کردن محصولاتی را که خودش نمی خواهد مستقیماً عهده دار شود، به وسیله جوازهایی مخصوص و تحت شرایطی معین به اشخاص و یا مؤسسات مختلف تجارتي واگذار کند. طرز تقسیم این جواز بین اشخاص و مؤسسات و میزانی که برای آنها مشخص می شد، مطابق نظام نامه ای بود که به تصویب هیئت دولت می رسید (ضیائی، ۱۳۷۱، ص ۴۲).

ماده پنجم که براساس آن دولت مکلف بود تا همه ساله قبل از اول تیرماه با در نظر گرفتن مدت لازم برای سفارش و حمل اجناس، احتیاجات مملکت را برای اجناس ورودی مشخص کند

ماده یازدهم که براساس آن دولت مکلف می شد موجبات مرغوبیت هریک از محصولات صادراتی از کشور را تهیه کند و معین کند که به چه طرز و ترتیب باید تهیه شود. هم چنین دولت مجاز شد تا از صدور محصولاتی که مطابق نمونه تهیه نشوند و صدور آنها به حُسن شهرت صادرات مملکت لطمه بزند جلوگیری کند.

ماده سیزدهم که براساس آن هر صادرکننده ملزم شده بود تا ظرف مدتی که در موقع صدور تعهد می کند و حداکثر آن هم هشت ماه بود، اَسعار^۱ خارجی خود را به ریال طلا به دولت بفروشد (مجموعه قوانین و مقررات سال های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، صص ۴۷۶-۴۷۸).

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن پیامدهایی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد تجاری ایران داشت. درست است که این قانون، تجارت خارجی را در انحصار دولت قرار می داد، ولی به این نکته باید توجه داشت که پس از ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه داری، تجارت خارجی نه تنها بخش مهمی از اقتصاد تجاری ایران بلکه مهم ترین بخش اقتصاد ایران بود.

انحصار تجارت خارجی توسط دولت پیامدهایی مهم در کل بخش اقتصاد تجاری ایران تا پایان حکومت پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ داشت؛ این پیامدها در ادامه این مقاله بررسی می شوند.

پ. پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰-۱۳۲۰)

در حالی که حکومت پهلوی تا سال ۱۳۰۹ به دنبال سازمان دهی اقتصاد تجاری ایران بود، سرایت پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ وضعیت بخش اقتصاد تجاری ایران را به گونه ای رقم زد که

۱. اَسعار (جمع سَعْر): ارزها؛ پول بیگانه.



حکومت ناچار شد تا سیاست سازمان‌دهی اقتصاد تجاری ایران را به نفع سیاست انحصاری کردن اقتصاد تجاری کشور کنار بگذارد. در این میان آنچه زمینه چنین تغییری را فراهم کرد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در اسفند ۱۳۰۹ بود. تصویب این قوانین اگرچه با هدف کاهش پیامدهای بحران اقتصادی به ویژه جلوگیری از کاهش درآمدهای صادراتی کشور انجام شد؛ ولی عملاً به افزایش مداخله و تصدی‌گری دولت نه تنها در تجارت خارجی بلکه در کل بخش اقتصاد تجاری ایران انجامید. اجبار واردکنندگان محصولات طبیعی و صنعتی به صادرات محصولات طبیعی و صنعتی از ایران بر اساس ماده دوم، الزام واردکنندگان به دریافت جوازهای وارداتی از اداره جوازهای وارداتی وزارت اقتصاد ملی بر اساس ماده سوم، نظارت دولت بر مرغوبیت کالاهای صادراتی و ممانعت از صدور کالاهای نامرغوب بر اساس ماده یازدهم، و الزام صادرکنندگان به فروش اسعار خارجی حاصل از صادرات به دولت بر اساس ماده سیزدهم از جمله مفاد متمم قانون انحصار تجارت بودند که زمینه را برای افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در اقتصاد تجاری فراهم می‌کردند.

افزایش نقش و مداخله دولت در تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن پیامدهایی در اقتصاد تجاری داشت که عبارت بودند از:

۱. افزایش انحصارهای دولتی بر منابع تجاری

تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن زمینه‌ساز افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در بخش اقتصاد تجاری ایران شد. نشانه بارز این مداخله و تصدی‌گری، افزایش انحصارهای دولتی بر خرید و فروش بسیاری از کالاهای تجاری و مبادلاتی بود که پیش از تصویب این قانون آزادانه خرید و فروش می‌شدند. افزایش انحصارهای دولتی بر منابع تجاری نخستین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در بخش اقتصاد تجاری بود. صحت چنین ادعایی با مقایسه میزان انحصارهای دولتی در حوزه اقتصاد تجاری ایران در سال‌های پیش و پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بر اساس اسناد و مدارک آرشیوی قابل اثبات است.

به اعتقاد چارلز عیسوی در دوران حکومت پهلوی اول ۲۷ نوع انحصار دولتی در ایران برقرار شد (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۵۹۵). نکته حائز اهمیت، میزان محدود انحصارها در سال‌های پیش از انحصار تجارت خارجی طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ است. طی این مدت کل انحصارهای دولتی به ۴ عدد محدود ماند. انحصار دولتی قند و شکر و چای مصوب اردیبهشت ۱۳۰۴ (ساکما، ۲۴۰/۶۰۲۶، ص ۱۱)، انحصار دولتی تریاک مصوب تیر ۱۳۰۷ (ساکما، ۲۴۰/۹۴۶۶، ص ۱)، انحصار دولتی دخانیات مصوب اسفند ۱۳۰۸ (ساکما، ۲۹۰/۸۳۶۵، ص ۸)، و انحصار

دولتی تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی مصوب اسفند ۱۳۰۸ (مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۴۱۰-۴۱۱) چهار انحصار دولتی پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی اند و سایر انحصارهای دولتی در حوزه اقتصاد تجاری ایران مربوط به سال‌های پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی است. انحصارهای دولتی در کل دوران حاکمیت رضاشاه برخلاف آمار عیسوی و به روایت اسناد (برای نمونه نک: ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، صص ۱-۶۲) بیش از ۲۷ رقم بوده است.

مهم‌ترین انحصارهای دولتی برقرار شده پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش تجاری اقتصادی ایران عبارت‌اند از: انحصار دولتی کبریت مصوب تیر ۱۳۱۰ (ساکما، ۲۴۰/۵۲۶۸، ص ۵)؛ انحصار دولتی صدور مرفین، کوکائین، ساخارین و کنجدیه^۱ مصوب دی ۱۳۱۰ (ساکما، ۲۴۰/۳۶۲۱، ص ۲)؛ انحصار دولتی واردات اوراق بازی مصوب مهر ۱۳۱۳ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی واردات قماش^۲ پنبه مصوب آبان ۱۳۱۳ (ساکما، ۲۴۰/۶۴۸۳، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور زعفران مصوب فروردین ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۸۲۹۰، ص ۹)؛ انحصار دولتی صدور ابریشم طبیعی مصوب خرداد ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۹۱/۲۱۹۱، ص ۳)؛ انحصار دولتی خرید گندم مصوب تیر ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی صدور پنبه مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۷۸۱۶۶، صص ۱-۳)؛ انحصار دولتی صدور برنج مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور کف مصوب شهریور ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۱۸)؛ انحصار دولتی صدور پوست‌های نمک‌زده و بی‌نمک گوسفند مصوب آبان ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۶۱، ص ۹)؛ انحصار دولتی صدور پشم مصوب آبان ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۹۳/۷۳۸۶۱، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور آنگوزه مصوب آذر ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۰۳، ص ۷)؛ انحصار دولتی صدور قالی و قالیچه مصوب دی ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۴۰/۸۱۸۰۶، ص ۳)؛ انحصار دولتی صدور روناس مصوب اردیبهشت ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۳۲۱۱۹، ص ۲)؛ انحصار دولتی واردات اتومبیل، کامیون، لوازم‌یدکی و لاستیک اتومبیل و کامیون مصوب شهریور ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۶)؛ انحصار دولتی صدور پوست‌های نرم مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۹۰۵۶۳، ص ۲)؛ انحصار دولتی صادرات کتیرا مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۷۴۷۳، ص ۲۱)؛ انحصار دولتی تهیه آرد توسط اداره تثبیت نرخ غله مصوب مهر ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۹۱/۶۰۰، ص ۱)؛ انحصار دولتی صدور خشکبار مصوب آبان ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۴۴۰۵۲، صص ۱-۲)؛ انحصار دولتی صادرات خاکِ سرخ مصوب دی ۱۳۱۵ (ساکما، ۲۴۰/۱۵۲۷۸، ص ۵)؛ انحصار دولتی صادرات خرما مصوب خرداد ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۱۸۴۴۰، ص ۱)؛ انحصار دولتی تهیه و خرید و فروش تخم نوغان و پبله مصوب خرداد ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۹۱/۱۴۵۶، ص ۳)؛ انحصار دولتی تهیه و فروش سیگار مصوب آذر

۱. صمغ درخت خاردار است با سفیدرنگ و طعم تلخ مخلوط با کمی شیرینی که برگ آن شبیه برگ درخت کندر است و در فارس می‌روید.

۲. پارچه



۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۲۲۹۷۴، ص ۲) و انحصار دولتی واردات اسلحه و فشنگ مصوب بهمن ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۱۳۵۷۶، ص ۱).

برقراری حق انحصاری دولت در خرید و فروش و صادرات و واردات کالاهای مذکور نشانه اراده حکومت برای انحصار کامل بر منابع تجاری ایران بود. ولی به دلیل وجود محدودیت‌های دولت در کنترل همه‌جانبه بر اقتصاد تجاری ایران چنین انحصاری کامل محقق نشد. وجود این محدودیت‌ها حکومت را ناچار به تأسیس شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات انحصاری کالا کرد.

تلاش حکومت برای تشکیل این شرکت‌های سهامی دومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در بخش اقتصاد تجاری ایران بود که در ادامه این مقاله بررسی می‌شود.

۲. شکل‌گیری شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالاهای انحصاری

دولت در اجرای قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن با محدودیت‌هایی مواجه بود. کمبود سرمایه برای خرید و تهیه محصولات انحصاری صادراتی و کمبود ارز برای خرید کالاهای انحصاری وارداتی یکی از محدودیت‌های پیش‌روی حکومت برای تحقق عملی قانون انحصار تجارت خارجی بود. این کمبود سرمایه در پی کاهش درآمدهای حکومت بر اثر پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ ایجاد شده بود.

در پی این وضعیت، تشکیل شرکت‌های سهامی به ضرورتی برای کسب سرمایه و به الزامی برای تحقق و عملی کردن قانون انحصار تجارت خارجی تبدیل شد. متأثر از این الزام مقاله‌ای در مجله مهر با عنوان «مسائل جاری اقتصادی» چاپ شد که در آن پس از معرفی شرکت‌های هفت‌گانه تجاری مورد تأیید قانون تجارت، شرکت‌های سهامی به دلیل نیاز فعالیت‌های تجاری جدید به سرمایه‌های زیاد بهترین نوع شرکت‌های تجاری برای اقتصاد تجاری ایران معرفی شدند (مجله مهر، سال اول، شماره ۶، آبان ۱۳۱۲، صص ۴۶۵-۴۶۸).

بر پایه چنین الزامی حکومت پهلوی در صدد برآمد تا از طریق وزارت مالیه شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالا با سرمایه‌های مشخص تشکیل دهد و سهام این شرکت‌ها را به تجار و صاحبان سرمایه‌های مالی بفروشد. برای نمونه وزارت مالیه سهام این شرکت‌ها را فروخت: سهام شرکت سهامی انحصار صدور تریاک به میزان بیست میلیون ریال در چهارصد سهم پنجاه‌هزارریالی (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۸، ص ۲)؛ سهام شرکت سهامی برنج به میزان ده میلیون ریال در ده‌هزار سهم یک‌هزارریالی (ساکما، ۲۴۰/۲۰۸۳۷، ص ۱)؛ سهام شرکت سهامی مرکزی به میزان شصت میلیون ریال در شصت‌هزار سهم یک‌هزارریالی (ساکما،

۹۳۴۹۸/۲۴۰، ص ۱)؛ سهام شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست به میزان چهل میلیون ریال در چهل هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۹۶۵۴۳/۲۴۰، ص ۲)؛ سهام شرکت سهامی قند و شکر و کبریت به میزان سی میلیون ریال در سی هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۸۶۷۶۰/۲۴۰، ص ۱)؛ و سهام شرکت سهامی توتون به میزان سی میلیون ریال در سی هزار سهم یک هزار ریالی (ساکما، ۱۶۵۳۸/۲۴۰، ص ۲).

یکی از اهداف تصویب قانون انحصار تجارت خارجی کسب درآمدهای ارزی بیشتر از طریق صادرات کالاهای ایران به بازارهای جهانی بود؛ ولی کیفیت بد محصولات صادراتی که عمدتاً مواد اولیه کشاورزی و دامی بودند مانع از تحقق این هدف شد.

تا پیش از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن صدور کالا و محصولات تجاری بی کیفیت با اکتفا به حداقل سود از جانب تجار ایرانی یکی از مشکلات بزرگ اقتصاد تجاری ایران بود؛ موضوعی که در نشریات آن زمان هم از آن انتقاد می شد. مجله راهنمای تجاری ایران عصر حدید از کیفیت بد صادرات خشکبار و پنبه، (شماره سوم، فروردین ۱۳۰۷، صص ۱۶-۱۸)؛ روزنامه شفق سرخ از کیفیت بد صادرات میوه و خشکبار (شماره ۱۰۱۷، یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷، ص ۱) و مجله اطاق تجارت از وجود شن، سنگ، خاک و معایب در صادرات محصولات ایرانی که سبب کاهش فوق العاده قدر و قیمت آنها شده بود (سال اول، شماره اول، آبان ۱۳۰۸، ص ۲۵) انتقاد کردند.

در چنین وضعیتی برای حکومت پهلوی تهیه کالاهای مرغوب صادراتی بر اساس ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی موضوعی ضروری بود. در راستای احساس چنین ضرورتی بود که مجله اطاق تجارت با استناد به ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی در مقاله‌ای با عنوان «شرکت صادرات ایران» با گزارش وضعیت بد کیفیت محصولات صادراتی ایران و نقش تجار ایرانی در آن، بر لزوم تأسیس شرکت‌های سهامی صادراتی با هدف نظارت دولت بر عملکرد این شرکت‌ها برای بهبود کیفیت صادرات محصولات ایرانی تأکید کرد (مجله اطاق تجارت، سال سوم، شماره ۳۶-۳۷، ۱۵ دوم فروردین ماه - اول اردیبهشت ۱۳۱۱، صص ۱۰-۱۳).

بر پایه چنین الزام و ضرورت‌هایی و با توجه به محدودیت‌های حکومت، وظیفه صدور کالاهای با کیفیت ایرانی به شرکت‌های سهامی انحصاری صادرات کالاهای ایرانی واگذار شد. این شرکت‌ها موظف بودند که هر کدام به صورت تخصصی کالایی خاص را صادر کنند. برای نمونه در بخشنامه و آگاداری حق انحصاری صادرات کتیرا به شرکت سهامی صادرات کل کتیرای ایران بر لزوم مراقبت این شرکت از حسن صادرات و باربندی کتیرا تأکید شده بود (ساکما، ۸۲۴۹۵/۲۴۰، ص ۳۷). هم چنین شرکت سهامی خشکبار ایران به عنوان صادرکننده انحصاری این



کالا (ساکما، ۲۹۱/۲۱۶۷، ص ۷) و شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست نیز به عنوان صادرکننده انحصاری پنبه (ساکما، ۲۴۰/۲۱۶۱۹، ص ۶) موظف شدند تا برای کسب درآمدهای ارزی بیشتر کالاهای باکیفیت صادر کنند.

برپایه چنین الزامها و محدودیت‌هایی، پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن، حکومت ناچار شد شرکت‌های سهامی تخصصی صادرات و واردات کالا تأسیس کند و حق انحصاری صادرات و واردات کالا را به این شرکت‌های سهامی واگذار کند. واگذاری حق انحصاری صادرات و واردات کالا به این شرکت‌ها برپایه اساس نامه‌ای انجام می‌شد که برای هر شرکت سهامی تدوین می‌شد. اساس نامه تمام شرکت‌های سهامی شامل پنج فصل بود: فصل اول درباره اسم، موضوع، و مرکز اصلی شرکت؛ فصل دوم درباره سرمایه شرکت؛ فصل سوم درباره تشکیلات شرکت که مشتمل بود بر الف: مجمع عمومی، ب: هیئت مدیره و ج: هیئت تفتیش؛ فصل چهارم درباره محاسبات سالیانه و منافع شرکت؛ و فصل پنجم درباره انحلال و تصفیه حساب شرکت.

اساس نامه شرکت‌های سهامی برپایه همین فصول کلی پنج‌گانه تدوین شد و براساس آن خریدوفروش و صادرات و واردات کالاهای انحصاری به شرکت‌های سهامی واگذار شد. براین اساس، این حقوق به این شرکت‌ها واگذار شد: حق خریدوفروش قند، شکر و کبریت به شرکت سهامی قند، شکر و کبریت (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۰، ص ۱)؛ حق خرید تریاک داخلی و صادرات آن به شرکت سهامی انحصاری تریاک (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۸، ص ۲)؛ حق خرید، فروش و صدور پنبه، پشم و پوست به شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست (ساکما، ۲۴۰/۹۶۵۴۳، ص ۱)؛ حق انحصار صادرات کنف به شرکت سهامی پنبه و پشم و پوست (ساکما، ۲۴۰/۱۳۷۷، ص ۹)؛ حق خریدوفروش و صدور انحصاری برنج به شرکت سهامی برنج (ساکما، ۲۴۰/۲۰۸۳۷، ص ۱)؛ حق صدور انحصاری کتیرا به شرکت سهامی صادرات کل کتیرای ایران (ساکما، ۲۴۰/۹۳۴۹۸، ص ۸۶)؛ حق ترویج کشت و حق خریدوفروش توتون در بازارهای داخلی و خارجی به شرکت سهامی توتون (ساکما، ۲۴۰/۱۶۵۳۸، ص ۵)؛ حق خریدوفروش و صدور فرش به شرکت سهامی فرش (ساکما، ۲۴۰/۱۶۵۳۴، ص ۲)؛ حق خرید و صدور آغوزه به شرکت سهامی آغوزه (ساکما، ۲۴۰/۲۹۸/۲۴۴۸، ص ۱۲)؛ حق انحصاری خرید و صادرات روناس به شرکت سهامی آغوزه (ساکما، ۲۴۰/۳۲۱۱۹، ص ۱)؛ حق انحصاری خریدوفروش و صدور خشکبار به شرکت سهامی صادرات خشکبار ایران (ساکما، ۲۹۳/۳۱۶۰۲، ص ۳)؛ حق انحصاری خریدوفروش نوغان به شرکت سهامی نوغان ایران (ساکما، ۲۴۰/۹۵۸۳۱، ص ۱)؛ حق انحصاری واردات اتومبیل، لاستیک و لوازم‌یدکی آن به شرکت سهامی مرکزی (ساکما، ۲۴۰/۷۰۳۳۲، ص ۴)؛ حق انحصاری واردات و خریدوفروش قماش پنبه‌ای به شرکت سهامی

قماش (ساکما، ۲۴۰/۸۶۷۶۱، ص ۱)؛ حق انحصاری صادرات زعفران به شرکت سهامی کالای ایران (ساکما، ۲۴۰/۱۳۶۲، ص ۲)؛ حق انحصاری خرید، تعیین قیمت و فروش گندم به شرکت سهامی تثبیت نرخ غله (ساکما، ۲۴۰/۴۵۵۰۹، ص ۱)؛ و حق انحصار صادرات پوست‌های نرم به شرکت سهامی صادرات کل پوست‌های نرم (ساکما، ۲۴۰/۹۰۵۶۳، ص ۲).

واگذاری حق انحصاری و تخصصی صادرات و واردات کالا به شرکت‌های سهامی گامی مهم در به‌حاشیه‌راندن هرچه بیشتر اتاق‌های تجارت در عصر پهلوی اول بود. حکومت پهلوی اگرچه از دی ۱۳۰۴ به‌دنبال تأسیس اتاق‌های تجارت در شهرهای ایران بود، ولی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور نقشی محدود برای آن در نظر گرفته بود. تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در حوزه اقتصاد تجاری ایران بر عهده اداره کل تجارت بود و به اتاق‌های تجارت نقش مشورتی داده شده بود. انتصاب یک‌سوم تجار عضو اتاق‌های تجارت هر شهر توسط حکومت، و الزام حضور نماینده اداره کل تجارت در جلسات اتاق تجارت شهرها (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷) از جمله عوامل مؤثر بر ایفای نقش محدود اتاق‌های تجارت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور بود. ادامه این نقش محدود با تأسیس شرکت‌های سهامی محدودتر هم شد. در پی این وضعیت بود که حکومت در خرداد ۱۳۱۴ اتاق‌های تجارت شهرهای کشور را منحل کرد و تنها به اتاق‌های تجارت در ۱۶ منطقه تجاری کشور اجازه فعالیت داد (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹).

واگذاری حق انحصاری و تخصصی صادرات و واردات کالا به شرکت‌های سهامی، اتاق‌های تجارت را در اقتصاد تجاری ایران بیشتر به حاشیه راند؛ ولی این واگذاری به‌منزله واگذاری اختیار نامحدود به شرکت‌های سهامی نبود تا بتواند کالاهای تخصصی صادراتی و وارداتی را براساس میزان تمایلات تجاری خود به کشوری صادر و یا از کشوری وارد کنند. محدودیت‌هایی که براساس مواد دوم و سیزدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی به‌وجود آمده بود، شرکت‌های سهامی را در انتخاب میزان واردات و صادرات کالاها و مقصد صادرات و مبدأ واردات کالاها محدود می‌کرد. براساس ماده دوم، واردکنندگان محصولات طبیعی و صنعتی به صادرات محصولات طبیعی و صنعتی از ایران ملزم بودند. براساس ماده سیزدهم، صادرکنندگان به سپردن تعهدی مبنی بر فروش اسعار خارجی حاصل از صادرات به دولت طی مدت هشت ماه ملزم شدند. برپایه چنین الزاماتی نقش حکومت در تعیین میزان صادرات و واردات و مهم‌تر از آن مقصد کالاهای صادراتی و مبدأ کالاهای وارداتی پررنگ شد. این نقش‌آفرینی زمینه‌سومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی یعنی گرایش حکومت ایران به مبادلات تجاری پایاپای با طرف‌های تجاری خارجی را فراهم کرد.



۳. گرایش به مبادلات تجاری پایاپای

گرایش حکومت ایران به مبادلات تجاری پایاپای از نتایج مهم تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن بود. همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد حکومت پهلوی با تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی، علاوه بر نقش آفرینی در تعیین میزان صادرات، در تعیین مقصد کالاهای صادراتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا کرد. در نتیجه این نقش آفرینی زمینه‌های برقراری روابط تجاری پایاپای میان ایران و آلمان نازی از سال ۱۳۱۳ فراهم شد. پس از روی کار آمدن رژیم نازی در آلمان تأمین مواد اولیه به مهم‌ترین اولویت در سیاست اقتصادی این رژیم تبدیل شد (Craig, 1981, p606). حکومت نازی براساس همین اولویت درصدد برقراری مبادلات تجاری پایاپای برپایه پیشنهاد دکتر شاخساز وزیر اقتصاد این کشور برآمد (pulzer, 1997, p145). این موضوع موجب شد تا ایران به‌عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه مورد توجه سران رژیم نازی قرار گیرد. در سوی دیگر، ایران هم در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ با کاهش درآمد و مشکلات ارزی مواجه شده بود که نتیجه مستقیم آن کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته‌شده مصرفی بود. براساس این نیازهای متقابل نخستین گام برای برقراری مناسبات اقتصادی از سوی آلمان توسط آلفرد روزنبرگ،^۱ رئیس دفتر امور سیاست خارجی حزب نازی برداشته شد و دفتر او با همکاری چند شرکت آلمانی به اقداماتی برای گسترش روابط تجاری با ایران دست زد (پیرا، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹).

در پی این اقدام، حکومت ایران هیئتی را در مرداد ۱۳۱۴ به برلین اعزام کرد. هیئت ایرانی پس از چند ماه مذاکره با هیئت مذاکره‌کننده آلمانی که اعضای اصلی آن را دکتر شاخساز وزیر اقتصاد و دکتر ولتات مدیرکل وزارت اقتصاد ملی تشکیل می‌دادند (ساکما، ۱۹۱۸۳/۲۴۰۰، ص ۹۱) قرارداد تسویه محاسبات تجاری ایران و آلمان را در آبان ۱۳۱۴ در بیست ماده امضاء کرد. براساس ماده دوم این قرارداد مقرر شد تا پرداخت‌های تجاری میان دو کشور یا از طریق تهاتری بین صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران و یا از راه حساب‌های تهاتری خصوصی تسویه شود (ساکما، ۲۴۰۰/۲۰۶۸۷، ص ۱۱۴).

پس از انعقاد این قرارداد حضور هیئت ایرانی در آلمان برای توسعه و تحکیم روابط تجاری با این کشور نه ماه دیگر ادامه پیدا کرد (مسعود انصاری، ۱۳۵۱، ص ۳۲۱). انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در بهمن ۱۳۱۴ نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیئت بود. ماده اول این پروتکل اجازه می‌داد تا اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و براساس ماده دوم پروتکل، دولت آلمان به صورت نامحدود اجازه می‌داد تا اجناس ایرانی به آلمان وارد شود (ساکما، ۲۴۰۰/۱۲۰۲۳، صص ۵-۶).

1. Alfred Rosenberg. قرارداد تسویه محاسبات تجاری ایران و آلمان که زمینه‌ساز ایجاد مبادله پایاپای میان دو



کشور شده بود، به الگویی در تجارت با کشورهای و کمپانی‌های خارجی تبدیل شد. پروتکل‌های محرمانه تجاری میان ایران و آلمان براساس الگوی سال ۱۳۱۴ در سال‌های ۱۳۱۷ (ساکما، ۲۴۰۰۱۲۰۲۲، صص ۶-۹) و ۱۳۱۸ (ساکما، ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، صص ۵-۱۰) تمدید شد. برپایه همین الگو با فلسطین در سال ۱۳۱۵، (ساکما، ۲۴۰/۱۴۱۸۳، صص ۱-۱۸) با سوئیس در سال ۱۳۱۶ (ساکما، ۲۴۰/۳۲۲۹۴، صص ۱-۶) و با ایتالیا در سال ۱۳۱۹ (ساکما، ۲۴۰/۳۸۰۹۶، صص ۱-۲۶) قراردادهای تجاری پایاپای منعقد شد. هم‌چنین در فروردین ۱۳۱۹ قرارداد تجاری پایاپای میان ایران و شوروی با عنوان «قرارداد بازرگانی و بحریمایی ایران و شوروی» منعقد شد که براساس بندهای اول و سوم ماده نهم این قرارداد مقرر شد دو کشور براساس سهمیه‌ای که در اول هر سال مقرر می‌کنند به مبادله کالا با یکدیگر بپردازند (ساکما، ۲۴۰/۸۲۹۹، صص ۶). در بند سوم ماده نهم هم مقرر شده بود تا میزان واردات و صادرات دو کشور به یکدیگر براساس واحد پولی ریال، در یک سال تجاری به‌میزان مساوی باشد (ساکما، ۲۴۰/۸۲۹۹، صص ۷).

علاوه بر کشورهای طرف تجاری ایران، مبادله تجاری با کمپانی‌های خارجی نیز براساس مبادله پایاپای انجام می‌شد. یکی از این قراردادهای تجاری پایاپای در فروردین ۱۳۱۵ میان وزارت مالیه ایران و کنسرسیوم شرکت‌های آلمانی به رهبری شرکت فروشتال به ارزش هشتاد میلیون مارک امضاء شد (ساکما، ۲۴۰۰۱۵۵۸۰، صص ۱۰). براساس این قرارداد شرکت فروشتال که رهبری کنسرسیوم را برعهده داشت به تحویل و نصب چند کارخانه از قبیل کارخانه نساجی، بافندگی، سیمان، برنج‌پاک‌کنی، کفش‌سازی و... به ایران متعهد شد. در مقابل دولت ایران هم متعهد شد برای پرداخت بهای این کارخانه‌ها که هشتاد میلیون مارک بود، در هفت قسط طی سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳، کالاهای ایرانی مانند پنبه، برنج، توتون سیگار، غلات [روغنی] و میوه‌جات روغنی به کنسرسیوم شرکت‌های آلمانی تحویل دهد (ساکما، ۲۴۰۰۱۲۰۳۵، صص ۲-۸).

در کنار معاملاتی که از طریق کنسرسیوم انجام می‌شد، شرکت‌های آلمانی نیز هر یک به‌صورت جداگانه و خارج از چارچوب مبادلات کنسرسیوم درصد مبادله تجاری پایاپای با ایران برآمدند. برای نمونه در شهریور ۱۳۱۶ شرکت آلمانی اشکودا طی قراردادی جداگانه با وزارت جنگ ایران پیشنهاد مبادله کارخانه برنج با کتیرای ایران را مطرح کرد (ساکما، ۲۴۰۰۲۰۸۸۷، صص ۱). در قراردادی میان دو طرف مقرر شد تا شرکت اشکودا درازای صدور کارخانه برنج‌پاک‌کنی به ایران ۲۰۴۰ کیلو کتیرا از طریق گمرک بوشهر و ۱۵۹ تخته‌قالی از گمرک تبریز به آلمان روانه کند (ساکما، ۲۴۰۰۰۷۵۹، صص ۴۵-۵۶).

علاوه بر کمپانی‌های آلمان، کمپانی‌های تجاری برخی کشورهای دیگر هم به دلیل تمایل ایران به مبادله تجاری پایاپای ناچار شدند چنین شکلی از مبادله تجاری را با ایران پیش گیرند.

۱. منظور از غلات در این‌جا دانه است. غلات و میوه‌جات روغنی: انواع دانه‌های روغنی و میوه‌های روغنی. امروزه بیشتر اصطلاح دانه‌های روغنی مرسوم است. ولی از اصطلاح غلات روغنی هم استفاده می‌شود.

2. Skoda.



در سال ۱۳۱۵ یک شرکت تجاری ترکیه با نام شوشتر تقاضای خود را برای مبادلهٔ فرش ایران با کالاهای سوئیسی به وزارت اقتصاد و دارائی ارائه کرد (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۱). در آذر ۱۳۱۹ قراردادی میان اداره کل معاملات خارجی وزارت دارایی با کمپانی میتسوئی بوسان ژاپن منعقد شد که براساس آن مقرر شد تا وزارت دارایی درازای دریافت ۵۴۱۶ صندوق کبریت ژاپنی به ارزش ۴۳۳۲۵ دلار، کتیرا از جانب شرکت سهامی صادرات کل کتیرا به این شرکت پرداخت کند (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۳). در شهریور ۱۳۲۰ شرکت تاشان آمریکا تقاضای خود را برای مبادلهٔ کالاهای مورد نیاز ایران با کالاهای صادراتی ایرانی مانند رودهٔ گوسفند، پوست‌های نرم، پسته، مغز گردو و بادام، کتیرا و فرش‌های دست‌بافت به اداره کل معاملات خارجی وزارت اقتصاد و دارایی ارائه کرد (ساکما، ۱۳۷۹/۲۴۰، ص ۴).

انعقاد چنین قراردادهایی نشانهٔ تمایل ایران به مبادلهٔ تجاری پایاپای بود. چنین تمایلی نتیجهٔ برقراری روابط تجاری پایاپای با آلمان نازی در پی الزام‌هایی بود که با تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن ایجاد شده بود. در چنین وضعیتی آلمان و کمپانی‌های تجاری آن - به‌عنوان تنها کشور متمایل به مبادلهٔ همه‌جانبهٔ تجاری پایاپای - به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شدند. مبادلهٔ تجاری پایاپای با آلمان اگرچه از سال ۱۳۱۴ اولویت نخست سیاست‌گذاران اقتصادی ایران در عرصهٔ تجارت خارجی بود، ولی شروع جنگ جهانی دوم چالشی بزرگ در تداوم این سیاست ایجاد کرد. این چالش ناشی از قطع روابط تجاری میان آلمان و ایران به علت محاصرهٔ دریایی آلمان توسط انگلیس بود.

نگرانی از قطع ارتباط با آلمان باتوجه به نیاز شدید اقتصادی ایران به این کشور، از ابتدای وقوع جنگ وجود داشت. وزیر اقتصاد در یکی از جلسات هیئت دولت در مهر ۱۳۱۸ دربارهٔ این نگرانی گزارشی ارائه داد. او پیشنهاد داد تا برای رفع مشکلات احتمالی پیش‌رو، کشورهای ایتالیا، آمریکا، و ژاپن به‌عنوان شریک اقتصادی و طرف اول مبادلات تجاری و صنعتی ایران جایگزین آلمان شوند (الهی، ۱۳۶۷، ص ۷۱). چنین پیشنهادی به دلیل نیاز و اجبار ایران به مبادلات تجاری پایاپای تا زمان حملهٔ آلمان به شوروی به صورت جدی پیگیری نشد. همین موضوع اصلی‌ترین عامل شکست تلاش‌های ایران برای برقراری روابط تجاری با انگلستان (سپهر، ۲۵۳۵، ص ۳۶) و ایالات متحدهٔ آمریکا (آوری، بی تا، ص ۱۷۸) پس از آغاز جنگ جهانی دوم بود.

الزام به ادامهٔ روابط تجاری پایاپای، تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ادامه پیدا کرد؛ ولی این وضعیت پس از اشغال ایران تغییر کرد. اقتصاد تجاری ایران پس از اشغال کشور به دست نیروهای متفقین، مرحله‌ای جدید را آغاز کرد. این مرحلهٔ جدید اقتصاد تجاری ایران با وضعیت اقتصاد تجاری کشور در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ - که مناسبات حاکم بر آن از پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود - تفاوت اساسی داشت.

1. Mitsui Busan

2. Tatian



نتیجه

بازدهی کم اقتصاد تجاری ایران و کسری موازنه تجاری ناشی از آن در آستانه به قدرت رسیدن رضاخان موجب شد تا سامان‌دهی اقتصاد تجاری به یکی از سیاست‌های اقتصادی حکومت پس از به قدرت رسیدن رضاشاه تبدیل شود. این سیاست به ایجاد برخی نهادها مانند اتاق تجارت و فراهم شدن بسترهای قانونی توسعه تجارت مانند تصویب قانون علامات تجاری، قانون تجارت و تصویب قانون تعرفه‌های گمرکی و حذف کاپیتولاسیون تا سال ۱۳۰۷ انجامید، ولی سبب رفع کسری موازنه تجاری نشد.

در چنین وضعیتی بود که پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ گریبان‌گیر اقتصاد تجاری ایران شد و کاهش درآمد و کسری موازنه تشدید شد. حکومت پهلوی برای مقابله با پیامدهای این بحران، قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن را در اسفند ۱۳۰۹ تصویب کرد. تصویب این قانون که با هدف مقابله با پیامدهای بحران ۱۹۲۹ و کسب درآمدهای ارزی بیشتر از تجارت خارجی انجام شد، پیامدهایی مهم در بخش اقتصاد تجاری ایران داشت. پیامد اصلی تصویب قانون انحصار تجارت خارجی افزایش مداخله و تصدی‌گری حکومت در اقتصاد تجاری ایران بود. این مداخله و تصدی‌گری بیش از هر چیز متأثر از مواد دوم، سوم، یازدهم و سیزدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی بود.

براین اساس از سال ۱۳۱۰ حکومت پهلوی اول تلاش‌های خود را در راستای تحقق اهداف قانون انحصار تجارت خارجی از جمله نقش تصدی‌گرانه دولت در اقتصاد تجاری آغاز کرد. تلاش برای تحقق این موضوع، به مدت یک دهه پیامدهای سه‌گانه مهمی در اقتصاد تجاری ایران داشت. افزایش تعداد انحصارهای دولتی از ۴ انحصار در حوزه اقتصاد تجاری طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ به ۳۰ انحصار طی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰، اولین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود.

تحقق عملی حق انحصاری واردات و صادرات کالا در حوزه اقتصاد تجاری با دو اشکال جدی مواجه بود. مشکل اول ناشی از کمبود سرمایه برای خرید کالاهای وارداتی و صادراتی بود و مشکل دوم نانوایی در صدور محصولات باکیفیت بود که در ماده یازدهم متمم قانون انحصار تجارت خارجی هم بر رفع آن تأکید شده بود. در راستای رفع چنین مشکلاتی حکومت به تأسیس شرکت‌های سهامی صادرات و واردات کالا و فروش سهام این شرکت‌ها به صاحبان سرمایه‌های مالی دست زد. در چنین وضعیتی شرکت‌های سهامی که وزارت مالیه طبق اساس‌نامه‌های واحد مسئول تأسیس آن‌ها بود، به‌عنوان دومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و متمم آن در اقتصاد تجاری ایران سر برآوردند.

تشکیل شرکت‌های سهامی به معنی استقلال این شرکت‌ها در صادرات و واردات کالاهای



انحصاری نبود. متمم قانون انحصار تجارت خارجی - به ویژه ماده دوم آن - واردات کالا به کشور را به شرط حتمی صادرات کالاهای ایرانی مساوی با ارزش کالاهای وارداتی منوط کرده بود. این قانون زمینه را برای مداخله و تعیین تکلیف جدی حکومت برای تعیین مقصد کالاهای صادراتی و مبدأ کالاهای وارداتی فراهم می کرد. متأثر از همین موضوع بود که ایران پس از انعقاد قرارداد تسویه محاسبات تجاری با آلمان نازی در سال ۱۳۱۴، روابط وسیع تجاری خود را با این کشور بر پایه مبادلات تجاری پایاپای برقرار کرد. در این روش، کالاهای ایرانی که بیشتر مواد اولیه کشاورزی و دامی بودند، به شکل پایاپای با کالاهای ساخته شده آلمانی مبادله می شدند. این شیوه مبادلاتی که سومین پیامد تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود تا شهریور ۱۳۲۰ شیوه اصلی مبادله تجاری ایران با کشورهای و کمپانی های تجاری خارجی شده بود. این وضعیت با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ دگرگون شد و وضعیتی جدید شروع شد.

بررسی وضعیت اقتصاد تجاری ایران در دوره اشغال کشور در جنگ جهانی دوم و هم چنین سرنوشت انحصارهای دولتی، شرکت های سهامی و قراردادهای مبادلات تجاری پایاپای ایران در دوران اشغال ایران، پیشنهاد نویسنده مقاله حاضر برای پژوهش های آتی است.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۰/۶۰۲۶؛ ۲۴۰/۵۲۶۸؛ ۲۴۰/۱۳۶۲؛ ۲۴۰/۱۳۶۱؛ ۲۴۰/۱۳۰۳؛ ۲۴۰/۳۶۲۱؛ ۲۴۰/۱۳۷۷؛ ۹۶/۲۹۸/۲۴۴۸
۲۴۰/۱۶۵۳۴؛ ۲۴۰/۱۵۲۷۸؛ ۲۴۰/۱۴۱۸۳؛ ۲۴۰/۱۳۷۹۰؛ ۲۴۰/۱۳۵۷۶؛ ۲۴۰/۹۴۶۶؛ ۲۴۰/۸۲۹۹؛ ۲۴۰/۶۴۸۳
۲۴۰/۱۸۴۴۰؛ ۲۴۰/۱۸۲۹۰؛ ۲۴۰/۱۷۴۷۳؛ ۲۴۰/۱۷۰۱۷؛ ۲۴۰/۱۶۹۸۷؛ ۲۴۰/۱۶۹۸۶؛ ۲۴۰/۱۶۵۳۸
۲۴۰/۴۴۰۵۲؛ ۲۴۰/۳۸۰۹۶؛ ۲۴۰/۳۲۲۹۴؛ ۲۴۰/۳۲۱۱۹؛ ۲۴۰/۲۲۹۷۴؛ ۲۴۰/۲۱۶۱۹؛ ۲۴۰/۲۰۸۳۷
۲۴۰/۷۸۱۶۶؛ ۲۴۰/۷۵۰۲۰؛ ۲۴۰/۷۰۳۳۲؛ ۲۴۰/۵۲۲۷۹؛ ۲۴۰/۴۹۲۶۹؛ ۲۴۰/۴۸۵۴۶؛ ۲۴۰/۴۵۵۰۹
۲۴۰/۹۳۴۹۸؛ ۲۴۰/۹۰۵۶۳؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۸؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۱؛ ۲۴۰/۸۶۷۶۰؛ ۲۴۰/۸۲۴۹۵؛ ۲۴۰/۸۱۸۰۶
۲۹۳/۳۱۶۰۲؛ ۲۹۱/۲۱۹۱؛ ۲۹۱/۲۱۶۷؛ ۲۹۱/۱۴۵۶؛ ۲۹۱/۶۰۰؛ ۲۹۰/۸۳۶۵؛ ۲۴۰/۹۶۵۴۳؛ ۲۴۰/۹۵۸۳۱
۲۴۰۰۱۲۰۲۲؛ ۲۴۰۰۱۰۱۵۵؛ ۲۴۰۰۰۵۳۹۳؛ ۲۴۰۰۰۳۶۱۴؛ ۲۴۰۰۰۰۷۵۹؛ ۲۹۱۰۰۲۰۳؛ ۲۹۳/۷۳۸۶۱
۲۴۰۰۲۲۱۴۸؛ ۲۴۰۰۲۰۸۸۷؛ ۲۴۰۰۲۰۶۸۷؛ ۲۴۰۰۱۹۱۸۳؛ ۲۴۰۰۱۵۵۸۰؛ ۲۴۰۰۱۲۰۳۵؛ ۲۴۰۰۱۲۰۲۳

کتاب

آوری، پیترو. (بی تا). *تاریخ معاصر ایران*. (ج ۲). (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: مطبوعاتی الهی، همایون. (۱۳۶۷). *امپریالیسم و عقب ماندگی*. تهران: شرکت آموزشی، فرهنگی و انتشاراتی اندیشه.



- اورس، تیلمان. (۱۳۶۲). *ماهیت دولت در جهان سوم*. (بهر روز توانمند، مترجم). تهران: مؤسسه آگه.
- باربر، جیمز؛ اسمیت، مایکل. (۱۳۷۲). *ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها*. (حسین سیف‌زاده، مترجم). تهران: قومس.
- پیرا، فاطمه. (۱۳۷۹). *روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تاپیتون، فرانک؛ آلد ریچ، رابرت. (۱۳۷۵). *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا جلد اول: ۱۸۹۰-۱۹۳۹*. (کریم پیرحیاتی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۹۲). *از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رونون، پیر. (۲۵۳۷). *تاریخ روابط بین‌الملل: بحران‌های قرن بیستم*. (ج ۲). (احمد میرفندرسکی، مترجم). تهران: دانشگاه ملی.
- سپهر، احمدعلی. (۲۵۳۵). *ایران در جنگ دوم جهانی*. تهران: دانشگاه ملی.
- ضیائی، منوچهر. (۱۳۷۱). *مجموعه مصوبات دولت در زمینه مسائل پولی و بانکی و سایر مصوبات مربوط از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۷۰*. (ج ۱): از سال ۱۲۹۱ تا سال ۱۳۵۷. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: نشر گستره.
- کلاف، شپرد؛ مودی، توماس؛ مودی، کارل. (۱۳۶۸). *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*. (محمدحسین وقار، مترجم). تهران: نشر گستره.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). *اسنادی از ارزش و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱ هـ ش)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ هجری شمسی*. (۱۳۸۸). (ج ۱). تهران: قوه قضائیه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مسعود انصاری، عبدالحسین. (۱۳۵۱). *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران*. (ج ۲): نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان. تهران: ابن سینا.

منابع دیجیتال

لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه صد و چهل و هفتم، یکشنبه نهم حمل ۱۳۰۴.

نشریات

روزنامه *اطلاعات*: سال پنجم، شماره ۱۱۴۴، (شنبه ۲ مهر ۱۳۰۹)؛ سال پنجم، شماره ۱۲۶۷، (۴شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۹)؛ سال ششم، شماره ۱۴۹۲، (۳شنبه ۲۴ آذر ۱۳۱۰).



- روزنامه شفق سرخ: شماره ۱۰۱۷، (یکشنبه ۷ مرداد ۱۳۰۷).
- مجله اطاق تجارت: سال اول، شماره اول، (۵ آبان ۱۳۰۸)؛ سال سوم، شماره ۳۴ و ۳۵، (۱۵ اسفند ۱۳۱۰ و اول فروردین ۱۳۱۱)؛ سال سوم، شماره ۳۶-۳۷، (۱۵ دوم فروردین ماه و اول اردیبهشت ۱۳۱۱)؛ سال چهارم، شماره ۵۲، (۱۵ آذر ۱۳۱۱).
- مجله تجارت: دوره سوم، شماره ۲۹، (اسفند ۱۳۱۰).
- مجله راهنمای تجارتهای ایران عصر جدید: شماره سوم، (۳ فروردین ۱۳۰۷).
- مجله مهر: سال اول، شماره ۶، (آبان ۱۳۱۲).

منابع لاتین

- Craig, Gordon A. (1981). *Germany 1866-1945*. New York: Oxford university Press Inc.
- Lee, C. H. (Oct 1969). "The Effect of the Depression on Primary Producing countries". *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp 139-155.
- Pulzer, Peter. (1997). *Germany, 1870-1945: politics, state formation, and war*. New York: Oxford.
- Raupach, Hans. (Oct 1969). "The Impact of the Great Depression on The Eastern Europe". *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp 75-86.
- Vernon, J. R. (1994). "World War II Fiscal Policies and the End of the Great Depression". *The Journal of Economic History*, 54(4), pp 850-868.

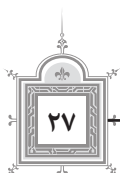
English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)

Books

- Avery, Peter. (n. d.). "*Tārīx-e mo'āser-e Irān*" (The contemporary history of Iran) (vol.2). Translated by Mohammad Rafiei Mehrabadi. Tehran: Matbu'āti. [Persian]
- Barber, James & Smith, Michael. (1372/1993). "*Māhiat-e siāsat-gozāri-ye xāreji dar donyāye vābastegi-ye moteqābel-e kešvar-hā*" (The nature of foreign policy in the



- world of interdependence of countries). Translated by HoseinSeifzadeh. Tehran: Qumes.[Persian]
- Clough, Shepard; Moodie, Thomas&Moodie, Carol. (1368/1989). *“Tārix-e eqtesādi-ye Orupā dar qarn-e bistom”* (The economic history of Europe in the twentieth Century). Translated by Mohammad Hosein Qajar. Tehran: Našr-e Gostareh.[Persian]
- Craig, Gordon A. (1981). *Germany 1866-1945*. New York: Oxford University Press Inc.
- Elahi, Homayoun. (1367/1998). *“Amperyālism va aqab-māndegi”* (Imperialism and mustiness). Tehran: Šerkat-e Āmuzeši, FarhangivaEntešārāti-ye Andiše (Andisheh Educational & Cultural Publications).[Persian]
- Evers, Tilman. (1362/1983). *“Māhiat-e dowlat dar jahān-e sevvom”* (Bürgerliche Herrschaft in der Dritten Welt) [Civil rule in the third world]. Translated by Behrouz Tavanmand. Tehran: Mo’assese-ye Āgah.[Persian]
- GolMohammadi, Ahmad. (1380/2001). *“Asnādi az arz va enhesār-e tejārat-e xāreji dar dowre-ye Rezāšāh (1305-1311)”* (Documents on foreign exchange and monopoly of foreign trade during Reza shah Reign (1930-1935)). Tehran: Vezārat-e FarhangvaEršād-e Eslāmi (The Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]
- Issawi, Charles. (1369/1990). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān”* (The economic history of Iran). Translated by YaghoubAjand. Tehran: Našr-e Gostareh.[Persian]
- “Majmu’è qavānin va moqarrarāt-e sāl-hā-ye 1300-1320”* (The collection of rules and regulations from 1921 to 1941) (vol. 1). (1388/2009). Tehran: Qovve-ye Qazā’iyeRuz-nāme-ye Rasmi-ye Jomhuri-ye Eslā mi-ye Irān (The judiciary, the official newspaper of Islamic Republic of Iran).[Persian]
- Masoud Ansari, Abdulhosein. (1351/1972). *“Zandegāni-ye man va nagāhi be tārix-e siāsi-ye Irān (jeld-e 2): Negāhi be tārix-e siāsi-ye Irān va jahān”* (My life and a glance at the political history of Iran (vol. 2): A glance at the political history of Iran and the world). Tehran: Ebn-e Sinā.[Persian]
- Pira, Fatemeh. (1379/2000). *“Ravābet-e siāsi-eqtesādi-ye Irān va Ālmān bein-e do jang-e jahāni”* (Political and economic relations between Iran and Germany be-



- tween the two world wars). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Document center of Islamic Revolution).[Persian]
- Pulzer, Peter. (1997). *Germany, 1870-1945: Politics, state formation, and war*. New York: Oxford.
- Renouvin, Pierre. (2537/1958). “*Tārix-e ravābet-e bein al-melal: Bohrān-hā-ye qarn-e bistom*” (Historia de las relaciones internacionales: Las crisis del siglo xx) [The history of international relations: The crises of the 20th century] (vol. 2). Translated by Ahmad Mir Fendereski. Tehran: National University.[Persian]
- Sepehr, Ahmad Ali. (2535/1956). “*Irān dar jang-e dovom-e jahāni*” (Iran in the second world war). Tehran: National University.[Persian]
- Tipton, Frank & Aldrich, Robert. (1375/1996). “*Tārix-e eqtesādi va ejtemā’ei-ye Orupā: 1890-1939*” (An economic and social history of Europe from 1890 to 1939) (vol. 1). Translated by Karim PirHayati. Tehran: ‘ElmivaFarhangi.[Persian]
- TorabiFarsani, Soheila. (1392/2013). “*Az majles-e vokalā-ye tojjār tā otāq-e Irān*” (From the assembly of business lawyers to the chamber of Iran). Tehran: Ketābxāne, MuzevaMarkaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament).[Persian]
- Ziaei, Manouchehr. (1371/1992). “*Majmu’e mosavvabāt-e dowlat dar zamine-ye masā’el-e puli va bānki va sāyer-e mosavvabāt-e marbut az sāl-e 1291 tā 137 (jeld-e 1): Azsāl-e 1291 tāsāl-e 1357*” (The collection of government’s approvals regarding monetary and banking issues as well as other relevant approvals from 1912 to 1991 (vol. 1): from 1912 to 1978). Tehran: Mo’assese-ye Tahqiqāt-e Puli va Bānki (Monetary & Banking Research Institute).[Persian]

Articles

- Lee, C. H. (October, 1969). “The effect of the depression on primary producing countries”. *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp. 139-155.
- Raupach, Hans. (October, 1969). “The impact of the great depression on the Eastern Europe”. *Journal of Contemporary History*, 4(4), pp. 75-86.



Vernon, J. R. (1994). "World War II fiscal policies and the end of the great depression".
The *Journal of Economic History*, 54(4), pp. 850-868.

Digital Sources

"*Loh-e fešorde-ye mašruh-e mozākerāt-e majles-e šorā-ye melli, dowre-ye panjom, jalase-ye sad-o čehel-o haftom, yekšanbeh nohom-e haml 1304*" (The compact disk of the negotiations of the National Parliament, fifth round, one hundred forty seventh Meeting, Sunday, December 30th, 1925. [Persian]

Print Media

Ettelā'āt Newspaper [Persian]

Šafaq-e Sorx Newspaper [Persian]

Otāq-e Tejārat Magazine [Persian]

Tejārat Magazine [Persian]

Majalle-ye Rāhnamā-ye Tejāratī-ye Irān-e Asr-e Jadid (Commercial Guide to Iran of the New Era Magazine). [Persian]

Mehr Magazine [Persian]





Iran's 3rd Development Plan (1962-1968) and rural migrant employment

Mohammad-Javad Abdollahi¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: The strategy adopted by the 3rd Development Plan for providing employment for rural migrants and its failure are discussed in this article.

Method and Research Design: Data for this paper is gathered from archival records and library resources.

Findings and Conclusion: Following the land reform of 1963, massive migration from rural areas to the cities became the main mode of internal migration in Iran. Benefiting from continuous increase in oil revenues, the 3rd national development plan invested heavily in industrial projects in order to provide employment for rural migrants who moved to large cities following the land reform. However, the success of the strategy was limited because of two reasons: 1) capital-intensive industries were not labor-intensive; 2) rural migrants lacked the skills required by such industries.

Keywords:

development plan; Iran; internal migration; rural migrants; employment; industrialization.

1. PhD, History of Iran. University of Tehran, Tehran, I. R. Iran
mj.abddi@gmail.com
Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2339

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 32 -53 (22) | Received: 30, Nov. 2017 | Accepted: 6, Aug. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

راهبرد برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) برای اشتغال مهاجران از روستاها

محمد جواد عبدالمهدی^۱

چکیده:

هدف: راهبرد برنامه عمرانی سوم برای اشتغال مهاجران روستایی از طریق سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در شهرهای بزرگ معرفی و سبب ناکامی آن توضیح داده می‌شود.

روش / رویکرد پژوهش: روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از مدارک آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در پی اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، مهاجرت روستاییان به شهرها به شکل اصلی مهاجرت در ایران تبدیل شد. با افزایش درآمد دولت از محل فروش نفت در این سال‌ها، برنامه‌های عمرانی به اهرم اصلی دولت برای سامان‌دادن به اقتصاد کشور تبدیل شدند. برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) هم‌زمان با اجرای اصلاحات ارضی اجرا شد. راهبرد برنامه عمرانی سوم دولت (۱۳۴۱-۱۳۴۶)، ایجاد فرصت‌های شغلی برای اضافه‌جمعیت روستایی و جذب آن‌ها در اقتصاد شهری بود. قرار بود این کار با سرمایه‌گذاری صنعتی بیشتر در شهرها انجام شود؛ ولی در این برنامه پیش‌بینی نشده بود که قسمت اعظم نیروی فعال جویای کار کارگران ساده و فاقد مهارت لازم برای کار در بخش صنعتی‌اند. در نتیجه این صنایع سرمایه‌بر که اساساً هم به مواد خام خارجی متکی بودند، در ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب کارآمد نبودند.

روند تشکیل سرمایه ثابت در صنایع ایران طی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی نشان می‌دهد که راهبرد برنامه عمرانی سوم برای تأمین اشتغال مهاجران روستایی به تأسیس صنایع سرمایه‌بر در کشور انجامید. این صنایع ظرفیتی محدود در ایجاد اشتغال داشتند و نیازمند مهارت‌های تخصصی بودند که بیشتر مهاجران روستایی آن دوره فاقد آن بودند.

کلیدواژه‌ها:

مهاجرت داخلی؛ مهاجران روستایی؛ اشتغال؛ برنامه عمرانی سوم؛ سرمایه‌گذاری‌های صنعتی.

۱. دکترای تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران،
تهران، ایران
mj.abddi@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۳۹

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۳۲- ۵۳ (۲۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵

تحقیقات تاریخی

مقدمه

برنامه‌های عمرانی دولت هم‌زمان با اصلاحات ارضی موجب پدید آمدن امکانات شغلی جدید در شهرها و در نتیجه موج مهاجرت از روستاها به شهرها شد. پیش از اصلاحات ارضی میزان مهاجرت در ایران کم بود و این اندک مهاجرت هم از روستا به روستا بود (ساکما، ۳۲۷۲۲-۳۲۰؛ ۷۲۸۳۴-۲۴۰)؛ به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری مالکان در زمین‌های مجاور روستاها، مانع از مهاجرت جمعیت اضافی روستاها به شهرها می‌شد و آن‌ها را در بخش کشاورزی - که زندگی در آن مأنوس‌تر بود - نگه می‌داشت (طاهری، ۱۳۶۰، صص ۶۸-۷۸). بنابر برخی محاسبات، نیمی از جمعیت روستاها پیش از اصلاحات ارضی در مقایسه با سطح زیر کشت، اضافی بودند (اعتماد، ۱۳۶۳، ص ۷۷). این جمعیت اضافه در جریان مهاجرت‌های داخلی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی به امید یافتن کار راه شهرهای بزرگ را در پیش گرفتند (ساکما، ۲۲۷۷۳-۲۹۳؛ ۱۶۸۵۸-۲۲۰). علت مهاجرت از روستاها به شهرها دورنمای اقتصادی متفاوت ایران در این سال‌ها بود. دورنمای اقتصادی ایران در سال‌های آغازین دهه چهل شمسی، با افزایش تولید ناخالص داخلی و پیشی گرفتن بخش‌های صنعت و خدمات از بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، در قیاس با دهه‌های قبل متفاوت به نظر می‌رسید. ایران در این سال‌ها، مطابق با معیارهای بین‌المللی آن زمان، چنین می‌نمایاند که دست‌کم در مسیر کشورهای نیمه‌صنعتی قرار گرفته‌است (امین‌زاده، ۱۳۴۹، ص ۲۰). برنامه‌های عمرانی که «اهرم اصلی دولت» در سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی بودند، با در نظر داشتن چنین دورنمایی و با انجام اصلاحات ارضی، که تحرک جمعیتی روستاییان را ناگزیر می‌کرد، قصد داشتند تا اضافه‌جمعیت روستایی را برای احتیاج روزافزون اقتصاد شهری به نیروی کار تازه‌نفس به شهرها منتقل کنند. چنین پیش‌بینی شده بود که با سرمایه‌گذاری‌های مختلف در شهرها، بازار کار شهری گسترش داده شود و با ایجاد فرصت‌های متنوع شغلی، از بروز بیکاری آشکار در شهرها جلوگیری شود. بودجه برنامه‌های عمرانی تا آغاز دهه چهل عمدتاً صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و بین‌شهری می‌شد. پس از بهبود نسبی این زیرساخت‌ها، در مرحله بعد، یعنی پس از اصلاحات ارضی، عمدتاً بنا بود تا این بودجه صرف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شود؛ زیرا تا آغاز برنامه سوم در «شکاف عمیق بین درآمد شهرنشینان و روستاییان» و فقر گسترده حاکم بر کشور بهبودی حاصل نشده بود (هیئت مرکزی امور اقتصادی، ۱۳۴۰، صص ۳-۶). برنامه عمرانی سوم هم‌زمان با سال‌های نخست اصلاحات ارضی اجرا شد. در این برنامه ضمن اشاره به زیادی جمعیت «روستائین و فقیر» آمده بود که «لازمه پیشرفت کشور» در این است که با انجام سرمایه‌گذاری‌های صنعتی لازم و پدید آمدن «رشد سریع اقتصادی» و به وجود آمدن رشته‌های جدید و متنوع اقتصادی «گروه‌های بزرگی از جمعیت



روستایی «تدریجاً از مشاغل روستایی دست بکشند و به سوی سایر مشاغل روی بیاورند»؛ هم‌چنین این برنامه پیش‌بینی می‌کرد که «پیشرفت صنعتی کشور» باید آن‌چنان باشد که «به آسانی بتواند برای این دسته از کارگران شغل ایجاد کند» تا برنامه بتواند به هدف اصلی خود یعنی «بهبود مداوم سطح زندگی و برانداختن فقر» دست یابد (هیئت مرکزی امور اقتصادی، ۱۳۴۰، ص ۲۰). این راهبرد در برنامه‌های عمرانی بعدی تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت (ساکما، ۱۱۴۸۲-۲۲۰).

برپایه متن برنامه‌ عمرانی سوم، راهبرد اصلی برنامه‌های عمرانی دولت جذب اضافه‌جمعیت روستایی در اقتصاد شهری بود و این، با سرمایه‌گذاری‌های صنعتی گسترده در شهرها انجام می‌شد.

تحول در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به دلیل سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در برنامه سوم در برنامه‌های چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) و پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) نیز ادامه یافت.

پرسش پژوهش

بازار کار در دوره اجرای برنامه سوم چه ویژگی‌هایی داشت و بخش صنعت در جذب اضافه‌جمعیت روستایی چقدر موفق بود؟

مدعای پژوهش حاضر آن است که راهبرد برنامه‌ عمرانی سوم، مانع از تحقق هدف اصلی این برنامه (تأمین اشتغال مهاجران روستایی) شده است. میزان «سرمایه ثابت» به عنوان شاخص توسعه صنعت حدود فرصت‌های شغلی ایجاد شده را مشخص می‌کند. روند تشکیل سرمایه ثابت در صنایع کشور طی این دو دهه محدود بوده است. محققان همواره به پیامدهای مشخصاً سیاسی و البته اجتماعی این برنامه‌های عمرانی توجه داشته‌اند (آبراهامیان، ۱۳۸۴؛ لیلانز، ۱۳۹۲)، ولی مستقیماً به راهبرد این برنامه‌ها در توسعه کشور توجه نداشته‌اند. در نوشته حاضر کوشیده می‌شود تا نقش راهبرد برنامه‌ عمرانی سوم در تأمین اشتغال مهاجران روستایی بررسی شود.

بسط سرمایه‌داری دولتی

دولت در سده سیزدهم شمسی نقش چندانی در اقتصاد نداشت؛ ولی از دهه‌های آغازین سده چهاردهم شمسی، پیوسته بر نقشش در اقتصاد افزوده شد تا اینکه به تدریج، از سال‌های دهه ۱۳۳۰ به بعد، به اصلی‌ترین کارگزار اقتصادی ایران بدل شد.^۱ این نقش پررنگ دولت در اقتصاد، از ضعف تاریخی بورژوازی ایران برای گذار اقتصاد کشور به سرمایه‌داری ناشی می‌شد.^۲ این ضعف موجب شد تا دولت از آغاز سده چهاردهم، انجام

۱. طبق برآورد باری‌یر، بودجه دولت در سال ۱۳۲۹ معادل دو درصد تولید ناخالص ملی بوده است (باری‌یر، ۱۳۴۳، ص ۷).
۲. احمد اشرف در کتابی با عنوان «موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه» اختصاصاً به بحث در این باره پرداخته است. نک: اشرف، ۱۳۵۹.



بسیاری از امور لازم برای گذار اقتصاد کشور به سرمایه‌داری را به‌عهده گیرد (حسامیان، ۱۳۶۳، ص ۲۴).^۱ در ابتدا، انحصارات مالی دولتی، به‌ویژه انحصار پنبه، توتون، شکر، چای و تریاک، منبع اصلی دولت برای انجام این اقدامات بود. این درآمدها در فاصله سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۲۸، حدود ۳۰ درصد کل درآمدهای دولتی را تشکیل می‌داد (سوداگر، ۱۳۵۷، ۴۲). با شروع برنامه‌های عمرانی اول و دوم و به‌ویژه با افزایش سریع درآمد نفت در سال‌های دهه ۱۳۳۰، درآمد دولت از نفت جایگزین درآمدهای مالی از انحصارات شد و با این افزایش درآمد، هم نفت به اصلی‌ترین منبع تأمین نیازهای مالی برنامه‌های عمرانی تبدیل شد و هم نقش دولت در اقتصاد کشور افزایش یافت. درآمد ایران از صادرات نفت در سال ۱۳۱۷ شمسی/۱۹۳۸ میلادی ۱۷ میلیون دلار بود. این رقم در ۱۹۵۰/۱۳۲۹ به ۴۵ میلیون دلار رسید. درآمد نفتی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، جهشی چشمگیر پیدا کرد. این رقم در سال ۱۹۶۰/۱۳۳۹ به ۲۸۵ میلیون دلار، در ۱۹۷۰/۱۳۴۹ به ۱,۰۹۳ میلیون دلار و در سال ۱۹۷۷/۱۳۵۶ به ۲۰,۷۳۵ میلیون دلار افزایش یافت (هالیدی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۲). براین اساس، پس از سال ۱۳۳۲، صادرات نفت توانست بخش عمده هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات دولتی را تأمین کند (حسامیان، ۱۳۶۳، ص ۳۱)؛ بدین ترتیب که در برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۳)، نفت تنها ۳۷/۱ درصد از منابع مالی برنامه‌های عمرانی را تأمین می‌کرد، ولی این رقم در برنامه دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۰) به ۶۴/۵ درصد، در برنامه سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) به ۶۶ درصد، در برنامه چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) به ۶۶ درصد و -با افزایش ناگهانی قیمت نفت- در برنامه تجدیدنظرشده پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) به ۷۹/۸ درصد رسید. در واقع نسبت سهم نفت در تأمین منابع مالی برنامه‌های عمرانی از ۳۷/۱ درصد در برنامه اول به ۷۹/۸ درصد در برنامه پنجم رسید؛ یعنی بیش از دوبرابر شد (سوداگر، ۱۳۶۹، ص ۵۵۴).

سابقه تلاش برای تنظیم برنامه در جهت توسعه فعالیت‌های عمرانی کشور به سال ۱۳۱۶ بازمی‌گردد. در این سال، نهادی به نام «شورای عالی اقتصاد» پدید آمد تا متولی این موضوع باشد؛ ولی با حمله متفقین به خاک ایران، این طرح نیز هم‌چون بسیاری از طرح‌های دیگر متوقف شد. با این حال، بعد از شهریور ۲۰، بانک ملی با توجه به افزایش اندوخته طلا و ارز خارجی از محل فروش ریال به نیروهای متفقین، ابتکار عمل را در این باره به دست گرفت و پیشنهاد داد که اندوخته مزبور صرف توسعه اقتصادی کشور شود. از این رو دولت در سال ۱۳۲۵ هیئتی را به نام هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور تشکیل داد. این هیئت اولین نقشه عمرانی کشور را تهیه کرد. در ۱۳۲۷ هم اولین لایحه برنامه هفت‌ساله عمرانی کشور و تشکیل سازمان برنامه از تصویب مجلس گذشت؛ ولی با ملی شدن صنعت نفت و حوادث

۱. بسط سرمایه‌داری در ایران، از زوایای گوناگون بررسی شده است. برای نمونه نک: سوداگر، ۱۳۶۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ کارشناس، ۱۳۸۲.



متعاقب آن، این طرح متوقف شد. برنامه‌ عمرانی دوم در واقع اولین برنامه‌ای بود که به شکل کامل در کشور اجرا شد (هیئت مرکزی امور اقتصادی، ۱۳۴۰، صص ۱-۳). خلاصه این که با تصویب طرح تشکیل سازمان برنامه، تمام کارهای عمرانی اصلی کشور در آن سازمان تمرکز یافت و با تفکیک بودجه‌ عمرانی به تدریج بر حجم برنامه‌های عمرانی دولت افزوده شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به دلیل افزایش سریع درآمد نفت و اجرای برنامه‌های عمرانی، امکان مداخله و سلطه بیشتر دولت در کارهای اقتصادی فراهم شد. این مداخله به نحوی بود که در سال ۱۳۴۰ میزان سرمایه‌گذاری دولتی به ۲۵/۶ میلیارد ریال رسید؛ حجمی از سرمایه‌گذاری که حدود دو برابر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن زمان بود (سوداگر، ۱۳۵۷، صص ۲۴۳-۲۴۶). در چنین زمینه‌ای دولت توانست به تدریج در این سال‌ها نظارت بر بخش‌های مهم اقتصادی کشور را به دست بگیرد و پس از اصلاحات ارضی به اصلی‌ترین کارگزار اقتصادی ایران تبدیل شود.

تحول در بخش‌های اقتصادی: گسترش بخش صنعت و خدمات

با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در دو دهه چهل و پنجاه شمسی، تولید ناخالص داخلی کشور افزایشی فراوان یافت و از سهم کشاورزی در اقتصاد کشور کاسته شد و بر سهم بخش‌های صنعت و خدمات افزوده شد. براساس محاسبات حساب‌های ملی بانک مرکزی، رقم تولید ناخالص داخلی کشور در این دوره، با افزایش چشمگیر از ۶۶۵/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ به ۳۷۴۲/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید (اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۶۰، صص ۱۱۲-۱۱۳). سهم بخش کشاورزی نیز در تولید ناخالص داخلی از ۲۴/۳ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت؛ ولی سهم بخش‌های صنعت (بدون نفت) و خدمات از ۸/۱ و ۲۸/۷ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۵/۸ و ۴۴ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید (اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۶۰، صص ۱۱۴-۱۱۵). ارزش افزوده بخش صنعت به قیمت جاری از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۵۰ سالانه ۱۲/۴ درصد رشد داشت که یکی از بیشترین میزان‌های رشد در میان کشورهای جهان سوم بود (هانسن، ۱۳۵۴، ص ۲۰)؛ بنابراین طبیعی بود که نتیجه مستقیم این سرمایه‌گذاری‌ها در بازار کار، پدید آمدن تغییری چشمگیر در توزیع نیروی کار کشور در میان بخش‌های مختلف اقتصادی باشد.

با وجود افزایش جمعیت در این دوره، نخستین تغییری که براساس آمارهای رسمی از این دوره به چشم می‌آید، پایین آمدن «میزان فعالیت عمومی»^۱ در کشور است. تعداد نیروی فعال جامعه در این دوره افزایش یافته است؛ ولی درصد جمعیت فعال به نسبت کل جمعیت،

۱. میزان فعالیت عمومی شاخصی است که از تقسیم جمعیت فعال کشور بر کل جمعیت به دست می‌آید (نظری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹).



قدری کاهش یافته‌است. جمعیت فعال کشور از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۲۹/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید؛ این کاهش نسبی جمعیت فعال کشور به دلیل افزایش امکانات تحصیلی برای اقشار بیشتری از جمعیت بود (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۶۴، ص ۲۶). این کاهش نسبی جمعیت فعال کشور سبب افزایش «بار تکفل» شد. آمارها نشان می‌دهد که میزان تکفل از ۲/۲ در سال ۱۳۳۵ به ۲/۶ در سال ۱۳۴۵ و ۲/۸ در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته‌است.^۱

ولی مهم‌تر از این، دربارهٔ توزیع نیروی کار در میان بخش‌های اقتصادی باید گفت که تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی از ۳,۲۸۱,۱۲۵ نفر (۵۵/۵ درصد) در سال ۱۳۳۵ به ۳,۱۶۸,۵۱۵ نفر (۴۶/۲ درصد) در سال ۱۳۴۵ و ۲,۹۹۱,۸۶۹ نفر (۳۴ درصد) در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت. در مقابل در بخش صنعت، تعداد افراد شاغل از ۱,۱۹۶,۲۷۱ نفر (۲۰/۳ درصد) در سال ۱۳۳۵ به ۱,۸۵۶,۵۴۸ نفر (۲۷/۱ درصد) در سال ۱۳۴۵ و ۳,۰۱۲,۳۰۰ نفر (۳۴/۲ درصد) در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. در بخش خدمات نیز تعداد شاغلان با افزایش همراه بود. در این بخش تعداد شاغلان از ۱,۲۱۵,۸۶۹ نفر (۲۰/۶ درصد) در سال ۱۳۳۵ به ۱,۷۰۵,۷۹۴ نفر (۲۴/۸ درصد) در سال ۱۳۴۵ و ۲,۷۲۰,۵۶۲ نفر (۳۱ درصد) در سال ۱۳۵۵ رسید (ادارهٔ کل آمار عمومی، ۱۳۴۰، جدول شمارهٔ ۲۲؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶، جدول شمارهٔ ۲۲؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۵۹، جدول شمارهٔ ۲۸/۱). همان‌گونه که دیده می‌شود، در این دوره هم تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی کاهش داشته‌است و هم درصد افراد شاغل در بخش کشاورزی به کل افراد شاغل. در سرشماری ۱۳۳۵ (پیش از اصلاحات ارضی) که کشور در آغاز راه اجرای برنامه‌های عمرانی قرار داشت، جمعیت بخش کشاورزی بسیار بیشتر از سایر بخش‌ها بود؛ ولی تغییرات ساختاری در بخش کشاورزی بر اثر اجرای اصلاحات ارضی در سال‌های دههٔ چهل، موجب انتقال جمعیت از بخش کشاورزی به بخش‌های دیگر (مهاجرت‌های داخلی) شد. در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، با وجود کاهش قدر نسبی جمعیت بخش کشاورزی، در قدر مطلق جمعیت شاغل در این حوزه تغییر زیادی رخ نداد؛ ولی از سال ۱۳۴۵ به بعد روند کاهش قدر مطلق شاغلان بخش کشاورزی نیز آغاز شد (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۶۴، ص ۲۸). این موضوع به افزایش امکانات تولید در بخش کشاورزی باز می‌گردد. در پی اصلاحات ارضی، مساحت زمین‌های زیر کشت در بهره‌برداری‌های بزرگ بیشتر از کشاورزی‌های کوچک و متوسط افزایش یافت؛ ولی به دلیل مکانیزه‌بودن این نوع کشاورزی تقاضا برای نیروی کار در این بخش زیاد افزایش نیافت. در بهره‌برداری‌های کوچک و متوسط میانگین ساعات کاری دهقانان کم بود؛ بنابراین با دریافت زمین‌های بیشتر در پی اصلاحات ارضی هم، معمولاً برای کشت این زمین‌ها بی‌نیاز از غیر

۱. منظور از بار تکفل میانگین تعداد افرادی است که تأمین معاش آن‌ها برعهدهٔ هر فرد شاغل است (نظری، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱). محاسبهٔ بار تکفل سال ۱۳۳۵ از نگارنده است.



[کارگر] بودند و نیروی کار خانوادگی‌شان برای این کار کفایت می‌کرد (عظیمی، ۱۳۶۱، صص ۹۱-۹۲).

کاهش شمار شاغلان بخش کشاورزی، به‌علت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در این دو دهه، با افزایش امکان جذب در دو بخش اقتصادی دیگر (خدمات و صنعت) همراه بود. مطابق با راهبرد برنامه‌های عمرانی، بخش صنعت کشور می‌بایست بیشترین قدرت جذب نیروی کار را پیدا می‌کرد؛ شواهد نیز نشان‌دهنده رشد عمده صنعتی کشور در این دو دهه است.

رشد صنعتی ایران را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد. مرحله اول، دهه‌های پایانی سده سیزدهم شمسی تا سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ شمسی است. طی دهه‌های پایانی سده سیزدهم شمسی، رشد شتابان بازرگانی خارجی، جلب توجه سرمایه‌داران خارجی به کشور و پیدایش گروهی از تجار ثروتمند، موجب تراکم حداقل سرمایه لازم برای مشارکت تجار ایرانی در سرمایه‌گذاری محدود صنعتی شد. باین‌حال، کوشش تجار ایرانی برای سرمایه‌گذاری صنعتی در این زمان ناموفق و بسیار محدود بود. نگاهی به ویژگی‌های صنایع تأسیس شده در این دوران نشان می‌دهد که فقط کارخانه‌هایی موفق بودند که به آماده‌سازی محصولات کشاورزی می‌پرداختند؛ کارخانه‌هایی از قبیل پنبه‌پاک‌کنی و کارخانه‌هایی که با کالاهای خارجی رقابت داشتند از قبیل کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و کارخانه قند با شکست روبه‌رو شدند (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۸۲-۸۶). در مجموع، در بین سال‌های ۱۲۷۹-۱۳۰۴ به تدریج هشت کارخانه مدرن (سه کارخانه پارچه‌بافی، دو کارخانه کبریت‌سازی و سه کارخانه صابون‌سازی، نجاری و کش‌بافی) تأسیس شد و کارگران کمی در آنجا به کار مشغول شدند که تعداد آن‌ها از ۳۵۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد (سوداگر، ۱۳۵۷، ص ۱۸۷). با وجود این، توسعه بخش صنعت در ایران تقریباً در حوالی سال‌های ۱۳۰۸ و به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۷ سرعت بیشتری پیدا کرد. دولت چندین کارخانه قند، پنبه‌پاک‌کنی، پشم‌بافی و پارچه‌بافی و چند کارخانه تولید کبریت، سیگار، سیمان و شیشه تأسیس کرد. بیشتر این کارخانه‌ها با استفاده از مواد داخلی کالاهایی مشابه کالاهای وارداتی تولید می‌کردند و به عملیات تولیدی در مقیاس وسیع احتیاج نداشتند. تا آغاز جنگ دوم جهانی تعداد این صنایع به حدود ۳۰ کارخانه دولتی و در حدود ۲۰۰ کارخانه خصوصی رسیده بود. در کنار این فعالیت‌ها تأسیسات زیربنایی مانند راه‌آهن، جاده و برق نیز ایجاد شده بود و راه را برای فعالیت‌های صنعتی هموارتر کرده بود (هانسن، ۱۳۵۴، صص ۲۱-۲۲). همان‌طور که پیش‌تر هم توضیح داده شد، توان دولت برای سرمایه‌گذاری در صنایع به کنترل انحصاری‌اش بر منابع اصلی درآمد باز می‌گشت. وقوع «رکود بزرگ» در کشورهای غربی سبب پایین آمدن

۱. برای شرح کلی درباره صنعت ایران در این دوره، نک: فلور، ۱۳۷۱.



قیمت کالاهای سرمایه‌ای شده بود و مسیر صنعتی شدن کشور را در این دوره هموارتر کرده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲). افزون بر این، در این دوره برای حمایت و تشویق صنایع، ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگونی مانند وزارت تجارت و فوائد عامه، وزارت اقتصاد، و وزارت پیشه و هنر به‌وجود آمد. هدف از صنعتی کردن کشور نیز عمدتاً تولید محصولاتی بود که مصرف داخلی داشت. بدین جهت صنایع کشور به‌طور کلی به صنایع سبک مانند نساجی، مواد غذایی، چرم‌سازی و مصالح ساختمانی محدود شده بود (سوداگر، ۱۳۵۷، صص ۱۸۷-۱۸۸)؛ البته یک‌رشته صنایع کوچک دیگر مانند مواد شیمیایی، منسوجات غیرنخی، صابون‌پزی، روغن‌کشی، شیشه‌گری، آرد، چرم‌سازی، برنج‌کوبی و چای خشک‌کنی نیز تأسیس شده بودند. با این حال، همه این کارخانه‌ها در کار خود توفیق نیافتند و تا سال ۱۳۲۶ دست‌کم ۱۵ کارخانه (پنج تولیدکننده صابون، هفت کارخانه پشم‌بافی و تولید البسه، دو کارخانه چرم‌سازی و یک کارخانه کبریت‌سازی) ورشکست شدند (باری‌یر، ۱۳۶۳، ص ۲۶۱).

مرحله دوم رشد صنایع ایران در سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ شروع شد و تا سال‌های منتهی به انقلاب ادامه یافت. در واقع، رشد عمده صنعتی کشور تقریباً به همین دو دهه چهل و پنجاه مربوط می‌شد و تا پیش از این، تلاش برای صنعتی کردن کشور و گسترش آن توفیق چندانی به‌دست نیاورده بود (سوداگر، ۱۳۵۷، ص ۱۸۱). توضیح آنکه با سرآزیر شدن درآمد نفت پس از سال ۱۳۳۲ و آغاز برنامه عمرانی دوم، اعتبارات فراوانی برای احیای صنایع و ایجاد صنایع جدید اختصاص داده شد. البته برخلاف برنامه‌ریزی سازمان برنامه برای طرح‌هایی مانند احداث کارخانه‌های ذوب‌آهن و کود شیمیایی، قسمت اعظم این اعتبارات برای ایجاد کارخانه‌های سیمان و نساجی و تکمیل کارخانه‌های قند مصرف شد و قسمتی نیز در اختیار سرمایه‌گذاران خصوصی قرار گرفت (سوداگر، ۱۳۵۷، ص ۱۸۹). صنعت تا این زمان به‌کندی گسترش یافته بود و عمدتاً تلاش‌هایی محدود در زمینه ایجاد برخی صنایع بزرگ و مصرفی انجام شده بود؛ ولی پس از اصلاحات ارضی و الغای نظام ارباب-رعیتی و نیز با افزایش بیشتر درآمد نفت، به‌ویژه در نیمه اول دهه پنجاه، با آهنگی سریع‌تر گسترش یافت و ایران پس از اصلاحات ارضی به‌تعبیری شاهد نوعی «جهش صنعتی کوچک» بود. در این دوره با حمایت نامحدود دولت از سرمایه‌داران خصوصی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در صنعت، اعطای معافیت‌های گمرکی، افزایش مستمر بهای فروش کالاها و بالاخره راه پیدا کردن برخی از محصولات کارخانه‌ای به بازار کشورهای منطقه، امکانات وسیعی برای پیشرفت صنایع و تحول در آن‌ها به‌وجود آمد (ساکما، ۵۸۵-۲۳۰). هم‌چنین، تعداد زیادی بانک تخصصی، اداره فنی و صنعتی، و آموزشگاه و دانشکده فنی نیز تأسیس شد و مراکز و قطب‌های صنعتی



در کشور شکل گرفت. تولید ناخالص بخش صنعت و معدن، با انجام سه برنامه‌ عمرانی پس از اصلاحات ارضی، به قیمت‌های ثابت از ۴۹,۳ میلیارد ریال در ۱۳۴۱ به ۳۵۹,۴ میلیارد ریال در ۱۳۵۶ رسید؛ یعنی حدود ۷ برابر شد (سوداگر، ۱۳۶۹، صص ۴۱۴-۴۱۵). هم‌چنین، تعداد کارخانه‌های کوچک (با ۱۰ تا ۴۹ نفر کارگر) از ۱۵۰۲ به بیش از ۷,۰۰۰، کارخانه‌های متوسط (با ۵۰ تا ۵۰۰ کارگر) از ۲۹۵ به ۸۳۰، و کارخانه‌های بزرگ (با بیش از ۵۰۰ کارگر) از ۱۰۵ به ۱۵۹ رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ص ۵۲۸). سیاست صنعتی ایران در تمام این سال‌ها نیز هم‌چون قبل، شبیه به بیشتر کشورهای در حال توسعه، مبتنی بر سیاست جایگزینی واردات بود که با تعرفه‌های حمایتی دولتی همراه می‌شد و برپایه تقاضا در بازار داخلی کشور شکل گرفته بود (Avramovic, 1970, p27).

چنین سرمایه‌گذاری‌های وسیعی، جدا از تغییر در توزیع نیروی کار در میان بخش‌های مختلف اقتصادی، مشخصاً دو ویژگی خاص به بازار کار ایران بخشید. ویژگی نخست، شهری‌بودن فرصت‌های شغلی جدید بود. آن‌گونه که آمارها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ تقریباً ۱,۹۴۰,۰۰۰ شغل جدید ایجاد شد که بیش از ۱,۵۰۰,۰۰۰ (تقریباً ۷۷ درصد)^۱ از آن در مناطق شهری ایجاد شد (گودرزی، ۱۳۷۰، صص ۸۲-۸۳). این موضوع به راحتی قابل پیش‌بینی بود، زیرا طبق راهبرد برنامه‌های عمرانی، طبیعی بود که بخش کشاورزی و روستاییان کمترین سهم را از اعتبارات عمرانی داشته باشند و تمرکز اعتبارات بر شهرها و کارگاه‌های صنعتی قرار گیرد (سوداگر، ۱۳۶۹، ص ۳۶۷). این موضوع خود پیامد دیگری به دنبال داشت و آن ایجاد شکاف بین درآمدهای روستایی و شهری بود. برای نمونه، آمارها از وجود تفاوتی شدید میان دستمزد کارکنان صنعتی شاغل در مناطق شهری با روستایی حکایت دارد. دستمزد یک کارگر ماهر در مناطق روستایی، حتی از دستمزد یک کارگر ساده شهری هم کمتر بوده است (۶۵۴ ریال در مقابل ۶۹۹ ریال). به استثنای دستمزد کارگران ساده که در مناطق شهری و روستایی اختلافی ناچیز داشته است، دستمزد هفتگی کارگران ماهر و استادکاران در مناطق شهری، تقریباً دوبرابر مناطق روستایی بوده است.^۲ بخش عمده این شکاف، از سیاست‌های مستقیم دولت ناشی می‌شد. دولت با پایین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی و واردکردن مواد غذایی و توزیع آن با قیمت‌های حمایت‌شده، بهای عمده‌فروشی غلات و دیگر محصولات را مصنوعی پایین نگه می‌داشت. این در حالی بود که بهای سایر کالاها و خدمات با تورمی شدید پیوسته افزایش می‌یافت. برای نمونه در سال ۱۳۵۵، هزینه واقعی تولید یک تن گندم یا برنج از هزینه خرید آن‌ها در خرده‌فروشی‌های شهری بیشتر بود و از آنجاکه غلات و برنج حدود ۷۵ درصد تولید روستاییان را تشکیل می‌داد، بر فقر آن‌ها افزوده می‌شد و امکان امرارمعاش از راه کشاورزی برای آن‌ها مشکل‌تر از قبل

۱. محاسبات از نگارنده است.
۲. این آمار مربوط به سال ۱۳۵۱ است (خرزاعی، ۱۳۶۳، ص ۲۳).



می‌شد (همایون‌پور، ۱۳۶۱، صص ۳۸۳-۳۸۴). گزارش‌هایی از این زمان به‌جای مانده‌است که نشان می‌دهد فشار این سیاست‌ها تا به آن اندازه بوده‌است که برخی از کشاورزان آسیرِ خشم مزارع خود را آتش می‌زده‌اند (Looney, 1982, p133). ویژگی دیگر بازار کار در این دوره، پیشی گرفتن بخش عمومی از بخش خصوصی در ایجاد اشتغال است. آن‌گونه که داده‌های رسمی نشان می‌دهد طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵، تعداد ۱,۰۱۰,۰۰۰ شغل در بخش عمومی ایجاد شد، حال آنکه ۹۳۸ هزار شغل در بخش خصوصی ایجاد شد (نظری، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱).

با در نظر گرفتن این دو ویژگی، و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های صنعتی گسترده در این دوره و افزایش شمار شاغلان در بخش صنعت مطابق با آمارهای رسمی، به نظر می‌رسد که برنامه‌های عمرانی در راهبرد خود برای انتقال اضافه‌جمعیت روستایی به بخش صنعت موفق بوده‌اند.

ساختار اشتغال صنعتی

با این حال، سنجش دقیق‌تر تقاضای نیروی کار در بخش صنعت، خلاف مدعای مذکور را ثابت می‌کند. توضیح آنکه، همان‌گونه که پیش‌تر شرح داده شد، بخش کشاورزی از ایجاد فرصت‌های جدید شغلی ناتوان بود و نه تنها در این دوره به فرصت‌های شغلی در این بخش افزوده نشد، بلکه طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ از قدر مطلق شاغلان این حوزه نیز کاسته شد. از این رو، طبیعی بود که اضافه‌جمعیت روستایی به دنبال کار به دیگر بخش‌های اقتصادی سرازیر شوند؛ ولی باید در نظر داشت که صرف افزایش شمار کارکنان یک بخش براساس منابع رسمی را نمی‌توان دلیلی بر توسعه امکان جذب نیروی کار در آن بخش دانست. همان‌طور که پیش‌تر هم ذکر شد هدف از ارائه آمارهای بالا که عمدتاً مبتنی بر منابع آماری رسمی بودند، صرفاً به دست دادن تصویری کلی از وضعیت بازار کار در دو دهه چهل و پنجاه شمسی بود. برای تحلیل پدیده‌های اشتغال و بیکاری نمی‌توان صرفاً به داده‌های سرشماری‌های عمومی اتکا کرد. در واقع، بسیاری از افرادی که در این سرشماری‌ها در شمار شاغلان آورده می‌شوند، بیکارانی هستند که در این منابع به دلیل محدودیت معیارهای انتخابی سرشماری‌های رسمی، جامه اشتغال به تن کرده‌اند (هانسن، ۱۳۵۴، ص ۲۲). از این رو برای سنجش راهبرد برنامه‌های عمرانی، یعنی سنجش امکانات بخش صنعت در جذب مهاجران روستایی، یافتن معیاری غیر از میزان توزیع نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی، ضروری است. تقاضای نیروی کار عمدتاً تابعی از میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد است؛ بنابراین روند تشکیل «سرمایه



ثابت^۱ در صنایع کشور طی این دو دهه، ملاک تحلیل «کاربر»^۲ بودن یا «سرمایه‌بر»^۳ بودن صنایع در نظر گرفته شده است. این معیار شاخصی است که در نسبت با سرمایه متغیر میزان و نحوه توسعه صنعت و تراکم سرمایه و در نتیجه حدود فرصت‌های شغلی ایجاد شده را نشان می‌دهد. در این سنجش، نخست باید این نکته را در نظر داشت که پیش از اصلاحات ارضی و آغاز برنامه سوم عمرانی، ایران از نظر سرمایه‌بری صنایع حتی در میان کشورهای صنعتی جهان سوم نیز در سطحی پایین قرار داشت؛ ولی از نظر شاخص کاربری تقریباً در مقام اول قرار داشت (سوداگر، ۱۳۶۹، ص ۴۲۳).

بررسی روند سرمایه‌گذاری در صنایع پس از اصلاحات ارضی - برخلاف مدعاهای برنامه سوم - نشان می‌دهد که مبنای الگوی تشکیل سرمایه، تکنولوژی‌هایی سرمایه‌بر بوده است که دائماً سهم فزاینده‌ای را به ماشین‌آلات و زمین اختصاص می‌داده است. این تکنولوژی‌های پیچیده و سرمایه‌بر به مهارت‌ها و تخصص‌هایی نیاز داشته‌اند که در آن زمان بیشتر نیروی فعال کشور فاقد آن بوده‌اند. به عبارت دیگر، استفاده از چنین ابزارها و تکنیک‌هایی، به معنای توان اندک صنایع و معادن کشور در جذب کارگران بی‌سواد و بی‌مهارت - که ویژگی بیشتر نیروی فعال جامعه در آن زمان بود - به نسبت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی انجام شده است. برای نمونه، آن گونه که داده‌های سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۳ نشان می‌دهد سهم کارگاه‌های بزرگ صنعتی در افزایش سرمایه ثابت در سال ۱۳۴۵، ۵۷/۴ درصد بوده است که در سال ۱۳۵۳ به ۹۶/۵ درصد افزایش یافته است؛ ولی سهم صنایع کوچک شهری از ۱۳/۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲/۲ درصد در سال ۱۳۵۳ تنزل یافته است. سهم صنایع روستایی نیز از تشکیل سرمایه ثابت صنعتی سالیانه از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ با افتی شدید به ۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش یافته است. سهم کارگاه‌های کوچک صنعتی شهری و روستایی که در سال ۱۳۴۵ روی هم برابر با ۴۲/۶ درصد سرمایه ثابت افزوده شده در آن سال بوده، به ۲/۵ درصد در سال ۱۳۵۳ تقلیل یافته است. در عوض سهم کارگاه‌های بزرگ صنعتی، از ۵۷/۴ درصد افزایش سرمایه ثابت در سال ۱۳۴۵ به ۹۷/۵ درصد در سال ۱۳۵۳ افزایش یافته است. این داده‌ها نشانگر آن است که پس از اصلاحات ارضی صنایع بزرگ بخش اعظم سرمایه ثابت را به خود جذب می‌کرده‌اند و در روند تشکیل سرمایه ثابت در کارگاه‌های بزرگ و کوچک اختلافی فاحش پدید آمده است؛ علاوه بر این، اختلاف و جابه‌جایی فراوانی نیز در روند تشکیل سرمایه ثابت در مناطق شهری و روستایی پدید آمده است. از طرف دیگر در سال ۱۳۴۵ سهم کارگاه‌های کوچک صنعتی شهری (با ۴۴/۳ درصد) و سهم کارگاه‌های کوچک مناطق روستایی (با ۴۳ درصد) به مراتب بیشتر از سهم کارگاه‌های بزرگ (با ۱۲/۷ درصد) در اشتغال صنعتی بوده است. با آنکه ۹۷/۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های ثابت صنعتی

۱. سرمایه ثابت عبارت است از مقدار هزینه خرید کالاهای سرمایه‌ای جدید بخش‌های مختلف اقتصادی در یک دوره حسابداری (اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۶۰، ص ۵۸).

2. Labour intensive

3. Capital intensive



به کارگاه‌های بزرگ صنعتی بالاتر از ۱۰ نفر اختصاص یافته است - که تقریباً تمامی آن‌ها در مناطق شهری مستقر بوده‌اند - در سال ۱۳۵۵ سهم این کارگاه‌ها از کل نیروی کار صنعتی شاغل در سطح کشور ناچیز (۲۴/۷ درصد) بوده است. از این رو می‌توان گفت که توزیع اشتغال در کارگاه‌های بزرگ و کوچک، به‌هیچ‌وجه با توزیع سرمایه متناسب نبوده است. اکثر سرمایه‌گذاری‌ها در کارگاه‌های بزرگ انجام می‌شده و سهم کارگاه‌های کوچک از افزایش سالیانه سرمایه ثابت به اندازه‌ای ناچیز بوده که به زحمت فرسودگی تجهیزات و تأسیسات این کارگاه‌ها را جبران می‌کرده است. جدای از این، آمار سال‌های مذکور نشان می‌دهد که سرمایه لازم برای تأسیس و بهره‌برداری از یک کارگاه صنعتی طی دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵، بیش از ۱۰ برابر، ارزش ماشین‌آلات مستقر در هر کارگاه جدید ۱۵ برابر، و ارزش ساختمان و زمین لازم برای تأسیس و بهره‌برداری از آن حدوداً ۱۸ برابر شده است. در واقع با گذر زمان، پیوسته نسبت سرمایه ثابت به سرمایه در گردش افزایش یافته و از کاربرد صنایع و توان آن‌ها در جذب نیروی کار کاسته شده است (خزاعی، ۱۳۶۳، صص ۱۱-۱۲).

این الگوی سرمایه‌گذاری و روند تشکیل سرمایه ثابت، موجب پدید آمدن ساختی دوگانه با ویژگی‌هایی خاص و بعضاً متضاد در صنعت کشور شد. نخست، کارگاه‌های کوچک که با سرمایه ناچیز بخش اعظم شاغلان را - به‌ویژه در مناطق روستایی - به‌خود اختصاص داده بودند؛ چون تکنولوژی استفاده‌شده در آن‌ها ماهیتاً کاربر بود. این صنایع غالباً تولیداتی مصرفی داشتند، اشتغال‌زایی آن‌ها به دلیل استفاده کم‌تر از ماشین‌آلات و کارافزارهای نوین زیاد بود، ولی بهره‌وری نیروی کار در آن‌ها کم بود. بیش‌ترین زمینه فعالیت این نوع از صنایع مربوط به صنایع نساجی، چرم، پوست و قالی و صنایع غیرفلزی (مصالح ساختمانی) بود. شیوه کار آن‌ها بر کارهای دستی استوار بود و حمایت و سرمایه‌گذاری دولتی در آن‌ها کم‌تر بود. دوم، کارگاه‌های بزرگ بودند که سرمایه‌گذاری در آن‌ها با افزایش اشتغال متناسب نبود و تکنولوژی استفاده‌شده در آن‌ها اساساً سرمایه‌بر بود. تعداد این نوع از کارگاه‌های بزرگ ۸ هزار عدد بود؛ ولی به‌علت استفاده از ماشین‌آلات نوین، اشتغال‌زایی این کارگاه‌ها زیاد نبود. بیشتر سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بخش صنایع در جهت ایجاد امکانات زیربنایی برای نُضج و تشکیل این‌گونه صنایع بود و این صنایع همواره تحت حمایت دولت قرار داشتند. تقریباً تمامی این صنایع در نقاط شهری یا نزدیک به آن مستقر بودند و تعداد زیادی (بیش از ۴۰ درصد) از آن‌ها در تهران و اطراف آن متمرکز بودند. این‌گونه صنایع هم از نظر ابزارهای کار و هم از لحاظ مواد خام، شدیداً به خارج از کشور وابسته بودند و بیش‌تر در حوزه مواد غذایی و به دلیل افزایش فعالیت‌های بخش ساختمانی در صنایع مربوط به محصولات معدنی غیرفلزی گسترش یافته بودند (محقق، ۱۳۵۸، صص ۴۳-۴۴). نتیجه این الگوی



سرمایه‌گذاری از یک سو به کمبود نیروی ماهر در بخش‌های مختلف اقتصادی و از سوی دیگر به بیکاری بسیاری از کارگران ساده انجامیده بود؛ کارگران ساده‌ای که بیشتر جمعیت فعال در جست‌وجوی کار آن زمان را تشکیل می‌دادند. در آن سال‌ها بیشتر کشورهای در حال توسعه، چنین راهبردی را در پیش گرفته بودند، ولی تجربه این کشورها در همان زمان نیز نشان می‌داد که میزان اشتغال‌زایی این سرمایه‌گذاری‌های صنعتی اندک است (تودارو، ۱۳۶۴، ص ۳۴۹)؛ (Avramovic, 1970, p28). این در حالی بود که عموم مهاجران روستایی افرادی کم‌مهارت بودند که انگیزه‌های اقتصادی مانند کسب درآمد از عوامل اساسی مهاجرت‌شان به شهرها بود (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷، ۱۳۹۰، ص ۴۲۶).

نکته دیگر، بیکاری فصلی در بخش صنعت بود. فعالیت‌های صنعتی در ایران در فصل‌های مختلف سال ثابت چندانی نداشت و علت آن ناتوانی صنایع در استفاده کامل از ظرفیت تولیدی‌شان عمدتاً به دلیل ناتوانی در صادرات و نبود تقاضای کافی در بازار داخلی بود. تعطیلات فصلی کارگاه‌های صنعتی به معنای اشتغال موقت و بیکاری فصلی برای بخشی از کارکنان این کارگاه‌ها بود. الگوی تعطیلات فصلی در کارگاه‌های بزرگ صنعتی به رشته فعالیت کارگاه بستگی داشت. ولی در مجموع، بخش بزرگی از کارگاه‌ها در فصل زمستان فعالیت خود را متوقف می‌کردند و با آغاز بهار بر تعداد کارگاه‌های فعال افزوده می‌شد و در تابستان به بیشترین تعداد خود می‌رسید. با خاتمه تابستان و فرارسیدن پاییز، از تعداد کارگاه‌ها کاسته می‌شد و در زمستان به کمترین تعداد خود می‌رسید (خزاعی، ۱۳۶۴، صص ۵۱-۵۲)؛ بنابراین بسیاری از مشاغل بخش صنعت نیز، مشاغل فصلی بودند.

باین حال، مدافعان استفاده از صنایع سرمایه‌بر، در دفاع از اشتغال‌زایی این نوع صنایع، بر نتایج غیرمستقیم این سرمایه‌گذاری‌ها در اشتغال تأکید می‌کردند. در واقع، راهبرد برنامه‌های عمرانی برپایه سیاست‌ها و توصیه‌های مدل‌های توسعه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. تأکید این مدل‌ها بر دستیابی کشورهای فقیر به رشد فراوان از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده در شهرها بود. فرض اکثر این راهبردها این بود که رشد اقتصادی به‌طور خودکار به طبقات پایین نفوذ خواهد کرد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ص ۷۹). باین حال، آثار اشتغال غیرمستقیم طرح‌های سرمایه‌بر صنعتی در ایران، به شدت محل تردید بود؛ زیرا اولاً این صنایع جدید اساساً به مواد خام خارجی متکی بودند و ثانیاً نبود روابط درون‌صنعتی و پیمانکاری میان کارگاه‌های کوچک و بزرگ از یک طرف و نبود قدرت رقابت در صنایع کوچک، چنین موضوعی را منتفی می‌کرد. از این رو، تنها اثر اشتغالی غیرمستقیم گسترش صنایع سرمایه‌بر متکی بر واردات، می‌توانست گسترش اشتغال در بخش خدمات باشد (خزاعی، ۱۳۶۴، ص ۳۹)؛ بنابراین مهاجران روستایی عمدتاً باید در بخش خدمات در جست‌وجوی کسبی برای امرار معاش برمی‌آمدند.

موضوع مهاجرت روستایی و اشتغال مهاجران روستایی در شهرها یکی از اصلی ترین مشکلات دولت در دهه پنجاه شمسی و سال های منتهی به انقلاب بود؛ مشکلی که پس از انقلاب هم همچنان ادامه داشت (ساکما، ۲۷۵۳۲-۲۹۳). این خود می تواند موضوع تحقیقات مستقلی باشد.

نتیجه

جوامع روستایی، پیش از اصلاحات ارضی به علت نبود چشم انداز شغلی بهتر در مناطق شهری، به بهای فقر بیشتر خانواده با در خود نگاه داشتن اضافه جمعیت، بیکاری را در خود پنهان می داشتند. با فروپاشی نظام ارباب-رعیتی بر اثر اصلاحات ارضی و با افزایش حجم سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در فعالیت های غیرکشاورزی از طریق برنامه های عمرانی و تمرکز شدید این سرمایه گذاری ها در شهرها و به تبع آن پدید آمدن تفاوتی چشمگیر میان درآمد جمعیت شهری و روستایی، دیگر سکون جمعیتی هم چون گذشته امکان پذیر نبود. باین حال، راهبرد برنامه عمرانی سوم برای تأمین اشتغال مهاجران روستایی، مهاجرت روستایی را مسئله ساز کرده بود و مانع از جذب بیشتر این مهاجران در اقتصاد شهری می شد؛ زیرا نوع سرمایه گذاری های صنعتی در شهرها موجب پدید آمدن ساختی نامتوازن در بازار اشتغال شده بود. از یک سو بیشتر این مهاجران روستایی کم سواد و کم مهارت بودند، و از سوی دیگر، راهبرد برنامه سوم عمرانی به تأسیس صنایعی سرمایه بر در کشور انجامیده بود. این سرمایه بر بودن صنایع موجب شده بود تا ظرفیتی محدود در ایجاد اشتغال داشته باشند که خود همین ظرفیت محدود هم مستلزم داشتن مهارت های تخصصی فراوانی بود که عموم مهاجران روستایی فاقد آن بودند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۱۱۴۸۲-۲۲۰-۱۶۸۵۸-۲۲۰-۵۸۵-۲۳۰-۷۲۸۳۴-۲۴۰-۲۲۷۷۳-۲۹۳؛ ۲۷۵۳۲-۲۹۳؛ ۳۲۰-۳۲۷۲۲

اسناد چاپ شده

اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷. (۱۳۹۰). (ایرج محمدی، کوشش گر). تهران: مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری و خانه کتاب.



کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی معاصر ایران*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: انتشارات زمینه.
- باری‌یر، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران ۱۲۷۹-۱۳۴۹*. (مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، مترجم). تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۴). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. (غلام‌علی فرجادی، مترجم). تهران: سازمان برنامه‌ویودجه.
- خزاعی، احمد. (۱۳۶۳). *ویژگی‌های اشتغال صنعتی در ایران ۱۳۴۵-۱۳۵۵*. تهران: انتشارات سازمان برنامه‌ویودجه.
- خزاعی، احمد. (۱۳۶۴). *منابع تولیدی و اشتغال صنعتی: علل استفاده اندک از منابع تولیدی در کارگاه‌های بزرگ صنعتی ۱۳۵۸-۱۳۶۰*. تهران: انتشارات وزارت برنامه‌ویودجه.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد و دیگران. (۱۳۶۴). *نگرشی نو به مهاجرت داخلی در ایران*. تهران: مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۵۷). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی) ۱۳۰۴-۱۳۴۰*. تهران: نشر پازند.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۶۹). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش ۱۳۴۲-۱۳۵۷*. تهران: انتشارات شعلة اندیشه.
- طاهری، تقی. (۱۳۶۰). *مسأله مهاجرت روستایی در ایران*. بی‌جا: سازمان برنامه‌ویودجه.
- فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *صنعتی‌شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: انتشارات توس.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون). (۱۳۸۶). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- کارشناس، مسعود. (۱۳۸۲). *نفث، دولت و صنعتی‌شدن در ایران*. (علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، مترجمان). تهران: گام نو.
- لیلاز، سعید. (۱۳۹۲). *موج دوم، تجدد آمرانه در ایران: تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم*. تهران: نیلوفر.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۹۴). *ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران*. تهران: انتشارات آگاه.
- هالیدی، فرد. (۱۳۵۸). *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*. (فضل‌الله نیک‌آیین، مترجم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- هیئت مرکزی امور اقتصادی. (۱۳۴۰). *مقدمه برنامه عمرانی سوم*. بی‌جا: سازمان برنامه.

Looney, Robert E. (1982). *Economic origins of the Iranian Revolution*. New York: Pergamon Press.

مقاله

گودرزی، محسن. (۱۳۷۰). «ویژگی‌ها و تحولات بازار کار ایران در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۷۹-۸۹.

محقق، ف. (۱۳۵۸). «علل و عوامل بیکاری در ایران». *کتاب جمعه*، سال اول. شماره ۲۱.

نظری، محسن. (۱۳۷۷). «مشخصه‌های تحول بازار نیروی کار در ایران در چهار دهه اخیر (۱۳۳۵-۱۳۷۵)؛ روندها و پیامدها». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲، صص ۱۵۸-۱۷۱.

هانسن، جان. ر. (۱۳۵۴). «رشد و بنیان بخش صنعتی در ایران ۱۹۷۰-۱۹۶۰». اول نوامبر ۱۹۷۲ (با تجدیدنظر در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۲). *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۳۳ و ۳۴.

Avramovic, Dragoslav. (1970). "Industrialization of Iran: the Records, the Problems and the Prospects". *Tahqiqat-e Eqtesādi: Quarterly Journal of Economic Research*, No 18.

مجموعه مقاله

اعتماد، گیتی. (۱۳۶۳). «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر: ۵۵-۱۳۳۵». چاپ شده در کتاب *شهرنشینی در ایران*. (فرخ حسامیان و دیگران). تهران: آگاه.

حسامیان، فرخ. (۱۳۶۳). «شهرنشینی مرحله گذار». چاپ شده در کتاب *شهرنشینی در ایران*. (فرخ حسامیان و دیگران). تهران: آگاه.

عظیمی، حسین. (۱۳۶۱). «توزیع زمین و درآمد در آستانه اصلاحات ارضی». چاپ شده در کتاب *مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: آگاه.

همایون پور، هرمز. (۱۳۶۱). «روستاهای ایران و انقلاب». چاپ شده در کتاب *مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: آگاه.

گزارش‌ها و سالنامه‌ها

اداره حساب‌های اقتصادی. (۱۳۶۰). *حساب‌های ملی ایران ۱۳۳۸-۱۳۵۶*. تهران: بانک مرکزی ایران.

اداره کل آمار عمومی. (۱۳۴۰). *گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵*. تهران: وزارت کشور.

مرکز آمار ایران. (۱۳۴۶). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ (کل کشور)*. جلد صد و شصت و هشتم. تهران: سازمان برنامه.



مرکز آمار ایران. (۱۳۵۹). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ (کل کشور)*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
جزوه
امین زاده، فرخ. (۱۳۴۹). *تحولات جمعیتی بخش‌های فعالیت اقتصادی در ایران*. تهران: بخش جمعیت‌شناسی
مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)

Published Documents

“*Asnādi az mohājerat-e dāxeli dar Irān 1311-1357*” (Documents on domestic immigration in Iran 1932-1978). (1390/2011). Edited by Iraj Mohammadi. Tehran: Markaz-e Pažuheš, Sanješ va Asnād-e Riāsat-e Jomhuri va Xāne-ye Ketāb (Presidential Center of Research, Evaluation and Documents and Book House). [Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1384/2005). “*Irān bein-e do enqelāb: Darāmedi bar jamēe-šenāsi-ye siāsi-ye mo’āser-e Irān*” (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Gol Mohammadi & Mohammad Ebrahim Fattahi Valilaei. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1359/1980). “*Mavāne’ē tārixi-ye rošd-e sarmāye-dāri dar Irān: Dowre-ye Qājārieh*” (Historical obstacles to the development of capitalism in Iran: Qajar period). Tehran: Enteshārāt-e Zamineh. [Persian]

Bharier, Julian. (1363/1984). “*Eqtesād-e Irān, 1279-1349*” (Economic development in Iran, 1900 – 1970). Translated by Markaz-e Taqiqāt-e Taxassosi-ye Hesābdāri va Hesābresī (Specialized Accounting and Audit Research Center). Tehran: Mo’assese-ye Hesābresī-ye Sāzmān-e Sanāye’-e Melli va Sāzmān-e Barnāmeḥ (Audit Office of the National Industries Organization and the Plan and Budget Organization). [Persian]



- Floor, Willem. (1371/1992). *“San’atīšodan-e Irān va šures-e Šeix Ahmad-e Madani 1900-1925”* (Industrialization in Iran and the revolt of Sheikh Ahmad Madani 1900-1925). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Entšeārāt-e Tus. [Persian]
- Halliday, Fred. (1358/1979). *“Diktātori va tose’-ye sarmāye-dāri dar Irān”* (Iran dictatorship and development). Translated by Fazl Allah Nik Ayin. Tehran: Mo’assese-ye Entšeārāt-e Amir Kabir. [Persian]
- Hey’at-e Markazi-ye Omur-e Eqtesādi (Central Board of Economic Affairs). (1340/1961). *“Moqaddame-ye barnāme-ye sevom-e ‘omrānī”* (Introduction to the third development plan). [s. l.]: Sāzmān-e Barnāme (Plan and Budget Organization). [Persian]
- Karshenas, Masoud. (1382/2003). *“Naft, dowlat va san’atīšodan dar Irān”* (Oil, government and industrialization in Iran). Translated by Ali Asghar Saeidi & Yousof Haji Abd Al-Vahab. Tehran: Gām-e No. [Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali (Homayun). (1386/2007). *“Eqtesād-e siāsi-ye Irān az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi”* (Political economics in Iran from constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi & Kambiz Azizi. Tehran: Našr-e Markaz. [Persian]
- Khazaei, Ahmad. (1363/1984). *“Vižegi-hā-ye ešteqāl-e san’ati dar Irān 1345-1355”* (The characteristics of industrial employment in Iran 1966-1976). Tehran: Entšeārāt-e Sāzmān-e Barnāme va Budjeh (Publications of Plan and Budget Organization). [Persian]
- Khazaei, Ahmad. (1364/1985). *“Manābe’-e toliidi va ešteqāl-e san’ati: Elal-e estefāde-ye andak az manābe’-e toliidi dar kārgāh-hā-ye bozorg-e san’ati 1358-1360”* (Productive sources and industrial employment: Causes of low use of productive sources in big industrial workshops 1979-1981). Tehran: Entšeārāt-e Vezārat-e Barnāme va Budjeh (Publications of Plan and Budget Ministry). [Persian]
- Laylāz, saeed. (1392/2013). *“Moj-e dovom, tajaddod-e āmerāneh dar Irān: Tārix-e barnāme-hā-ye ‘omrāni-ye sevom tā panjom”* (The second wave, the dictated



- modernization of Iran: The history of the third to fifth development plans). Tehran: Nilufar.[Persian]
- Looney, Robert E. (1982). *Economic origins of the Iranian revolution*. New York: Pergamon Press.
- MadaniGhahfarrokhi, Saeed. (1394/2015). “*Zarurat-e mobārezeḥ bā padide-ye faqr va nā-barābari dar Irān*” (The need to fight the phenomenon of poverty and inequality in Iran). Tehran: Enteshārāt-e Āgāh.[Persian]
- Sodagar, Mohammad Reza. (1357/1978). “*Rošd-e ravābet-e sarmāye-dāri dar Irān: Marhale-ye enteqāli 1304-1340*” (The development of capitalist relations in Iran: Transitional stage 1925-1961). Tehran: Našr-e Pāzand.[Persian]
- Sodagar, Mohammad Reza. (1369/1990). “*Rošd-e ravābet-e sarmāye-dāri dar Irān: Marhale-ye gostareš 1342-1357*” (The development of capitalist relations in Iran: Expanding stage 1963-1978). Tehran: Enteshārāt-e Šo'le-ye Andišeh.[Persian]
- Taheri, Taghi. (1360/1981). “*Mas'ale-ye mohājerant-e rustāyi dar Irān*” (The issue of rural immigration in Iran). [s. l.]: Sāzmān-e BarnāmeḥvaBudjeh (Plan and Budget Organization).[Persian]
- Todaro, Michael. (1364/1985). “*Tose'e-ye eqtesādi dar jahān-e sevom*” (Economic development in the third world). Translated by Gholam Ali Farjadi. Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e BarnāmevaBudjeh (Publications of Plan and Budget Organization).[Persian]
- Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad et al. (1364/1985). “*Negarši no be mohājerat-e dāxeli dar Irān*” (A new outlook on domestic immigration in Iran). Tehran: Markaz-e Tahqiqāt-e Rustāyi va Eqtesād-e Kešāvarzi (Rural and Agricultural Economics Research Center).[Persian]

Articles

- Avramovic, Dragoslav. (1970). “Industrialization of Iran: Therecords, the problems and the prospects”. *Tahqiqat-e Eqtesādi* (Quarterly Journal of Economic Research), No 18.



- Goudarzi, Mohsen. (1370/1991). "Vižegi-hā va tahavvolāt-e bāzār-e kār-e Irān dar sāl-hā-ye 1355-1365" (The characteristics and changes in the jobmarket of Iran in years 1976-1986). *Majalle-ye Ettelā'āt-e Siāsi-Eqtesādi* (Journal of Political-Economic Information), 43 & 44, 79-89.[Persian]
- Hanson, John, R. (1354/1975). "Rošd va boniyān-e baxš-e san'ati dar Irān 1960-1970" (The development and foundation of industrial sector in Iran 1960-1970). (Published in November 1st 1972 (Reconsidered in November 29th, 1972). *Majalle-ye Tahqiqāt-e Eqtesādi* (Quarterly Journal of Economic Research), 33 & 34.[Persian]
- Mohaghegh, F. (1358/1979). "Elal va avāmel-e bikāri dar Irān" (Causes and factors of unemployment in Iran). *Ketāb-e Jom'eh* (Friday Book), 1st year, 21.[Persian]
- Nazari, Mohsen. (1377/1998). "Mošaxasse-hā-ye tahavvol-e bāzār-e niru-ye kār dar Irān dar čahārdahe-ye axir (1335-1375): Ravand-hāvapeyāmad-hā" (Characteristics of the workforce market changes in Iran during the last four decades (1956-1996): Processes and consequences). *Majalle-ye Ettelā'āt-e Siāsi-Eqtesādi* (Journal of Political-Economic Information), 131 & 132, 158-171.[Persian]

Article Collections

- Azimi, Hossein. (1361/1982). "Tozi'-e zamin va darāmad dar āstāne-ye eslāhāt-e arzi" (The distribution of land and income on the verge of land reforms). In *Masā'el-e arzi va dehqāni* (Land and peasant issues). Tehran: Āgāh.[Persian]
- Etemad, Giti. (1363/1984). "Mohājerat dar Irān dar dahe-hā-ye axir: 1335-55" (Immigration in Iran in recent decades: 1956-76). In Farokh Hesamian et al. *Šahr-nešini dar Irān* (Urbanization in Iran). Tehran: Āgāh.[Persian]
- Hesamian, Farokh. (1363/1984). "Šahr-nešini-ye marhale-ye gozār" (Urbanization of the transitional stage). In Farokh Hesamian et al. *Šahr-nešini dar Irān* (Urbanization in Iran). Tehran: Āgāh.[Persian]
- Homayounpour, Hormoz. (1361/1982). "Rustā-hā-ye Irān va enqelāb" (Villages of Iran and the revolution). In *Masā'el-e arzi va dehqāni* (Land and peasant issues). Tehran: Āgāh. [Persian]



Reports and Yearbooks

Edāre-ye Hesāb-hā-ye Eqtesādi (Department of Economic Accounts). (1360/1981).

“Hesāb-hā-ye melli-ye Irān 1338-1356” (National accounts of Iran 1959-1977).

Tehran: Bānk-e Markazi-ye Irān (Central Bank of Iran).[Persian]

Edāre-ye Koll-e Āmār-e ‘Omumi (Public Statistics Administrations). (1340/1961).

“Gozāreš-e xolāse-ye saršomāri-ye ‘omumi-ye kešvar dar sāl-e 1335” (Summary report of the general census of the country in 1956). Tehran: Vezārat-e Kešvar (Ministry of Interior).[Persian]

Markaz-e Āmār-e Irān (Statistics Center of Iran). (1346/1967). *“Saršomāri-ye ‘omu-*

mi-ye nofus va maskan 1345 (Koll-e kešvar)” (General census of population and housing 1966(the whole country)) (vol. 168). Tehran: Sāzmān-e Barnāme va Bud-jeh (Plan and Budget Organization).[Persian]

Markaz-e Āmār-e Irān (Statistics Center of Iran). (1359/1980). *“Saršomāri-ye ‘omu-*

mi-ye nofus va maskan 1355 (Koll-e kešvar)” (General census of population and housing 1976 (the whole country)). Tehran: Sāzmān-e Barnāme va Budjeh (Plan and Budget Organization).[Persian]

Pamphlets

Aminzadeh, Farokh. (1349/1970). *“Tahavvolāt-e jam’iati-ye baxš-hā-ye fa’āliat-e*

eqtesādi dar Irān” (Demographic changes in economic activity sectors in Iran).

Tehran: Baxš-e Jam’iat-Šenāsi-ye Mo’assese-ye Motālē’āt va Tahqiqāt-e Ejtemāei-ye Danešgāh-e Tehrān (Department of Demography of the Institute of Social Studies and Research of Tehran University). [Persian]

Tudeh Party activities in Khorasan schools 1942-1957

Kobra Nodehi¹ | Aliakbar Kajbaf² | Morteza Nouraei³ | Hadi Vakili⁴

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract

Purpose: This article discusses the promotional and recruitment activities carried out in the high schools of Khorasan by the Provincial Committee of the Tudeh Party between 1941-1956.

Method and Research Design: Data was collected from archival records, supplemented by library resources.

Findings and Conclusion: Because of the heavily religious atmosphere of the region and the lack of a working class, communist propaganda enjoyed little success among mainstream society. Therefore, the Committee focused on high school teachers, students and the education system. The Committee's activities are divided into three parts: from 1942 to 1948; From 1951 to 1953, and from 1953 to 1956, when its efforts terminated as the result of public distrust. Furthermore, prosecution by security forces limited the success of party activists. Many of them, as a result, withdrew from the party. Those few who persisted in their efforts lost their jobs. After the establishment of SAVAK, the party sympathizers did not find a chance to renew their activities.

Keywords:

Khorasan; Tudeh Party; Students; Teachers; Educational System.

1. PhD Student, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
nodehil4@gmail.com

2. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran, (Corresponding Author)
aliakbarkajbaf@yahoo.com

3. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
mortezanouraei@yahoo.com

4. Associate Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I. R. Iran
vakili355@yahoo.com

Copyright © 2019, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2340

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 54 -84 (31) | Received: 29, Jan. 2017 | Accepted: 14, May.

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

فعالیت‌های حزب توده در مدارس خراسان (۱۳۲۱-۱۳۳۵ ش)

کبری نودهی^۱ | علی‌اکبر کجباغ^۲ | مرتضی نورائی^۳ | هادی وکیلی^۴

چکیده:

هدف: بررسی نحوه تبلیغات، جذب نیرو، عملکرد و نتایج تحرکات کمیته ایالتی حزب توده خراسان در مدارس این استان.

روش/رویکرد پژوهش: روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از اسناد و مدارک آرشیوی، و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: حزب توده به دلیل شرایط خاص خراسان، از جمله فضای مذهبی و نبود جنبش کارگری، نمی‌توانست به راحتی در عموم مردم نفوذ کند؛ به همین دلیل توجه خود را به دانش‌آموزان، معلمان و سیستم مدیریتی مدارس متمرکز کرد. فعالیت‌های حزب در سیستم آموزشی خراسان به سه دوره ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷، ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ تقسیم می‌شود. بدبینی عامه مردم به فعالیت‌های حزب و نظارت و مقابله سازمان‌های دولتی، محدودیت‌های جدی برای فعالیت اعضای حزب ایجاد می‌کرد. بسیاری از اعضا خود را کنار کشیدند و معدودی افراد سرسخت با انفصال از خدمت و اخراج از مدرسه مجازات شدند. بعد از استقرار قوی دستگاه‌های امنیتی و تشکیل ساواک، تا سال ۱۳۳۵ حضور توده در مدارس خراسان محو شد.

کلیدواژه‌ها:

خراسان؛ حزب توده؛ دانش‌آموزان؛ معلمان؛ نظام آموزشی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
nodehi14@gmail.com
۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
aliakbar.kajbaf@yahoo.com
۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
mortezanouraei@yahoo.com
۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
vakili355@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۴۰

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۵۴-۸۴ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۴

تحقیقات تاریخی

مقدمه

حزب توده ایران از نماینده‌های قابل‌اعتنای مارکسیسم در ایران بود (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷، ص ۱). حزب توده را در مهر ۱۳۲۰ و با مشاوره‌ای نزدیک با سفارت شوروی، ۲۷ نفر از اعضای گروه پنجاه‌وسه نفر تشکیل دادند. (خامه‌ای، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۱). ساختار محکم حزب توده، مدیون آموزش و بهره‌گیری اعضای اصلی این حزب، از تجارب غنی تشکیلات احزاب مارکسیستی در هسته جهان مارکسیسم یعنی شوروی، و اعمار ایدئولوژیک آن از جمله اروپای شرقی بود (کولائی، ۱۳۷۶، صص ۱۶۴-۱۶۸). عوامل زیادی از جمله تشکیلات منسجم، سلسله‌مراتب مطیع و تزریق مداوم آگاهی‌های حزبی به اعضا و کادرها، بازوهای مطبوعاتی قدرتمند، سردمداری جنبش‌های کارگری، نفوذ میان تحصیل کرده‌ها، شعارهای جذاب متناسب با وضعیت موجود، و زندگی زیر چتر حمایتی شوروی در سال‌های اشغال ایران، موفقیت حزب توده را برای تأثیرگذاری بر فضای سیاسی و اجتماعی پشتیبانی می‌کرد.

آموزش دارای مفاهیم گسترده و کاربردهای فراوانی است؛ ولی در این پژوهش، آموزش به‌معنای دستگاه دولتی متولی آموزش بانام ویژه دوره تاریخی خود یعنی وزارت فرهنگ-نام سابق وزارت آموزش و پرورش- و زیرمجموعه‌های عمده آن مدارس، معلمان و دانش‌آموزان است. سردمداران حزب توده خراسان به‌خوبی می‌دانستند که خراسان به‌دلیل بافت منسجم مذهبی، اقتصادی و اجتماعی خود به‌طور طبیعی مقابل حزب توده-که شائبه‌های ضد‌مذهبی درباره آن مطرح بود- خواهد ایستاد. آن‌ها ناچار بودند برای تأمین نیاز حزب به نیروهای اجرایی و تبلیغاتی، به دانش‌آموزان فکر کنند که از لحاظ باورهای سیاسی-اجتماعی قابل نفوذ و از لحاظ تحرک اجتماعی شاداب بودند.

این پژوهش درصدد بررسی این پرسش‌هاست:

۱. دلایل سرمایه‌گذاری حزب توده و به‌ویژه کمیته ایالتی حزب توده خراسان روی این حوزه چه بود و میزان موفقیتش در چه حدی بوده‌است؟
۲. آیا میان این حضور و دوره‌های حیات حزب در خراسان رابطه‌ای وجود دارد؟
۳. مخالفان حضور حزب توده در مدارس خراسان چه ارگان‌ها و افرادی بودند و چه ابزارهایی داشتند؟

۴. مجازات عضویت حزب توده برای معلمان و دانش‌آموزان چه بود؟

دانش‌آموزان رکن مهمی برای حزب توده خراسان بودند؛ ولی در فراز و فرود حیات سیاسی حزب از این جایگاه ویژه غفلت شد. از جمله تألیفات مربوط به حزب توده خراسان می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد با نام «حزب توده مشهد»



نوشته مجید توکلی و نیز اثر حسین الهی به نام *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آنها در خراسان (۳۲-۱۳۲۰)* اشاره کرد؛ ولی اهتمام هر دو اثر مطالعه حزب، تشکیلات و فعالیت‌های آن به طور کلی بوده و توجه به حوزه آموزش در حد اشارات است. در این تحقیق کوشش شده است نگاه ویژه حزب توده به حوزه آموزش در خراسان با بهره‌گیری از اسناد و مطبوعات به‌جامانده، به‌ویژه اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی بررسی شود.

فراز و فرود حزب توده خراسان

زمینه پذیرش حزب توده در خراسان و مدار قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و فرار گرفتن ایران در قلمرو نفوذ روسیه بود. پس از انقلاب ۱۹۱۷، افکار مارکسیستی در خراسان پراکنده شد. رفت و آمد هزاران کارگر خراسانی شاغل در شوروی و آمد و شد آذربایجانی‌های ایران - که سابقه طولانی‌تری در آشنایی با افکار سوسیالیستی داشتند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۸۹) - و در برخی صنایع خراسان از جمله قالی‌بافی فعال بودند - این موضوع را تسهیل و تسریع کرد (راستی، شماره ۷؛ آذریاد و حشمتی، ۱۳۷۲، ص ۱۷). در نیمه جنگ جهانی دوم و پس از حمله سراسری آلمان هیتلری به خاک شوروی، این کشور نیز به نیروهای متفق پیوست. متفقین برای متوقف کردن آلمان و کمک به شوروی بی‌طرفی ایران را، به بهانه همراهی‌های رضاشاه با دول محور، نادیده گرفتند و با اشغال کشور راه کمک‌رسانی به شوروی را باز کردند؛ در این اقدام شوروی از شمال و بقیه متفقین از جنوب به ایران وارد شدند. خراسان از مناطقی بود که شاهد حضور ارتش سرخ شوروی بود. زیرمجموعه‌های شوروی شامل ارتش، کنسولگری و نیز انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در مشهد، بازیگران قابل‌اعتنایی بودند. از پیامدهای حضور آن‌ها رسوخ اندیشه‌های چپ‌گرایانه بود. انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی نقش مهمی در ورود و تعمیق این افکار داشت. فعالیت‌های این انجمن - که در سایه حمایت ناشی از حضور مستقیم ارتش سرخ شوروی انجام می‌شد - باب ورود بسیاری از نخبگان به حزب توده شد.

حزب توده در استان نهم (خراسان) اگرچه به وسعت دیگر استان‌های شمالی (مازندران، آذربایجان، تهران)، بانفوذ و تأثیرگذار نبود، ولی در تاریخ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این استان جزو منضبط‌ترین و با برنامه‌ترین احزاب به حساب می‌آمد. در همان زمان اعضای مرکزی شاخه ایالتی حزب توده در خراسان نیز، به دنبال دلایل این عدم توفیق بودند. روزنامه راستی، ارگان آن‌ها در سلسله‌مقالاتی با نام «مقایسه خراسان و آذربایجان» به دلایل آن پرداخته است (راستی، ۱۳۲۵/۳/۲، ص ۳۳۱، و ۱۳۲۵/۳/۵، ش ۳۳۲، ص ۱).

از آنجاکه بزرگ‌ترین گروه جذب‌شده در حزب توده (در سطح کشور) و همچنین

بیشترین برنامه طبقاتی حزب مربوط به کارگران بود، از نگاه فعالان حزب در خراسان، کمبودن افراد این گروه در استان، از عوامل اصلی ضعیف بودن آهنگ رشد محسوب می‌شد. تعداد کارگران صنایع جدید و سنتی خراسان در سال ۱۳۲۵، تنها پنج هزار نفر بود. عمده کارگرانی هم که در صنایع سنتی کار می‌کردند، وابسته به ساختارهای سنتی صنفی خود بودند و به‌سختی جذب شعارهای حزب توده می‌شدند. کمبودن تعداد کارگران، معلول شرایط خاص استان خراسان بود. اقتصاد خراسان تا حد زیادی اقتصاد کشاورزی بود و حرکت به سمت صنایع تبدیلی در دستور کار قرار نداشت؛ نیز سرمایه‌داران خراسانی چندانی وارد عرصه صنایع و تولید نمی‌شدند. ناکافی بودن صنایع دولتی و نبود صنایع خصوصی، سرمایه‌ها را به سمت الگوی تجارت مواد خام استان سوق می‌داد. وفور کالاهای روسی - که با قیمت تمام‌شده مناسب می‌توانست در دسترس مصرف‌کنندگان قرار گیرد و در حاشیه، سود مناسبی هم برای تجار و واردکنندگان داشته باشد - در بی میلی سرمایه‌داران خراسانی برای ورود به عرصه سرمایه‌گذاری تولیدی و صنعتی نقش داشت. خراسان از لحاظ موقعیت جغرافیایی اش، در طول تاریخ محل عبور مسیرهای مهم تجارتهای ایران بود؛ ولی در این دوره، اثری از تجارت پررونق با شرق وجود نداشت. یکی از همسایگان خراسان افغانستان بود که دوران پر آشوب سیاسی را می‌گذراند و یکی هم شوروی بود که در نزدیکی مرزهایش با خراسان صنایع مهمی نداشت و عمده صنایع نزدیکش به مرزهای ایران در همسایگی استان آذربایجان مستقر بود و در نتیجه مبادلات بازرگانی هم از آن سو انجام می‌شد (راستی، ۱۳۲۵، ش ۳۳۱، ص ۳). از زمینه‌های پذیرش این حزب در خراسان که بگذریم، باید اذعان کرد که بسیاری از شعارهای مطرح‌شده به‌وسیله حزب برای طبقات مختلف مردم پرجاذبه بود. طرح این شعارها پس از دوره خفقان پهلوی اول که خراسان، به‌ویژه طعم آن را چشیده بود، سبب گرایش بسیاری از فعالان و آگاهان این استان به سمت مشارکت در ساختار و فعالیت حزب توده شد (الهی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۲ و ۱۶۷).

کمیته ایالتی حزب توده خراسان به‌وسیله محمود بقراطی در فروردین ۱۳۲۱ از متشکل کردن هسته‌هایی شکل گرفت که قبل از اعلام رسمی هم فعالیت می‌کردند. اولین ارگان آن روزنامه اردیبهشت بود که در دی‌ماه ۱۳۲۱ توقیف شد و به‌جای آن روزنامه راستی اجازه انتشار گرفت (راستی، ۱۳۲۲/۳/۴، ش ۱۴، ص ۱). کمیته ایالتی اولین کنفرانس ایالتی را در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۲۲ تشکیل داد (راستی، ۱۳۲۲، ش ۸، ص ۳). حزب در سال اول به‌جز در مشهد، در شهرستان‌ها چندان توفیقی نیافت. به‌نظر می‌آید اصلی‌ترین دلیل این نفوذناپذیری، ساختارهای سنتی فکری-فرهنگی و اجتماعی بود که به‌میدان آوردن مردم را برای فعالیت‌های سیاسی و حزبی دشوار می‌کرد. امری که فعالان سیاسی انقلاب



اسلامی نیز تا شروع روند تند انقلاب با آن مواجه بودند.

شاخه ایالتی خراسان به آرامی توانست تشکیلات خود را وسعت دهد و کمیسیون‌های مختلف خود را به وجود آورد که شامل کمیسیون مالی، تشکیلات، تفتیش، تبلیغات، ورزشی و کنفرانس بودند و الگویی از کمیسیون‌های مرکز بودند. به جز ساختار کمیته مرکزی و کمیسیون‌ها، حزب توده خراسان چند سازمان و اتحادیه دیگر را نیز تحت لوای خود داشت. مهم‌ترین آن‌ها، اتحادیه کارگران خراسان بود که بعدها نام «شورای ایالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان خراسان» یافت. اتحادیه در دی‌ماه ۱۳۲۱ به وجود آمد و در اغلب کارخانه‌های خراسان حضور داشت و کارگران را در راستای برنامه‌ها و اعتصاب‌های خود متشکل می‌کرد. حزب توده به‌مرور دایره فعالیت‌های خود را به بیشتر مشاغل کشاند و برای هر صنف، اتحادیه‌ای تشکیل داد: اتحادیه معلمان و کارمندان فرهنگ، اتحادیه رفتگری، اتحادیه کارمندان، اتحادیه پیشه‌وران، اتحادیه درشکه‌چی‌ها، اتحادیه هنرپیشگان، اتحادیه قالی‌باف‌ها، اتحادیه کفاشان، اتحادیه رانندگان (راستی، ۱۳۲۴، ش ۳۹۸، ص ۳). سازمان جوانان نیز از تشکل‌های اقماری توده بود که در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۲ اعلام موجودیت کرد (راستی، ۱۳۲۲/۲/۲۵، ش ۱۱، ص ۱).

کمیته ایالتی خراسان کلویی داشت که اجتماعات در آن برگزار می‌شد. حزب برای پیشبرد اهداف خود به در دست داشتن فضای مطبوعاتی نیز نیاز داشت. به همین جهت علاوه بر روزنامه راستی، دیگر روزنامه‌های هم‌حزبی‌اش را نیز در سایر نقاط کشور در دسترس اعضا قرار می‌داد (راستی، ۱۳۲۴/۵/۱، ش ۲۳۶، ص ۲) و یا در جایگاه‌هایی در سطح شهر نصب می‌کرد (راستی، ۱۳۲۵/۵/۲۴، ش ۳۶۳، ص ۲). مطبوعات توده‌ای از شبکه‌های منظم توزیع بهره می‌بردند که تابعی از نظم و تشکیلات حزب به‌شمار می‌آمد (راستی، ۱۳۲۴/۵/۳۱، ش ۲۴۶، ص ۴). ایجاد کتابخانه و قرائت‌خانه نیز (راستی، ۱۳۲۴، ش ۳۷۳، ص ۲ و ۱۳۲۴، ش ۲۱۹، ص ۳ و ۱۳۲۴، ش ۲۳۰، ص ۲؛ رزم، ۱۳۲۴، شماره ۱۳، ص ۳) دایره نفوذ روزنامه‌ها و نیز کتاب‌های مدنظر حزب را افزایش داد.

شاخه ایالتی خراسان بعد از تثبیت در مرکز، توجه خود را برای تشکیل شاخه‌های ولایتی متمرکز کرد. سبزوار، قوچان و نیشابور جزو اولین شهرهای مورد توجه بودند. به نسبت بالارفتن موفقیت‌های حزب در سطح کشور و پیشروی‌های آن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، هسته‌های طرفداران و حامیان توده در دیگر شهرها هم به وجود می‌آمد و سپس کمیته‌های ولایتی شکل می‌گرفتند. در شهرها و مناطقی که ساختارهای سنتی ایلی و مذهبی قوی داشتند نفوذ حزب توده به‌سختی انجام می‌شد. طبس و کاشمر و گناباد از سنخ شهرهای با بافت مذهبی قوی بودند. شهرهای جنوب خراسان نیز به این جهت و هم به دلیل نفوذ

فراوان خاندان علم سال‌ها در مقابل حزب مقاومت کردند.

با قدرت‌گیری اجتماعی حزب، دو تن از اعضای کمیته ایالتی خراسان محمد پروین گنابادی از سبزوار و شهاب فردوس از تون و گناباد توانستند به مجلس چهاردهم راه یابند (طبری، ۱۳۶۶، ص ۲۷). با ورود حزب به کابینه، نفوذ حزب در دستگاه‌های دولتی خراسان افزایش یافت؛ ولی با ختم ماجرای آذربایجان، این حرکت نیز خاتمه یافت (ندای خراسان، ۱۳۲۴/۹/۱۱، ش ۲۴؛ ۱۳۲۵/۱۰/۵، ش ۲۹؛ آزادی، ۱۳۲۵، ش ۲۴۱۳، ص ۳). توده در میان قضات و دستگاه قضا نیز علاقه‌مندانی داشت که در مواقع ممکن به مشکلات حقوقی اعضا و هواداران رسیدگی می‌کرد (الهی، ۱۳۸۲، ص ۹۱؛ مجید فیاض، ۱۳۸۱، ص ۸۵؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۲۰۰۴). از دیگر اقشاری که حزب توده توانست به آن نفوذ کند، نظامیان بودند. از حوادث مهم مرتبط با آنان، قیام افسران خراسان بود که در سال ۱۳۲۴ رخ داد. اغلب اعضای شرکت‌کننده در این حرکت کشته شدند و معدودی نیز به شوروی فرار کردند (تفرشیان، ۱۳۶۷، صص ۶۲-۸۴). پس از ماجرای ترور شاه، حزب در خراسان به فعالیت‌های زیرزمینی پرداخت. در سال‌های نهضت نفت با هواداران پرشمار خود به صحنه بازگشت؛ ولی این حضور نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد خاتمه یافت و دستگیری گسترده اعضا و هواداران آغاز شد. موج این برخوردها به‌ویژه پس از کشف سازمان افسران حزب آن‌چنان سنگین بود که توده در خراسان دیگر نتوانست حضوری کارآمد داشته باشد.

حزب توده و آموزش در خراسان

در طول تاریخ، بر وجود رابطه، میان آموزش و طرز فکر و عمل سیاسی افراد جامعه تأکید شده‌است و دولت و جریان‌های سیاسی به این امر توجه خاصی داشته‌اند. در دوره سلجوقی و صدارت خواجه نظام‌الملک، مدارس نظامیه با هدف ایجاد و تقویت بینش سیاسی-مذهبی خاصی تشکیل شد. نظامیه‌ها اساساً نهادهای سیاسی بودند و کارکرد آموزشی آن‌ها تحت‌الشعاع اهداف سیاسی آن‌ها بود. اسماعیلیه نیز بر تولید متون آموزشی مبتنی بر آموزه‌های سیاسی-مذهبی خود تأکید داشتند. پیوند آموزش و سیاست در دوره معاصر به دلیل عمومی شدن و گسترش آن، عمیق‌تر و وسیع‌تر شده‌است. همگانی شدن آموزش با گسترش میل به مشارکت سیاسی ارتباط مستقیم دارد و از آنجایی که دیگر گروه‌های سیاسی در مقایسه با حزب توده در آن برهه زمانی برنامه‌چندانی برای شکار این میل بیدار شده نداشتند، توفیق حزب افزایش می‌یافت. محتوای آموزشی مهم‌تر از گسترش کمی است. هر نظام سیاسی متناسب با اهداف خود به تولید محتوا می‌پردازد (رنجبر، ۱۳۸۷، صص ۱۶۰-۱۶۹) و رژیم پهلوی نیز از این امر مستثنا نبود. محصول چنین



نظامی با آنچه حزب توده می‌خواست متفاوت بود. به‌همین دلیل هجمه به این نظام تربیتی مورداهتمام جدی حزب و مطبوعات آن قرار داشت (راستی، ۱۳۲۵/۵/۲۹، ش ۳۶۴، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۴، شماره ۳۳۹، ص ۲).

برش قشری هواداران و اعضای حزب توده در خراسان، با دیگر مناطق تفاوت داشت. کمیته ایالتی خراسان، مانند آذربایجان، جنوب و یا تهران، جنبش کارگری قوی‌ای در اختیار نداشت. فضای مذهبی قوی خراسان نیز مانع بزرگ دیگر در مقابل حزب بود؛ بنابراین حزب توده برای شروع حرکت خود، نیاز به اقشاری داشت که وجود و مزیت حزب و کار حزبی را باور کنند. دانش‌آموزان از گزینه‌های اصلی و مناسب حزب توده بودند. دانش‌آموزان هنگامی که در حزب پرورش می‌یافتند، می‌توانستند در آینده در دانشگاه و یا محیط کار، بسترهای فراهم‌سازی اهداف حزب را فراهم نمایند. آنچه حزب را در این مسیر یاری می‌داد، فضای ویژه پس از سقوط رضاشاه بود. مردم پس از سال‌ها سرکوب و تحمل فضای امنیتی، آزادی بیان و اجتماعات را تجربه می‌کردند. سربرآوردن قارچ‌گونه مطبوعات (صرف‌نظر از اهداف آن‌ها)، آگاهی‌های سیاسی مردم را افزایش داد و قبول این‌گونه فعالیت‌ها را آسان‌تر کرد. به‌جز این، دانش‌آموزان ویژگی‌های دیگری نیز داشتند که حزب را به سرمایه‌گذاری روی آنان امیدوارتر می‌کرد. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها آرمان‌گرایی بود که از ویژگی‌های بارز سنین نوجوانی و جوانی به حساب می‌آید (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نراقی، ۱۳۵۶، ص ۲۱۶). حزب توده در فضای باز سال‌های ابتدای دهه ۳۰ یعنی ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵، بر آرمان‌های مدنظر خود تأکید بسیاری داشت که برای بسیاری از دانش‌آموزان جذاب بود. آرمان‌هایی مانند نابودی فقر و بیکاری، توسعه صنایع و کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، سهم‌کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، حقوق بازنشستگی، بیمه، تقسیم زمین میان کشاورزان، از میان‌بردن نظام ارباب‌رعیتی (راستی، ۱۳۲۴/۱۱/۲۲، ش ۳۰۳، ص ۱). از آنجاکه حزب برای دست‌یافتن به شعارهایش وارد عمل نیز شده بود و مبارزه‌ای مستمر را در ابعاد مطبوعاتی در کنار آن پیش می‌برد، آرمان‌ها و در نتیجه حزب، به‌سرعت به‌وسیله دانش‌آموزان پذیرفته می‌شد. موفقیت حزب در برپایی چندین تحصن و دست‌یابی به شروط تعیین‌شده، وجهه حزب را در نگاه دانش‌آموزان ممتاز ساخت.

دیگر ویژگی خاص دانش‌آموزان، فراغت بال آن‌ها از مسئولیت‌های اجتماعی بود. آنان به‌راحتی می‌توانستند مسئولیت‌های تشکیلاتی را بپذیرند و ساعت‌ها صرف انجام آن کنند. به‌دلیل همین وقت آزاد، حزب می‌توانست با برنامه‌های متنوع، آگاهی‌های حزبی-تشکیلاتی ضروری را به آنان بدهد و به‌دلیل تحلیل سطحی آنان درباره تحولات جامعه، تحلیل‌های خود را در ذهن آنان جای بدهد. آن‌ها بهتر از دیگر رده‌های سنی، آموزش‌ها را می‌پذیرفتند

و انضباط حزبی را رعایت می کردند. دانش آموزان شبکه‌ای وسیع بودند که تقریباً میان همه اقشار پراکندگی داشتند و می توانستند نظرات و خواسته‌های حزب را به سرعت منتقل کنند. این پراکندگی و عملکرد سریع سبب می شد حزب در بسیاری از هزینه‌ها از جمله تبلیغات صرفه‌جویی کند و راه تبلیغ برای جذب سایر اقشار به سوی حزب کم‌هزینه باشد. برای همین، حزب بسیاری از کارهای خود را از جمله شعارنویسی و پخش اعلامیه به آنان می سپرد (ساکما، ۵۲۸۸۳-۲۹۷؛ نورمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶).

هیجان‌طلبی دانش آموزان عامل دیگری بود (هالبواکس، ۱۳۶۹، ص ۱۶؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۵۱۰) که حزب حساب ویژه‌ای روی آن باز کرده بود. به‌ویژه آنکه، جامعه نیز به‌طور کلی دوره‌ای از نقش‌آفرینی مستقیم مردم را تمرین می کرد. فضای پس از اختناق رضاشاهی، این روحیه خفته را در مردم بیدار کرده بود و عامل مضاعفی بر هیجان‌طلبی جوانان بود. حزب توده به سبب داشتن تشکیلات سلسله‌مراتبی و واگذاری مسئولیت‌ها به اعضا و هویتی که برای آنان قائل بود، این ویژگی دانش آموزان را ارضا می کرد. آن‌ها می توانستند در ساختاری منظم قرار بگیرند و فعالیت کنند، امری که تا آن زمان کم‌سابقه بود و شرکت در آن هیجان داشت، مراسمی مانند: مبارزات اجتماعی، میتینگ، تحصن و مشابه آن‌ها. دیگر برنامه‌هایی هم که به‌طور خاص برای دانش آموزان طراحی شده بود مانند اردوهای ویژه و مسابقات ورزشی و فرهنگی (راستی، ۱۳۲۵/۷/۱۸، ش ۳۸۱، ص ۴) در همین راستا قرار داشت. حزب توده در جذب دانش آموزان -از جمله در خراسان- توفیق زیادی یافته بود (ساکما، ۵۲۸۸۳-۲۹۷). این ادعا که حزب لایق‌ترین جوانان را جذب خود کرده بود تا حد زیادی واقعیت داشت. انعکاس فعالیت‌های صورت گرفته در مدارس در روزنامه‌های آن سال‌ها در مشهد نشان می دهد که سهم مهمی از آن را دانش آموزان عضو سازمان جوانان عهده‌دار بوده‌اند.

حوزه آموزش، محور اصلی فرهنگ هر جامعه محسوب می شود و سلامت جامعه در ابعاد مختلف به سلامت این حوزه بستگی دارد. حزب توده به اهمیت بنیادین این بخش آگاه بود و اصلاح آن را در صدر خواسته‌های خود قرار داده بود (راستی، ۱۳۲۴/۱۱/۲۲، ش ۳۰۳، ص ۲). گفته شد که نفوذ در ساختارهای سنتی ایران برای حزب توده دشوار بود، این دشواری با اتهاماتی مانند بی‌دینی و هم‌دستی با کفار روس -که همواره برای آنان مطرح بود- معادله پیچیده‌ای را پیش روی آنان قرار داده بود؛ بنابراین حزب توده در کنار تلاش برای نفوذ آرام در وضعیت موجود با تکیه بر آرمان‌های عدالت‌طلبانه و اصلاحی باید به اصلاح نسل بعدی هم می پرداخت و برای ترسیم وضعیت مطلوب به دانش آموزان دل می بست؛ بدین جهت باید بدینی به نظام آموزشی موجود را ایجاد می کرد؛ پس تهاجم مستمر خود را به آموزش رضاشاهی آغاز کرد که از نظر حزب تداوم داشت. القابی مانند فرهنگ استعماری



و مستعمراتی، کلیدواژه اصلی انتقادات و حملات حزب و مطبوعات وابسته بود. به اعتقاد صاحب‌نظران توده‌ای، میراث رضاخانی، دانش‌آموزان یعنی آینده‌سازان را زیون و جیون بار می‌آورد و به آنان قدرت تحلیل و درک جامعه و تحولات آن را نمی‌داد؛ ضمن آنکه حزب مدعی بود مواد درسی نیز از دنیا عقب است (راستی، ۱۳۲۵/۵/۲۹، ش ۳۶۴، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۴، شماره ۳۳۹، ص ۲).

حزب در کنار هجمه به مدیریت فرهنگ، از دید خود و از راه‌های مختلف در اصلاح آن کوشید، چراکه دانش‌آموزان بودند که با آموزش صحیح می‌توانستند آرمان‌های حزب را در آینده تحقق ببخشند. با تربیت سیاسی-اجتماعی می‌شد آنان را مغزهای متفکر دوره‌های بعدی حزب کرد. چنان‌که برخی از افراد حاضر در تشکیلات حزب در موج دوم (نهضت نفت) و موج سوم (انقلاب اسلامی)، دانش‌آموزانی بودند که در دوره اول با تشکیلات ارتباط داشتند (راستی، ۱۳۲۲/۳/۴، ش ۱۴، ص ۲). به‌طور حتم اگر حزب توده با انقطاع‌ها و واکنش‌های شدید علیه خود مواجه نبود این حرکت تاحدزیادی می‌توانست به جریان تضمین‌شده‌ای برای کادرسازی برایش تبدیل شود؛ ولی حزب در این مسیر با دشواری‌های بسیاری روبرو بود: متولیان آموزش افرادی وابسته به نظام شاهنشاهی بودند و مواد آموزشی هم با آنچه حزب می‌خواست مخالف بود. حزب توده با روش‌های خاصی وارد میدان شد؛ به هر سه ضلع این حوزه یعنی دانش‌آموزان، معلمان و سیستم مدیریتی توجه کرد و کار روی هر سه ضلع را به‌طور همزمان آغاز کرد. تلاش زیادی برای جذب معلمان انجام داد، چون حتی اگر مواد نامطلوب آموزشی هم باقی می‌ماند با وجود معلمی که نگاه انتقادی به آن داشت اثرگذاری کمتری برای آن متصور بود.

دوره اول ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷

سازمان جوانان توده متولی اصلی کار روی دانش‌آموزان بود. این سازمان در خراسان در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۲ تشکیل شد (راستی، ۱۳۲۲/۲/۲۵، ش ۱۱، ص ۳). رهبری سازمان با شهیدی بود و رضا رادمش، رئیس جوانان مرکز نیز عضو افتخاری آن بود. سازمان جوانان خراسان نیز مانند مرکز سه کمیسیون داشت: کمیسیون تبلیغات، کمیسیون تشکیلات و کمیسیون مالی. اعضای اصلی اولین کنفرانس آن اکبر صالحی، تقی اسدی، محمدحسن خوششانی، میرزمان خوششانی، محمدعلی معتمدزاده، غلامحسین مولائی و مهدی اخوان بودند (رزم، ۱۳۲۵، ش ۷، ص ۴). این سازمان برای دانش‌آموزان نیز نوعی سیستم سایه طراحی کرد که از راه‌های مختلف آنچه از نظر حزب برای تربیت صحیح لازم بود به آن‌ها منتقل می‌کرد. گام اول در این کار جذب آنان به‌سوی حزب بود تا بتواند آنان

را در برنامه‌های طراحی شده وارد کند (راستی، ۱۳۲۲/۲/۲۸، ش ۱۲، ص ۴). اولین تبلیغات در مدارس یا ازسوی معلمان انجام می‌شد و یا ازطریق دانش‌آموزانی که قبل‌از آن با حزب آشنا بودند. این دانش‌آموزان که عهده‌دار تبلیغ میان همکلاسی‌های خود می‌شدند، عموماً ویژگی‌های ممتازی مانند تیزبینی، بیان جذاب و مستدل و نفوذ کلام داشتند (مجید فیاض، ۱۳۸۱، ۸۵). آن‌ها به انضباط حزبی وارد بودند و دستورات رده‌های بالاتر را به اعضای مدارس منتقل می‌کردند و به‌خوبی در اجرای آن مراقبت می‌کردند (نورمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

دانش‌آموزان عضو حزب، برای عضوگیری ازبین دانش‌آموزان دیگر، مدت‌ها با بحث‌های خود، ذهن دانش‌آموزان را درگیر می‌کردند و با تشریح نابسامانی‌های کشور و عرضه راه‌حل‌ها و آرمان‌های حزب آنان را جذب حزب می‌کردند (راستی، ۱۳۲۵/۵/۲۹، ش ۳۶۴، ص ۱)؛ روندی که می‌توانست طولانی و یا کوتاه باشد. پس‌از آن فرد درخواست عضویت خود را با مدارک لازم مثل شناسنامه و تعدادی عکس به‌وسیله رابط و یا معرف خود به سازمان می‌داد. دانش‌آموزان پس از ورود به‌دلیل تدابیر امنیتی، نام مستعار داشتند و تحت سرپرستی مسئولی قرار می‌گرفتند که عضو باسابقه‌تر بود (ساکما، ۵۲۸۸۳-۲۹۷). تا مدت‌ها به اعضای تازه‌وارد کاملاً اعتماد نمی‌شد و همه برنامه‌ها نیز به آن‌ها اطلاع داده نمی‌شد. پس از کسب اطمینان از وفاداری افراد جدید، آنان هم در جریان فعالیت‌ها قرار می‌گرفتند و به‌طور مستمر در جلسات هفتگی سازمان در مکان‌های مختلف شرکت داده می‌شدند تا هم آگاهی‌های آن‌ها افزایش یابد و هم آمادگی لازم در آن‌ها برای ایفای وظایف تازه و مأموریت‌های در نظر گرفته‌شده به‌وجود آید.

دانش‌آموزان پس از جذب، به برنامه‌های متنوع حزب متصل می‌شدند که یا اختصاصاً برای آنان طراحی شده بود و یا برای حضور آنان جایگاه ویژه‌ای قائل شده بود. این برنامه‌ها نیز معمولاً پوششی برای انتقال مفاهیم مدنظر حزب بود. از جمله این برنامه‌ها برپایی کلاس‌های هنری مانند موسیقی و تئاتر بود. محتوای بیشتر این کلاس‌ها ملهم از مارکسیسم بود (الهی، ۱۳۸۲، صص ۸۱ و ۹۱). حزب بر بهره‌گیری از ابزارهای هیجانی و جذاب تأکید داشت. نمایش فیلم برای دانش‌آموزان از آن جمله بود. در سال‌های مدنظر تماشای فیلم محدود به قشرهای خاصی بود و جزء گزینه‌های لوکس زندگی بود. آوردن این امکان در میان فرزندان اقشار متوسط و پایین جاذبه زیادی داشت. نگاه منتقدانه نیز به این آثار به‌ندرت میان آن‌ها دیده می‌شد؛ بنابراین اثرگذاری بسیاری داشت. فیلم‌ها به‌طور ویژه تولید شوروی بود و هدف آن برقراری پیوند میان آنان و شوروی - که حزب آن را سردمدار جنبش کارگری جهان می‌دانست - و به‌نوعی مدیریت ذهن‌ها و عاطفه‌ها بود. فیلم «سان پیروزی در مسکو»



از آن جمله بود که روایتی حماسی از نیروهای نظامی شوروی بود (اخبار تازه روز، ۱۳۲۴، شماره ۲۶۰، ص ۳). تئاتر نیز از دیگر مظاهر فرهنگی جدید بود که حزب از آن استفاده می‌کرد. اغلب دانش‌آموزان مستعد در این زمینه، جذب کلاس‌های هنرپیشگی و بعد تیم تئاتر حزب می‌شدند و به اجرای نمایش‌هایی می‌پرداختند که مستقیم یا غیرمستقیم اهداف حزب توده را تبلیغ می‌کرد (راستی، ۱۳۲۳/۳/۵، ش ۱۰۷، ص ۲). برقراری جشن‌های ویژه و مناسبتی نیز در این زمره قرار داشتند. از جمله جشن جهانی جوانان که مهمان ویژه آن دانش‌آموزان و به‌ویژه دبیرستانی‌ها بودند.

همچنان‌که گفته شد میان سطح سواد افراد و گرایش به توده رابطه مستقیم برقرار بود و از این طریق بود که مفاهیم حزب درونی می‌شد. به‌همین دلیل حزب تلاش بسیاری برای گسترش سواد به‌طور رایگان میان مردم انجام می‌داد. بدین معنی که جدای از اینکه گسترش سوادآموزی جزء اهداف تعیین‌شده حزب بود، خود سوادداشتن نیز می‌توانست ابزار گسترش اهداف حزب شود؛ سوادداشتن هم علت موجبه و هم مَقْومَه^۱ حزب بود. در این باره حزب کمیسیون ویژه‌ای را با نام «کمیسیون تعلیمات عمومی» تشکیل داد که بعدها به «کمیسیون مبارزه با بی‌سوادی» تغییر نام داد و از معلمان و دانش‌آموزان برای تدریس بهره‌گیری کرد. حضور این افراد بین مردم و دیدن فاصله طبقاتی و محرومیت اقشار پایین، در عمق‌بخشی به پیوند آن‌ها با آرمان حزب در مبارزات اجتماعی موثر بود. از نگاه حزب «بهترین راه مبارزه با ارتجاع حاکم و زور و... با سوادکردن مردم بود» (راستی، ۱۳۲۲، شماره ۱۷ و ۱۳۲۴/۷/۹، ش ۲۶۰، ص ۳). برای همین خواستار اجرایی شدن قانون تعلیمات اجباری از سوی دولت شد و خود حرکت را در این مسیر آغاز کرد (رهبر، ۱۳۲۱، ش ۶، ص ۲). مطالعات مرتبط و طرح درس‌ها فراهم شد (راستی، ۱۳۲۵/۲/۵، ش ۳۲۱، ص ۳) و به‌جز معلمان برای دانش‌آموزان داوطلب، نیز فنون آموزش تدریس شد. حزب در ارگان‌های مختلف از داوطلبان درون‌سازمانی برای سوادآموزی به بی‌سوادها و اطفال آنان استفاده می‌کرد؛ مدرسین موفق نیز، تشویق می‌شدند (بشر، ۱۳۲۵/۷، ش ۲۱، ص ۲).

این کلاس‌ها در خراسان نیز مانند دیگر مناطق کشور در دو سطح برگزار می‌شد. برای بزرگ‌سالان و برای کودکان، نوجوانان و جوانان جامانده از تحصیل. کمیته ایالتی در آغازین روزهای تأسیس خود به برگزاری آن اقدام و تشکیل آن را از رئوس برنامه‌های خود اعلان کرد (راستی، ۱۳۲۲/۳/۱۵، ش ۱۷، ص ۱)؛ نام‌نویسی آن را دفاتر و کلوب‌های حزب انجام می‌دادند. آموزش سواد ابتدایی تا کلاس‌های دبیرستان (راستی، ۱۳۲۴/۷/۹، ش ۲۶۰، ص ۲) از سوی کمیسیون تعلیمات عمومی و کمیسیون مبارزه با بی‌سوادی در دستور کار قرار داشت که در سطح شهر مشهد در چند نقطه و در شهرستان‌ها معمولاً در یک مکان برگزار می‌شد.

۱. مَقْومَه: تقویت‌کننده



بسیاری از افراد بی بضاعت که به دلیل اشتغال، از تحصیل باز مانده بودند به دلیل برگزاری آن در ساعات پایانی روز امکان استفاده از آن را داشتند (راستی، ۱۳۲۴/۹/۸، ش ۲۸۰، ص ۳). البته دولت و مخالفان صاحب نفوذ در دستگاه‌های دولتی، این کلاس‌ها را بستر رشد افکار مارکسیستی می‌دانستند و از تمام تلاششان برای تعطیلی آن‌ها استفاده می‌کردند. استدلال مخالفان این بود که در مدارس دولتی با وجود نظارت، نفوذ حزب در میان دانش‌آموزان بالا رفته‌است؛ پس در کلاس‌هایی که زیر نظر حزب و خارج از نظارت وزارت فرهنگ تشکیل شود، مرام حزب آسان‌تر عرضه و عضوگیری انجام خواهد شد؛ ولی حزب این اقدام مخالفان را ارتجاع می‌نامید (ظفر، سال سوم، شماره ۳۹۳، ص ۱).

انجمن‌های فعال در دبیرستان‌ها هم از دیگر مجاری نفوذ حزب توده بودند. این انجمن‌ها نیز بیشتر در مشهد فعال بودند. اکثر دانش‌آموزان فعال و با استعداد عضو توده به این انجمن‌ها می‌رفتند (راستی، ۱۳۲۳/۱۲/۲۷، ش ۱۸۸، ص ۲) و سبب گرایش دانش‌آموزان دیگر هم می‌شدند. انجمن سخنرانی، از شخصیت‌های مطرح کشوری و استانی دعوت می‌کرد. ضمن آنکه با انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی هم از طریق حزب در ارتباط بود و از نفوذ و قدرت آن‌ها برای بالابردن کیفیت سخنرانی‌های خود استفاده می‌کرد (راستی، ۱۳۲۵/۶/۱۱، ش ۳۶۹، ص ۲). در انجمن ادبی، دانش‌آموزانی عضویت داشتند که شاعران خوبی بودند؛ مانند ناصر عاملی و رضا پیرزاد که مرام حزب را به‌خوبی در اشعار قوی خود منعکس می‌کردند. همچنین افرادی با استعداد نویسندگی نیز در این انجمن حضور داشتند و برخی مطالبشان در روزنامه راستی چاپ می‌شد. عرضه برنامه مطالعاتی مدنظر حزب اغلب به عهده این انجمن بود.

انجمن نمایش نیز برنامه‌های متنوعی داشت و جشن‌ها و برنامه‌های مدارس را رونق می‌بخشید. برخی از این نمایش‌ها به نسبت آن روزها بسیار باکیفیت بود و رؤسای دستگاه‌های دولتی نیز در آن شرکت می‌کردند و در برخی مواقع نمایش‌ها برای عموم مردم و در سالن‌های اصلی مشهد به نمایش درمی‌آمد. این نمایش‌ها و تئاترها از منابع درآمد حزب به‌شمار می‌رفت. حزب مدعی بود در اکثر برنامه‌های این چنینی حزب، اکثر روشنفکران استان، مهندسين، دكترها، ليسانسيه‌ها و دانش‌آموزان شرکت می‌کنند (راستی، ۱۳۲۵/۱/۳۱، ش ۳۲۰، ص ۲). در برخی مواقع گویا این نمایش‌ها بدون اجازه شهربانی در خارج از مدارس هم برگزار می‌شد (ساکما، ۱۳۳۱: ۵۲۸۰-۲۹۷). جمع‌آوری پول از میان دانش‌آموزان با عرضه بلیت یکی از روش‌های تأمین مالی فعالیت‌های دانش‌آموزی بود. از شهرستان قوچان گزارش‌های بسیاری درباره این فعالیت‌ها باقی مانده‌است (ساکما، ۵۲۸۳-۲۹۷). فعال‌ترین انجمن‌ها در دبیرستان‌های مشهد مستقر بودند.



آنچه حضور گسترده حزب توده را در مدارس مشهد تداوم می‌بخشید، بهره‌گیری این حزب و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی از سالن‌های مدارس برای اجرای برنامه‌های خود بود. حزب برای برگزاری سخنرانی‌های علمی-اجتماعی و نمایش‌های خود به این اماکن نیاز داشت و تا زمانی که قانونی بود، با وجود کارشکنی‌ها از آن‌ها استفاده می‌کرد (راستی، ۱۳۲۵/۲/۱۹، ش ۳۲۶، ص ۴). رؤسای ادارات فرهنگ، اگر از مخالفان سرسخت حزب نبودند، در صورتی که ضروری از آن فعالیت‌ها مشاهده نمی‌کردند، با برگزاری آن‌ها در سالن‌های مدارس مخالفتی نداشتند (راستی، ۱۳۲۴، ش ۳۸۳، ص ۲). دانش‌آموزان از اصلی‌ترین شرکت‌کنندگان این برنامه‌ها بودند. برنامه‌هایی مانند «یادبود کالینین» رئیس سابق اتحاد جماهیر شوروی، «ادبیات روس» و «سازمان اجتماعی شوروی» در دبیرستان شاهرضا و سخنرانی‌های حزب در هنرستان صنعتی، از این دست فعالیت‌ها به‌شمار می‌رفت (راستی، ۱۳۲۵/۷/۶، ش ۳۷۸، ص ۲ و ۱۳۲۴/۵/۱۵، ش ۲۴۱، ص ۳ و ۱۳۲۵/۳/۱۴، ش ۳۳۶، ص ۳).

گام بلند دیگر حزب توده برای فتح حوزه آموزش و فرهنگ، رسوخ در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری آن بود و اگر حضور حزب در ساختار قدرت و دولت ادامه می‌یافت، به انجام تغییرات اساسی در حوزه سیاست‌گذاری کلان آموزشی منجر می‌شد؛ ولی قبل از اینکه این حضور باعث تغییر کیفی در فرهنگ شود عمر قدرت سیاسی آنان پایان یافت. با وجود این می‌توان از برخی اقدامات موثر آنان نام برد. در این راستا در سال ۱۳۲۲ طرحی با نام استقلال فرهنگ (آموزش و پرورش) از سیاست به‌وسیله دکتر صدیق عرضه شد. حزب توده با حضور افراد مرتجع در فرهنگ - که می‌توانستند مانعی برای فعالیت‌های توده باشند - مخالفت و در روزنامه‌های خود سخت به آنان حمله کرد. حزب تلاش کرد وارد این هسته تصمیم‌گیری شود که البته این طرح موافقت را برای اجرا کسب نکرد (رهبر، ۱۳۲۴، ش ۴۷۱، ص ۲).

پس از حضور دکتر کشاورز در کابینه در مقام سرکار دار فرهنگ و آموزش و انتصاب هدایت‌الله شهاب‌فردوس به ریاست فرهنگ خراسان، شهاب‌فردوس نیز برای ورود به این عرصه تلاش کردند. شهاب‌فردوس عضو کمیته ایالتی حزب در خراسان بود و اقدام او را می‌توان در کارنامه حزب جای داد. اقدام او تشکیل «شورای آموزش» مرکب از ریاست فرهنگ، ریاست بازرسی فرهنگ، پنج تن از رؤسای دبیرستان‌ها و هشت تن از مدیران مدارس بود. این شورا درباره مسائل آموزش و پرورش به بحث و گفتگو می‌پرداخت و به اتخاذ تصمیمات مقتضی دست می‌زد (ندای خراسان، ۱۳۲۵/۷/۱۵، ش ۸، ص ۲). از خروجی‌های مهم این جلسات، واگذاری بخشی از سیستم مدیریتی به خود آموزشگاه‌ها بود. طبق این تصمیم معلمان تشویق شدند که نقشه کار سالیانه طراحی و طبق آن برنامه تحصیلی را اجرا کنند. طرح‌های مناسب انتخاب و برای عرضه به همه مدارس ابلاغ می‌شد

(راستی، ۱۳۲۵/۸، ش ۳۸۶، ص ۳). این طرح می‌خواست مدیریت آموزش را بومی کند و از سلطه‌گری تصمیمات مرکز بکاهد، چون گاهی تصمیمات مرکز با مناطق مختلف کشور -به‌دلیل شرایط ویژه‌ای که هر کدام داشتند- در تناقض بود؛ ولی افول زودهنگام حزب این برنامه را ناکام گذاشت. عرضه تجربیات مدرسان کلاس‌های سوادآموزی به تمام معلمان خراسان نیز در همین قالب می‌گنجد (راستی، ۱۳۲۵/۵/۶، ش ۳۵۶، ص ۳).

توجه مطبوعاتی به حوزه آموزش از راهبردهای دیگر حزب توده خراسان بود. این توجه، دایره وسیع مشکلات و امکانات مادی تا فضای فکری حاکم بر مدارس را شامل می‌شد و میزان اهمیت آن را از تیتراهای درج‌شده در روزنامه حزب در خراسان می‌توان ارزیابی کرد. رسیدگی به کمبودهای مدارس از جمله نبود وسایل گرمایشی، بدون معلم ماندن برخی دروس، چاپ بیانیه‌های دانش‌آموزان و درخواست‌های آنان، پیگیری حقوق معوقه معلمان (رهبر، ۱۳۲۴، ش ۴۶۱ و ۴۶۵؛ راستی، ۱۳۲۴/۱/۲۲، ش ۲۱۷ و ۱۳۲۵/۱/۱۵، ش ۳۱۷، ص ۲ و ۱۳۲۳/۱۲/۸، ش ۱۸۱ و ۱۷۳، ص ۲ و ۱۳۲۴/۱۱/۲۴، ش ۳۰۴، ص ۳) هم به‌طور کلی و هم به‌طور اختصاصی با ذکر مشخصات فردی (راستی، ۱۳۲۴/۱۱/۲۴، ش ۳۰۴، ص ۲)، عرضه پیشنهادهایی به اداره فرهنگ برای حل موضوع معوقات و نیز خبررسانی جشن‌های برگزار شده در دبیرستان‌ها، از جمله آن‌ها بود. اخبار مربوط به دبیرستان‌های مشهد مانند دبیرستان ابن‌یمین، شاهرضا و هنرستان صنعتی که فعالان آن عمدتاً توده‌ای بودند نیز در این بین جایگاه خاصی داشت (راستی، ۱۳۲۴/۱۱/۲۴، ش ۳۰۴، ص ۲). حمایت‌های خبری از رویدادهای مربوط به حزب و منکوب کردن مخالفان در روزنامه‌های حزبی در این حوزه قرار می‌گرفتند. در شماره‌های مکرر روزنامه راستی از فضای حاکم بر ادارات فرهنگ که به انحای مختلف از ورود دانش‌آموزان و معلمان به وادی فعالیت‌های سیاسی نهی می‌کردند انتقاد و با ادبیات تندی به آن حمله شده‌است (راستی، ۱۳۲۴/۶/۲، ش ۲۴۷، ص ۱؛ ۱۳۲۳، ش ۱۷۳، ص ۲ و ش ۱۸۱، ص ۴). در سال‌هایی که حزب توده قانونی بود و در مجلس نماینده داشت، همواره اوضاع نابسامان فرهنگ مورد توجه آنان بود و سؤالات زیادی در این باره از وزیر فرهنگ پرسیده می‌شد. از جمله آقای محمد پروین گنابادی در سال ۱۳۲۴ وزیر را به‌سبب انتصاب فردی با اغراض سیاسی به ریاست فرهنگ سبزوار به مجلس کشاند. منظور پروین گنابادی از اغراض سیاسی جلوگیری از فعالیت توده در مدارس بود (رهبر، ۱۳۲۴، ش ۵۲۷، ص ۳).

روزنامه‌های حزب به‌راحتی میان دانش‌آموزان توزیع می‌شد و کتاب‌های مدنظر حزب به بحث و بررسی گذاشته می‌شد. این اقدامات تأثیر خود را روی فکر دانش‌آموزان گذاشته بود و حتی محتوای انشاهای آن‌ها را به سمت ادبیات حزب توده تغییر می‌داد؛ دیگر تولیدات



فکری دانش‌آموزان نیز به همین شیوه، از این فضا متأثر شده بود (ساکما، ۵۲۸۸۳-۲۹۷). روزنامه‌های دیواری به بلندگوی حزبی تبدیل شده بود و مطالبی با رویه تفکر مارکسیسم و سوسیالیسم در آن درج می‌شد (ساکما، ۵۱۹۱۸-۲۹۷).

اعتصاب معلمان یکی از اقداماتی بود که حزب توده آن را با کمک شاخه «اتحادیه معلمان و کارکنان فرهنگ» طرح‌ریزی و اجرا می‌کرد. شرایط حقوقی معلمان به‌ویژه در سال‌های اشغال کشور دلیل اصلی اعتصاب بود؛ البته واکنش دولت هم چندان ملایم نبود. هم‌زمانی این اعتصاب‌ها با اعتصاب‌های کارگری، شرایط دشواری را برای دولت به‌وجود می‌آورد. بازداشت تعدادی از معلمان و تهدید به انفصال از خدمت از جمله اقدامات دولت بود (ظفر، سال ۳، شماره ۳۹۸). حزب تلاش می‌کرد از تمام امکانات برای بالابردن قدرت چانه‌زنی -از جمله اقدام مشابه معلمان سایر مقاطع هم- استفاده کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۳۰۸)؛ مثلاً زمانی که معلمان دبیرستانی در اعتصاب بودند، دانش‌آموزان و دانشجویان دانش‌سراها را به حرکت تشویق می‌کرد (ظفر، شماره‌های ۴۰۵ و ۴۱۵). دانش‌آموزان نیز در اعتصاب‌های معلمان و کارکنان اداره فرهنگ از عناصر اصلی به‌حساب می‌آمدند و با فراخوان تعطیلی درس و تدریس، آنان را در رسیدن به نتایج مدنظر یاری می‌رساندند (ظفر، شماره ۴۱۵؛ رهبر، ۱۳۲۴، شماره ۳۹۶).

با خروج شوروی و پس‌از آن پایان مسئله آذربایجان -که حاصل توافق دولت قوام و شوروی بود- حزب توده به‌سرعت روند نزولی خود را آغاز کرد. ریزش شدید نیروها و فشار دستگاه‌های دولتی و نیز فعالان ضدتوده‌ای، به‌شدت بر حضور کمیته ایالتی خراسان در مدارس اثر گذاشت. بخش بزرگی از ریزش نیروها در مدارس، از نتایج سخت‌گیری به حزب توده بود. با برگشت اوضاع و ازدست‌رفتن پایگاه‌های حزب، بسیاری از دانش‌آموزان جاذبه‌های پیوستن به حزب را ازدست‌رفته می‌دیدند و به‌آرامی از آن فاصله می‌گرفتند؛ هرچند بخشی از آن‌ها همچنان به آرمان‌های حزب وفادار ماندند. معلمان هم دچار نوعی توقف همراه با سکوت شدند، ولی به‌دلیل ارتباطات محکم‌تر با حزب به‌نسبت احساسات زودگذر دانش‌آموزان، نیروی بالقوه کمیته ایالتی حزب توده در خراسان برای دوره دوم و سوم حیات آن باقی ماندند.

دوره دوم: از ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

با وجود ادامه اجازه فعالیت حزب توده تا ترور شاه در ۱۳۲۷، حیات حزب در خراسان در سال ۱۳۲۵ به‌پایان رسید. ریاست کمیته ایالتی خراسان محمد پروین گنابادی به‌دلیل کم‌کاری حزبی، از کادر مرکزی حزب کنار گذاشته شده بود. این بی‌میلی در بیشتر اعضای



اصلی خراسان نیز دیده می‌شد؛ بنابراین طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ دوره فترت کمیته ایالتی خراسان بود. پس از روی کار آمدن مصدق، اگرچه قانونی نبودن فعالیت‌های حزب همچنان ادامه داشت، ولی آنان در سایه اعتقاد مصدق به فضای باز، کار خود را در خراسان نیز آغاز کردند؛ هرچند تشکیلات آنان در این مرحله فاقد قوت و گستردگی دوره پیشین بود. حزب توده دیگر قدرت مسلط عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی نبود. آنان رقبای قدرتمندی مانند جمعیت‌های موثلف اسلامی داشتند که به شدت عرصه را بر فعالان حزب تنگ می‌کردند، ولی کمیته ایالتی حزب توده در خراسان تلاش برای فتح مجدد پایگاه‌های اجتماعی خود از جمله حوزه آموزش را آغاز کرد.

معلمان توده‌ای فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی دانش‌آموزان را از چشم مدیران و بازرسان اداره فرهنگ پنهان می‌کردند؛ اقداماتی از قبیل عضوگیری برای سازمان، پخش تبلیغات حزب در سطح شهر به وسیله دانش‌آموزان، نوشتن شعارهای حزب بر دیوار مدارس و حضور هماهنگ دانش‌آموزان در تظاهرات‌ها و میتینگ‌های حزبی. از سوی دیگر معلمان و مدیران توده‌ای مدارس به هنگام نیاز از وجود این تشکل مستقر در میان دانش‌آموزان بهره می‌بردند. زمانی که معلمان متناسب به حزب توده با اخطار و اقدام اداره فرهنگ مواجه می‌شدند، به طور هماهنگ تجمعات و تظاهرات‌های حمایت‌آمیز از آنان برگزار می‌شد تا تصمیم گرفته شده که انتقال یا انفصال بود، تغییر کند. برخی از این اجتماعات به سطح شهر هم کشیده می‌شد؛ یک نمونه آن تظاهرات در مخالفت با عزل فامیلی رئیس فرهنگ بجنورد بود که با تظاهرات دانش‌آموزی - به تحریک خود وی و معلمان توده‌ای - شروع شده بود و با ورود آنان به خیابان‌ها و ارباب کسبه و پیوستن کسبه به آن‌ها ادامه یافت و در انتها در فرمانداری آن شهر با تشنجات فراوان و وعده وعید ابقای او تمام شد. فعالیت‌های هماهنگ محصلان و معلمان از سوی رده‌های بالاتر حزب نیز پشتیبانی می‌شد. تحقیقات شهربانی و اداره سیاسی اداره فرهنگ بر هماهنگی این حرکت با شخص فامیلی تأکید دارند. منابع اطلاعاتی درباره اقدامات پشت‌پرده او، دانش‌آموزانی بودند که به تازگی به حزب پیوسته بودند. این اقدامات بر شدت عمل اداره فرهنگ می‌افزود (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰).

نتیجه این تراکم فعالیت‌ها، ترس والدین از انحراف فرزندان خود بود که به تغییر مدارس فرزندان از مدارس دولتی به مدارس دینی و یا منع از تحصیل منجر می‌شد. جسارت بعضی از معلمان در تهدید دانش‌آموزان به دادن نمره کم در صورت نپیوستن به حزب (ساکما، ۵۲۸۸۳-۲۹۷)، والدین را در اخذ تصمیم مصمم‌تر می‌کرد. دولت برای مقابله اقدامات زیادی کرد. اخراج دانش‌آموزان در دسرساز و معلمان مبلغ حزب از آن جمله بود (پرچم شرق، ۱۳۳۰/۸/۱۳، ش ۲۰، ص ۲، ۱۳۳۰/۸/۸، ش ۱۹، ص ۴؛ به آذین، ۱۳۷۱، ص ۶۱).



بعد از انحلال حزب توده در سال ۱۳۲۷ و برچیده شدن شاخه‌های آن، معلمان طرفدار و هوادار حزب اقدام به تشکیل «جامعه فرهنگیان» کردند که در شهرهای مختلف استان مستقر بود. اگرچه این جامعه در ظاهر عاری از افراد توده‌ای بود، ولی عملاً به وسیله همان‌ها که سابقه کار تشکیلاتی داشتند به وجود آمده بود (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰). اهداف این تشکیلات در اساس نامه آن به این شرح آمده است: تولید و بالابردن سطح فرهنگ عمومی از راه نظارت بر امور فرهنگ و اصلاح معایب و رفع نواقص آن، افزایش حیثیت و اعتبار فرهنگیان و حفظ احترام معنوی آموزگاران، مراقبت در حفظ یکدستی فرهنگیان، ایجاد حس همدردی و تعاون و توسعه و دل‌بستگی صنفی در بین فرهنگیان، عضویت در اتحادیه مرکزی آموزگاران (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰).

اجازه تشکیل این جامعه با شهربانی بود. هیئت مدیره‌های انتخابی، اساس نامه خود را -که با اکثریت آرا تصویب شده بود- به آن اداره ارسال می‌کردند (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰). شهرهای مرکزی استان شانس بیشتری برای پذیرش تشکیل جامعه خود داشتند (ساکما، ۲۱۱۸۴-۲۹۷)، ولی امکان فعالیت جامعه به صلاح دید مقامات امنیتی و انتظامی در شهرهای مرزی وجود نداشت. تعدادی از معلمان شهر بجنورد در سال ۳۱ خواستار اجازه فعالیت قانونی و تشکیل جامعه در آن شهر شدند، ولی با تقاضای آنان مخالفت شد. در اسناد این اداره دلیل این ممنوعیت، مرزی بودن این شهر به علاوه سابقه فعالیت حزبی برخی از اعضا ذکر شده است (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰). جامعه دارای یک هیئت مدیره بود که انتخابات آن با رأی مخفی انجام می‌شد و کسب اکثریت نسبی آراء، برای عضویت در آن ملاک بود. مدت زمان عضویت در هیئت مدیره یک سال بود. وظایف هیئت مدیره متناسب با توانایی اعضا میان آن‌ها تقسیم می‌شد و با تشکیل جلسات دو ماهانه عمومی فعالیت‌های انجام گرفته به اطلاع سایر اعضای جامعه رسانده می‌شد. فعالیت‌های اعضای جامعه بایستی در چارچوب حدود و مقررات تعیین شده می‌بود و از سوی هیئت مدیره نظارت می‌شد. البته از سوی دیگر اعضا نیز حق داشتند از هیئت مدیره درباره مدیریت آن‌ها سؤال و انتقادات خود را مطرح کنند. هزینه فعالیت‌های جامعه از حق عضویت اعضا تأمین می‌شد (ساکما، ۶۳۴۲-۲۹۰).

دانش آموزان نیز تشکیلات خود را با راهنمایی رابطان حزبی طبق الگوی سال‌های پیش برقرار کردند. حزب توده به جای سازمان جوانان، «سازمان جوانان دموکراتیک» را تشکیل داد و دوباره هسته‌های بدون سرپرست را در میان دانش آموزان سامان‌دهی کرد و در جریان نهضت ملی نفت به صحنه آورد (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۳۰۱).

با وجود جدی بودن تأثیرگذاری اعضای حزب توده بر فضای فکری اجتماعی شهرهای خراسان و صحت انتساب بسیاری از معلمان به این حزب، موارد متعددی نیز در اسناد موجود

است که به افراد، اتهام توده‌ای بودن زده شده و پس از تحقیق دستگاه‌های مرتبط مشخص شده‌است که این اتهام صرفاً از روی کینه شخصی بوده و واقعیت نداشته‌است (ساکما، ۱۳۳۳، ۱۸۲۲۳-۲۹۷). اتهامی که در برخی موارد هزینه‌های سنگینی مانند انفصال از خدمت برای متهمان در پی داشت که گاه چندین سال طول می‌کشید تا فرد از اتهام توده‌ای بودن تبرئه شود و گاه این اتهام هیچ‌وقت بر طرف نمی‌شد. در این مسیر حتی تشبث به شخص شاه هم فایده‌ای در بر نداشت (ساکما، ۱۳۳۳، ۱۸۲۲۳-۲۹۷). اتهامی که درباره حزب توده مطرح بود آن قدر سنگین بود که منتسبان به آن با این سختی‌ها مواجه شوند. در مظان اتهام و تحت مراقبت بودن و شک مردم به آن‌ها، کم‌ترین آسیب این گونه اتهام‌ها بود. از آنجاکه بیشتر حرکت‌های اجتماعی-انتقادی و درخواست‌های اصلاحی در مشهد و شهرستان‌ها، در سال‌های فعالیت آزاد نیروهای سیاسی، به وسیله حزب توده انجام می‌شد، این زمینه ایجاد شد که هر کس چنین مواضعی داشت متهم به توده‌ای شود.

دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵

حزب توده پس از دستگیری‌های گسترده بعد از ۲۸ مرداد همچنان در مدارس خراسان حضور داشت. گزارش‌های دولتی حکایت از آن دارند که روحیه توده‌ای‌ها پس از کودتا بسیار بالا بوده و فعالیت آن‌ها به مراتب بیشتر شده‌است. آن‌ها هر هفته اعلامیه و تراکت‌هایی را - اکثراً به وسیله دانش‌آموزان - در شهر پخش می‌کردند و حتی به منازل اشخاص سرشناس و افسران و درجه‌داران نیز می‌ریختند و یا به وسیله پست شهری می‌فرستادند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۰۰۰۵۸). حتی به اذعان فرمانداری نظامی مشهد تعداد اعضای شاخه مشهد حزب توده از لحاظ تعداد در سال ۱۳۳۳ به نسبت سال ۱۳۳۲ تقریباً سه برابر شده بود. حزب در این مرحله از رشد بود که به دلیل بازرسی از منزل علی مظاهری و اسنادی که از خانه او به دست آمد، تمام اعضایش شناخته شدند و تحت پیگرد قرار گرفتند. اعضای (و نه هوادارانی) که در این مرحله شناسایی شدند ۱۸۸ نفر بودند که تعداد زیادی از آنان دانش‌آموزان دبیرستانی بودند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۰۰۰۳۳؛ پویان، ۱۳۸۶، ۱۴۵). حسن پویان برادر امیر پرویز پویان (از بنیان‌گذاران چریک‌های فدایی خلق) یکی از آن‌ها بود. تمام هم حزب در این مرحله حفظ تشکیلات مستقر در این حوزه یعنی معلمان و دانش‌آموزان بود. پس از هجمه گسترده به بدنه حزب و دستگیری‌های گسترده، حفظ روحیه آنان در بین زنان به اولویت بدل شد؛ ولی به دلیل عمیق نبودن پیوندهای زنان با حزب، بسیاری از آن‌ها با نوشتن تنفرنامه از حزب اعلام برائت کردند و حزب توده خراسان در سال ۱۳۵۸ از صحنه کنار رفت.



مخالفان و روش‌های برخورد

دستگاه‌های متعددی برخورد با فعالیت دانش‌آموزان و معلمان توده‌ای را برعهده داشتند. این تکرر سختی کار را چندبرابر می‌کرد. اگرچه کار میان آن‌ها تقسیم شده بود، ولی گاه تداخل کاری هم پیش می‌آمد و سبب برخورد و اختلاف‌نظر میان آن‌ها می‌شد. وزارت فرهنگ که متولی اصلی امور آموزشی بود اصلی‌ترین سازمان بود. این اداره حضور توده‌ای‌ها را در میان زیرمجموعه خود برنمی‌تابید و دلیل آن‌هم فضای منفی‌ای بود که درباره توده‌ای‌ها وجود داشت. حفظ سلامت سلسله‌مراتب و حرکت در مسیر اصلی آموزش، نگاه ویژه این اداره بود و رؤسای آن، چه در مشهد و چه در شهرستان‌ها این موضوع را وظیفه خود می‌دانستند. تحرکات حزب توده در حوزه فعالیت رؤسای ادارات به معنی ناکارآمدی‌شان بود و نظم دیگر حوزه‌ها را هم مختل می‌کرد؛ بنابراین طبق بخشنامه اداره فرهنگ، معلمان و دانش‌آموزان توده‌ای باید اخراج می‌شدند. مقامات امنیتی استان برای رصد تحولات حزب عده‌ای خبرچین میان اعضای آنان داشتند که گاه برخی از آن‌ها به وسیله حزب شناسایی می‌شدند (راستی، ۱۳۲۴/۶/۲۳، ش ۲۵۳، ص ۲).

قدرت‌نمایی‌هایی که حزب به خصوص پیش از انحلال، در محیط‌های آموزشی داشت، سبب می‌شد برخی رؤسای فرهنگ شهرستان‌ها، مرعوب آن شوند و میدان عمل برای آن بدون مانع باشد (ساکما، ۱۳۳۱، ۶۳۴۲-۲۹۰). اتهام ناکارآمدی می‌توانست از دلایل اصلی کنار آمدن با توده‌ای‌ها به امید مسلط شدن بر آن‌ها باشد. در فضای تقریباً باز دولت مصدق، حزب ابتکار عمل بسیاری داشت و آزادی‌های مدنظر آن دولت، سبب تحرکات علنی توده در بسیاری شهرهای خراسان شده بود. رؤسای فرهنگ هم متأثر از این فضا و مقهور قدرت حزب، همراهی‌هایی با آن داشتند؛ ولی گاهی تلاش می‌کردند با اخراج چند تن از توده‌ای‌ها فضا را به دست گیرند (رزم، ۱۳۲۵، ش ۱۵، ص ۴). در مواردی هم تلاش می‌کردند به اجبار آنان را وارد احزاب دیگر کنند ولی به گفته حزب توده، احزاب دیگر احزاب ارتجاعی بودند (رهبر، ۱۳۲۴، ش ۴۵۶، ص ۲).

در عین حال سازمان‌های مرتبط تلاش می‌کردند تا در این سیل بنیان‌کن، بی‌گناهان به خطا مجازات نشوند. از جمله اداره بازرسی اداره فرهنگ چنان‌که از اسناد برمی‌آید، دقت بالایی در مراقبت از زیرمجموعه خود داشت و با استفاده از افراد دقیق و کم‌وبیش بی‌غرض سعی می‌کرد از کسانی که به ناحق متهم شده‌اند، دفاع کند (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۲۸۸۳-۲۹۷). البته در بررسی اسناد و روند مکاتبات درباره بعضی از پرونده‌ها از منظر ارگان‌های مختلف و نظر اهالی، مواردی از جانبداری بازرسان اداره فرهنگ وجود داشت. مدیران توده‌ای برخی مدارس نیز فعالیت‌های حزبی معلمان و دانش‌آموزان را از اداره مخفی نگه می‌داشتند (ساکما،

۱۳۳۱، ۵۲۸۸۳-۲۹۷) و خبر این تحولات قبل از آنکه خود عیان شود از مجاری دیگر مانند گزارش سایر معلمان، دانش آموزان و یا والدین آن‌ها به سازمان‌های مرتبط اطلاع داده می‌شد. رکن ۲ ارتش نیز قبل از ۲۸ مرداد به شدت بعد از آن، برخورد نمی‌کرد و ترجیح می‌داد کار از طریق وزارت کشور و فرهنگ فیصله یابد. اسناد متعددی از اداره بازرسی فرهنگ در دست است که شهربانی و لشکر ۸ خراسان را از خطاهای صورت گرفته آگاه کرده است (ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰؛ ساکما، ۱۳۳۱، ۵۱۹۱۸-۲۹۷).

وزارت کشور با زیرمجموعه‌هایش شامل شهربانی، اداره سیاسی و اداره اطلاعات و آمار (ساکما، ۱۳۳۱، ۶۳۴۲-۲۹۰)، ارتش (لشکر ۸ خراسان)، و استانداری نیز در این مسئله نقش داشتند. شهربانی از آن جهت که تحرکات توده‌ای‌ها غالباً با حوزه نظم شهری پیوند می‌خورد، مانند بسیاری از تظاهرات‌های دانش‌آموزی که به سطح خیابان‌ها کشیده می‌شد و یا اغتشاش‌هایی که در مدارس ایجاد می‌شد وارد ماجرا می‌شد. بسیاری از معلمان و محصلان توده‌ای در خارج از مدرسه نیز میان مردم تبلیغ می‌کردند. یکی از بازوهای مهم شهربانی برای کنترل فضای اجتماعی و سیاسی، دایره احزاب و اجتماعات بود. به نظر می‌رسد افرادی که در این بخش فعالیت می‌کردند، آموزش‌هایی دیده بودند و مهارت‌هایی داشتند که دیگر مأمورین شهربانی نداشتند (ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰).

رکن ۲ لشکر ۸ خراسان از دیگر بخش‌هایی بود که با این موضوع پیوند داشت. آنان علاوه بر رصد فعالیت اعضای منتسب به حزب توده، پس از احراز انتساب افراد به حزب، وظیفه بازرسی و جریان محاکمه آن‌ها را نیز عهده‌دار بودند. تمام متهمان از شهرستان‌ها به مشهد منتقل و در دادگاه نظامی محاکمه می‌شدند (ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰). اگر دامنه فعالیت متهمان، گسترده نبود و موجب اختلال در نظم مدارس و یا شهر نمی‌شد به ابلاغ هشدار مبنی بر ترک رویه اکتفا می‌شد (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۲۸۸۳-۲۹۷). در صورتی که متهمان هشدارها را جدی تلقی می‌کردند و به فعالیت‌هایشان خاتمه می‌دادند، بعد از مدتی مراقبت و اطمینان از تکرار نکردن افعال گذشته، از مظان اتهام خارج می‌شدند (ساکما، ۱۳۳۳، ۲۹۲۰۴-۲۹۷). اغلب مواقع متهمان با این اخطارها و تهدید به انفصال از خدمت که بخش‌نامه‌های آن به تمام مدارس ارسال شده بود، با دادن تعهد به روال سابق کاری خود باز می‌گشتند (ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰)؛ ولی افراد سرسخت‌تر که اصرار بر رفتارهای حزبی و مأموریت‌های محوله خود داشتند این هشدارها را جدی نمی‌گرفتند. تصمیم بعدی اداره فرهنگ درباره آن‌ها انتقال به محیط متفاوت، به خصوص به شهرها و مدارس بود که درباره حزب توده و مرام اشتراکی نظر منفی داشتند و میدان مناسبی برای فعالیت آن‌ها به حساب نمی‌آمدند؛ ولی برخلاف تصور رؤسای اداره فرهنگ، بازرسان با تحقیقات خود نشان دادند که تدابیر



اتخاذ شده مفید نبودند و متهمان در محیط جدید نیز به تبلیغ و عضوگیری اقدام می‌کردند. در این صورت حکم انفصال از خدمت آنان صادر و مراتب به دستگاه‌های ذی‌ربط اطلاع داده می‌شد (ساکما، ۱۳۳۰، ۵۲۸۸۲-۲۹۷؛ ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰).

این اقدام را قانون امنیت اجتماعی تضمین می‌کرد که اصلی‌ترین ابزار برخورد با این افراد در فضای دولت مصدق همین قانون بود. استفاده از این قانون زمانی میسر بود که عملیات آن افراد علنی بود و یا شواهد کافی برای آن یافت می‌شد؛ ولی معلمان کارکشته توده‌ای هم، به‌طور کامل با این قانون و زوایای آن آشنا بودند و عمده فعالیت خود را از طریق دانش‌آموزان ۱۵ ساله و کمتر انجام می‌دادند، تا هم خود از مجازات مصون بمانند و هم طبق قانون، آن دانش‌آموزان تحت تعقیب قرار نگیرند (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۲۸۸۳-۲۹۷)؛ هرچند اعتراف‌گیری از اعضای جدید و یا نفوذ دادن یک خبرچین و یا گزارش آگاهان به مسئله، عاقبت‌اندیشی آن‌ها را عقیم می‌گذاشت و آن‌ها راهی دادگاه نظامی می‌شدند. حکم اغلب کسانی که فقط در مدارس فعالیت می‌کردند سه یا چهار سال حبس بود و کسانی که به گفته دستگاه‌ها، دایره اخلاص‌گری‌شان به خارج از آن کشیده می‌شد سال‌های بیشتری به زندان می‌افتادند. دانش‌آموزان هم معمولاً به شش ماه حبس و یا کمتر از آن محکوم می‌شدند (ساکما، ۱۳۳۴، ۵۹۷۰-۲۹۰).

رکن ۲ ارتش احکام صادره را به اداره سیاسی وزارت کشور ابلاغ می‌کرد. کسانی که از اتهام خود تبرئه می‌شدند با هماهنگی ادارات مختلف به کار خود باز می‌گشتند؛ ولی این روند گاه سه سال و یا بیشتر طول می‌کشید. آنان باید تعهد کتبی در حضور رؤسای ادارات دولتی (از جمله فرماندار، ریاست شهربانی، ریاست دادگستری، ریاست سازمان اسناد، ریاست اداره نفت و...) امضا می‌کردند و در چندین شماره روزنامه‌های استانی و محلی ندامت‌نامه خود را چاپ می‌کردند (ساکما، ۱۳۳۳، ۱۸۲۲۳-۲۹۷) که در آن اهتمام به اصول میهن‌پرستی و وفاداری به شاهنشاه اذعان شده و نسبت به حزب توده هم اعلان انزجار شده بود (ساکما، ۱۳۳۳، ۲۹۲۰۴-۲۹۷)؛ ولی با وجود همه این اقدامات که در روند پیش‌بینی شده خود دولت بود، گاه بازگشت نادمان به سر کار خود میسر نمی‌شد. قدرت‌الله صادقی یکی از آموزگاران نیشابور از جمله آنهاست که حتی نامه‌نگاری به شخص شاه نیز برای او بی‌نتیجه بود (ساکما، ۱۳۳۳، ۱۸۲۲۳-۲۹۷).

انتقال محل خدمت یکی از راه‌حلهایی بود که دستگاه‌های دولتی هم برای اقدامی تنبیهی و هم فرصت‌دهی به این معلمان اجرا می‌کردند. این اقدام دارای ضوابطی بود که اداره فرهنگ به‌تنهایی در آن دخیل نبود. منشأ تصمیم‌گیری درباره مقصد انتقال استناداری بود که با حضور نمایندگان از همه دستگاه‌های دخیل در این باره نظر می‌داد. مکان و شهر مقصد

باید ویژگی هایی می داشت که احتمال فعالیت مجدد این معلمان کاهش یابد و حضور حزب توده در آن ناملموس باشد تا معلمان پس از انتقال، دوباره جذب حزب نشوند و هدف انتقال محقق شود. شهرهای مقصد نمی توانست شهرهای مرزی باشد (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۲۸۸۰-۲۹۷)؛ چون امنیت این شهرها برای حکومت و هر حکومتی حائز اهمیت بود؛ بنابراین جهت جغرافیایی این تصمیم، به طرف شهرهای مرکزی استان تغییر می یافت. این مصلحت سنجی در گفتگوها و صورت جلسات استانداری از مهم ترین دلایل انتقال ندادن به شهرهای مرزی ذکر شده است و افراد مشکوک بومی آن مناطق نیز به سرعت به دیگر نقاط منتقل می شدند. شهرهای جنوب خراسان - که تحت سیطره قدرت خاندان علم بودند- نیز از دیگر مقاصد تعیین می شدند. این خاندان و حزب توده دشمنی عمیقی باهم داشتند و از نگاه توده آنان فتودال های زالوصفتی بودند که زندگی مردم را به نابودی و بردگی کشیده اند. جنوب خراسان آخرین منطقه ای بود که کلوپ حزب در آن افتتاح شد و فعالیت زیادی نیز از آنان گزارش نشده است. این شرایط به علاوه غیربومی بودن، امکان فعالیت را تا حد زیادی کاهش می داد. اساساً شهرهایی که مدیران قوی و بانفوذ در لایه های مختلف شهر و مخالف حزب توده داشت، مکان های مطلوبی برای انتقال و تبعید فعالان توده به حساب می آمد (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۲۸۸۳-۲۹۷).

مشهد نیز از مناطق ممنوعه به حساب می آمد. به دلیل تمرکز اکثر فعالان مهم و سیاست گذاران حزب توده خراسان در مشهد و نفوذ فراوان آن ها در دستگاه های مختلف، این شهر می توانست جزیره ای امن برای آنان و فعالیت هایشان باشد؛ چنان که این اتفاق بارها رخ داده بود. ردگیری این افراد که صرفاً برای ختم فعالیت هایشان منتقل می شدند در شرایط دشوار و پیچیده مشهد که به اندازه کافی مدیریت آن برای دست اندرکاران سخت بود، کاری دشوار به حساب می آمد؛ بنابراین استانداری و فرمانداری مشهد به طور جدی با انتقال متهمان به مشهد مخالفت و گزینه هایی مانند گناباد را جایگزین می کردند (ساکما، ۱۳۳۲، ۸۲۸۸۰-۲۹۷).

واکنش بسیاری از معلمان تسلیم در برابر این تصمیم ها بود. به ندرت پیش می آمد کسی به دلیل عضویت توده و در راه آرمان های آن سرسختی نشان بدهد. آشنایی و پایبندی به حزب مانند آنچه در دیگر استان ها و مرکز کشور وجود داشت آن چنان قوی نبود و معلمان اغلب به تعهد خود مبنی بر احتراز از تبلیغات مرام اشتراکی، به ویژه پس از انحلال حزب در سال ۱۳۲۷ و ویژه تر پس از کودتای ۲۸ مرداد پایبند می ماندند. اگر هم تعداد اندکی در مقابل تصمیم گرفته شده مقاومت می کردند دلیلش اتکا به پشتیبانی پایگاه اجتماعی و خانوادگی خود در محل سکونت و تدریس و تاحدی عملکرد عقبه هواداران خود بود تا با ایجاد



التهابات خودساخته، مراکز تصمیم‌گیری را مرعوب کرده و به عقب‌نشینی از تصمیم خود وادارند، نتیجه‌ای که کمتر به‌دست می‌آمد و اداره فرهنگ با ناامیدی از ایجاد تغییر در هدف آن‌ها، خواستار انفصال از خدمت آنان می‌شد. نمونه آن محمد دانشمندی دبیر دبیرستان دولتی کاشمر بود که پس از دو بار انتقال، می‌خواست -با کمک پدرش که در دادگستری بود و دانش‌آموزانی که برای جلوگیری از انتقال او چندبار در شهر تظاهرات کردند- از انتقال به سمت مقصد بعدی که برایش در نظر گرفته شده بود سر باززند که با دستور اداره فرهنگ از کار برکنار شد (ساکما، ۱۳۳۲، ۸۲۸۸۰-۲۹۷).

تمام این حساسیت‌ها و کنترل و مراقبت‌ها از نگاه دستگاه امنیتی زمانی منطقی می‌نماید که بدانیم، معلمان از تأثیرگذارترین اقشار جامعه بوده‌اند و هستند. معلمان علاوه بر تأثیری که بر ذهن و روان دانش‌آموزان داشتند به سبب پایگاه اجتماعی ویژه خود نزد مردم هم محترم بودند و منش فکری و سیاسی آن‌ها همواره مورد توجه و پیروی بود. داشتن سمت دبیر و معلم به ویژه دبیر دبیرستان که در نگاه مردم عادی بسیار بالا بود، نوعی سرمایه اجتماعی به حساب می‌آمد و برای معلمان توده‌ای و در مناطقی که بدبینی نسبت به حزب توده و تفکر مارکسیستی وجود نداشت و یا اساساً آگاهی از حزب و سیاست و کار ضد دولتی وجود نداشت، از ابزارهای مهم موفقیت محسوب می‌شد. این معلمان به دیگر شهرستان‌ها و یا روستاها می‌رفتند و مردم را اگر نه با مارکسیسم فلسفی، بلکه با آرمان‌های سوسیالیسم اجتماعی با زبان قابل فهم خودشان آشنا می‌کردند. آرمان‌هایی که می‌توانست تعادل سیستم ارباب‌رعیتی و ساختارهای سنتی را به خطر بیندازد. برای همین با مخالفت مدافعان نظام مستقر روبرو می‌شدند؛ ولی تا هنگامی که تبلیغ حزب توده مساوی با ضد مذهب و بی‌خدایی و مرام اشتراکی (که تصورات بدی در آن حوزه جا می‌گرفت) بین مردم جا نیفتاد، خطر تبلیغ این معلمان و دیگر فعالان توده برقرار بود (راستی، ۱۳۲۳، ش ۱۷۳، ص ۴).

در بسیاری از تحركات اجتماعی و فعالیت‌های آگاهی‌بخش، پای توده‌ای‌ها در میان بود؛ بنابراین طبیعی بود که دولت حساسیت ویژه‌ای روی آنان داشته باشد و سمت و سوی مخالفت آنان با رویه دولت -به ویژه داشتن مرام مارکسیستی- کمونیستی که در فضای آن روز با اتهامات و ابهامات فراوانی روبرو بود- را با شدت عمل پاسخ دهد. علاوه بر آن وجود معلمانی با این تفکر، و جهت فرهنگ را میان مردم خدشه‌دار می‌کرد. یکی از موارد استثنایی که اداره فرهنگ با آن مواجه شد، توده‌ای‌بودن یکی از معلمان روحانی در کاشمر بود. باقی -دبیر دبیرستان دولتی کاشمر- نه تنها در میان دانش‌آموزان بلکه میان طلبه‌های علوم دینی هم به تبلیغ برنامه‌های حزب توده می‌پرداخت و آن‌ها را تشویق به برگزاری تجمع و تظاهرات می‌کرد. بهره‌مندی از پایگاه اجتماعی روحانیت علاوه بر معلمی، به او آن‌چنان قدرتی داده بود

که به راحتی مقامات شهر را برای عملکردشان توییح می کرد و باینکه خود از منتقل شدگان به دلیل فعالیت توده‌ای بود، ولی باز هم دست از آن بر نمی داشت و به همین دلیل مدام تحت کنترل بود. فعالیت او به گونه‌ای بود که به نقل از بازرسان، صراحتاً به او نمی شد اتهام بست و دستگاه‌های امنیتی-انتظامی مدت‌ها منتظر بودند تا او ماهیت عملیات خود را اندکی روشن کند و خط‌وربطی میان فعالیت‌ها و افکارش پیدا شود (ساکما، ۱۳۳۲، ۷۲۰۹-۲۹۰).

داشتن مرام اشتراکی و کمونیستی تاحدزیادی شبیه انگ‌هایی مانند زندق و بابی، سنگین بود. بدبینی مردم در سال‌های فعالیت توده به اشکال مختلف به مسئولان ابراز می شد. والدین دانش‌آموزان به حضور این معلمان در مدارس واکنش نشان می دادند و خواستار انتقال و یا اخراج آنان از مدرسه می شدند. نامه‌های دسته‌جمعی بسیاری از والدین خطاب به رؤسای فرهنگ شهرستان‌ها باقی مانده است که در آن‌ها، هم به خطر انحراف سیاسی و هم انحراف دینی دانش‌آموزان اشاره شده است. از تبعات جدی حضور این معلمان در مدارس به‌ویژه در مناطقی که تفکر مذهبی قوی‌تری وجود داشت، منع والدین از رفتن فرزندانشان به مدارس بود. برای نمونه در فردوس والدین، تعداد زیادی از دانش‌آموزان مدارس دولتی را به مدارس قدیمه و علوم دینی منتقل کردند. البته در این اقدام تأثیر روحانیون هم مشاهده می‌شود. این گونه اقدامات سبب سرعت واکنش ادارات فرهنگ شهرستان‌ها به حضور این گونه معلم‌ها بود (ساکما، ۱۳۳۱، ۵۱۹۱۸-۲۹۷).

نتیجه

حزب توده در خراسان به دلیل بافت سنتی اقتصاد و فرهنگ برای نفوذ در میان مردم با دشواری روبرو بود. تعالیم جنبش دهقانی و روستایی در محیط ایران به‌ویژه خراسان کارایی نداشت. به همین جهت متوجه اقبشاری شد که امکان پذیرش پدیده‌های جدید و از جمله حزب و مبارزات اجتماعی را داشتند. از معدود گروه‌های دارای این ویژگی‌ها در خراسان، تحصیل کرده‌ها به‌ویژه معلمان و دانش‌آموزان بودند.

حوزه فرهنگ و آموزش یکی از محورهای مهم برنامه حزب توده بود. گروه‌های قرارگرفته در این مجموعه در فضای تاریخی دوره مدنظر ویژگی‌های خاصی داشتند که می‌توانست به حزب در پیشبرد اهدافش کمک شایانی کند. پذیرش حزب با کمترین هزینه به وسیله آنان انجام می‌شد. دانش‌آموزان با تحرک، هیجان‌طلبی و آرمان‌گرایی، شوق زیادی برای انجام برنامه‌های حزبی داشتند و بار اجرایی بسیاری از فعالیت‌های حزبی را بر دوش داشتند. معلمان هم علاوه بر نفوذ مستقیم بر دانش‌آموزان، به سبب پایگاه ویژه‌ای که در میان مردم داشتند، می‌توانستند عضوگیری انجام دهند و از مهیاکنندگان و مجریان برنامه‌های



حزب باشند. حزب توده با داشتن این گروه‌ها می‌توانست آینده سیاسی اجتماعی کشور را به دست گیرد؛ چون حوزه آموزش این قابلیت را در اختیارش قرار می‌داد.

حضور توده در حوزه آموزش در سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۳۵ را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: (۱) از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷، (۲) سال‌های نهضت ملی نفت و (۳) ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵.

در دوره اول، حزب تشکیلات خود را در مدارس مستقر کرد، عضوگیری انجام داد و کمیسیون‌های مختلف را شکل داد. سازمان جوانان که متولی اصلی فضای مدارس به حساب می‌آمد، برنامه‌های متنوع حزب را به وسیله دانش‌آموزان توده‌ای در مدارس اجرا می‌کرد. سخنرانی‌های علمی و اجتماعی، اجرای نمایش، برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مختلف، برگزاری مسابقات روزنامه‌دیواری، اجرای سیر مطالعاتی هدایت‌شده حزب، طرح‌ریزی و انجام اعتصاب‌های محصلان و معلمان و تظاهرات‌ها از جمله آنهاست. دوره اوج توده در مدارس خراسان تا اواخر سال ۱۳۲۵ به طول انجامید و اگرچه تا سال ۱۳۲۷ حزب قانونی بود، ولی به دلیل افول کلی آن در حیات سیاسی، حضورش در مدارس نیز کاهش داشت. شدت فعالیت‌های توده نگرانی‌هایی در دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه اداره فرهنگ خراسان ایجاد کرد. اگرچه فعالیت‌های حزب توده قانونی بود، ولی بدگمانی‌هایی که درباره آنان وجود داشت سبب واکنش‌هایی شد. تذکرات جدی و گاهی اخراج آن‌ها از کار و مدرسه در دستور کار قرار گرفت. این روند با انحلال حزب و جهت قانونی یافت و نفوذ توده در مدارس را کاهش داد.

با آغاز مبارزات ملی شدن نفت و شروع دوره دوم، حزب مجدداً هسته‌های خود در مدارس را فعال کرد. دانش‌آموزان از اصلی‌ترین گروه‌های نقش‌آفرین حامی نهضت در خراسان بودند. عملکرد حزب ویژگی‌هایی داشت که باعث واکنش همه دولت‌ها می‌شد. دولت مصدق نیز با پشتوانه قانون امنیت اجتماعی، به مقابله با حزب توده رفت. قدرت‌نمایی‌هایی که حزب انجام می‌داد به‌ویژه اردوکشی‌های خیابانی، اگرچه در آغاز به نفع دولت او تمام شد، ولی حزب ساز خود را می‌زد و مصدق در شرایط پیش روی کشور و دولتش، حضور یک قدرت اجتماعی خارج از کنترل خود را نمی‌پسندید؛ بنابراین برخورد با تحریکات توده در زمان او نیز ادامه یافت. اسناد متعددی از اداره فرهنگ، استانداری، شهربانی و لشکر ۸ خراسان مؤید این مطلب است.

دوره سوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود که حیات حزب -از جمله در مدارس- در معرض خطر جدی قرار گرفت. کشف سازمان نظامی، همه فعالیت‌های حزب را -از جمله در مدارس- تحت الشعاع قرار داد. در اکثر شهرستان‌های خراسان معلمان و دانش‌آموزان توده‌ای با اختطار سازمان‌های دولتی مواجه شدند. رصد جدی فعالیت توده به وسیله دستگاه‌های

نامبرده اجرا می‌شد. اکثر هواداران و اعضای که تنها با آرمان‌های اجتماعی حزب پیوستگی داشتند، در شرایط جدید خود را کنار کشیدند. معدود افراد سرسخت که به مقاومت پرداختند با انفصال از خدمت و اخراج از مدارس مجازات شدند. فضای برخورد با توده و تعیین تکلیف اعضا و تصفیه اداره فرهنگ، تقریباً تا سال ۱۳۳۵ طول کشید. بعد از استقرار قوی دستگاه‌های امنیتی و تشکیل ساواک، حضور توده در مدارس خراسان محو شد و حتی بعد از تجدید حیات در اسفند ۱۳۵۷ هم توفیق چندانی در خراسان به دست نیاورد و فضا را به نفع سازمان‌های چپ‌گرای دیگر از دست داد.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما): ۱۳۲۷، ۱۴۷۱۹-۲۴۰:۱۳۳۰، ۵۲۸۱۲-۲۹۷:۱۳۳۱، ۵۲۸۱۳-۲۹۷:۱۳۳۱، ۲۱۱۸۴-۲۹۷:۱۳۳۱، ۶۳۴۲-۲۹۰:۱۳۳۱، ۵۱۹۱۸-۲۹۷:۱۳۳۱، ۵۲۸۱۰-۲۹۷:۱۳۳۲، ۷۲۰۹-۲۹۰:۱۳۳۲، ۸۲۸۱۰-۲۹۷:۱۳۳۳، ۲۹۷-۱۸۲۲۳، ۱۳۳۳:۲۹۷-۲۹۲۰۴، ۱۳۳۳:۲۹۷-۸۲۸۱۰، ۱۳۳۲:۲۹۰-۷۲۰۹، ۱۳۳۲:۲۹۷-۵۲۸۱۰، ۱۳۳۴:۲۹۰-۵۹۷۰.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۰۰۰۰۵۸، ۰۰۰۰۳۳، ۰۰۰۰۰۴.

کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.

آذرباد، حسن؛ حشمتی، فضل‌الله. (۱۳۷۲). *فرشنامه ایران*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

الهی، حسین. (۱۳۸۲). *احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آنها در خراسان (۱۳۲۰-۱۳۲۰)*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

به‌آذین. (اعتمادزاده، محمود). (۱۳۷۱). *از هر دری (زندگینامه سیاسی-اجتماعی)*. تهران: دوستان.

پویان، حسن. (۱۳۸۶). *یاد ایام جوانی: گرداب توهم یک عضو*. تهران: گام نو.

تفرشیان، ابوالحسن. (۱۳۶۷). *قیام افسران خراسان*. تهران: اطلس.

جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۷). *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰-۱۳۶۸)*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

خامه‌ای، انور. (۱۳۶۲). *فرصت بزرگ از دست رفته*. (ج ۲). تهران: هفته.

رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۰). *آنا تومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

طبری، احسان. (۱۳۶۶). *کژراهه: خاطراتی از تاریخ حزب توده*. تهران: امیرکبیر.



کولائی (طبرستانی)، الهه. (۱۳۷۶). *استالینیسیم و حزب توده ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۷۹). *روانشناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی*. (ج ۱). تهران: اسپید.
مجید فیاض، عبدالمجید. (۱۳۸۱). *از باغ قصر تا قصر آرزوها (خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده)*. تهران: کویر.

نراقی، احسان. (۱۳۵۶). *جامعه، جوانان، دانشگاه: دیروز، امروز، فردا*. تهران: کتابهای جیبی.
نورمحمدی، قاسم. (۱۳۹۰). *جاسوسی در حزب: برادران یزدی و حزب توده ایران*. تهران: جهان کتاب.
هالبوکس، موریس. (۱۳۶۹). *طرح روانشناسی طبقات اجتماعی*. (علیمحمد کاردان، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.

مقاله

رنجبر، مقصود. (۱۳۸۷). «تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف». فصلنامه *راه تربیت*. سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۸۷.

روزنامه

اخبار تازه روز، ۱۳۲۴، ش ۲۶۰.

آزادی، ۱۳۲۵، ش ۲۴۱۳.

بشر، ۱۳۲۵/۷، ش ۲۱.

پرچم شرق، ۱۳۳۰/۸/۸، ش ۱۹، ۱۳۳۰/۸/۱۳، ش ۲۰.

راستی (ارگان مطبوعاتی کمیته ایالتی حزب توده خراسان): ۱۳۲۲، ش ۷؛ ۱۳۲۲، ش ۸؛ ۱۳۲۲/۲/۲۵، ش ۱۱؛

۱۳۲۲/۲/۲۸، ش ۱۲؛ ۱۳۲۲/۳/۱۵، ش ۱۷؛ ۱۳۲۲/۳/۴، ش ۴؛ ۱۳۲۳/۳/۵، ش ۱۰۷؛ ۱۳۲۳/۱۲/۲۷، ش ۱۸۱؛

۱۳۲۳/۱۲/۸، ش ۱۷۳؛ ۱۳۲۳، ش ۱۸۱؛ ۱۳۲۴/۱/۲۲، ش ۲۱۷؛ ۱۳۲۴/۱/۲۶، ش ۲۱۹؛

۱۳۲۴، ش ۲۳۰؛ ۱۳۲۴/۵/۱، ش ۲۳۶؛ ۱۳۲۴/۵/۱۵، ش ۲۴۱؛ ۱۳۲۴/۵/۳۱، ش ۲۴۶؛ ۱۳۲۴/۶/۲، ش ۲۴۷؛

۱۳۲۴/۶/۲۳، ش ۲۵۳؛ ۱۳۲۴/۷/۹، ش ۲۶۰؛ ۱۳۲۴/۹/۸، ش ۲۸۰؛ ۱۳۲۴/۱۱/۲۲، ش ۳۰۳؛

۱۳۲۴/۱۱/۲۴، ش ۳۰۴؛ ۱۳۲۴، ش ۳۷۳؛ ۱۳۲۴، ش ۳۸۳؛ ۱۳۲۴، ش ۳۹۸؛ ۱۳۲۵/۱/۱۵، ش ۳۱۷؛

۱۳۲۵/۱/۳۱، ش ۳۲۰؛ ۱۳۲۵/۲/۵، ش ۳۲۱؛ ۱۳۲۵/۲/۱۹، ش ۳۲۶؛ ۱۳۲۵/۳/۲، ش ۳۳۱؛ ۱۳۲۵/۳/۵، ش ۳۳۲؛

۱۳۲۵/۳/۱۴، ش ۳۳۶؛ ۱۳۲۵/۵/۶، ش ۳۵۶؛ ۱۳۲۵/۵/۲۴، ش ۳۶۳؛ ۱۳۲۵/۵/۲۹، ش ۳۶۴؛

۱۳۲۵/۶/۱۱، ش ۳۶۹؛ ۱۳۲۵/۷/۶، ش ۳۷۸؛ ۱۳۲۵/۷/۱۸، ش ۳۸۱؛ ۱۳۲۵/۸/۲۷، ش ۳۸۶.

رزم، ۱۳۲۴، شماره ۱۳؛ ۱۳۲۵، ش ۷؛ ۱۳۲۵، ش ۱۵.

رهبر، ۱۳۲۴، شماره ۳۳۹؛ ۱۳۲۱، ش ۶؛ ۱۳۲۴، ش ۴۷۱؛ ۱۳۲۴، ش ۴۶۱ و ۴۶۵؛ ۱۳۲۴، ش ۵۲۷؛ ۱۳۲۴،

ش ۳۹۶؛ ۱۳۲۴، ش ۴۵۶.



ظفر: سال سوم، ش ۳۹۳؛ سال سوم، ش ۳۹۸؛ ش ۴۱۵؛ ش ۴۰۵ و ۴۱۵.
ندای خراسان: ۱۳۲۵/۷/۱۵، ش ۸؛ ۱۳۲۵/۱۰/۵، ش ۲۹؛ ۱۳۲۴/۹/۱۱، ش ۲۴.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)

Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi

Books

Abrahamian, Ervand. (1377/1998). "*Irān bein-e do enqelāb: Darāmadi bar Jame'ē-šenāsi-ye siāsi-ye mo'āser-e Irān*" (Iran between two revolutions). Translated by Kazem Firouzmand, Hasan Shamsavari & Mohsen ModirShaneh-chi. Tehran: Našr-e Markaz. [Persian]

A number of researchers. (1387/2008). "*Hezb-e tudeh az šekl-giri tā forupāši: 1320-1368*" (Tudeh party from formation to dissolution: 1941-1989). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqiqāt-e Farhangi (Institute of Cultural Studies and Research). [Persian]

Azarpad, Hasan & Heshmati, Fazl Allah. (1372/1993). "*Farš-nāme-ye Irān*" (The account of Persian carpet). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqiqāt-e Farhangi (Institute of Cultural Studies and Research). [Persian]

Behazin (Etemadzadeh, Mahmoud). (1371/1992). "*Azhardari: Zendeği-nāme-ye siāsi-ejtemā'ei*" (About every subject: Social-political biography). Tehran: Doustan (Friends). [Persian]

Elahi, Hosein. (1382/2003). "*Ahzāb va sāzmān-hā-ye siāsi va amalkard-e ānhā dar Xorāsān (1320-32)*" (Political parties and organizations and their performance in Khorasan (1941-1953)). Mashhad: Dānešgāh-e Ferdowsi-ye Mašhad (Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]

Halbwachs, Maurice. (1369/1990). "*Tārḥ-e ravān-šenāsi-ye tabaqāt-e ejtemā'ei*" (Esqui-



- ssed, unepsychologie des classes sociales) [The Sketch of a psychology of social classes]. Translated by Ali Mohammad Kardan. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University).[Persian]
- Khameie, Anvar. (1362/1983). "*Forsat-e bozorg-e az dastrafteh*" (The great opportunity lost) (vol. 2). Tehran: Hafteh (Week). [Persian]
- Koulaei (Tabarestani), Elaheh. (1376/1997). "*Estālinism va hezb-e Tude-ye Irān*" (Stalinism and Tudeh party of Iran). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Document Center of the Islamic Revolution).[Persian]
- Lotfabadi, Hosein. (1379/2000). "*Ravān-šenāsi-ye rošd-e kārbordi-ye nowjavāni va javāni*" (The applied developmental psychology of adolescence and youth) (vol. 1). Tehran: Espid.[Persian]
- Majid Fayaz, Abd Al-Majid. (1381/2002). "*Az Bāq-e Qasr tā qasr-e ārezu-hā: Xāterāt-e siāsi-ye yek ōzv-e sābeq-e hezb-e Tudeh*" (From Bagh-e Ghasr to the palace of desires: political memoirs of a former member of the Tudeh Party). Tehran: Kavir. [Persian]
- Naraghi, Ehsan. (1356/1977). "*Jāmē, javānān, dānešgāh: Diruz, emruz, farad*" (Society, the youth, university: Yesterday, today, tomorrow). Tehran: Ketāb-hā-ye Jibi (Pocket Books).[Persian]
- Nourmohammadi, Ghasem. (1390/2011). "*Jāsusi dar hezb: Barādarān-e Yazdi va hezb-e Tudeh dar Irān*" (Party spying: Yazdi brothers and Tudeh party of Iran). Tehran: Jahān-e Ketāb.[Persian]
- Pouyan, Hasan. (1386/2007). "*Yād-e ayyām-e javāni: Gerdāb-e tavahom-e yek ōzv*" (In memoriam of the young days: The whirlpool of illusions of a member). Tehran: Gām-e no.[Persian]
- Rafeipour, Faramarz. (1380/2001). "*Ānātomi-ye jāmē: Moqaddame-ai bar jāmē-šenāsi-ye kārbordi*" (The anatomy of the society: An introduction to applied demography). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Enteshār.[Persian]
- Tabari, Ehsan. (1366/1987). "*Kāžrāheh: Xāterāti az tārix-e hezb-e Tudeh*" (Wanton

way: Memories from the history of Tudeh party). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
Tafreshian, Abulhasan. (1367/1988). “*Qiām-e afsarān-e Xorāsān*” (The uprising of the officers of Khorasan). Tehran: Atlas.[Persian]

Articles

Ranjbar, Maghsoud. (1387/2008). “Tarbiat-e siāsi dar čarčub-e nezām-hv-ye siāsi va nazarie-hā-ye moxtalef” (Political education within the framework of various political systems and theories). *Fasl-nāme-ye Rāh-e Tarbiat*(Quarterly Journal of Education), 2nd year, 5, summer 2008.[Persian]

Newspapers

Axbār-e Tāze-ye Ruz (Fresh news of today)[Persian]

Āzādi (Freedom)[Persian]

Bašar (Human being)[Persian]

Parčam-e šarq (East's Flag)[Persian]

Rāsti: Orgān-e Matbu'āti-ye Komite-ye Eyālāti-ye Hezb-e Tudeh-ye Xorāsān(Truth: Press Organization of the states committee of Tudeh party of Khorasan)[Persian]

Razm (Battle)[Persian]

Rahbar (Leader)[Persian]

Zafar (Victory)[Persian]

Nedā-ye Xorāsān (The Voice of Khorasan)[Persian]





Iranian Women Problems in the First Decade of Reza Shah Government (1920-1929) as Reflected in Two Women's Magazines of the Time

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Aliakbar Khedrizadeh ¹

Abstract:

Purpose: Problems of Iranian women in the 1920s, as discussed in two women's magazines published by prominent Iranian women, are identified.

Method and Research Design: Apart from the data collected from the contents of the magazine, records of the National Archives of Iran was consulted for supporting data.

Findings and Conclusion: Zabaan-e Zanaan [approx.: Women's Voice] was owned by a pioneer of women's rights, Sedigheh Dowlat-Aabaadi (1882-1961), and published first as a newspaper in her home town of Isfahan (1920). After publication was suspended because she attacked the government's foreign policies, she published it for two years as an exclusively women's magazine in Tehran. Aalam-e Nesvaan [Women's World], owned by Navvaabeh Safavi, was published by the graduates of the American School for Girls in the Presbyterian missionary compound in Tehran for 13 years (circa. 1920-1933). Both magazines defended and continuously called for equal rights and public education for women, women's health issues, campaigned against the Hijab and polygamy, asked for radical reform of marriage law and campaigned against child marriage.

Keywords:

Women; Iran; Women magazines; Dowlat-Abadi, Sedigheh (1882-1961); Safavi, Navvaabeh; Zabaan-eh Zanaan (magazine); Aalam-eh Nesvaan (magazine).

1. Assistant Professor, History, Yadegar Emam Khomeyni Branch, Shahr-e-Rey, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran
khedrizadeh@yahoo.com

Copyright © 2019, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2341

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 86 - 108 (23) | Received: 31, Oct. 2016 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیبوی

مسائل زنان در دهه نخست عصر رضاشاه برپایه مقالات دو نشریه زنان

علی اکبر خدری زاده^۱

چکیده:

هدف: شناسایی مسائل زنان در دهه ۱۳۰۰-۱۳۱۰ به صورتی که در دو نشریه متعلق به زنان منعکس شده است.

روش / رویکرد پژوهش: داده‌ها از محتوای دو مجله به نام‌های *زبان زنان* و *عالم نساوان* گردآوری شد. از اسناد موجود در آرشیو ملی ایران برای گردآوری داده‌های پشتیبان استفاده شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: *زبان زنان* را صدیقه دولت‌آبادی (۱۲۶۱-۱۳۴۰) از پیشروان حقوق زنان در ایران، ابتدا در سال ۱۲۹۹ در اصفهان به صورت روزنامه، و پس از توقیف به دلیل پرداختن به موضوع‌های سیاسی در سال بعد، تا سال ۱۳۰۲ در تهران به صورت مجله‌ای ویژه مسائل زنان منتشر کرد. *عالم نساوان* به صاحب‌امتیازی نوابه صفوی به مدت سیزده سال (۱۲۹۹-۱۳۱۲) به صورت منظم منتشر شد. هر دو مجله به دفاع از حقوق زنان، مبارزه با جهل و بی‌سوادی زنان، رسیدگی به معضلات بهداشتی-درمانی زنان، موضوع حجاب، قوانین ازدواج و طلاق، مبارزه با ازدواج زود هنگام دختران و تعدد همسر می‌پرداختند. هدف این مجلات انتقاد از وضع جامعه ایران و ترویج نوسازی ساختار اجتماعی-فرهنگی بود؛ ولی به سبب نگرانی از توقیف، غیرسیاسی بودند و برنامه‌های نوسازی دولت‌محور را دنبال می‌کردند.

کلیدواژه‌ها:

زنان؛ مجله‌های زنان؛ ایران؛ دولت‌آبادی، صدیقه؛ صفوی، نوابه؛ «*زبان زنان*»؛ «*عالم نساوان*»؛ بهداشت؛ برابر حقوقی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی
واحد یادگار امام خمینی شهرری، تهران، ایران
khedrizedeh@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۴۱

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۸۶-۱۰۸ (۲۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

مقدمه

حدود هفتاد و پنج سال پس از انتشار «کاغذ اخبار» نخستین نشریه دولتی ایران، اولین نشریه اختصاصی زنان با عنوان «دانش» به مدیریت خانم دکتر کحّال در دهم رمضان ۱۳۲۸ ق در مطبعه شرقی تهران چاپ و منتشر شد. در سرلوحه این نشریه درباره روش و اصول آن چنین آمده است: «روزنامه‌ای اخلاقی، علم‌خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، مفید به حال دختران و نسوان و به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند» (شکوفه به‌انضمام دانش، ۱۳۷۷، ص ۹). «شکوفه» دومین نشریه اختصاصی زنان بود که با مسئولیت مریم عمید (مزیّن السلطنه) مؤسس و مدیر مدرسه مزینیه طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ ق در تهران انتشار یافت (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۸؛ کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۹۶). در اولین شماره این نشریه که مصور نیز هست شکوفه خود را این گونه معرفی می‌کند: «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحة اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دو شیزگان و تصفیة اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان» (شکوفه به‌انضمام دانش، ۱۳۷۷، ص ۱۰). در عین حال در این نشریه بیش‌تر از نشریه دانش انعکاس دگرگونی‌های جامعه ایرانی و جهان پیرامون را می‌توان دید. عمید «نخستین گام‌های وطن‌دوستی و تلاش برای حفظ و توسعه آن را در تربیت اطفال می‌داند» (شکوفه، سال ۱، شماره ۳، ص ۴) و معتقد است که «تا دختران در مدارس عرفان تربیت نشوند و اخلاق صحیحه نیابند و به صفات حسنه آراسته نگردند و تعلیم علوم و معارف ننمایند و تحصیل صنایع لازمه نکنند و آداب خانه‌داری و بچه‌پروری ندانند، انتظام حال و ترقی و استقلال مملکت معسور^۱؛ بل از جمله محالات است» (سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). از نظر شکوفه «اسّ و اساس هر مملکت و ترقی و پیشرفت هر ملت بسته به وجود زن‌های آن‌جاست» (شکوفه، سال ۲، شماره ۲۴، ص ۳)؛ بنابراین با بیان نمونه‌هایی از رفتار زنان اروپایی نظیر «رسیدگی به فقرا و بی‌چیزان، همراهی برای گرفتن آرا، حضور در می‌تینگ‌ها، مشورت در امورات مملکت» توضیح می‌دهد که زنان ایرانی نیز می‌توانند چنین نقشی را در جامعه ایفا کنند (سعیدی، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۱۶).

با زوال دوران پراکندگی قدرت پس از مشروطه (۱۲۸۵-۱۲۹۹ ش) و آغاز تمرکز قدرت سیاسی و تجددگرایی عصر رضاشاه (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش)، حوزه مطبوعات و از جمله مطبوعات زنان دگرگونی‌هایی فراوان پذیرفت. تجددگرایی اقتدارگرا، هم بر اعمال محدودیت‌های پر دامنه مدنی و سیاسی و هم بر گشودن راه تبلیغات وسیع و جدید حکومتی تکیه داشت و این دو وجه از سیاست نمی‌توانست مطبوعات زنان را از حوادث برکنار نگاه دارد. پس از دانش و شکوفه در طول این بیست سال نشریات زنانه گوناگونی منتشر شدند که مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب زمان انتشار عبارت‌اند از: *زبان زنان* (۱۲۹۸ ش)، *نامه بانوان* (۱۲۹۹ ش)؛ *عالم*

۱. دشوار؛ سخت



نسوان (۱۲۹۹ش)؛ جهان زنان (۱۲۹۹ش)؛ نسوان وطن خواه (۱۳۰۲ش)؛ نامه نسوان شرق (۱۳۰۴ش)؛ رهنمای بانوان (۱۳۰۵ش)؛ پیک سعادت نسوان (۱۳۰۶ش)؛ دختران ایران (۱۳۱۰ش)؛ و نامه بانوان ایران (۱۳۱۷ش). اصفهان در سال ۱۲۹۸ش با روزنامه «زبان زنان» به صاحب امتیازی صدیقه دولت آبادی نخستین شهری بود که پس از تهران صاحب روزنامه زنان شد و بعد از آن مشهد با انتشار مجله «جهان زنان» به مسئولیت فخرآفاق پارسا در همان سال و بندر انزلی با «نامه نسوان شرق» به مدیریت مرضیه ضرابی در سال ۱۳۰۴ش به عنوان سومین و چهارمین شهرهای ایران گام در راه چاپ نشریات اختصاصی زنان نهادند. تأثیر دو حوزه «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» بر مطبوعات زنان در این دوره اهمیتی فراوان دارد (خانیک، ۱۳۸۶، ص ۸۸). اگر ۱۵ سال نخست پس از مشروطه با همه فراز و فرودهای سیاسی با دو ویژگی عام «توزیع قدرت سیاسی» و «حیات جامعه مدنی» مشخص می شود (خانیک، ۱۳۷۸، صص ۶۵-۹۷)، ۲۰ سال بعد از آن را می توان با دو ویژگی «تمرکز قدرت سیاسی» و «ضعف جامعه مدنی» متمایز کرد و این تفاوت معنادار سیاسی و مدنی تأثیری قابل مشاهده در کمیت و کیفیت مطبوعات در این دو دوره دارد (خانیک، ۱۳۸۱، صص ۳۷۱-۳۷۹).

در سال های پس از کودتای ۱۲۹۹ش و غلبه گفتمان ضرورت نوسازی اجتماعی - اقتصادی دولت محور، انتشار نشریات اختصاصی زنان رشد زیادی کرد. در این دوره سازمان های فرهنگی جایگزین احزاب سیاسی عصر مشروطه فعالیت خود را آغاز کرده بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹)؛ بنابراین یکی از اهداف اصلی سازمان های فرهنگی و نشریات زنان انعکاس مسائل و خواسته های زنان تجددخواه ایران در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی بود. به بیان دیگر، دغدغه اصلی نشریات زن محور فراهم آوردن زمینه های لازم برای مشارکت اجتماعی فرهنگی زنان ایران بوده است. تلاش برای تغییرات حقوقی و قوانین قضایی در جهت دفاع از زنان، مبارزه با خرافات و بی سوادی زنان، حفظ الصحة زنان، موضوع بارداری و تربیت کودکان، حجاب و نگرشی انتقادی به وضعیت ازدواج و طلاق در ایران، از موضوعات مهم مورد توجه در نشریات مزبور بوده است.

علاوه بر نشریات زنانه، سایر نشریات آن دوره نیز به مسائل زنان حساسیت و توجهی خاص داشتند؛ برای نمونه، نشریه «ایران آزاد» - یکی از نشریات مدافع حقوق زنان - از دولت به دلیل دست نزدن به اقدامی برای تعلیم و تربیت زنان انتقاد می کند و می نویسد: دولت مردانی که به آموزش زنان توجهی نشان نمی دهند، در واقع خواستار نوسازی اجتماعی نیستند؛ زیرا زنان امروز مادران فردا هستند (ایران آزاد، سال ۱، شماره ۲۶، ۵ ثور ۱۳۰۱، ص ۲)؛ سپس تأکید می کند که «فصل اول دفتر اصلاح ایران با مادر شروع می شود» و این جز با «استقامت، اتفاق و فداکاری» ممکن نیست (ایران آزاد، سال ۱، شماره ۵۹، ۲۹ جوزا ۱۳۰۱، ص ۳). این نشریه

هم‌چنین از کسانی که با سواد شدن زنان را کفر تلقی می‌کنند و آن را «مخالف شریعت و آداب دیانت» می‌دانند انتقاد می‌کند و آن را مخالف موازین دین نمی‌داند. سپس برای اثبات سخنان خود کشور مصر را مثال می‌زند و به «مجمع بین‌المللی نسوان مصر» اشاره می‌کند (ایران آزاد، سال ۱، شماره ۳۶، ۲۵ تیر ۱۳۰۱، ص ۲).

نشریه «ستاره ایران» نیز در راستای نوسازی اجتماعی، «تربیت نسوان» را برای داشتن فرزندانی شایسته بسیار مهم ذکر می‌کند و فرهنگ‌نداشتن مردم و حتی بعضی از مردان تحصیل کرده را به این دلیل می‌داند که «پرورش یافتگان دامان مادران جاهل» اند (ستاره ایران، سال ۸، شماره ۲۱۵، ۷ سرطان ۱۳۰۲، ص ۲).

نشریه «عصر نهضت» نیز بارها به لزوم سوادآموزی زنان اشاره می‌کند و امیدوار است که تمامی اقشار جامعه حتی ایلات و عشایر نیز به اهمیت تحصیلات در نوسازی کشور پی ببرند. نویسنده بر این باور است که تنها در این صورت، معارف کشور اصلاح خواهد شد و حتی در صورت کمبود بودجه، مردم در این موضوع مهم مشارکت خواهند کرد و هزینه ساخت مدارس و مؤسسات آموزشی را پرداخت خواهند کرد (عصر نهضت، سال ۲، شماره ۴، ۲۲ سرطان ۱۳۰۳، ص ۳).

هفته‌نامه «قرن بیستم» هم در مقالاتش به وضعیت زنان توجه می‌کرد و به دفاع از «حقوق حیاتی نسوان» معتقد بود (قرن بیستم، سال ۱، شماره ۳، ۳۱ تیر ۱۳۰۰، ص ۲). این نشریه در مقاله‌ای دیگر دربارهٔ به فساد کشیده شدن زنان بحث می‌کند و مردان را سرزنش می‌کند که با وجود دستور مستقیم اسلام بر واجب بودن کسب علم، آن‌گونه که شایستهٔ یک ملت متمدن است بر آموزش زنان تأکید نمی‌کنند و در ادامه خواستار تأسیس مدارس دخترانه می‌شود. سپس تأکید می‌کند که تنها در این صورت «دختران از روی قواعد اخلاقی و مطابق احتیاجات ملیه و مقتضیات عصریه» تربیت خواهند شد و مرتکب اعمال شنیع نخواهند شد. هم‌چنین از برخی از مردان به علت فریب دادن دختران انتقاد می‌کند و خواستار توقف این وضعیت می‌شود؛ چون به این علت «ناموس رو به انحطاط» می‌گذارد. این نشریه یکی دیگر از دلایل این انحطاط را رمان‌های سخیف و عکس‌های مستهجن می‌داند (قرن بیستم، سال ۱، شماره ۵، ۲۳ جوزا ۱۳۰۰، ص ۳). این نشریه از مخالفان حجاب کامل است و آن را از موانع نوسازی می‌داند. از جمله بر این باور است که نمی‌توان زنان را به علت دربر داشتن چادر به استفاده از البسهٔ ساخت کشور مجبور کرد.

نشریه «نامه جوانان» اگرچه مخالف حجاب کامل نیست، ولی از حجاب زنان ایرانی انتقاد می‌کند و عقیده دارد که زنان باید حجابی داشته باشند که «شناخته شوند»؛ بنابراین پیشنهاد می‌دهد «وضع رو گرفتن اسلامی‌ها یعنی چارشف^۱ سر کردن خیلی

۱. چارشف: چارشب (مخفف چادرشب).
شف: شفاف؛ نازک؛ توری. پارچهٔ نازک که روی چیزهای دیگر بپوشند.

مناسب است» زیرا باتوجه به قوانین مردسالار ایرانی و لابیگری مردان، زنان از نظر روحی آسیب‌های فراوانی می‌بینند؛ در نتیجه خیانت افزایش می‌یابد. به علت حجاب، زنان قابل‌شناسایی نیستند، در نتیجه خیانت از روی خشم را بسیار بی‌پروا انجام می‌دهند. حذف چادر فواید زیادی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارد: «امتعه وطنی رواج پیدا می‌کند؛ تا اندازه‌ای از خیانت زن به شوهر جلوگیری می‌شود؛ زن‌ها محترم می‌شوند؛ این آزادی که حالا زن‌ها در چادر دارند و از آن سوءاستفاده می‌کنند از آن‌ها گرفته شده و در عوض یک آزادی باشراقتی به آن‌ها داده می‌شود و در زندگی شریک می‌شوند و غیره؛ و این قدم بزرگی است به طرف ترقی اخلاقی و اقتصادی» (نامه جوانان، سال ۱، شماره ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲، ص ۲).

این نشریه در همین راستا این رباعی را خطاب به زنان چاپ کرد:

تا کی کفن سیاه دربر دارید؟
تا چند نقاب تنگ در سر دارید
گر طالب آزادی و علم و هنرید
ترکانه حجاب جهل را بردارید» (نامه جوانان، سال ۱، شماره ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲، ص ۲).

«نامه جوانان» به کسانی که مخالف تحصیل زنان هستند انتقاد می‌کند و آنان را از موانع پیشرفت ایران می‌داند و بر این باور است که زندگی این عده از «خریت» ملت تأمین می‌شود؛ به همین علت بر عقاید غلط خود پافشاری می‌کنند. از مردان نیز می‌خواهد به سخنانی از قبیل این که «اگر زن سواد پیدا کند تحصیل نماید، بی‌ناموس می‌شود بایی می‌شود» توجه نکنند (نامه جوانان، سال ۱، شماره ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲، ص ۲).

نشریه «ناهید» نیز در خبری از پانزدهمین جشن فارغ‌التحصیلی در مدرسه عالی آمریکایی، نقش زنان را در راستای نوسازی کشور مهم می‌داند. یکی از زنان سخنران این مراسم، راه رسیدن به توسعه و نوسازی کشور را افزایش تحصیلات زنان می‌داند و ساخت مدرسه برای تعلیم و تربیت آنان را برای رسیدن به این امر مهم ضروری می‌داند (ناهید، سال ۳، شماره ۹، ۱۱ جوزا ۱۳۰۳، ص ۳).

باتوجه به اهمیت موضوع، در این مقاله سعی شده است تا چگونگی طرح مسائل و موضوعات مهم زنان براساس گزیده‌ای از مقالات نشریات «زبان زنان» و «عالم نسوان» پی گرفته شود:

۱. زبان زنان

صدیقه دولت‌آبادی خواهر حاجی میرزا علی محمد دولت‌آبادی در ۲۰ شوال ۱۳۳۷ ق ۱۲۹۸ ش یعنی سه سال بعد از تعطیلی نشریه «شکوفه»، روزنامه «زبان زنان» را در اصفهان انتشار

داد. «این نشریه هر هفته روزهای شنبه با تیراژ ۲۵۰۰ نسخه فروخته می شد و مردان بیشتر از زنان خواننده ثابت آن بودند» (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۵۸). این روزنامه، عناوینی مانند «زنان و علوم»، «زنده باد قلم»، «زن بیچاره نیست»، «حق با آزادی است»، و «سرنگون باد استبداد» را بر مقالات خود قرار می داد (کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۹۸). روزنامه *زبان زنان* به تدریج از مسلک مقرر خود که بحث در امور مربوط به زنان و دوشیزگان بود خارج شد و به موضوعات دیگری پرداخت و در نتیجه جنبه جنجالی پیدا کرد. این روزنامه به مناقشه قلمی با مردان می پرداخت و موضوع آزادی و استبداد را بیش از آن که مسئله مردان و زنان ایران بداند، مسئله ای مختص به زنان می دانست و از آنجا که روزنامه ای زنانه بود فقط مقالات و نوشته های بانوان را چاپ می کرد. مندرجات *زبان زنان* درباره مسائل حقوقی، اجتماعی، علمی و تربیتی زنان بود. دولت آبادی به علت وضعیت نابه سامان زنان در سال های پس از جنگ جهانی اول این روزنامه را منتشر کرد. او موقعیت زنان در آن دوره را این گونه شرح می دهد:

«در سال ۱۲۹۷ هـ ش گذرم به اصفهان افتاد. آن زمان موقعیت زن در آن شهر تاریخی باریک و افق آن سامان بی نهایت تاریک بود. هوای اصفهان برای تنفس آزادی خواهان مسموم و روزگارشان مغموم می گذشت. ... از زنان سروصدایی نبود و بانوان حق دخالت در تربیت دختران را نداشتند. مادران متمول بالاترین محبتشان درباره دختر این بود که از بدو تولدش در صدد تهیه جهیزیه باشند و چون دختر به هفت سال می رسید خوشبختی دختر را بر این می دانستند که خواستگارانی داشته باشد و اگر کسی نبود به رمال، فال گیر و دلال پناه برده و پول ها خرج کنند تا دختر را در سن هشت نه سالگی به عوض فرستادن به مدرسه و دارالتربیت به خانه شوهر روانه و از آن جا دسته دسته به گور روانه کنند. این همه ناگواری ها و بی اعتدالی ها روح معارف پرستی مرا تقویت کرده و بر آن واداشت بدون اندیشه و هراس مدرسه سیاسی به وجود آورم و چون نسخه طبیب به بالین بیماران خانه نشین بی کار بفرستم تا در حدود امکان به بیداری و هوشیاری زنان مدد شده باشد. در تأثیر این افکار *زبان زنان* به وجود آمد» (*زبان زنان*، سال ۴، شماره ۱، فروردین ۱۳۰۱، ص ۲۰).

روزنامه *زبان زنان* در ابتدا جنبه سیاسی نداشت و به امور اختصاصی زنان می پرداخت؛ ولی نگرش صدیقه دولت آبادی که از فعالان سیاسی و تندروی تساوی حقوق زنان بود، روزنامه را به تدریج به حوزه سیاست و مسائل روز کشاند؛ مسائلی که ورود به آن برای زنان ممنوع بود. انتخاب نام «*زبان زنان*» برای روزنامه، آشکارا سنت شکنی و وارونه سازی مفاهیم غالب بود. در جامعه سنتی طرح غالب این بود که «زبان زن» باید کوتاه باشد و «زبان درازی» برای زنان بار منفی دارد؛ ولی صدیقه دولت آبادی با نامیدن عنوان روزنامه به نام «*زبان زنان*»



نه تنها این طرح غالب را به بازی گرفت، بلکه به آن باری مثبت داد (<https://socialhistory.org/fa/collections/sedighe-dolatabadi-collection>).

زبان زنان به دلیل همین قلم صریح و تند هدف انتقاد شدید اقشار سنتی قرار گرفت و تلاش‌هایی برای توقیف آن از سوی وزارت معارف به عمل آمد. برای نمونه در تلگرافی از اصفهان به وزارت معارف و اوقاف در نکوهش این روزنامه آمده است: «عدم توقیف مجلهٔ زبان زنان منافعی اسلام و شریعت سید انام^۱ منیر دین [است]» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). دولت‌آبادی در برابر فشارها و تهدیدهای مخالفان خود بسیار ایستادگی می‌کرد و می‌نوشت: «می‌دانیم دامن کار و دانش به کمر زدن، راست‌گویی، آزادی‌پژوهی و ایران‌پرستی، دشواری بسیار دارد و باید در برابر دروغگویان، تاریک‌منشان و آزادی‌شکنان ایستادگی کرد» (زبان زنان، سال ۲، شماره ۵۲. به نقل از کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۹۹).

این روزنامه در همان دورهٔ اول، در ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ ق/۱۵ جدی ۱۲۹۹ ش - بعد از انتشار شماره ۵۷ - به دستور فتح‌الله‌خان اکبر سپهدار اعظم رئیس‌الوزرا توقیف شد (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). سپهدار که از قلم تند و صریح «زبان زنان» در مخالفت با سیاست انگلستان در ایران و قرارداد ۱۹۱۹ م به خشم آمده بود به بهانه «بعضی ملاحظات سیاسی» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱) خود به طور مستقیم در تلگرافی به حکومت اصفهان دستور توقیف این روزنامه را صادر کرد. در این تلگراف آمده است: «حکومت جلیله؛ روزنامهٔ زبان زنان بدون اجازهٔ وزارت داخله و معارف جدیداً در اصفهان عرض اندام کرده است و برخلاف سیاست دولت درافشانی می‌کند. البته توقیف کرده، اطلاع دهید» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). دولت‌آبادی که روزنامهٔ خود را بی‌هیچ دلیل موجهی مستوجب توقیف نمی‌دانست، پس از کودتای ۱۲۹۹ ش در صدد رفع این توقیف برآمد. وی در نامهٔ مورخ ۲۹ اسد ۱۳۰۰ ش خود به وزارت معارف دربارهٔ چگونگی توقیف این روزنامه می‌نویسد: «چنانچه خاطر محترم اولیای آن وزارت‌خانه آگاه است که زبان زنان به موجب امتیازنامهٔ نمرة ۵۱۸۰ مورخهٔ ۱۷ شعبان ۱۳۳۷ تحت مدیریت من قریب به دو سال از تاریخ ۲۰ شوال ۱۳۳۷ الی تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ تا شمارهٔ ۵۷ با بهترین اسلوب [اسلوب] و در نهایت پاک‌دامنی و عفتِ قلم چاپ و انتشار می‌یافت، تا تاریخ ۱۵ جدی ۹۹ آقای سپهدار اعظم که رئیس‌الوزرا بودند» تلگرافی مبنی بر توقیف مجله به حکومت اصفهان نمود و «حکومت و نظمی بر طبق آن تلگراف، زبان زنان را به موجب اختطاریهٔ رسمی به ادارهٔ من و مطبوعهٔ جبل‌المتین توقیف نمودند» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱؛ بیات و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۸۴).

سرانجام با پیگیری‌های دولت‌آبادی، صادق انصاری رئیس ادارهٔ معارف و صنایع مستظرفهٔ اصفهان در نامه‌ای، از وزارت معارف تقاضا کرد تا توقیف روزنامهٔ زبان زنان رفع

۱. سید الانام: بزرگ آفریدگان؛ لقب پیامبر اسلام، انام: مخلوقات؛ آفریدگان؛ جن و انس.



شود. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «... جریده *زبان زنان* در تاریخ ۱۵ جدی به امر مرکز توقیف و راپورت آن را ... نیز تقدیم داشت. اینک که تمام جرائد اصفهان آزاد است و اخیراً دو طغرا امتیاز به نام جریده «غرش» و «نجات ایران» هم ضمیمه امر مطاع نمره ۱۹۱ صادر و مرحمت شده، در صورتی که اولیاء آن مقام منیع مقتضی بدانند این جریده هم از توقیف خارج شود» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱).

وزارت معارف پس از دریافت نامه فوق نامه‌ای برای رفع توقیف نشریه *زبان زنان* به قوام السلطنه رئیس الوزرا نوشت و خاطر نشان ساخت که «از زمان تصدی آقای سپهدار جریده مزبوره بدون مراجعه به وزارت معارف از طرف حکومت اصفهان توقیف گردید. در تعقیب تظلم مدیره جریده مزبور، وزارت معارف از ریاست وزراء وقت کسب تکلیف و درخواست رفع توقیف نمود؛ ولی جوابی به امر آقای سپهدار اعظم بدین مضمون واصل گردید که جریده مزبور به واسطه بعضی ملاحظات سیاسی توقیف گردیده است. اینک اگر حضرت اشرف صلاح می دانند مجدداً اجازه انتشار داده شود» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱؛ بیات و کوهستانی نژاد، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۵۸۱-۵۸۲).

علاوه بر آن، وزارت معارف برای رفع توقیف از روزنامه *زبان زنان*، در نامه مورخ ۵ اسد (مرداد) ۱۳۰۰ به وزارت داخله نوشت: «مجله *زبان زنان* که اجازه انتشار آن در اصفهان از طرف وزارت معارف صادر شده است، موافق خبر تلگرافی رئیس معارف اصفهان از طرف حکومت در نشر آن جلوگیری به عمل آمده است. هرگاه علتی نداشته مقتضی است مقرر فرمائید به حکومت اصفهان مقرر دارند که ممانعت از طبع و نشر مجله مذکوره ننماید» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱).

سرانجام در سنبله ۱۳۰۰ش وزارت معارف با ارسال نامه‌ای به اداره روزنامه *زبان زنان* اعلام داشت که «وزارت معارف اقدامات لازم را در رفع توقیف روزنامه به وسیله جلیله داخله نموده و عن قریب نتیجه آن [را] معلوم و به شما اعلام خواهد نمود» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). هم چنین در همین تاریخ از وزارت معارف به وزارت داخله اعلام شد: «... حالا که حکومت توقیف روزنامه را منسوب به حکم ریاست وزراء وقت می نماید [و] آن هم معلوم نیست از چه نقطه نظری بوده، مقتضی است دستور دهند حکومت از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری ننماید» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). متعاقب آن، وزارت داخله در تاریخ سنبله ۱۳۰۰ش به وزارت معارف نوشت: «برطبق رقیمه نمره ۲۹۷۴ به حکومت اصفهان تلگراف شد به جریده *زبان زنان* اجازه طبع و نشر بدهند» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱).

دولت آبادی خود نیز درباره نحوه رفع توقیف روزنامه *زبان زنان* چنین می نویسد: «... در تاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۰۰ اداره معارف اصفهان در تحت مراسله رسمی نمره ۲۳۳ به من



نوشته‌اند که برطبق امر مورخه ۷ سرطان ۱۳۰۰ نمره ۱۸۷۰ وزارت جلیله معارف، زبان زنان از توقیف درآمده است» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱).

اجازه انتشار مجدد روزنامه زبان زنان البته مبتنی بر رعایت اصولی بود که در نامه وزارت معارف به اداره معارف اصفهان برای آن نشریه معین شده بود. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «... چون طبع و انتشار جریده مزبور را تصدیق می‌نمائید، وزارت نیز اجازه آزادی آن را می‌دهد؛ مشروط بر این که به مدیر آن اخطار شود: اولاً برطبق التزامی که سپرده است (آگاهی زنان بر وظایف مشروعه خود و نشر آثار ادبی و اخلاقی در میان ایشان) رفتار نماید؛ [ثانیاً عبارت گوشه و کنایه دار برای طفره از مواد قانون در مجله خود درج ننماید]؛ ثالثاً چون زبان زنان مجله است، البته قطع ورق آن را طوری قرار دهد که با جریده اشتباه نشود؛ به علاوه در سرلوحه آن عبارت مجله زبان زنان قید شود نه زبان زنان به طور مطلق» (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱).

در این زمان، دولت آبادی که دیگر ادامه فعالیت مطبوعاتی خود را در اصفهان با دشواری‌هایی توأم می‌دید، به هنگام اخذ اجازه انتشار مجدد زبان زنان از اصفهان عازم تهران شد و براساس مجوزی که وزارت معارف برای انتشار زبان زنان به او داده بود، تصمیم گرفت تا از آن پس نشریه مزبور را به صورت مجله در تهران منتشر کند (ساکما، ۲۹۷۰۳۶۰۸۱). روزنامه مزبور پس از رفع توقیف به شکل مجله و به صورت ماهنامه از فروردین ماه ۱۳۰۱ ش در تهران منتشر شد. این مجله علاوه بر دفترش در تهران، در شیراز، اصفهان، دماوند، اهواز، و تبریز هم نمایندگی داشت. انتشار این مجله تا پایان همان سال بیشتر دوام نیاورد؛ علت موضوع این بود که از سوی وزارت معارف، محدودیت‌هایی ایجاد شد و صدیقه دولت آبادی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. انتشار دوره سوم نشریه بعد از بازگشت دولت آبادی از اروپا از سال ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م به صورت مجله ماهانه در تهران ادامه یافت (آژند، ۱۳۶۳، ص ۲۸۹؛ بیات و کوهستانی نژاد، ۱۳۷۲، ص ۵۸۴؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۴).

مجله زبان زنان مانند دیگر نشریات زنانه به دنبال ایجاد آگاهی در بین زنان و سپس تلاش برای کسب حقوق آن‌ها بود. این نشریه در یکی از مقالات خود نوشت: «مقصود ما آگاهی و بیداری زنان و تشویق ایشان به علم، و ادب کردن مادران خوب برای اطفال ایران است و از این نیت مقدس به یاری خدا منصرف نمی‌شویم» (زبان زنان، سال ۴، شماره ۱، فروردین ۱۳۰۱، صص ۲۰-۲۱).

زبان زنان بهترین عنوانی بود که دولت آبادی می‌توانست برای روزنامه‌اش انتخاب کند. بیان مسائل زنان در این نشریه، زمانی که در انزوا بودن و اعتراض نکردن نوعی فضیلت برای زنان محسوب می‌شد، نوعی هنجارشکنی تلقی می‌شد. عنوان زبان زنان در واقع سنت‌شکنی

۱. البته در سند روی این جمله خط کشیده شده است.



و شکستن سکوت حاکم بر بانوان و اعتراض به وضع موجود بود. *زبان زنان* وسیله‌ای برای بیان محرومیت‌ها و نقض حقوق بانوان به‌عنوان یک طبقه اجتماعی بود. اولین خواسته *زبان زنان* مانند دیگر نشریات، تعمیم معارف بالأخص در میان زنان بود. *زبان زنان* سرنوشت کشور را با علم‌آموزی و سواد زنان پیوند می‌زند و می‌نویسد: «علت این که آزادی، مشروطیت مملکت، و حکومت عامه در ایران برقرار نشد، این است که صاحبان این حقوق که اکثریت ملت می‌باشند بی‌سواد می‌باشند و چون بی‌سواد می‌باشند، نمی‌توانند وظایف خودشان را ادا کنند و به حقوقشان آشنا شوند» (*زبان زنان*، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، صص ۲۳-۲۵). به‌علت ممانعت مردان از سوادآموزی زنان، این نشریه سبب ذلت و بدبختی و نداشتن تعلیم و تربیت، و نادانی زنان را مردان می‌داند و آنان را شماتت می‌کند و می‌نویسد: «چه کسی باعث تمام این بدبختی‌ها شده؟ کی‌ها ما را از نعمت علم و کسب دانش محروم داشته‌اند؟ کدام مردم قید اسارت و جهالت را به گردن ما زن‌ها نهاده‌اند؟ کی‌ها ما را از چندین قرن پیش ناقص‌العقل و از هیئت اجتماعی خارجمان نموده؟ و کی‌ها اختیار ما و اولاد ما را از ما گرفته‌اند؟ اگر دخترهای ما را در جلوی رویمان آتش بزنند یا بفروشند ما حق سؤال و جواب نداریم؛ تا چه رسد به این که اطفالمان را به مدرسه بگذاریم که در آتیه آدمکش نشوند... پس به‌عقیده من این جنایت هم مثل سایر جنایات به گردن مردها است. اول باید مردها را تربیت کرد تا اجازه بدهند مادرهای فردا دانشمند شده و مرتکب قتل نشوند» (*زبان زنان*، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، ص ۲۱).

آموزش بانوان از دید *زبان زنان* بسیار بااهمیت بود. رسیدن به سعادت و خوشبختی و برطرف شدن جهل عمومی و تمام شدن بدبختی‌های اجتماعی در نتیجه تحصیل توده ملت به‌ویژه طایفه نسوان ممکن بود. *زبان زنان* به تحصیل اجباری معتقد بود. به‌همین دلیل خواستار ایجاد مدارس دولتی مجانی و مجبور کردن اهالی به سپردن فرزندان خود از دختر و پسر به این مدارس بود. علاوه بر آن، این نشریه خواستار آموزش فراگیر زنان در مناطق مختلف ایران بود. از دید *زبان زنان* اصلاح حال توده ملت به دست خود ملت بود؛ بنابراین این نشریه خواستار آن بود تا زنان خود به فکر آموزش خود باشند و برای نیل به این منظور تربیت دختران نباید فقط به پایتخت منحصر می‌بود؛ بلکه، باید از پایتخت شروع می‌شد و به تمام نقاط ایران عمومیت می‌یافت. براین اساس این نشریه به بانوان پیشنهاد می‌داد که هر کدام از خانم‌های عالمه که می‌توانند، به شهرهای دیگر ایران بروند و در آنجا مدارس ابتدایی تأسیس کنند و تربیت آن‌ها را به‌عهده بگیرند. به این وسیله توده ملت «از چاه تاریک جهل» درمی‌آیند و به شاهره سعادت می‌رسند (*زبان زنان*، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، ص ۲۱).

زبان زنان در شماره دیگری بازهم خواهان تخصیص امکانات آموزشی برای دختران



بود. دولت‌آبادی در این زمینه اعتراض خود را این‌گونه بیان کرد: «چرا باید از مدارس مجانی دولتی به‌اندازه حدود و حقوق ارثی دختران در مرکز و ولایات ایجاد نشود؟ ... باید از دولت بخواهیم که در ولایات مدارس دختران را تأسیس کند و در مرکز اقلای یک دبستان فنی برای دختران تشکیل نماید» (زبان زنان، سال ۴، شماره ۴، تیر ۱۳۰۱، ص ۲۲).

البته در این زمان تعلیم و تربیت بانوان مشکلی اساسی داشت و آن کمبود معلمان زن بود. بیشتر خانواده‌ها اگر با تعلیم و تربیت دختران‌شان هم کنار می‌آمدند، داشتن معلم مرد برایشان پذیرفتنی نبود. پیشنهاد دولت‌آبادی برای حل مشکل این بود: «وزارت معارف یک عده معلم مخصوص صاحبان فنون از اروپا بخواهد و اداره مخصوص معارف زنان تشکیل دهند» (زبان زنان، سال ۴، شماره ۴، تیر ۱۳۰۱، ص ۲۲) تا زمانی که مشکل کمبود معلمان زن برطرف شود.

نشریات زنان در این دوره شیوه متداول ازدواج در ایران را عقلانی نمی‌دانستند. زبان زنان نیز همگام با دیگر نشریات و حتی بیشتر از آن‌ها به این موضوع اهمیت می‌داد. این موضوع از دو جهت مهم بود. یکی اینکه، ازدواج اغلب دختران در سنین پایین اتفاق می‌افتاد؛ یعنی دختران کم‌سن‌وسال، همسر پیرمردان یا مردان زن‌دار می‌شدند؛ از طرف دیگر، هنگام ازدواج طرفین یکدیگر را نمی‌دیدند و از خوی و طبیعت یکدیگر آگاه نبودند. دولت‌آبادی در نشریه زبان زنان به موضوع ازدواج زودرس پرداخت. او ازدواج‌های زود هنگام را مانع رشد طبیعی دختران و سبب از بین رفتن سرزندگی آن‌ها و بروز پیری زودرس می‌دانست. از نظر او شرط توافق سنی دختر و پسر در هنگام ازدواج مهم بود: «اینکه علما و دانشمندان را عقیده بر این است که دختران را کمتر از ۱۸ و ۲۰ سال شوهر ندهند و مردان نیز بعد از ۲۵ سال ازدواج نکنند، برای این است که معنی زندگانی اشتراکی را بفهمند و بنیه هر دو به حد کمال برسد تا بتوانند از عهده وظایف طبیعی برآیند. چه بدبختی‌ها، چه ناسازگاری‌ها در زناشویی‌ها حاصل شده است ... مسئولیت تمام آن‌ها به گردن والدین بی‌علم نادان است که در ازدواج دختر و پسر مداخله کرده و به میل طرفین اهمیت نداده‌اند» (زبان زنان، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، صص ۲۳-۲۵).

زبان زنان در شماره دیگر خود در انتقاد از این موضوع با لحنی تند نوشت: «اصول زندگانی در ایران غلط است؛ اصول ازدواج غلط است؛ تا اصول زندگانی و ازدواج اصلاح نشود، ایرانی پا به دایره تمدن حقیقی نخواهد گذاشت» (زبان زنان، سال ۴، شماره ۴، تیر ۱۳۰۱، ص ۲۱).

به‌علت وجود و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و نیز بیماری‌های واگیردار در سطح جامعه، لزوم حفظ بهداشت از دید مطبوعات زنان آن دوره به‌دور نمانده است. چون‌که

مراقبت، بهداشت و مسئولیت امور خانه در دست زنان بود، گسترش و شیوع دو بیماری خطرناک سفلیس و سوزاک موجب نگرانی روزنامه‌نگاران زن شده بود. تعداد زیادی از زنان و مردان جامعه مبتلا به این بیماری بودند، زیرا به سرعت منتقل می‌شد و نتیجه آن برای زنان و به‌ویژه اطفال زیان‌آور بود. به‌همین دلیل نشریات زنان یکی از رسالت‌های خود را آشنا کردن زنان با بیماری‌های مقاربتی و نیز راه‌های جلوگیری از آن می‌دانستند. به‌دلیل شیوع بیماری‌های مسری مانند وبا و آبله، زنان در مقالاتی روش‌های جدید مبارزه با این بیماری‌ها را پیش‌روی زنان قرار داد تا به این وسیله از تعداد تلفات این بیماری‌ها کاسته شود.

مجله *زبان زنان* موضوعات تئوریک مدرن مانند سوسیال‌دموکراسی و سوسیالیسم را در صفحات خود پیش می‌کشید که این می‌تواند نشانگر سعی صدیقه دولت‌آبادی در جهت فراهم‌آوردن پایه‌های لازم نظری برای جنبش زنان در زمینه دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی‌شان باشد.

در سرلوحه نشریه نوشته شده بود که «تنها نوشته‌های زنان و دختران پذیرفته [می‌شود] و دفتر ما در چاپ و کم و بیش نمودن آن‌ها آزاد می‌باشد...»؛ بدین ترتیب صفحات مجله در انحصار زنان بود، زیرا که زبان زنان بود. زبان نگارش نشریه تند بود؛ ولی از به‌کاربردن کلمات مستهجن اجتناب می‌کرد و عزت کلام و عفت قلم را رعایت می‌کرد. نثر مجله ساده و همه‌فهم بود و تلاش می‌کرد که از به‌کاربردن واژه‌های غیرفارسی اجتناب کند و معادل فارسی آن‌ها را عرضه کند (<https://socialhistory.org/fa/collections/sedighe-dolatabadi-collection>).

۲. عالم نسوان

نشریه منظم دیگری که مدت سیزده سال به‌طور پیوسته منتشر شد، نشریه «عالم نسوان» ارگان فارغ‌التحصیلان عالی‌مدرسه دخترانه آمریکایی بود. این مدرسه دخترانه را مبلغان مسیحی آمریکایی در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه تأسیس کرده بودند و تحصیل تمامی دختران مسیحی، یهودی، زرتشتی و مسلمان در آن آزاد بود؛ ولی پس از انقلاب مشروطه حضور دختران مسلمان در این مدرسه بیش‌ازپیش افزایش یافت. مجله *عالم نسوان* که از آغاز تحول فکری زنان ایران به‌وجود آمد گرچه نقشی مؤثر در تحولات آزادی‌بانوان نداشت، ولی چون مدت سیزده سال و به‌طور منظم اداره می‌شد، می‌توان آن را از نشریات مؤثر در پیشرفت بانوان ایرانی دانست. مؤسس و صاحب‌امتیاز این نشریه خانم نوبه صفوی بود و نشریه در چهل صفحه به‌طور ماهانه انتشار می‌یافت (کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۰۴؛ ببران، ۱۳۸۱، صص ۸۰-۸۱).

مجله *عالم نسوان* در نخستین روزهای پس‌از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از دولت



سیدضیاءالدین تقاضای انتشار کرد. در تاریخ ۱۸ حوت ۱۳۳۹/۱۲۹۹ش با نامه سیدضیاءالدین طباطبایی به حکومت نظامی تهران این مجله اجازه انتشار یافت. در این نامه آمده است: «مدرسه انائیه امریکائی به موجب شرحی تقاضای طبع و توزیع مجله عالم نسوان را نموده اند. چون این مجله به هیچ وجه دارای مسائل سیاسی نخواهد بود قدغن [غدغن] نمائید^۱ اجازه طبع و نشر مجله مزبور داده شود» (ساکما، ۲۹۳۰۰۵۷۶۳). متعاقب آن ایالت و بلدیۀ تهران در نامه مورخ ۱۸ حوت ۱۲۹۹ش خطاب به مدرسه انائیه امریکایی اعلام داشت: «حسب الامر بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزرا دامت عظمه طبع و نشر مجله نسوان آزاد خواهد بود. به وزارت جلیله معارف و اوقاف نیز توصیه شد که از طبع و نشر مجله ممانعت ننماید» (ساکما، ۲۹۳۰۰۵۷۶۳). علاوه بر آن در بخشی از نامه ایالت و بلدیۀ تهران خطاب به وزارت معارف و اوقاف درباره انتشار *عالم نسوان* چنین آمده است: «سواد دست خط نمره ۱۲۱۶۶ ریاست وزراء عظام دامت عظمه در خصوص طبع و نشر مجله نسوان لغاً تقدیم می گردد. قدغن [غدغن] فرماید در طبع و نشر مجله مزبور ممانعت ننمایند» (ساکما، ۲۹۳۰۰۵۷۶۳). *عالم نسوان* از جمله نشریات زنان بود که به مسائل زنان می پرداخت. *عالم نسوان* از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۴ هـ ش حدوداً پانزده سال منتشر شد؛ یعنی از نشریات دیگر عمری طولانی تر داشت که برای نشریه زنانه امتیاز بزرگی محسوب می شد. این مجله هر دو ماه یک شماره در ۳۸ صفحه به قطع کوچک خشتی طبع می شد و بنابراین در هر سال شش شماره از آن انتشار می یافت. مجله *عالم نسوان* از مجلاتی است که مخصوص نسوان تأسیس شد و بیشتر مقالات آن به قلم فارغ التحصیلان مدرسه امریکایی نوشته شده است. مقالات این مجله در پیشرفت و ترقی نسوان مملکت و تعلیم اصول خانه داری و زندگانی جدید به آن ها کمک فراوان کرده است (بیران، ۱۳۸۱، ص ۸۱؛ رستم کلایی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷).

مجله *عالم نسوان* در همان آغاز خود را این چنین معرفی کرد: «غرض از تأسیس *عالم نسوان* تعاون در تعالی و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت به وطن و خانواده و حسن اداره امور تربیتی می باشد.» «مجله *عالم نسوان* هر دو ماه یک نمره طبع و توزیع می شود. ابداً قصد انتشار اخبار سیاسی که در روزنامه های یومیه خوانده می شود نداشته؛ فقط مطالبی را که برای زنان ایران نهایت لزوم و اهمیت را دارد مورد بحث قرار خواهد داد» (*عالم نسوان*، سال ۱، شماره ۱، مهر ۱۲۹۹، ص ۲).

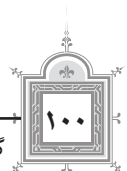
اشاره صریح ناشران *عالم نسوان* به غیرسیاسی بودن این نشریه شاید به این دلیل باشد که آن ها می خواستند با بیان غیرسیاسی بودن این نشریه از همان ابتدا از حساسیت دولت درباره آن بکاهند و نیز از طرفی شاید به نظر ناشران این مجله در مملکتی که هنوز بانوان آن از سوادآموزی و تحصیل بهره ای نداشته اند، پرداختن به سیاست کاری بی معنی بوده است؛

۱. یکی از معانی غدغن تأکید و دستور است و ظاهراً «غدغن نمائید» در این جا به معنی «تأکید نمائید و دستور دهید» به کار رفته است.

چنانچه در این باره می نویسند: «ما را عقیده بر آن است که عوض آنکه هم خود را صرف سیاست بی معنی نماییم، بهتر است که سیاه روزگاری خود را اصلاح کنیم و به هر نحوی که ممکن است در صدد ترویج علوم، ایجاد مؤسسات علمی و تشکیل محافل و مجالس اخلاقی و ادبی برای رفع نواقص نسوان، تحصیل حقوق و اختیارات آنان، [و] تحصیل آزادی برای تعلیم و تربیت آنان برآییم تا شاید بشود خوشبختی برای نسوان بدبخت این سرزمین فراهم آوریم» (عالم نسوان، سال ۵، شماره ۱، مهر ۱۳۰۳، ص ۴).

فعالیت مطبوعاتی عالم نسوان برای پیشرفت زنان بر روی پنج موضوع اساسی متمرکز شده بود: تعلیم و تربیت زنان؛ حفظ الصحة زنان (بهداشت)؛ اصلاح قانون خانواده؛ اشتغال زنان؛ و کشف حجاب. این نشریه درباره نقش زنان در تعلیم و تربیت می نویسد: «بالآخره بعد از چندین سال کوشش و مباحثات طولانی اگر نتیجه به حرف نکشد لایحه تعلیم اجباری به مجلس پیشنهاد گردید... دولت تصمیم گرفت که در کوچکترین قراء، همان که [همین که] عده شاگردان به هفتاد برسد یک باب مدرسه باز کند. در شهرهای بزرگ کارخانه معلم سازی برپا کنند [و] بچه های برزگر و روستائیان هوشمند را که سالیان دراز در نادانی و جهالت بار آمده و از دنیا دور بوده اند تربیت کنند. این اقدام که آبادی مملکت ترقی ملت را ضمانت می کند، هر چه زودتر بشود دیر است، زیرا مردم تربیت نشوند از هیچ طبقه و صنف نخواهند دانست که چگونه بایستی کار کنند. دهقان بی سواد پس از مختصر اطلاعی دیگر زیر بار هزار خروار خرافات نمی رود؛ کارش را موافق عقل و تدبیر انجام می دهد؛ حساب دخلش را نگاه می دارد؛ خرجش را برآورده می کند. ... روزی که زنگ این مدرسه ها به صدا درآید ملت در خواب مانده که از قافله تمدن عقب مانده از جا برمی خیزد چاره می جوید تا راه نارفته را ببیماید؛ ولی نمی دانیم در این نقشه چه حقی برای دختران قائل شده اند. اساساً در ایران صحبت از زنان نیست؛ مردها همه چیز را حق خود می دانند...» (عالم نسوان، سال ۹، شماره ۲، آذر ۱۳۰۷، ص ۳).

عالم نسوان در راستای ضرورت تحول اجتماعی زنان و در انتقاد از وضعیت اسفبار آنان نوشت: «در موقعی که دختر قوایش مستعد تحصیل است، زمانی که با فضای کودکی باید آزاد باشد و بازی کند، به قید شوهرداری مقید می شود و طولی نمی کشد که اطفال هم دورش را احاطه می کنند. آن وقت باید شب ها برای توجه اطفال بیدار باشد و روزها به انجام امور خانه و فرمان برداری شوهر حاضر شود. نتیجه یک چنین ازدواج بی موقعی این می شود که دختر دچار زحمت می شود و از عهده کار خانه بر نمی آید و شوهر به انتظارات خود که داشتن یک نفر زن کاردان است نایل نمی گردد. آنهایی که آرزومند ترقی ایران هستند باید تربیت و تعلیم نسوان را وجهه آمل خود کنند و به توسعه و بسط معارف نسوان بکوشند،



زیرا چنانچه می‌گویند تربیت زن مهم است چون از تربیت کردن یک پسر فقط یک شخص عالم بر وطن افزوده می‌شود، ولی از تربیت کردن یک دختر یک فامیل تربیت شده و سعادت‌مند تشکیل می‌شود» (عالم نسوان، سال ۷، شماره ۵، تیر ۱۳۰۶، ص ۲).

از نظر عالم نسوان تغییر و تحول زن و مشارکت او در زندگانی اجتماعی بر هر امر دیگری مقدم است. این نشریه زنان را به دلیل جهل و نادانی نکوهش می‌کند و بیان می‌کند که علت این که با زنان این قسم رفتار می‌شود، خود زنان هستند. عالم نسوان علت حقارت و بدبختی زنان را اعتقاد به موهومات و خرافات می‌دانست که از نتایج نادانی و جهل بود و سبب شده بود مردان به جای آن که زن را شریک زندگانی خود بدانند «به نظر یک آلت و مبل به ما نگرسته، پیوسته پست‌ترین جایگاه و مقام و حقیرترین موقع را در معیشت فردی و اجتماعی خویش نصیب ما می‌سازند» (عالم نسوان، سال ۵، شماره ۳، شهریور ۱۳۰۴، صص ۲۵-۲۷). از نظر این نشریه مادری می‌توانست فرزندان نیک و لایق و دانا تربیت کند که خود تعلیم یافته باشد. پس «... تا اصول موهومات منهدم و زنان این سرزمین عالم نشوند، هر سعی که در ترقی وطن کنند مانند خانه‌ای است که بنیان آن را بر گل گذارند» (عالم نسوان، سال ۵، شماره ۳، شهریور ۱۳۰۴، صص ۲۵-۲۷).

عالم نسوان در جای دیگر درباره ساخت مدارس و رعایت بهداشت در این مراکز آموزشی می‌نویسد: «بنای تازه شبانه‌روزی دخترانه آمریکایی واقع در خیابان یوسف‌آباد که اخیراً از طرف مدرسه آمریکایی تهران ساخته شده و گنجایش ۶۰ نفر را با کمال راحتی و مراعات حفظ‌الصحه دارد فرصت مناسبی به والدین می‌دهد که دختران خود را به فیض تعلیم و تربیت برسانند» (عالم نسوان، سال ۱۰، شماره ۲، اسفند ۱۳۰۸، ص ۴).

عالم نسوان اشاره می‌کند که در مملکت متمدن بین دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد و هر نوع ترقی و پیشرفت و اختراعات آن‌ها به دلیل وجود زن‌هاست که تربیت‌کننده مردان هستند؛ پس می‌نویسد: «خوب است به مملکت خودمان و حال حاضر نسوان توجه کنید [که] این جا چه خبر است. شرح بدبختی زنان ایرانی از شب زفاف یا هنگام اسیری او نیست. نه تنها او را با اراده و میل خودشان می‌فروشدند و به حق او اعتنا نمی‌کنند، بلکه می‌شود گفت از موقع تولد دچار محضورات [محذورات] کمرشکنی است که روی هم‌رفته عمر عزیز را بر آن‌ها ناگوار و تلخ می‌کند» (عالم نسوان، سال ۶، شماره ۶، آبان ۱۳۰۵، صص ۱-۵). از نظر عالم نسوان خداوند در خلقت زن و مرد هیچ تفاوتی نگذاشته است و هر دو از نظر استعداد و قابلیت فهم و شعور مساوی‌اند و تفاوتی که امروز بین زن و مرد می‌بینیم در نتیجه تربیت نشدن زن‌هاست؛ پس «این محیط و اخلاق عمومی مردم این مملکت است که زن را ضعیفه نام می‌نهد» (عالم نسوان، سال ۷، شماره ۶، آبان ۱۳۰۵، صص ۱-۵).



خانواده یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه نویسندگان عالم نسوان بود. این نشریه حیاتی‌ترین مسائل زندگی خانوادگی را ازدواج دختران خردسال، نکاح موقت (صیغه)، چندزنی، امراض مقاربتی (بیماری‌های آمیزشی)، و سایر تهدیدات علیه زنان می‌دانست. وجود بیماری‌های مقاربتی و شیوع آن بین زنان از مسائل مورد توجه نشریه عالم نسوان بود. این نشریه پس از آنکه مقالات زیادی را درباره بیماری‌های سفلیس و سوزاک چاپ می‌کند، درباره شیوع این بیماری‌ها و راه‌حل جلوگیری از ابتلای به آن‌ها به بانوان هشدار می‌دهد. سوزاک و سفلیس از جمله بیماری‌هایی بود که زنان به آن مبتلا می‌شدند. این بیماری‌ها در اثر ازدواج زنان با مردان مبتلا به این بیماری حاصل می‌شد؛ هم‌چنین وجود فحشا در جامعه به رواج و شیوع این بیماری‌ها کمک می‌کرد. عالم نسوان یادآور شد که این امراض فقط مخصوص گناهکاران نیست؛ بلکه زنان معصوم نیز در اثر ازدواج با مردان مبتلا، به آن دچار می‌شوند و روز به روز بر تعداد مبتلایان افزود می‌شود.

این مجله راه‌حل‌هایی را برای جلوگیری از ابتلای بانوان به این بیماری‌ها پیشنهاد می‌کند که در نوع خود جالب توجه است:

۱. منع اکید از ازدواج افراد سفلیسی؛
۲. دایر کردن شعبات حفظ‌الصحة در ولایات برای معالجه و جلوگیری از آن؛
۳. والدین چشم از شئون ظاهری بپوشند و صحت و پاکی داماد را در نظر بگیرند؛
۴. دوشیزگان پاک‌سیرت در عوض تمام ایرادات معمول، ورقه صحت دکتر را در سلامت مزاج داماد مطالبه کنند و راضی نشوند وجود پاک خود را با ازدواج با شخص سفلیس ناپاک و مُلوث کنند.
۵. کلیه حمام‌ها در تحت مراقبت مجلس حفظ‌الصحة درآید (عالم نسوان، سال ۱۲، شماره ۵، شهریور ۱۳۱۱، صص ۱۹۳-۱۹۴).

ازدواج‌های اجباری از دلایل ابتلای زنان به امراض سفلیس و سوزاک بود. عالم نسوان گزارش‌هایی تلخ از زنان جوانی چاپ می‌کرد که به وسیله شوهران خود بیمار شده بودند. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: «والدین من باعث بدبختی من شدند و مرا مثل یک برده به کسی شوهر دادند که هرگز ندیده بودم و نامش را هم نمی‌دانستم. آن‌ها نمی‌دانستند که من مخالف این ازدواجم، ولی مخالفت یا موافقت من برای‌شان اهمیتی نداشت... من دختر جوان، تیره‌روز و قربانی شده‌ای بودم؛ دختر هجده‌ساله‌ای با قلبی پر از امید که تنها پشتیبانان من یعنی پدر و مادرم مرا قربانی کردند... اولین شب تحقیرشدم یعنی شب عروسی‌ام گذشت و ظرف پانزده روز سفلیس گرفتم» (عالم نسوان، سال ۴، شماره ۲، آبان ۱۳۰۲، صص ۳۴-۳۵).



عالم نسوان خواستار تغییر در قوانین ازدواج و شرایط نابرابر طلاق بود. از نظر عالم نسوان روش نادرست ازدواج نیز خود یکی از دلایل ازدیاد طلاق در جامعه به شمار می‌رفت. مستوره افشار در مقاله‌ای نوشت: «آیا اطلاع داریم که مردان هر وقت بخواهند می‌توانند زنانشان را از خانه بیرون بیندازند؟ آیا می‌دانیم در دهات دور از پایتخت دختر ده‌ساله را به عقد مرد شصت‌ساله درمی‌آورند؟» (عالم نسوان، سال ۱۲، شماره ۵، شهریور ۱۳۱۱، صص ۱۹۳-۱۹۴).

در اکثر ازدواج‌ها عروس و داماد بی‌خبر بودند و حتی آشنایی خانوادگی نیز نداشتند. گاهی اوقات والدین وقتی داماد را فردی متمول می‌دیدند، بدون مشورت با دختر و گرفتن رضایتش او را به ازدواج وادار می‌کردند. عالم نسوان این نوع ازدواج را به «خرید و فروش» تشبیه می‌کند. علاوه بر ازدواج اجباری، ازدواج در سنین پایین نیز رواج داشت. این نوع ازدواج سبب بروز اختلال در حفظ‌الصحة دختران می‌شد. عالم نسوان ضمن برشمردن مضرات این نوع ازدواج می‌نویسد: «چرا متفقاً برضد این عمل زشت قیام نمی‌نمایید؟ برای چه یک قانون ازدواج را از دولت تقاضا نمی‌کنید که از عروسی کردن دختر کوچک‌تر از شانزده یا هفده‌ساله جلوگیری نماید؟» (عالم نسوان، سال ۳، شماره ۶، تیر ۱۳۰۲، صص ۵-۷).

نشریه عالم نسوان در دهه ۱۳۰۰ش از بیم برانگیخته‌شدن خشم سانسور دولتی و روحانیون علناً درباره حجاب بحث نمی‌کرد؛ ولی در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ش مباحث مربوط به کشف حجاب در بخشی با عنوان درباره حجاب که در هر شماره منتشر می‌شد، در این مجله به‌اوج خود رسید. این نشریه نظرات موافقان و مخالفان کشف حجاب را چاپ می‌کرد. طرفداران کشف حجاب بر این باور بودند که چادر جلوی پیشرفت زنان را می‌گیرد و دسترسی آنان را به تعلیم و تربیت و مجامع عمومی محدود می‌کند (رستم‌کلایی، ۱۳۸۷، صص ۲۵۲-۲۵۳). بااین حال در واکنش به شور و هیجان نامحدود درباره کشف حجاب، برخی نویسندگان ارتباط میان آزادی زنان با کشف حجاب را رد می‌کردند. فاطمه انصاری در شهریور ۱۳۱۱ش نوشت: «عده‌ای از مردم، از جمله خود من، عقیده داریم که نه برداشتن چادر آزادی می‌آورد و نه داشتن حجاب و چادر مانع از فساد اخلاقی می‌شود» (عالم نسوان، سال ۱۲، شماره ۵، شهریور ۱۳۱۱، صص ۲۲۰).

نشریه عالم نسوان نمونه‌ای از مطبوعات زنانه عصر رضاشاه است که نشان می‌دهد چگونه نوسازی اجتماعی-فرهنگی سال‌های آغازین دوره رضاشاه براساس برنامه‌های انجام شد که پیش از آن از سوی روشنفکران مشروطه‌خواه نیز مطرح شده بود؛ ولی تعطیلی این مجله در سال ۱۳۱۳ش به احتمال بسیار بدان معنا بود که فضای سیاسی کشور در حال چرخش از نوسازی دولت محور به سوی خودکامگی است.

نتیجه‌گیری

در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ش به دلیل سرخوردگی روشنفکران نسل سوم از انقلاب مشروطه، و ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی پس از جنگ جهانی اول در ایران و ضرورت تشکیل دولت مقتدر و نوسازی اجتماعی-فرهنگی، نشریات زنان همانند سایر نشریات کشور بیش از هر زمانی غیرسیاسی بودند و صرفاً به نوسازی دولت محور توجه داشتند. با بررسی مقالات دو نشریه *زبان زنان* و *عالم نسوان* می‌توان نتیجه گرفت که دغدغه اصلی این دو نشریه فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشارکت اجتماعی-فرهنگی زنان ایران بوده است؛ به بیان دیگر، فعالیت فرهنگی نشریات مذکور بر اساس برنامه و اهدافی بود که پیش از آن از سوی روشنفکران مشروطه خواه مطرح و دنبال شده بود. از این رو می‌توان گفت که خواسته‌ها و پیشنهادهای مطرح شده در نشریات مذکور تلاشی در جهت پیگیری و تحقق بخشی آرمان‌های روشنفکران مشروطه خواه ایران بوده است. دفاع از حقوق زنان، مبارزه با جهل و بی‌سوادی زنان، رسیدگی به معضلات بهداشتی-درمانی زنان، موضوع حجاب، قوانین ازدواج و طلاق، مبارزه با ازدواج زود هنگام دختران، و تعدد زوجات از موضوعات مهمی بوده است که در دو نشریه مزبور به آن‌ها توجه شده است. با وجود این از این نکته مهم و قابل تأمل نباید غافل بود که گفتمان تجدیدگرای «*زبان زنان*» و «*عالم نسوان*» اگرچه مبتنی بر نقد واقعیت‌های جامعه سنتی و توسعه نیافتگی ایران، و در مسیر نوسازی ساختار اجتماعی-فرهنگی بوده، ولی وجه غالب آن در راستای پذیرش و اقتباس غیرنقداننده تجدید بوده است.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): (۲۹۷۰۳۶۰۸۱)؛ (۲۹۳۰۰۵۷۶۳).

کتاب فارسی

- آبراهامیان، پروانه. (۱۳۸۲). *ایران بین دو انقلاب*. (چ ۸). (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- آزند، یعقوب. (۱۳۶۳). *ادبیات نوین ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. (چ ۱). تهران: امیرکبیر.
- ببران، صدیقه. (۱۳۸۱). *نشریات ویژه زنان: سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر*. (چ ۱). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بیات، کاوه؛ کوهستانی نژاد، مسعود. (کوشش گران). (۱۳۷۲). *اسناد مطبوعات ۱۲۸۶-۱۳۲۰ش*. (چ ۱). (چ ۱). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.



- خانیک، هادی. (۱۳۸۱). *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*. (چ ۱). تهران: طرح نو.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷*. (چ ۱). (نوشین احمدی خراسانی، مترجم). تهران: اختران.
- شکوفه به انضمام دانش: نخستین نشریه های زنان ایران*. (چ ۱). (۱۳۷۷). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. (ج ۳). (چ ۲). اصفهان: کمال.
- کهن، گوئل. (۱۳۶۲). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. (ج ۲). (چ ۱). تهران: آگاه.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. (چ ۱). تهران: بعثت.

مقاله

- خانیک، هادی. (۱۳۷۸). «ساختار مشروطه و نسبت آن با ساخت مطبوعات». فصل نامه *تاریخ معاصر ایران*. سال سوم، شماره ۱۰، صص ۶۵-۹۸.
- خانیک، هادی. (۱۳۸۶). «مدلی برای مطالعه تاریخی نسبت میان ساختار قدرت و مطبوعات در ایران». *مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۸، شماره ۱۸۲.
- رستم کلایی، یاسمین. (۱۳۸۷). «برنامه گسترده برای زنان ایران نو». چاپ شده در *مجموعه مقالات رضاشاه و شکل گیری ایران نوین*. (چ ۲). (استفانی کرونین، کوشش گر). (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: جامی.
- سعیدی، حوریه. (۱۳۸۳). «نگاه زن به سیاست و حکومت در اولین نشریات زنان در ایران». *پیام تاریخ: ویژه نامه سمینار بین المللی زن در تاریخ ایران معاصر*، شماره ۱. صص ۸-۱۹.

نشریه

- ایران آزاد*: (سال ۱، شماره ۲۶، ۵ ثور ۱۳۰۱، ص ۲)؛ (سال ۱، شماره ۳۶، ۲۵ ثور ۱۳۰۱، ص ۲)؛ (سال ۱، شماره ۵۹، ۲۹ جوزا ۱۳۰۱، ص ۳).
- زیان زنان*: (سال ۴، شماره ۱، فروردین ۱۳۰۱، ص ۲۰)؛ (سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، صص ۲۱-۲۳-۲۵)؛ (سال ۴، شماره ۴، تیر ۱۳۰۱، صص ۲۱ و ۲۲).
- ستاره ایران*: (سال ۸، شماره ۲۱۵، ۷ سرطان ۱۳۰۲، ص ۲).
- شکوفه*: (سال ۱، شماره ۳، ص ۴)؛ (سال ۲، شماره ۲۴، ص ۳).
- عالم نسوان*: (سال ۱، شماره ۱، مهر ۱۲۹۹، ص ۲)؛ (سال ۳، شماره ۶، تیر ۱۳۰۲، صص ۵-۷)؛ (سال ۴، شماره ۲، آبان ۱۳۰۲، صص ۳۴-۳۵)؛ (سال ۵، شماره ۱، مهر ۱۳۰۳، ص ۴)؛ (سال ۵، شماره ۳، شهریور ۱۳۰۴، صص ۲۵-۲۷)؛ (سال ۷، شماره ۶، آبان ۱۳۰۵، صص ۱-۵)؛ (سال ۷، شماره ۵، تیر ۱۳۰۶، ص ۱۲)؛ (سال ۹، شماره ۲، آذر ۱۳۰۷، ص ۳)؛ (سال ۱۰، شماره ۲، اسفند ۱۳۰۸، ص ۴)؛ (سال ۱۲، ص ۱۲).

- شماره ۵، شهریور ۱۳۱۱، صص ۱۹۳-۱۹۴، ۲۲۰).
- عصر نهضت: (سال ۲، شماره ۴، ۲۲ سرطان ۱۳۰۳، ص ۳).
- قرن بیستم: (سال ۱، شماره ۳، ۳۱ تیر ۱۳۰۰، ص ۲)؛ (سال ۱، شماره ۵، ۲۳ جوزا ۱۳۰۰، ص ۱).
- نامه جوانان: (سال ۱، شماره ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲، ص ۲).
- ناهید: (سال ۳، شماره ۹، ۱۱ جوزا ۱۳۰۳، ص ۳).

منابع اینترنتی

سایت مجموعه شخصی صدیقه دولت آبادی

<https://socialhistory.org/fa/collections/sedighe-dolatabadi-collection>.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)[Persian]

Books

- Abrahamian, Ervand. (1382/2003). *“Irān bein-e do enqelāb: Darāmadi bar Jameh-šenāsi-ye siāsi-ye mo’āser-e Irān”* (Iran between two revolutions) (8th ed.). Translated by Ahmad GolMohammadi & Mohammad Ebrahim Fattahi Valilaei. Tehran: Našr-e Ney.[Persian]
- Ajand, Yaghub. (1363/1984). *“Adabiāt-e novin-e Irān az mašrutiat tā enqelāb-e eslāmi”* (Iran’s new literature from constitutionalism to Islamic revolution) (1st ed.). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- Babran, Sedigheh. (1381/2002). *“Našriāt-e viže-ye zanān: Seir-e tārixi-ye našriāt-e zanān dar Irān-e mo’āser”* (Presses special to women: The historical course of women presses in contemporary Iran) (1st ed.). Tehran: Rošangarān va Motālē’āt-e Zanān.[Persian]
- Bayat, Kaveh & Kouhestani Nejad, Masoud (eds.). (1372/1993). *“Asnād-e matbu’āt 1286-1320”* (Press documents 1907-1941) (vol. 1) (1st ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e



- Melli-ye Iran (National Archives Organization of Iran).[Persian]
- Cohn, Guel. (1362/1983). "*Tārix-e sānsur dar matbu'āt-e Irān*" (The censorship history of Iran) (vol. 2) (1st ed.). Esfahan: Kamāl.[Persian]
- Khanyeki, Hadi. (1381/2002). "*Qodrat, jāme'e-ye madani va matbu'āt*" (Power, civil society and press) (1st ed.). Tehran: Tarh-e Now.[Persian]
- MohitTabatabaei, Mohammad. (1366/1987). "*Tārix-e tahlili-ye matbu'āt-e Irān*" (The analytical history of press in Iran) (1st ed.). Tehran: Be'sat. [Persian]
- Sanasarian, Eliz. (1384/2005). "*Jonbeš-e hoquq-e zanān dar Irān toqyān, oful va sarkub az 1280 tā enqelāb 1357*" (The women's rights movement in Iran: mutiny, appeasement, and repression from 1900 to Khomeini1982) (1st ed.). translated by Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Axtarān.[Persian]
- Sadr Hashemi, Mohammad. (1363/1984). "*Tārix-e jarāyed va majallāt-e Irān*" (The history of Iranian press and journals) (vol. 3) (2nd ed.). Esfahan: Kamāl.[Persian]
- "*Šokufeh be enzemām-e Dāneš: Noxostin našrieh-hā-ye zanān-e Irān*" (Shokoufeh (blossom) attached to Danesh (Knowledge): The Iranian first women presses) (1st ed.). (1377/1998). Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (The National Library of Islamic Republic of Iran).[Persian]

Articles

- Khanyeki, Hadi. (1378/1999). "Sāxtār-e mašruteh va nesbat-e ān bāsāxt-e matbu'āt dar Irān" (The structure of constitutionalism and its relation to the construction of press). *Fasl-nāme-ye Tārix-e Mo'āser-e Irān* (Quarterly Journal of the Contemporary History of Iran), 3rd year, 10, 65-98.[Persian]
- Khanyeki, Hadi. (1386/2007). "Modeli barāye motāle'e-ye tārixī-ye nesbat-e miān-e sāxtār-e qodrat va matbu'āt dar Irān" (Proposing a model for historical study of the relationship between the power structure and the press in Iran). *Majalle-ye 'Elmi-Pažuheši-ye Dāneškade-ye Adabiātva 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Academic-Scientific Journal of the Faculty of the Literature and Humanities of Tehran University), 58(182).[Persian]

RostamKalaei, Yasamin. (1387/1998). "Barnāme-ye gostarde barāye zanān-e Irān-e now" (An extensive plan for women of the new Iran). In Stephanie Cronin (Ed.) *Rezāšāh va šekl-giri-ye Irān-e novīn* (Reza Shah and the formation of the new Iran: Article collections). Translated by MortezaSaghebfar. Tehran: Jāmi.[Persian]

Saeedi, Hourieh. (1383/2004). "Negāh-e zan be siāsat va hokumat dar avalin našriāt-e zanān dar Irān" (Women's views towards politics and government in the first women presses in Iran). *Payām-e Tārix: Vižeh Barnāme-ye Seminār-e Bein al-Melali-ye Zan dar Tārix-e Irān-e Mo'āser* (Message of the History: Special Issue of the International Seminar of Women in the Contemporary History of Iran), 1, 8-19.[Persian]

Press

Irān-e Āzād (Free Iran)[Persian]
 Zabān-e Zanān (Women's Language)[Persian]
 Setāre-ye Irān (Iran's Star)[Persian]
 Šokufeh (Blossom)[Persian]
 Ālam-e Nesvān (Women's World)[Persian]
 Asr-e Nehzat (Movement Era)[Persian]
 Qarn-e Bistom (Twentieth Century)[Persian]
 Nāme-ye Javānān (The Youth's Letter)[Persian]
 Nahid (Venus)[Persian]

Digital Sources

Sāit-e Majmu'è-ye Šaxsi-ye SediqehDowlatĀbādi (Personal Collections of Sedigheh-DowlatAbadi Website). Retrieved from <https://socialhistory.org/fa/collections/sedighe-dolatabadi-collection>. [Persian]





Legal requirements for publication of oral history interviews in the cyberspace

Paymaneh Salehi¹ | Golamreza Azizi²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper discusses legal requirements for online publication of oral history interviews.

Method and Research Design: Issues relating to the publication of oral history interviews were identified from library resources. Then the websites of the Miller Archival Center, National Archives of Singapore, University of Harvard, NASA Oral History Center, and the National Archives of Iran were checked for their regulations regarding the publication records of oral history documents.

Findings and Conclusion: The considerations with regard to the carrying out and publication of interviews are important: The narrator must be made aware of the purpose of the interview; legal issues should be mentioned at the beginning of the interview, seeking the permission of the narrator for releasing the content of the interview on the web, complying with the ethical issues, familiarity of those responsible for electronic publication with databases and having a policy statement before release.

Keywords:

Oral History; Legal Issues; Publication; Interviews.

1. MA., Persian Language and Literature,
National Library and Archives of Iran,
Tehran, I. R. Iran,

(Corresponding author)
pe_salehi@yahoo.com

2. MA, Ancient Iranian Language and
Culture; Senior Researcher, National
Library and Archives of Iran, Tehran,
I. R. Iran

greazizi@gmail.com

Copyright © 2019, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This
is an Open Access article distributed
under the terms of the Creative Commons
Attribution 4.0 International,
which permits others to download this
work, share it with others and adapt
the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2342

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 110-141(32) | Received: 3, Jan. 2019 | Accepted: 10, Mar. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئویی

الزام‌های حقوقی انتشار مصاحبه‌های تاریخی شفاهی در فضای مجازی^۱

پیمانه صالحی^۲ | غلامرضا عزیزی^۳

چکیده:

هدف: شناسایی جنبه‌های حقوقی انتشار مصاحبه‌های حاصل از تاریخ شفاهی در فضای مجازی.

روش/ رویکرد پژوهش: مسائل حقوقی انتشار مصاحبه‌ها در فضای مجازی با مطالعه منابع موجود شناسایی و تشریح شده‌است. سپس قوانین مربوط به استفاده از اسناد تاریخ شفاهی در پایگاه‌های اطلاعاتی مراکز آرشئویی، شامل مرکز آرشئوی میلر، آرشئو ملی سنگاپور، دانشگاه هاروارد، تاریخ شفاهی ناسا، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شده‌است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در گردآوری مصاحبه‌ها و انتشارشان در فضای مجازی رعایت این نکات اهمیت دارد: آگاهی راوی از اهداف مصاحبه، یادآوری مسائل حقوقی در ابتدای ضبط مصاحبه، کسب اجازه از راوی برای انتشار مصاحبه در فضای وب، توجه به رعایت نکات اخلاقی در انتشار مصاحبه‌های برخط، آشنایی متصدیان نشر الکترونیکی با پایگاه‌های داده و نیز تدوین سیاست‌گذاری مناسب پیش از نشر منابع.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی؛ مصاحبه؛ فضای مجازی؛ وب؛ تکالیف حقوقی.

۱. نوشتار پیش‌رو مستخرج از طرح پژوهشی مصوب شورای پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با عنوان «مسائل حقوقی مصاحبه‌های تاریخی شفاهی» تهیه شده‌است. طرح مذکور در سال ۱۳۹۶ با نظارت علمی آقای غلامرضا عزیزی در پژوهشکده اسناد اجرا شده است.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

pe_salehi@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران

greazizi@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۴۲

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۱۱۰-۱۴۱ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

مطالعات آرشئویی

مقدمه و طرح موضوع

اصطلاح تاریخ شفاهی دو معنا دارد. در یک معنا به مصاحبه با مردم و ضبط گفته‌های آنان می‌پردازد تا با کمک اطلاعات انباشته در ذهن آنان (خاطرات‌شان) از گذشته سردرآورد. تاریخ شفاهی هم‌چنین محصول همان مصاحبه نیز هست که در قالب گزارش روایی از رویدادهای گذشته متجلی می‌شود. پس تاریخ شفاهی، هم شیوه‌ای پژوهشی است (وسیله‌ی اجرای تحقیقات) و هم ماحصل فرایند پژوهش است؛ به بیان دیگر، ترکیبی از عمل ضبط و سند برآمده از این عمل است.

علاوه بر این، تاریخ شفاهی، تکنیک پژوهشی نوینی است که به کمک آن، اطلاعات تاریخی فراوانی از رویدادها و شکل‌گیری نهادها و مؤسسه‌ها به دست می‌آید. ارزش اطلاعات فراهم‌آمده در تاریخ شفاهی به این است که دسترس‌پذیر و قابل استفاده باشد؛ چه برای افراد عادی و چه برای پژوهش‌گران. پس محتوای مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، پس از اتمام مصاحبه، باید در چارچوب و قالبی معقول و مقبول در دسترس مخاطبان قرار گیرد. این محتوا پیش از آنکه منتشر شود (چاپی/الکترونیکی) باید در قالب کاری علمی درآید و اصول مترتب بر متون علمی و پژوهشی در آن رعایت شود.

اکنون با ظهور نظام‌های اطلاعات دیجیتال، داده‌ها در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون قابل دسترس شده‌اند و این مهم، نیازمند ابعاد تازه‌ای از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اطلاعات است (جمالی مهموئی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳). «در دنیای امروز که با معرفه‌ها و ویژگی‌هایی از جمله حذف فاصله‌ها و ذخیره و پردازش دیجیتال شناخته می‌شود، خدمات‌دهی به یک سیستم خاص تحویل مدرک محدود نمی‌شود و نقش نرم‌افزارها در این نظام، روزبه‌روز افزایش می‌یابد» (مانجوناتا و شیوالینگا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲)؛ بنابراین دسترسی به وب در دنیای دیجیتال کنونی ضروری است.

در سال‌های اخیر انتشار منابع تاریخ شفاهی در حوزه نظری و نیز نشر آثاری در زمینه پژوهش‌های حاصل از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در فضای مجازی و به صورت الکترونیکی رونقی چشمگیر یافته است؛ بنابراین شناسایی پدیده‌آوردندگان در تاریخ شفاهی و تفکیک و ایجاد تعادل بین حقوق مادی و معنوی آنان و نیز تعهدات آنها به اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه، به یکی از دغدغه‌های پژوهش‌گران این حوزه تبدیل شده است.

باتوجه به مطالب پیش گفته، پژوهش حاضر در پی دستیابی به اهداف زیر است:
- بررسی تأثیر گسترش صفحات وب در تعامل با قوانین حاکم بر حق مؤلف و مالکیت فکری؛



- استنتاج و دسته‌بندی نکات حقوقی موجود در نشر الکترونیکی خروجی‌های مرتبط با فرایند تاریخ شفاهی؛
- بیان نکات اخلاقی و حفظ حریم خصوصی در نشر مصاحبه‌های برخط؛
- عرضه تدابیری برای رعایت حق نشر و کپی‌رایت در انتشار متون تاریخ شفاهی در صفحات وب؛
- پژوهش در زمینه استانداردهای رعایت‌شده در مراکز آرشیوی برای انتشار منابع تاریخ شفاهی در فضای مجازی.

پرسش‌های پژوهش

- پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:
۱. تفکیک نکات حقوقی مرتبط با انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در صفحات وب، به چه صورت امکان‌پذیر است؟
 ۲. مجریان طرح‌های تاریخ شفاهی چه وظایفی را در زمینه آشناکردن مصاحبه‌شوندگان با حقوق قانونی‌شان برعهده دارند؟
 ۳. آیا آشنایی متصدیان انتشار دیجیتال منابع با کارکردهای اینترنت و نظام‌های اطلاعاتی ضروری است؟
 ۴. استفاده منصفانه از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در صفحات وب با رعایت چه نکاتی انجام می‌شود؟
 ۵. آیا حفظ حریم خصوصی مصاحبه‌شونده‌ها در تعامل با اخلاق فناوری اطلاعات در صفحات وب امکان‌پذیر است؟
 ۶. مراکز آرشیوی خارجی و داخلی از کدام استانداردها و دستورالعمل‌ها برای حفظ حق نشر پدیدآورندگان تاریخ شفاهی بهره می‌گیرند؟

پیشینه پژوهش

- از جمله کتاب‌های منتشرشده در زمینه حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی و نکات حقوقی مصاحبه‌های تاریخ شفاهی عبارت‌اند از:
- راهنمای تاریخ شفاهی. مری‌کی کویلن و باربارا سامر دلبیو، ترجمه رضا مهاجر؛ مصاحبه و مالکیت فکری. معصومه مبارکیان؛ حقوق مالکیت فکری آفرینش‌های رسانه‌ای. محمدمهدی حسینی؛ *Doing oral history*. دونالد ریچ؛ راهنمای تاریخ شفاهی و قانون. جان نوسیچ‌واندر، ترجمه فرحناز اسماعیل‌زاده؛ مهندسی اینترنت با *TCP/IP*. داگلاس کامر، ترجمه



حسن طاهری؛ نظریۀ تاریخ شفاهی. لین آبرامز، ترجمۀ علی فتح‌علی آشتیانی؛ درآمدی بر تاریخ پژوهی. مایکل استنفورد، ترجمۀ مسعود صادقی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. زهره سرمد، عباس بازرگان و الهه حجازی؛ تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران. مرتضی نورائی و مهدی ابوالحسنی ترقی. *Semantic web services*. شی‌لا، ترن کاو سون، هونگ‌لی زنگ؛ حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنت. محسن صادقی؛ حقوق مالکیت فکری. علیرضا نوروزی؛ *A brief guide to AACR2 1998 Revision and implications for automated systems*. جین وای‌هس و لین هوارس؛ فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت. ماری کرنو؛ حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری. امیر صادقی نشاط؛ فناوری‌های نوین ارتباطی در هویت اجتماعی و فرهنگی. مریم روحی؛ و مالکیت فکری. سرراین جاکوب، ترجمۀ سیدهاشم بیگی.

علاوه‌براین، حق مؤلف، حقوق معنوی پدیدآور و مالکیت فکری مرتبط با تاریخ شفاهی در مقالاتی هم بررسی شده‌است که از آن جمله موارد زیر را می‌توان نام برد:

«حق مؤلف در اینترنت». علی‌رضا اکبری؛ «وب». حمیدرضا جمالی مهموئی؛ «بررسی نقض مالکیت فکری در فضای اینترنت». عبدالرشید رسولی؛ «مالکیت معنوی در عصر الکترونیک». سعید رضایی شریف‌آبادی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر نقض حق نشر توسط کاربران اینترنت». سینا سعیدی، حجت‌الله حاجی حسینی؛ «ملاحظات قانونی و اخلاقی در تاریخ شفاهی». لیندا شاپس، ترجمۀ فرحناز اسماعیل‌زاده؛ «تاریخ شفاهی». محسن کاظمی و هوشنگ خسروبیگی؛ «دسترسی به اطلاعات در کتابخانه‌ها». مانجوناتا، شیواینگایا؛ «وب پنهان چیست و چه اهمیتی دارد». یزدان منصوریان؛ «Cyber-Teaching in the oral history classroom». ری‌نا بن‌مایور؛ «درآمدی بر نظام حقوقی مصاحبه در تاریخ شفاهی». یعقوب توکلی؛ «فرصت‌ها در خاطره‌نگاری و تاریخ‌نگاری شفاهی انقلاب اسلامی». محسن کاظمی؛ «سیر تحولات حق مؤلف در ایران». شیما پورمحمدی؛ «قوانین و مقررات تاریخ شفاهی». راضیه فرشید؛ «حق مؤلف در اینترنت». علیرضا رستمی گومه؛ «حقوق مصاحبه‌شوندگان در رسانه‌های عمومی». علی‌مراد حیدری؛ «حق مؤلف و استفاده منصفانه در عصر اطلاعات الکترونیکی». سندی نورمن، ترجمۀ علی‌رضا بهمن‌آبادی؛ «کپی‌رایت و مجوزدهی بین‌المللی». کریستین راس. «اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری». کارل نوردنسترنگ؛ «حمایت از حق مؤلف در فضای سایبر در حقوق ملی و اسناد بین‌المللی». حسین صادقی؛ و «توصیه‌ای برای رهیافت هوشمندانه به مسائل در حال ظهور سیستم‌های مالکیت معنوی». سی نارس داگلاس، ترجمۀ ابوالفضل نجارزاده‌نوش‌آبادی.

هم‌چنین پایان‌نامه‌هایی هم در زمینه حقوق مالکیت فکری در اینترنت و نکات حقوقی



مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تألیف شده‌است که از آن جمله‌اند:

«نقض حقوق مالکیت فکری در فضای سایبر با نگاهی به نظام حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا»، آرش قندی؛ «حمایت حقوقی و قراردادی از کپی‌رایت». شادیه نصیری؛ «مقایسه حقوق ایران در مورد مالکیت‌های ادبی و هنری با قانون نمونه سازمان جهانی مالکیت فکری». ابوذ ترخانی؛ «بررسی و نقد مطالعات تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های ایران». محسن کاظمی؛ «بررسی نقض مالکیت فکری در فضای اینترنت». عبدالرشید رسولی؛ «حقوق مالکیت فکری با تأکید بر حق تألیف». فاطمه فلاحتی مروست؛ «حقوق مالکیت معنوی از دید سازمان جهانی حقوق مالکیت معنوی و سازمان تجارت جهانی». سیامک عموزیدی؛ و «حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی». هوشنگ صادقی مقدم.

علاوه بر این برای مطالعات موردی و بگانه‌های اینترنتی منتشرکننده مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، پایگاه‌های زیر بررسی شد:

آرشیو ملی سنگاپور؛ وبگاه دانشگاه هاروارد؛ وبگاه میلر؛ وبگاه ناسا؛ و وبگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

گفتنی است تاکنون پژوهشی مستقل منتشر نشده‌است که به بررسی نکات حقوقی انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در فضای مجازی و صفحات وب پردازد و رویکرد پژوهش‌های موجود، براساس سایر منابع کتابی و غیرکتابی بوده‌است. بنابراین نوشتار پیش‌رو می‌تواند برای اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از مؤسسات و سازمان‌های مصمم به انتشار الکترونیک مصاحبه‌ها در فضای مجازی، راهگشا باشد و نکات لازم را درباره این فرایند یادآور شود.

فرضیه‌های پژوهش

- عوامل مرتبط با انتشار برخط مصاحبه‌های تاریخ شفاهی قابل تبیین است؛
- آگاه کردن مصاحبه‌شوندگان به حقوق قانونی‌شان پیش از انجام مصاحبه میسر است؛
- مجریان طرح‌های تاریخ شفاهی می‌توانند پیش از انتشار منابع حاصل از طرح، با ویژگی‌های فضای مجازی در زمینه حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آشنا شوند؛
- استفاده منصفانه از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در صفحات وب، با رعایت شرایط امکان‌پذیر است؛
- پایبندی به ملاحظات اخلاقی و حفظ حریم خصوصی راویان در فضای مجازی میسر است؛

• مراکز آرشیوی و مؤسسات خارجی، سازوکارهای انتشار مصاحبه‌ها را پیش از انتشار آن‌ها به‌روشنی مشخص می‌کنند و در دسترس کاربران قرار می‌دهند.

تاریخ شفاهی

تاریخ و تاریخ‌نگاری، موضوعی جمعی (اجتماعی) است، ولی مصاحبه درحقیقت، استخراج تجارب فردی است. مورخ شفاهی با سازوکارهای موجود این تجربه فردی را به تجربه جمعی تبدیل می‌کند تا بتواند در قالب تاریخ شفاهی از آن بهره برد. به بیان دیگر، این تجربه جمعی است که می‌تواند پیوندی میان گذشته و آینده برقرار کند. محقق می‌تواند در این مسیر، پژوهش خود را به تجربه جمعی نزدیک و آن را تفسیر و تدوین کند (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

مصاحبه در تاریخ شفاهی یکی از ابزارهای گردآوری داده‌های تاریخی است و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی پرداخت. از سوی دیگر مصاحبه ابزاری است که امکان بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها یا پیدا کردن علل آن را فراهم می‌کند. مصاحبه در واقع یک روش پژوهش تاریخی برای جمع‌آوری اطلاعات از حافظه افراد سهیم در رخداد‌های تاریخی یا شاهدان عینی آن رخداد‌هاست. در واقع «مصاحبه برای شناخت بهتر و دقیق‌تر گذشته و استفاده از مواد به‌دست‌آمده از آن در تاریخ‌نگاری انجام می‌شود. این یافته‌های خام گاهی در کنار منابع دیگر معنا پیدا می‌کنند و گاهی نیز مراجعی منحصر به فرد قلمداد می‌شوند؛ به‌ویژه در زمینه برخی از موضوع‌ها و وقایع تاریخ معاصر ایران که منابع قابل استنادی برای آن‌ها وجود ندارد» (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹).

در مطالعات تاریخی، منابع حاصل از تاریخ شفاهی منابع دست‌اول محسوب می‌شوند. این روش پژوهشی در جست‌وجوی اطلاعات مستند شفاهی و ثبت هر نوع تجربه انسانی است که به‌مرور زمان و در پی تغییرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در خطر نابودی قرار دارد. مورخان، منابع تاریخ شفاهی را در کنار منابع مکتوب، اسناد دولتی، مدارک چاپی و منابع تصویری جزء منابع دست‌اول قرار می‌دهند.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مکمل یافته‌های تاریخ‌نگاری‌اند، زیرا پیشرفت‌های فنی، به‌ویژه میکروفون و ضبط‌صوت و دوربین باعث شده‌اند تا پژوهش‌گر، هنگام مصاحبه راحت‌تر با منبع خبر ارتباط برقرار کند. این نوع پژوهش تاریخی مورخان را آگاه کرد که به شواهد تاریخی باید رهیافتی انتقادی داشته باشند. پیش از این، به تحلیل مورخ در تاریخ‌نگاری اکتفا می‌شد؛ ولی با این رهیافت، میکروفون و ضبط‌صوت هم به قلم و دفتر یادداشت



تاریخ‌نگاران اضافه شدند. به بیان استنفورد^۱ «منابع تاریخ شفاهی، یافته‌های تاریخ‌نگاری را تکمیل می‌کند، زیرا شواهد تاریخی را به شیوه‌ای معرفی می‌کند که با اسناد و مکتوبات تفاوت دارد و زوایای جدیدی را از تفسیر تاریخی و تحولات مرتبط با آن مطرح می‌کند» (استنفورد، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶).

موفقیت تاریخ شفاهی تا بدان‌جا پیش رفته‌است که اکنون جزء رویه‌های عملی امتحان‌شده در حوزه پژوهش به‌شمار می‌آید و نه تنها در تحقیقات تاریخی بلکه در حوزه‌های گسترده‌ای از جمله قوم‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات بهداشت و درمان، و روان‌شناسی نیز جای خود را باز کرده‌است. تاریخ شفاهی پشت دیوار محیط‌های دانشگاهی محبوس نمانده‌است و به‌عنوان دستاویزی محکمه‌پسند، در قضاوت و رسیدگی‌های حقوقی استفاده می‌شود. حتی پزشکان و افراد مشغول به فعالیت در حرفه‌های پرستاری و مراقبتی نیز از تاریخ شفاهی استفاده می‌کنند. تاریخ شفاهی در قامت ابزاری پژوهشی در پروژه‌های مردمی و آموزشی ظاهر شده‌است.

تاریخ شفاهی هم‌چنین توانسته‌است تا نظریه‌پردازان و عوامل اجرایی رشته‌های گوناگون را با وجود دیدگاه‌های متفاوت به‌هم نزدیک کند. بزرگ‌ترین توفیق تاریخ شفاهی در عرصه علوم انسانی و اجتماعی و بیرون از فضای آکادمیک، همین تأثیر فوق‌العاده سودمند آن است، زیرا طبیعتاً متخصصان هر رشته نظریات تخصصی خود را به این عرصه تزریق می‌کنند. پورتلی^۲ تاریخ شفاهی را این‌گونه توصیف می‌کند: «موجودی دورپرواز و بی‌کرانه و «گونه‌ای مرکب» که به‌شرط انعطاف اندیشه و توجه به رشته‌های گوناگون، از چشمه گوارا و شیرین آن می‌توان تشنگی را رفع کرد» (آبرامز، ۱۳۹۶، ص ۲۸۹).

تاریخ شفاهی در مسیر تکامل خود چند دوره را پیموده‌است. تاریخ شفاهی در دهه چهل میلادی به‌دنبال اختراع ضبط‌صوت، در دانشگاه کلمبیا پدید آمد و اولین مصاحبه را آلن نوینز^۳ در سال ۱۹۴۸م انجام داد. حاصل این مصاحبه‌ها، آرشیو غنی این دانشگاه است. مصاحبه‌های دانشگاه کلمبیا در سال‌های اولیه، بیشتر بر پایه نخبه‌گرایی در زمینه‌های مختلف بود. دوره دوم، از دهه شصت تا ۱۹۷۵م را دربر می‌گیرد که به طبقات کارگر، مهاجران و زنان می‌پردازد. انجمن تاریخ شفاهی نیز در سال ۱۹۶۶م شکل گرفت. دوره سوم در دهه ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفت که اصطلاحاً عصر آرشیوسازی تاریخ شفاهی نام گرفته‌است و دوره آرشیوشدن منابع و استفاده از آن‌ها در انتشارات است. مجله تاریخ شفاهی در این دوره تأسیس شد و تاریخ شفاهی به دانشگاه‌ها راه یافت (کاظمی و خسروبیگی، ۱۳۹۵، ص ۱۱). دوره چهارم که نیمه اول دهه ۱۹۹۰ میلادی را دربر می‌گیرد، عصر رقمی‌سازی منابع تاریخ شفاهی است. در دوره پنجم که تقریباً از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده‌است و تا زمان

1. Stanford, Michael
2. Portelli, Alessandro
3. Allan Nevins



حاضر را دربر می‌گیرد، تاریخ شفاهی جایگاهی بین‌رشته‌ای پیدا کرده‌است و علوم مختلف به تناسب نیاز خود از این رشته بهره‌برداری می‌کنند.

ناگفته نماند که طرح‌های تاریخ شفاهی یکی از مؤثرترین راهکارهای آموزش تاریخ و تشویق به بازنمایی گذشته به نسل‌های گوناگون است؛ به عبارت دیگر «آموزش تاریخ شفاهی می‌تواند از سطح خاطره‌نگاری صرف و ساده از همان دوران کودکی آغاز شود و به برگزاری مصاحبه، گفت‌وگو و دیالوگ‌های رودررو بیانجامد. به عبارتی این اقدام نه تنها تاریخ‌گویی را در خود دارد، بلکه به تدریج از خودسانسوری‌ها و دیگر سانسوری‌ها در عرصه اجتماعی می‌کاهد» (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴، ص ۴۲).

وب^۱ (شبکه گسترده جهانی)

شبکه گسترده جهانی، نوعی نظام رایانه‌ای است که از تعدادی از خدمات‌دهنده‌های اینترنت تشکیل شده‌است و برای انتقال اسناد قالب‌بندی شده با زبان نشانه‌گذاری فرامتنی (اچ.تی.ام.ال)^۲ از پروتکل انتقال فرامتن (اچ.تی.تی.پی)^۳ استفاده می‌کند. «وب به عنوان نظامی رایانه‌ای از معماری کاربر/کارگزار بهره‌می‌برد. در این نوع معماری، هر رایانه موجود بر روی شبکه، یا خدمت‌گیرنده (کاربر) است یا عرضه‌کننده خدمت (کارگزار). رایانه کاربر، درخواستی به سوی کارگزار ارسال می‌کند و کارگزار پس از پردازش درخواست، پاسخ مقتضی را -که می‌تواند یک صفحه وب باشد- برای کاربر ارسال می‌کند» (منصوریان، ۱۳۸۲، ص ۳۲). اطلاعات موجود بر روی وب شامل انواع داده‌های متنی و غیرمتنی (صدا، تصویر، فیلم، و...) است.

ظهور وب به عنوان منبعی اطلاعاتی، چالش‌ها و فرصت‌هایی را در حوزه اطلاع‌رسانی به همراه آورده‌است. این تحولات، دانش و مهارت اطلاع‌رسانان را به چالش می‌کشد؛ چراکه نه تنها ماهیت منابع اطلاعاتی و نحوه دسترسی پذیر کردن آن‌ها دستخوش تحول شده، بلکه تعداد و طیف کاربران و نیز رفتار اطلاعاتی آن‌ها نیز از این وضعیت متأثر شده‌است. بنابراین یکی از چالش‌های اصلی پیش‌روی اطلاع‌رسانان، سازمان‌دهی و دسترسی پذیر کردن اطلاعات وب است. اگرچه «وب عظیم‌ترین خزانه اطلاعاتی جهان است، ولی بسیاری از اطلاعات آن، سازمان‌دهی مطلوبی ندارد و در نتیجه بازبایی آن‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌روست» (جمالی مهموئی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲).

گفتنی است وب معنایی را می‌توان فضایی جهانی از جنس محاسبات هوشمند ماشینی تصور کرد که در آن تمامی کتاب‌ها، کتاب‌خانه‌ها، دانش‌ها، دانش‌نامه‌ها و دانشگاه‌ها (پایگاه‌های دانش)^۴ به صورتی معنی‌گرا و با توانایی درک یکدیگر در کنار هم قرار خواهند گرفت. آینده وب به صورتی پیش‌بینی شده‌است که برخلاف وب کنونی فقط برای انسان‌ها

1. World Wide Web
2. Hypertext Mark-up Language (HTML)
3. Hypertext Transfer protocol (HTTP)
4. Knowledge Bases



قابل فهم نباشد، بلکه برای ماشین‌ها نیز قابل پردازش باشد.

شیلا. ای^۱، ترین کاو^۲ و هونگلی^۳ سه تعریف از وب معنایی عرضه کرده‌اند:

- «پروژه‌ای با هدف ایجاد رسانه‌ای جهانی برای ردوبدل کردن اطلاعات به صورتی که برای کامپیوتر قابل فهم و پردازش باشد؛
- وب معنایی، شبکه‌ای از اطلاعات در مقیاس جهانی است، به نحوی که پردازش آن برای ماشین‌ها به سادگی امکان پذیر است؛
- وب معنایی داده‌های هوشمند وب است که برای ماشین‌ها قابل پردازش است» (Sheila, (A; Tran Cao; Honglei, 2007, p26).

هرچند نزدیکی به تحقق چنین فضایی به پیشرفت‌هایی جدید و کلی‌نگرانه در بسیاری از زمینه‌های مهندسی، ریاضی، هوش مصنوعی، و به‌ویژه در زبان‌شناسی، فلسفه، و بسیاری از معارف دیگر انسانی محتاج خواهد بود، ولی گام‌های اولیه در این راه برداشته شده است. صفحات وب برای گسترش دانش انسان طراحی شده‌اند. انسان‌ها برای استفاده از وب در کارهایی مانند پیدا کردن معادل ایرلندی کلمه «پوشه»، رزرو کردن یک کتاب از کتابخانه و جست‌وجو برای پایین‌ترین قیمت یک DVD توانایی دارند. به هر حال ماشین‌ها نمی‌توانند تمام این وظایف را بدون دستورالعمل انسان انجام دهند، چراکه صفحات وب طوری طراحی شده‌اند که توسط مردم خوانده شوند، نه ماشین‌ها. وب معنایی چشم‌اندازی از اطلاعات است که ماشین‌ها به آسانی می‌توانند آن را تفسیر کنند. بنابراین ماشین‌ها می‌توانند بسیاری از کارهای خسته‌کننده مانند پیدا کردن، ترکیب کردن، و اقدام کردن را براساس اطلاعات روی وب انجام دهند. وب معنایی، همان‌طور که در ابتدا پیش‌بینی می‌شد، سیستمی است که ماشین‌ها را به کار می‌اندازد که «بفهمند» و به درخواست‌های پیچیده انسان براساس معنای آن پاسخ دهند.

مالکیت فکری در فضای مجازی

ایترنت از همان ابتدای ظهور، بزرگ‌ترین خطر و تهدید برای حق مؤلف معرفی شده، چون سبب بروز مسائلی جدید در مفهوم حق مؤلف شده است. اگر آزادی بیان موجود در ایترنت با وضع قوانین کنترل نشود، حق انحصاری آثار مخلدوش می‌شود. به عبارت دیگر، «موضوع کپی‌رایت در حوزه رقمی، با حضور و گسترش استفاده از کامپیوتر و ایترنت شکلی جدی‌تر به خود گرفته است» (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

در دنیای رقمی و الکترونیک نیز همانند دنیای فیزیکی، روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افراد تابع حقوقی است که نظم‌دهنده این روابط و تضمین‌کننده حقوق اشخاص است. هر چند قواعد سنتی حاکم بر روابط افراد در دنیای ارتباطات غیرالکترونیکی در بسیاری

1. Sheila.A, McIlraith
2. Tran Cao, So
3. Honglei, Zen

از موارد می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای قانونی و اقتضائات حقوقی آن‌ها در دنیای الکترونیکی هم باشد، ولی واقعیت این است که ماهیت ویژه این فضا وضع قوانینی خاص و شفاف را برای آن اقتضا می‌کند (رسولی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

بنابراین «از دیدگاه حقوقی، پدیدآورنده یک اثر در فضای مجازی از تمامی حقوق پدیدآورنده اثر در محیط فیزیکی برخوردار است و صرف الکترونیکی شدن اثر حقی از پدیدآورندگان آن ضایع نمی‌کند. هر آنچه در دنیای واقعی قابل حمایت است، در دنیای مجازی نیز از حمایت برخوردار است و الکترونیکی شدن تغییری در حمایت از آن ایجاد نمی‌کند» (قندی، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

ویس^۱ و هاوارت^۲، به‌طور کلی پدیدآورندگان پایگاه‌های اطلاعاتی، و نحوه استفاده و ذخیره‌سازی اطلاعات توسط کاربران را در سه سطح طبقه‌بندی می‌کنند:

الف. تسخیر و ذخیره‌سازی درازمدت پایگاه‌ها و انتقال اطلاعات موجود در این پایگاه‌ها به نرم‌افزارهای دیگر، مانند واژه‌پردازها^۳ و صفحه‌گسترده‌ها^۴ برای تفسیر و تغییر آن‌ها و تولید اطلاعات جدید و متفاوت؛

ب. نگهداری درازمدت پایگاه‌های اطلاعاتی برای بهره‌گیری خصوصی یا سازمانی. برای نمونه استفاده از اطلاعات و داده‌های موجود در این پایگاه‌ها برای تولید کالاهای تجاری؛

ج. نسخه‌برداری‌های مکرر و فروش مجدد پایگاه‌ها و محتوای آن‌ها، بدون ذکر نام منبع اصلی (Weihs; Howarth, 1988, p147).

«در حال حاضر، عرضه‌کنندگان پایگاه‌های اطلاعاتی پیوسته، توافق‌نامه‌های حق مؤلف را به‌طور نیابتی از طرف تولیدکنندگان این نوع پایگاه‌ها امضاء می‌کنند. در این قراردادها معمولاً مجوز استفاده از پایگاه، باتوجه‌به معیارهای سطح الف قید شده‌است، ولی برای استفاده گسترده‌تر باید باتوجه‌به نکات دو سطح دیگر (ب و ج) با پرداخت هزینه‌های اضافی مجوزهای جداگانه‌ای دریافت کرد» (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۷۶، ص ۲۰). بنابراین اگرچه کنترل خلاف‌کاری‌ها بسیار دشوار و شاید ناممکن باشد، ولی از دیدگاه عرضه‌کنندگان این نوع پایگاه‌های اطلاعاتی، استفاده نامحدود از پایگاه‌ها یا فروش اطلاعات به دیگران، عملی ناممکن و ناقض حق مؤلف محسوب می‌شود.

علاوه‌براین، اخلاق فناوری اطلاعات شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که مؤلفه‌های مهم آن را حریم خصوصی، امنیت، و حقوق مالکیت فکری تشکیل می‌دهند. در واقع این‌گونه می‌توان بیان کرد که بهترین روش برای جلوگیری از جنبه‌های منفی فناوریانه، تکیه بر اخلاقیات است؛ چراکه می‌تواند به‌تدریج در فرهنگ و ارزش‌های مردم رسوخ کند و موجب

1. Weihs, Jean
2. Howarth, Lynne
3. Word processors
4. Spreadsheets



کاهش اثرات منفی شود.

دسترسی اشخاص حقیقی و حقوقی به اینترنت و مهارت آن‌ها در استفاده از آن برای جست‌وجو و بارگیری محصولات نرم‌افزاری و هنری، زیاد است و طبق یافته‌ها دسترسی به اینترنت مهم‌ترین عامل رعایت نکردن حقوق مالکیت معنوی است. هویت ناشناس کاربران در فضای مجازی نیز به تشدید این رفتار دامن می‌زند. ضعف مالی اشخاص برای خرید محصولات فکری و ناآگاهی آن‌ها از قوانین مرتبط با حقوق مالکیت فکری هم از عوامل مهم در نقض قانون حق نشر محسوب می‌شود.

اکبری عوامل زیر را درباره عملکرد اینترنت در زمینه حق مؤلف نام می‌برد:

۱. «ارسال و انتقال؛ یک اثر زمانی قادر است با مردم ارتباط برقرار کند که منتقل شده باشد؛ نه زمانی که ارسال شده باشد؛ ولی به محض اینکه ارسال شد، معتبر محسوب می‌شود؛
 ۲. مرور، چالشی بزرگ برای قانون حق مؤلف است. خواندن، تولید دوباره بدون مجوز اثر محسوب نمی‌شود؛ ولی هنگام جست‌وجو در اینترنت نسخه‌ای از مدرک با دسترسی تصادفی در حافظه رایانه قرار می‌گیرد؛
 ۳. نهان‌سازی، ایجاد نسخه‌ای از سند در حافظه رایانه برای تسهیل دسترسی به آن است. این عمل را فراهم‌کننده خدمات اینترنت یا سایر واسطه‌های اینترنت، برای دسترسی سریع به منابع انجام می‌دهند؛
 ۴. اتصال؛ اگر شخصی مستقیم و بدون پیوند از متن سایت دیگر استفاده کند، صاحبان متن حق دارند این عمل را پیگیری کنند؛
 ۵. قالب‌بندی؛ برای طراحی سایت از کدهای HTML استفاده شود» (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).
- علاوه بر این، برای رعایت حق نشر در فضای مجازی نکات زیر را هم باید در نظر گرفت:
۱. حمایت مالی دولت از تولیدکنندگان محصولات فکری؛
 ۲. به‌روزر کردن قوانین مرتبط با مالکیت فکری؛
 ۳. ترویج و آموزش قوانین مالکیت فکری در میان مردم؛
 ۴. افزایش آگاهی مردم در زمینه اخلاق فناوری اطلاعات (سعیدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳).

انتشار مصاحبه‌ها در اینترنت

بن‌مایور^۱ دربارهٔ ابزارهای انتشار منابع در وب این‌گونه می‌گوید: «یکی از ارکان مهم در آموزش و پژوهش، ابزارهای مرتبط با آن است. ابزارهای تحت وب و رقمی امروزی در زمینهٔ آرشیو و نگهداری اطلاعات، توزیع جغرافیایی فراوان، سرعت انتقال، به‌اشتراک‌گذاری و ایجاد زمینهٔ تعادل و تعامل و ساده‌کردن، کمک‌های شایانی کرده‌است. انجمن‌ها و فضای گفت‌وگوی تعاملی نیز بر مزیت محیط وب افزوده‌است» (Benmayor, 2006, p438).

کاربرد رو به افزایش شبکهٔ گستردهٔ جهانی به‌عنوان ابزاری برای انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، مسائل دیگری را دربارهٔ توافق آگاهانه و دسترسی پیش‌روی مورخان قرار داده‌است. موضوع انتشار مصاحبه‌ها در وب، در دههٔ ۱۹۹۰م در انجمن تاریخ شفاهی^۲ مورد بحث قرار گرفت و بخشی از دستورالعمل‌های ارزیابی به این موضوع اختصاص داده شد. در واقع به این شکل آمده‌است:

«برای استفاده از مصاحبه‌های ضبط‌شده و رونوشت، با توجه به شرایط و روحیات راوی، تلاش‌های صادقانه‌ای لازم است. این عبارت دربارهٔ مصاحبه‌هایی کاربرد دارد که مجوز انتشار آن‌ها مبهم است.»^۳

انتشار مصاحبه‌ها در صفحات وب و آزاد گذاشتن دسترسی برای کپی و استفاده از سخنان مصاحبه‌شوندگان، از سه دیدگاه زیر قابل بررسی است:

۱. رضایت راوی: وظیفهٔ مصاحبه‌کننده این است که کارکردهای شبکهٔ جهانی، توانایی‌ها و قابلیت‌های آن را برای مصاحبه‌شونده تشریح کند. فرم‌های توافق و مجوز انتشار، باید دربردارندهٔ عباراتی برای قراردادن مصاحبه و رونوشت آن یا محدود کردن انتشار آن در شبکهٔ وب باشد. در واقع باید اجازهٔ انتشار یا عدم انتشار را در زمان انجام مصاحبه و پس از آن، مشخص کنند. براساس دستورالعمل انجمن تاریخ شفاهی، اگر راوی از قابلیت‌های وب اطلاعی نداشته باشد و در فرم توافق آگاهانه یا مجوز بهره‌برداری از مصاحبه، عبارتی مبنی بر محدودیت انتشار مصاحبه در آینده در وب درج نشده باشد؛ لازم است تا مجدداً با راوی یا ورثهٔ او ارتباط برقرار شود و این موضوع پرسیده شود.

۲. محدودیت بخشی از مصاحبه: اگر مصاحبه‌شونده استفاده از قسمتی از مصاحبه را ممنوع اعلام کرده باشد، از بقیهٔ مصاحبه می‌توان بهره‌برداری کرد و آن را در دسترس پژوهش‌گران قرار داد. به‌هر حال نمی‌توان کل مصاحبه را به‌دلیل محدودیت بخش‌هایی از آن، از دسترس خارج کرد؛ به‌عبارت‌دیگر، «در مواردی که مصاحبه‌ها از طرف سازمان‌ها یا مؤسسات دولتی انجام شده باشد، ممکن است دسترسی‌ها و جزئیات مربوط به آن، براساس مصالح، قوانین و محدودیت‌های مجری طرح انجام شود» (Ritchie, 1995, p153).

1. Benmayor, Rina

2. OHA (Oral History Association)

۳. دستورالعمل‌های ارزشیابی، انجمن تاریخ شفاهی.



۳. حق کپی‌رایت: مسلماً گذاشتن مصاحبه‌ها در فضای مجازی موجب دسترسی گسترده به آن‌ها می‌شود. در این صورت زمینه نقض کپی‌رایت و سوءاستفاده از سخنان راوی فراهم می‌شود. شاپس^۱ رعایت نکات زیر را از طرف آرشیوها در زمینه حق کپی‌رایت مفید دانسته است:

۳.۱. «اخطار به کاربران برای محدودیت‌هایی که حق کپی‌رایت ایجاد می‌کند؛

۳.۲. کسب اجازه برای نقل قول‌ها؛

۳.۳. ارائه فرم ثبت نام؛

۳.۴. درخواست از کاربر برای تشریح هدفی که از کاربرد مصاحبه دارد» (شاپس،

۱۳۹۵، ص ۱۱۰).

سرویس دهنده اینترنت^۲ شرکتی است که امکان دستیابی به اینترنت و سایر سرویس‌های وب را فراهم می‌کند. این مراکز با عرضه نرم‌افزارهای لازم و یک رمز عبور حفاظت‌شده و یک شماره‌تلفن برای تماس با شبکه، امکان استفاده از اینترنت و مبادله نامه‌های الکترونیکی را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. کامر^۳ معتقد است که عوامل زیر در انتخاب سرویس دهنده نقشی اساسی ایفا می‌کنند:

۱. امنیت: دارای رویکردهای مناسب امنیتی برای حفاظت از اطلاعات باشد؛

۲. محرمانگی: سیاست تعریف‌شده در زمینه رعایت حریم خصوصی کاربران داشته

باشد؛

۳. سرویس‌ها: عرضه درخواست‌های مدنظر مشتریان؛

۴. قیمت: منطقی بودن هزینه‌های درخواستی سرویس‌ها؛

۵. اعتمادپذیری: فعال بودن سرویس‌های مدنظر و قطع در صورت نیاز؛

۶. پشتیبانی: پاسخگویی مناسب و عرضه خدمات پس از فروش؛

۷. سرعت: دارا بودن سرعت و سهولت در دسترسی به اطلاعات و ارسال فایل‌ها؛

۸. کیفیت: عملکرد مثبت عرضه‌کننده خدمت» (کامر، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

براساس مطالب پیش‌گفته این‌طور می‌توان تحلیل کرد که انتشار مصاحبه‌ها به‌صورت آنلاین در وب نیازی واقعی است، چون احتمال دارد هر نوع نقض حق کپی‌رایتی که برای منابع چاپی رخ می‌دهد، برای منابع مجازی هم پیش بیاید. برطبق قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا، یکی از راهکارهای کلیدی در قانون کپی‌رایت هزارهٔ رقیمی^۴ این است که براساس آن، یک شرکت سرویس دهنده اینترنت ملزم می‌شود که وب‌سایت‌هایی را که انتشار آن‌ها از موارد نقض حق کپی‌رایت است، حذف یا غیرفعال کند. اگر منابع به امانت گذاشته شده باشند، براساس قانون به‌سرعت باید از سایتی که کپی‌رایت را نقض کرده است، حذف یا

1. Shops, Linda

2. ISP (Internet Service Provider)

3. Camer, Douglas

4. DMCA (Digital Millennium

Copyright Act)



غیرفعال شود. هم‌چنین سوءاستفاده از قانون کپی‌رایت هزارهٔ رقمی در آمریکا، به‌ویژه برای صاحبان وب‌سایت‌های کوچک، به نقض بیشتر کپی‌رایت منجر می‌شود.

استفادهٔ منصفانه از منابع تاریخ شفاهی

چون آرشیوهای آینده به سمت جمع‌آوری، پردازش، و اطلاع‌رسانی از طریق صفحات وب پیش می‌روند، تاریخ شفاهی نیز لازم است تا همانند سایر ابزارهای پژوهشی برای همراهی و همگامی با انقلاب رقمی تلاش کند. در واقع انتشار مصاحبه‌ها به صورت گسترده، از طریق به اشتراک گذاشتن فایل‌های متنی، صوتی و تصویری در اینترنت انجام می‌شود. البته شرط اصلی برای انتشار از طریق وب، رضایت مصاحبه‌شونده و درج رضایتمندی او در فرم توافق آگاهانه است.

گاه پیش می‌آید که مصاحبه‌شونده بخش دسترسی آنلاین به مصاحبه‌اش را امضاء می‌کند، ولی چند سال پس از انتشار مصاحبه و مشاهدهٔ بازخوردها یا احساس خطر دربارهٔ حریم شخصی‌اش، نظرش تغییر می‌کند و می‌خواهد که مصاحبه از دسترس کاربران خارج شود. همین‌طور بعضی از وراث مصاحبه‌شونده از بیان بعضی مطالب توسط راوی ناراحت می‌شوند و درخواست می‌کنند تا مصاحبهٔ آنلاین حذف شود. در این‌گونه مواقع اگر در فرم مجوز مصاحبه آمده باشد که تمام حقوق مصاحبه در زمان دسترسی نداشتن به راوی (مانند مرگ مغزی یا آلزایمر) یا بعد از فوت راوی در اختیار مجری یا متولی انجام مصاحبه قرار می‌گیرد؛ اعتراض وراث و جبههٔ قانونی ندارد، ولی بعضی از مجریان به خواستهٔ وراث احترام می‌گذارند و مصاحبه‌ها را از سایت حذف می‌کنند یا از دسترس خارج می‌کنند.

نوسچ‌واندر^۱ در کتاب راهنمای تاریخ شفاهی و قانون،^۲ نحوهٔ «استفادهٔ منصفانه»^۳ از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی را این‌گونه تعریف کرده است: «استفادهٔ منصفانه در اروپا و آمریکا بدین معنا است که مزایای مالکیت فکری مصاحبه‌ها و بهره‌برداری از حق نشر آن، برای کاربردهای آموزشی و پژوهشی، منهای اهداف تجاری و منفعتی باشد. استفاده برای مواردی همچون نقد، گزارش، اخبار، تدریس و پژوهش، جزء استفادهٔ منصفانه تلقی می‌شود. در واقع حتی اگر مصاحبه دانلود شود و به صورت نقل قول برای مقاصد مذکور استفاده شود، از نظر قانونی استفادهٔ منصفانه تلقی می‌شود و مجاز است. برخلاف این، اگر مؤسسه یا سازمان یا شخص حقیقی دیگری مصاحبه‌های اختصاصی بارگذاری شده در سایتی را عیناً با همان فرم و قالب باز نشر کند و از آن بهره‌برداری مادی کند، قانون کپی‌رایت را نقض کرده و از نظر قانونی قابل پیگیری است» (نوسچ‌واندر، زیر چاپ، ص ۴۰).

علاوه‌براین، بعضی مواقع مسئولان سایت‌ها لینک‌های کاربرپسندی ایجاد می‌کنند

1. Neuschwander, John A
2. A Guide to oral history and the law
3. Fair use



که به سرعت از سائیتی به سایت دیگر منتقل می‌شود. در این مواقع، در صورتی که هدف ایجادکننده لینک، بهره‌برداری مستقیم از مزایای مادی باشد یا کاربران را ترغیب کند که قوانین حقوقی درج‌شده بر روی سایت اصلی را نقض کنند، جرم تلقی می‌شود و پیگرد قانونی دارد. لینک مستقیم کاربر را قادر می‌سازد که به‌طور مستقیم به صفحه داخلی سائیتی دیگر برود، بدون اینکه صفحه اصلی آن سایت را مشاهده کند و از قوانین حقوقی مرتبط با آن مطلع شود. به هر حال هدف اشخاص حقیقی یا حقوقی در ایجاد لینک‌های دسترسی، نقشی مهم در تشخیص نقض کپی‌رایت دارد.

هم‌چنین وب‌سایت‌هایی که برای دسترسی به مصاحبه‌ها از قراردادهای استفاده از نرم‌افزار یا محتوای رقمی بهره می‌گیرند، شروط و قوانین وب‌سایت را برای دسترسی به منابع و بهره‌گیری از آن نشان می‌دهند و با پرسیدن سؤالاتی از کاربر، مسیر دسترسی به منابع را مشخص می‌کنند. بدین وسیله به‌طور دقیق و مرحله‌به‌مرحله نحوه استفاده از مصاحبه‌ها نمایش داده می‌شود و موارد نقض کپی‌رایت هشدار داده می‌شود. بنابراین عوامل مؤثر در قانون استفاده منصفانه، در تاریخ شفاهی هم صدق می‌کنند. از جمله این عوامل عبارت‌اند از:

- هدف و چگونگی استفاده از منابع حاصل از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی؛
- ماهیت کار کپی‌رایت و اینکه برای چه اهدافی استفاده شده است؛
- میزان و ماهیت بخش‌های مورد استفاده در ارتباط با اثر مشمول حق نشر به‌عنوان یک

کل؛

➤ ارزش و کاربرد اثر حاصل از استفاده از مصاحبه تاریخ شفاهی؛ یعنی عیناً نباید از مصاحبه کپی‌برداری شده باشد.

موارد اخلاقی مرتبط با انتشار مصاحبه‌های برخط

مورخان و پژوهش‌گران حوزه تاریخ شفاهی از یک طرف با اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر این بخش از تاریخ‌نگاری مواجه‌اند و از سوی دیگر با مسائل فرهنگی و اجتماعی خاص محل زندگی خود (کشور) و قوانین جاری آن در تعامل‌اند.

در ایالات متحده آمریکا، سند دولتی در این حوزه «رهنمودهای ارزیابی تاریخ شفاهی» است که ابتدا «انجمن تاریخ شفاهی»^۱ آن را در سال ۱۹۶۸م با عنوان «اهداف و رهنمودها» منتشر کرد. سپس در سال ۱۹۷۹م به نام «ارزیابی رهنمودها» انتشار یافت و در ۱۹۸۹م اصلاح شد و در سال ۲۰۰۰م هم برای اینکه موضوعات جدید را دربر بگیرد، مجدداً بررسی شد.

این دستورالعمل‌ها سندی تاریخی است که براساس فرهنگ و قوانین ایالات متحده

1. OHA

درباره حقوق و دارایی‌های افراد، براساس استانداردهای حرفه‌ای تدوین شده‌است. البته رهنمودهای اخلاقی تنها هنگامی کارسازند که به‌طور دقیق به آن‌ها توجه شود. در آمریکا مسائل حقوقی و اخلاقی اساس دآوری محسوب می‌شوند و سرپیچی از آن‌ها عواقبی جدی به‌دنبال خواهد داشت.

شاپس دو موضوع اخلاقی مهم در تاریخ شفاهی را به‌عنوان کاری آرشیوی بدین صورت تشریح می‌کند: «کسب رضایت آگاهانه راوی برای مصاحبه و تأمین امنیت برای انتشار قانونی مصاحبه (متن/صوت/تصویر) به‌صورت چاپی و الکترونیکی، دارای اولویت است. در مورد اول، هدف، ایجاد سندی دقیق برای ثبت دائمی است و مورد دوم، مربوط به حق کپی‌رایت و در دسترس قرار دادن مصاحبه برای کاربران است» (شاپس، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹). علاوه‌براین، چارچوب اخلاقی‌ای که انجمن تاریخ شفاهی آمریکا توصیف می‌کند، برپایه موارد زیر استوار است:

- «راوی باید با رضایتمندی و طیب خاطر مصاحبه را بپذیرد و از ویژگی‌های مصاحبه تاریخ شفاهی اطلاع کامل داشته باشد؛
 - مصاحبه‌شونده باید به‌طور کامل با اهداف و مقاصد طرح تاریخ شفاهی آشنا شده باشد؛
 - لازم است مصاحبه‌شونده از حقوق قانونی‌اش مطلع شود و از مفاد توافقنامه برای بهره‌برداری از مصاحبه آگاهی یابد؛
 - توضیحات لازم را درباره کاربردهای منابع حاصل از مصاحبه تاریخ شفاهی به مصاحبه‌شونده باید داد؛
 - هر شخص حقیقی یا حقوقی که صاحب محصول نهایی طرح تاریخ شفاهی باشد، برای حفاظت و نگهداری از آن و اطلاع‌رسانی آن، از بالاترین استانداردها باید پیروی کند» (وبگاه انجمن تاریخ شفاهی آمریکا).
- بنابراین در عصر فناوری اطلاعات، هر مصاحبه تاریخ شفاهی که بر روی وب‌سایت جانمایی می‌شود به‌سرعت بازدید می‌شود و در صورت اجازه دانلود یا فیش‌برداری یا نقل قول مستقیم، در پژوهش به آن استناد می‌شود. در بسیاری از موارد که صاحبان وب‌سایت‌ها مصاحبه را بدون ویرایش منتشر می‌کنند، کلمات توهین‌آمیز و افشای حقایق خصوصی راویان مشاهده می‌شود. در واقع دو مورد اصلی در این زمینه وجود دارد:
- الف. هتک حرمت افراد و استفاده غیرمجاز؛ که به شکایت علیه فرد خاطی می‌انجامد. قوانینی که در هتک حرمت آثار چاپی وجود دارد، شامل آثار آنلاین هم می‌شود. پس از اینکه شیوع افترا و عمدی بودن آن ثابت شد به صاحب وب‌سایت و مسئول انتشار هتک حرمت

فرصت داده می‌شود تا موضوع شکایت را از دسترس کاربران خارج کند یا حذف کند. البته در بعضی مواقع بازپس‌گیری و حذف هتک حرمت‌ها پایان حل اختلافات نیست و افراد شاکی ادعای خسارت می‌کنند؛ ولی حذف مطلب در بسیاری از مواقع عامل کاهش‌دهنده اختلافات قلمداد می‌شود.

ب. افشای حقایق خصوصی؛ که این مورد هم به شکایت منجر می‌شود. البته شاکی باید بتواند ثابت کند که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی‌اش، قابل انتشار برای عموم نیست. اینکه گاه مسائل عادی و پیش‌پاافتاده زندگی موجب ناراحتی راویان یا وراث آن‌ها می‌شود، از نظر دادگاه و قوانین بین‌المللی پذیرفته نیست؛ بنابراین تشخیص دادگاه برای اثبات وقوع جرم، اولویت اول شناخته می‌شود.

مطالعات موردی

حال پس از تحلیل منابع مکتوب (کتاب و مقاله و پایان‌نامه) در زمینه بررسی مسائل حقوقی انتشار مصاحبه‌ها در فضای مجازی به بررسی قوانین و ضوابط پایگاه‌های اطلاعاتی تعدادی از مراکز آرشیوی خارجی و داخلی‌ای پرداخته می‌شود که در فضای مجازی مصاحبه منتشر می‌کنند.

مرکز ریاست جمهوری میلر

وبسایت مجموعه مرکز ریاست جمهوری میلر آمریکا به شکلی طراحی شده که به مرکزی پژوهشی تبدیل شده است. این وبسایت چهار بخش دارد:

• وبسایت اصلی که اطلاعاتی توصیفی از مجموعه‌های ریاست جمهوری عرضه می‌کند؛

• فهرست سایت‌های مرتبط با این وبسایت؛

• مواد و منابع آموزشی؛

• پروژه میکرو فیلم برای استخراج منابع اصلی از میان مقالات مرتبط با این مجموعه.

بخش‌هایی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی به صورت صوتی و متنی بر روی سایت جانمایی شده است ولی برای مطالعه کل مصاحبه‌ها، پژوهش‌گران باید به تالار تاریخ شفاهی مؤسسه در دانشگاه ویرجینیا مراجعه کنند و فرم درخواست را تکمیل کنند و در آن متعهد شوند که هنگام استفاده از مصاحبه در پژوهش، تکالیف حقوقی آن را رعایت می‌کنند (وبگاه میلر).

آرشیو ملی سنگاپور

وبسایت آرشیو ملی سنگاپور تعدادی از منابع این مرکز را به صورت الکترونیک منتشر کرده است و همچنین بخش هایی از مصاحبه های تاریخ شفاهی را نیز در فضای این سایت جانمایی کرده است. البته متن کامل مصاحبه ها براساس کاربرگه های فهرست نویسی شده، در اتاق آرشیو مرجع قابل دسترسی است. در این سایت بر رعایت نکات زیر تأکید شده است:

۱. منابع جانمایی شده، به کمک قوانین کپی رایت، علائم تجاری و سایر اشکال حقوق مالکیت فکری محافظت می شوند؛

۲. محتویات وبسایت نباید بدون اجازه کتبی از آرشیو مجدداً بارگذاری شود یا چاپ و منتشر شود یا به سایت های دیگر ارسال شود؛

۳. برای حفظ حریم خصوصی، اطلاعات کاربران در اختیار اشخاص ثالث قرار نمی گیرد (خوش مشرب، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

دانشگاه هاروارد

در وبسایت کتابخانه دانشگاه هاروارد، دستورالعمل هایی در زمینه استفاده از منابع جانمایی شده است که مصاحبه های تاریخ شفاهی را نیز شامل می شود. بعضی از آن ها به شرح زیر است:

۱. جمع آوری اطلاعات: نرم افزار وب سرور سایت دانشگاه اسپاهای از آدرس های انحصاری شبکه (IP) که به وبسایت کتابخانه هاروارد دسترسی دارند، تهیه می کند؛ البته این فهرست به طور موقت در حافظه سرور حفظ می شود و پس از مدتی حذف می شود. این اقدام به دلایل زیر انجام می شود:

۱. ۱. مشکلات کاربران و نیز مدیران سایت تشخیص داده شود؛

۱. ۲. مشخص شود که کاربران از کدام بخش سایت بیشتر استفاده کرده اند؛

۱. ۳. کدام یک از مخاطبان از درون شبکه داخلی هاروارد به سایت متصل شده و از اطلاعات آن استفاده کرده اند.

علاوه بر این اطلاعات جست و جوشده کاربران تحلیل می شود و برای خلق محتوای جدید بهره برداری می شود؛ البته نشانی کاربران در اختیار دیگران قرار نمی گیرد و ناشناس باقی می ماند.

۲. حق تکثیر یا نسخه برداری: دانشگاه هاروارد براساس قانون کپی رایت هزاره رقمی نماینده ای را برای پیگیری موارد نقض کپی رایت تعیین کرده است؛ البته این نماینده فقط به گزارش های نقض کپی رایت پاسخگوست و درقبال درخواست های اجازه نسخه برداری

1. <http://hcl.harvard.edu>.



مسئولیتی ندارد. درخواست‌های مربوط به نقض کپی‌رایت باید به صورت مکتوب ارائه شود و شامل یکی از اطلاعات زیر باشد:

۲.۱. امضای فیزیکی یا الکترونیکی صاحب حق نسخه‌برداری یا شخص مجاز به این

کار؛

۲.۲. توضیح درباره اینکه کپی‌رایت چگونه نقض شده است؛

۲.۳. شرح چگونگی نقض اطلاعات و دادن توضیحاتی منطقی برای اجازه به هاروارد

برای پیگیری (وبگاه دانشگاه هاروارد).

تاریخ شفاهی ناسا

در وبسایت ناسا^۱ فهرست کامل مصاحبه‌های انجام‌شده در اختیار همه کاربران قرار گرفته است. در حال حاضر (۲۰۱۸م) فهرست مصاحبه‌ها تا تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۶م بر روی وبسایت جانمایی شده است. مراحل انتشار مصاحبه‌ها بر روی این سایت و شرایط استفاده از آن‌ها به شرح زیر است:

- مصاحبه‌ها پس از گفتارنویسی (تبدیل صوت به متن) آرشیو می‌شوند؛

- نسخه‌های دست‌نویس مصاحبه‌ها ابتدا در مجموعه تاریخ شفاهی ناسا آرشیو

می‌شوند، سپس لینک دسترسی به آن‌ها در وبسایت ناسا فعال می‌شود تا قابل دسترسی شوند؛

- فایل‌های متنی بعضی از مصاحبه‌ها، به صورت PDF یا صفحات HTML در وبسایت

قابل مشاهده است؛

- این صفحات PDF قابلیت تکثیر و کپی‌برداری ندارند و فقط قابلیت مشاهده و

فیش‌برداری دارند (وبگاه ناسا).

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سابقه تاریخ شفاهی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به اواخر سال ۱۳۷۱ و تأسیس اداره آرشیو شفاهی در مدیریت خدمات آرشیوی در سازمان اسناد ملی ایران بازمی‌گردد. شورای عالی اداری طی مصوبه‌ای در شهریور ۱۳۸۱ سازمان اسناد ملی ایران را با کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ادغام کرد. سال ۱۳۸۵ در تشکیلات جدید سازمان، گروه تاریخ شفاهی به گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری-شنیداری تغییر نام داد و وظیفه اطلاع‌رسانی به این گروه سپرده شد. پس از آن، علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات و انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تلاش شد تا راهی نوین برای توسعه فعالیت‌های

1. <http://www.jsc.nasa.gov>



تاریخ شفاهی در حوزه اطلاع‌رسانی و چاپ و نشر گشوده شود. از ابتدای شروع مصاحبه‌ها در سال ۱۳۷۲ به اهمیت رعایت نکات حقوقی در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی توجه شد. نخستین گام برای رعایت مسائل حقوقی مرتبط با منابع تاریخ شفاهی، اهتمام در تکمیل «پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی» بود. این فرم از سال ۱۳۷۲ تاکنون در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گیرد تا آن را مطالعه و تکمیل کنند. البته مفاد پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی بعد از تهیه در سال ۱۳۷۲ در سال‌های ۱۳۸۰^۲، ۱۳۸۲^۳ و ۱۳۹۵^۴ بازنگری و اصلاح شده است.

پرسش‌نامه مذکور تا پیش از سال ۱۳۹۵، مواردی نظیر استفاده دانشجویان در پژوهش‌های دانشگاهی، انتشار صوتی و تصویری مصاحبه از رسانه‌های گروهی و انتشار متن مصاحبه به صورت مقاله یا کتاب به صورت چاپی و استفاده نکردن از مصاحبه در مدت حیات راوی را دربر می‌گرفت و شامل اجازه‌ای از مصاحبه‌شونده برای انتشار الکترونیکی مصاحبه‌ها در فضای مجازی (متن/صوت/تصویر) نبود.

سال ۱۳۹۳ از طرف ریاست وقت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران^۵ دستوری^۶ مبنی بر انتشار همه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی دارای مجوز انتشار (مواردی که تا پیش از آن سال در پرسش‌نامه قید شده بود) بر روی درگاه^۷ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران صادر شد. پس از آن بود که به کسب اجازه و افزودن عنوان انتشار الکترونیکی مصاحبه در اینترنت (درگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران) در پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی توجه شد و این پرسش‌نامه برای این هدف اصلاح شد.

در حال حاضر متن کامل تعدادی از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی سازمان از طریق اینترنت قابل مشاهده است. در زمینه دسترسی به مصاحبه‌های منتشر شده بر روی وب ذکر نکات زیر ضروری است:

- مصاحبه‌ها از زمان تولید، تحت کنترل و نظارت آرشیوی قرار می‌گیرند؛
- اطلاعات کتاب‌شناسی همه مصاحبه‌ها از طریق درگاه سازمان قابل مشاهده است؛
- مصاحبه‌ها پس از گفتارنویسی (تبدیل صوت به متن) مختصری ویرایش می‌شوند؛
- فایل‌های PDF مصاحبه‌ها از طریق کتابخانه دیجیتال سازمان قابل دسترسی است؛
- این صفحات PDF قابلیت تکثیر و کپی برداری ندارند و فقط قابلیت مشاهده و فیش برداری دارند؛
- نام پدیدآورندگان مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، نظیر مصاحبه‌شونده، مصاحبه‌کننده، مجری/متولی (اشخاص حقیقی یا حقوقی)، گفتارنویس، ویراستار اولیه، تایپیست،

۱. پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی، مصوب ۱۳۷۲.
۲. پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی، مصوب ۱۳۸۰.
۳. پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی، مصوب ۱۳۸۲.
۴. پرسش‌نامه چگونگی بهره‌گیری از مصاحبه تاریخ شفاهی، مصوب ۱۳۹۵.
۵. سیدرضا صالحی امیری.
۶. نامه شماره ۲۸۴۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴.
۷. <http://dl.nli.ir/UI/Search/AdvancedSearch.aspx>



نسخه‌خوان و... بر روی صفحات اولیه مصاحبه‌های منتشر شده درج شده‌است (وبگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

یافته‌های پژوهش

مصاحبه در تاریخ شفاهی - به‌عنوان مکمل منابع مکتوب در مطالعات تاریخ معاصر - در جست‌وجوی اطلاعات مستند شفاهی و ثبت تجربه‌های انسانی است. آنچه ماهیت مصاحبه را در تاریخ شفاهی شکل می‌دهد، اهداف ویژه از انجام مصاحبه است. ثبت و ضبط تاریخ شفاهی برای کشف واقعیت است و به درخواست مصاحبه‌کننده و با مطالعه قبلی در زمینه موضوع مدنظر، انجام می‌شود. در واقع هدف از مطالعه پیش از مصاحبه جمع‌آوری اطلاعات برای کمک به مصاحبه‌شونده برای به‌یاد آوردن وقایع و در نتیجه کشف نقاط مبهم کتاب‌ها و اسناد مکتوب است. از سایر اهداف مصاحبه تاریخ شفاهی نکات زیر را می‌توان نام برد: انتقال تجربه؛ ثبت رویدادها؛ انباشت اطلاعات معتبر؛ تمرکززدایی و فرصت‌سازی؛ فهم عمیق‌تر رخدادها؛ به‌سختن آوردن اهل سکوت؛ گسترش منابع؛ انبوه‌سازی موثق داده‌ها؛ و زمینه‌سازی برای رشد و توسعه.

بهره‌مندی از پژوهش‌های مبتنی بر مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در سال‌های اخیر رو به افزایش است و با گسترش نشر الکترونیک و انتشار منابع در فضای مجازی رعایت نکات حقوقی (مادی و معنوی) مرتبط با انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی نیز مدنظر قرار گرفته‌است.

یافته‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ظهور صفحات وب، قوانین مرتبط با حق مؤلف و مالکیت فکری را دستخوش تغییر کرده‌است. رسانه نوینی چون اینترنت، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که از آن جمله همگرایی ارتباط جمعی و فردی است. اینترنت رسانه‌ای است که هم ارتباط جمعی در آن جریان دارد و هم ارتباط فردی، بنابراین با چالش‌های حقوقی نوینی در این عرصه مواجه‌ایم.
- از دیدگاه حقوقی، پدیدآورنده یک اثر در فضای مجازی، از تمامی حقوق پدیدآورنده اثر در محیط فیزیکی برخوردار است و صرف الکترونیکی شدن اثر حقی از پدیدآورنده آن ضایع نمی‌کند. هر آنچه در دنیای واقعی قابل حمایت مادی و معنوی است، در دنیای مجازی نیز از حمایت برخوردار است و الکترونیکی شدن خللی در این حمایت ایجاد نمی‌کند.
- لازم است تا مصاحبه‌شونده از همان ابتدای انجام مصاحبه از اهداف طرح تاریخ

شفاهی آگاه شود و مسائل حقوقی به او یادآور شد. مصاحبه‌شوندگانی که برای مصاحبه دعوت می‌شوند، باید منصفانه تمامی ابعاد هر رویداد را منعکس کنند. راوی باید با رضایت‌مندی و طیب خاطر مصاحبه را بپذیرد و از ویژگی‌های مصاحبه‌تاریخ شفاهی اطلاع کامل داشته باشد. آگاهی دادن به مصاحبه‌شونده درباره پیامدها و قوانین مربوط به بیان سخنان توهین‌آمیز درباره اشخاص حقیقی یا حقوقی و اطمینان دادن به او درباره اینکه فرصت اصلاح، بازبینی یا تغییر صحبت‌هایش را قبل از انتشار خواهد داشت، از جمله نکاتی است که پیش از انتشار الکترونیکی در صفحات مجازی باید به آن توجه شود.

- کسب اجازه از راوی در فرم پرسش‌نامه بهره‌برداری از مصاحبه‌تاریخ شفاهی یا فرم توافق آگاهانه برای انتشار مصاحبه در فضای مجازی (صوت/ تصویر/ متن) الزامی است. مصاحبه‌شونده این حق را دارد که انتشار بخش‌هایی از مصاحبه‌اش را محدود کند. رعایت محرمانه ماندن مصاحبه‌ها و افشانشدن اطلاعات حساسیت‌برانگیز و آگاهی‌بخشی درباره مفاد متنی که قرار است روی وب قرار گیرد، ضروری است.

- رعایت نکات اخلاقی و حفظ حریم خصوصی مصاحبه‌شوندگان در انتشار مصاحبه‌های برخاسته ضروری است. الزامات قانونی به‌تنهایی چارچوبی مناسب برای حمایت از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ایجاد نمی‌کنند، بلکه لازم است تا مورخان تاریخ شفاهی داوطلبانه با مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های اخلاقی کنار بیایند. لازم است تا مصاحبه‌گران یا مدیران پروژه‌های تاریخ شفاهی، ملاحظات اخلاقی لازم را در نظر داشته باشند و به‌دقت رعایت کنند. در واقع در همه مراحل مصاحبه به نکات اخلاقی باید توجه شود و در طول پروژه هم ادامه یابد؛ یعنی از اولین تماس برای انجام مصاحبه تا حفظ و نگهداری، انتشار و به‌اشتراک گذاشتن یافته‌های حاصل از مصاحبه.

- توجه به حقوق همه پدیدآورندگان در انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در صفحات وب، به‌نحو شایسته باید مدنظر قرار گیرد. در واقع لازم است تا نام پدیدآورندگان، نظیر مصاحبه‌شونده، مصاحبه‌کننده، مجری/متولی (اشخاص حقیقی یا حقوقی)، گفتارنویس، ویراستار اولیه، تایپیست، نسخه‌خوان و... بر روی صفحات اولیه مصاحبه‌های منتشرشده درج شود.

- مجری طرح تاریخ شفاهی پیش از نشر مصاحبه‌ها در فضای مجازی سیاست‌گذاری‌های لازم را باید انجام دهد. در واقع تشکیل کمیته کارشناسی برای تعیین سازوکار مناسب برای در دسترس قرار دادن مصاحبه‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. همین‌طور متصدیان



انتشار الکترونیک منابع باید با پایگاه‌های داده، کارکردهای اینترنت و فضای مجازی آشنایی داشته باشند.

- نکاتی که کاربران مجازند استفاده کنند باید دقیق در معرض دید آنان قرار گیرد. در این راستا این‌طور می‌توان استنباط کرد که برای جلوگیری از وقوع تخلفات احتمالی و سوءاستفاده از مصاحبه‌ها و همچنین جلوگیری از هتک حرمت و افشای حقایق خصوصی، توضیحات لازم به بازدیدکنندگان از صفحات وب باید داده شود. در واقع جزئیات میزان استفاده از مصاحبه و چگونگی بهره‌برداری از آن دقیق باید شرح داده شود و به عبارتی کلی در صفحات اصلی سایت مبنی بر استفاده براساس استانداردهای استفاده منصفانه نباید بسنده شود؛ بلکه باید شرح داده شود که استفاده از مصاحبه‌های این وب‌سایت برای اهدافی نظیر نقد، نظر، گزارش، اخبار، تحقیق و پژوهش، جزء استفاده منصفانه تلقی می‌شود و مجاز است. همچنین لازم است تا موارد نقض کپی‌رایت مصاحبه‌ها در فضای مجازی، به‌طور مبسوط برای کاربران مشخص شود تا از وقوع جرائم جلوگیری شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

در راستای پژوهش حاضر و یافته‌های آن، انجام پژوهش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- تفاوت‌های انتشار مصاحبه‌ها به‌صورت چاپی با انتشار برخط در صفحات وب از نظر رعایت حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان در ایران؛
- تبیین سازوکار حقوقی مناسب، برای انتشار خروجی‌های چندرسانه‌ای از طرح‌های تاریخ شفاهی؛
- تفاوت قوانین حقوقی مترتب بر انتشار الکترونیک انواع فرآورده‌های تهیه‌شده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی؛
- ویژگی‌های پرسش‌نامه بهره‌برداری از مصاحبه یا فرم توافق آگاهانه برای حفظ حقوق مالکیت فکری؛
- راه‌های تشویق مجریان و متولیان طرح‌های تاریخ شفاهی در ایران برای انتشار مصاحبه‌ها در فضای مجازی؛
- نحوه جلب اعتماد پدیدآورندگان آثار تاریخ شفاهی برای انتشار مصاحبه‌ها در صفحات وب.



منبع

کتاب

- آبرامز، لین. (۱۳۹۶). *نظریه تاریخ شفاهی*. (علی فتحعلی آشتیانی، مترجم). تهران: انتشارات سوره مهر.
- استنفورد، مایکل. (۱۳۸۶). *درآمدی بر تاریخ پژوهی*. (مسعود صادقی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- کامر، داگلاس. (۱۳۹۱). *مهندسی اینترنت با TCP/IP*. (حسن طاهری، مترجم). تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- نورانی، مرتضی؛ ابوالحسنی ترقی، مهدی. (۱۳۹۴). *تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵ ش)*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- نوسچ‌واندر، جان. (زیر چاپ). *راهنمای تاریخ شفاهی و قانون*. (فرحناز اسماعیل زاده، مترجم). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

مقاله

- اکبری، علی‌رضا. (۱۳۸۵). «حق مؤلف در اینترنت». فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات (کتاب سابق)، دوره ۱۷، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۵)، ص ۱۰۰.
- جمالی مهموثی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). «وب». در *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۲، ص ۱۸۲). (ابراهیم افشار، سروراستار). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- خوش‌مشرّب، سهیلا. (۱۳۹۴). «آرشیو ملی سنگاپور». فصلنامه علمی، تخصصی آرشیو ملی، سال ۱، شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۴)، ص ۱۲۴.
- رضایی شریف‌آبادی، سعید. (۱۳۷۶). «مالکیت معنوی در عصر الکترونیک». فصلنامه علمی و پژوهشی *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات* (کتاب سابق)، دوره ۸، شماره ۳ (پائیز ۱۳۷۶).
- سعیدی، سینا؛ حاجی‌حسینی، حجت‌الله؛ سعیدی، صبا. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر نقض حق نشر توسط کاربران اینترنت». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۸، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۲).
- شاپس، لیندا. (۱۳۹۵). «ملاحظات قانونی و اخلاقی در تاریخ شفاهی». (فرحناز اسماعیل زاده، مترجم). *دوفصلنامه تاریخ شفاهی*، سال ۲، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۵).
- کاظمی، محسن؛ خسروبیگی، هوشنگ. (۱۳۹۵). «تاریخ شفاهی». *دوفصلنامه تاریخ شفاهی*، سال ۲، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۵).
- مانجوناتا، ک؛ شیوالینگایا، د. (۱۳۸۵). «دسترسی به اطلاعات در کتابخانه‌ها: روش‌ها و مسائل». فصلنامه *پردازش و مدیریت اطلاعات (علوم و فناوری اطلاعات)*، دوره ۲۱، شماره ۳ (پائیز ۱۳۸۵)، ص ۱۴۲.



منصوریان، یزدان. (۱۳۸۲). «وب پنهان چیست و چه اهمیتی دارد». *مجله الکترونیکی پژوهشگاه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما)*، دوره ۲، بهمن ۱۳۸۲، ص ۳۲.

پایان‌نامه

رسولی، عبدالرشید. (۱۳۹۲). «بررسی نقض مالکیت فکری در فضای اینترنت» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

قندی، آرش. (۱۳۹۳). «نقض حقوق مالکیت فکری در فضای سایبر با نگاهی به نظام حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نصیری، شادیه. (۱۳۸۵). «حمایت حقوقی و قراردادی از کپی‌رایت» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

منابع اینترنتی

وبگاه انجمن تاریخ شفاهی آمریکا. «مسائل اخلاقی و قانونی مصاحبه‌های تاریخ شفاهی». بازیابی شده در ۱۳ دی ۱۳۹۷، از

<http://www.oralhistory.org/about/do-oral-history>

وبگاه دانشگاه هاروارد. پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد. بازیابی شده در ۲۰ دی ۱۳۹۶، از

<http://www.harvard.edu/copyright-issue>

وبگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. سامانه کتابخانه و اسناد رقومی ملی. بازیابی شده در ۲۰ دی ۱۳۹۷، از

<http://dl.nlai.ir/UI/Search/AdvancedSearch.aspx>

وبگاه میلر. تاریخ شفاهی میلر - مرکز ریاست جمهوری آمریکا. بازیابی شده در ۲۳ دی ۱۳۹۶، از

<http://presidentialcollections.org>

وبگاه ناسا. تاریخ شفاهی ناسا. بازیابی شده در ۲۰ دی ۱۳۹۶، از

[http://www.jsc.nasa.gov/history/JSC Oral History Project](http://www.jsc.nasa.gov/history/JSC%20Oral%20History%20Project)

منابع لاتین

کتاب

Ritchie, Donald. (1995). *Doing oral history*. New York: Macmillan Publishing Company.

Sheila A, McIlraith; Tran Cao, Son; Honglei, Zeng. (2007). *Semantic web services*. Stanford university.



Weihls, Jean; Howarth, Lynne. (1988). *A brief guide to AACR2, 1988 revision, and implications for automated systems*. Canada: Canadian Library Association.

مقاله

Benmayor, Rina. (2006). "Cyber-Teaching in the oral history classroom". In *The Oral history reader*, (Edited by Robert Perks and Alistair Thomson). New York: Rutledge.

ترجمه منابع به انگلیسی

Resource English translation

Abrams, Lane. (1396/2017). *Theory of Oral History*. (Translator: Ali Fath Ali Ashtiani). Tehran: Soureh Mehr Publications.

Akbari, Alireza. (1385/2006). "Haghe moalef dar Internet". *Journal of National Library Studies and Information Studies*, Spring, 17(1), p 100.

Camer, Douglas. (1391/2012). *Internet engineering with TCP*. (Translator: Hasan Taheri). Tehran: Amirkabir University of Technology.

Candy, Arash. (1393/2014). "Violation of intellectual property rights in cyberspace by looking at the criminal law system of Iran and the United States" (Master's thesis unpublished). Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Jamali Mahmoudi, HamidReza. (1385/ 2006). "the Web". In the Encyclopedia of *Library and Information Science*, (V. 2, p182). (Ibrahim Afshar, Editor). Tehran: National Library and Archives of Iran.

Kazemi, Mohsen; Khosrowbeigi, Hooshang. (1395/2016). "Tarikh Shafahi". *Journal of Oral History*, Spring, 2(1), p11.

Khosh mashrab, Soheila. (1394/2015). "Singapore National Archives". *Journal of National Archives*, Winter, 1(4), p124.

Manjunata, K; Shivalingya, D. (1385/2006). "Access to information in libraries". *Journal of Science and Technology*, Autumn, 21(3), p142.



- Mansourian, Yazdan. (1382/2003). "Web chist va che ahamiati darad". *Nama, Electronic Journal of Iran Scientific Proceedings*, 2, Bahman, p32.
- Nasiri, Shadyee. (1385/2006). "Legal and contractual protection of copyright" (Master's thesis unpublished). Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- Neuenschwander, John A. (Subtitles). *A Guide to oral history and the law*. (Translator: Farahnaz Esmailzadeh). Tehran: National Library and Archives of Iran.
- Nouraei, Morteza; Abolhasani Tarafi, Mehdi. (1394/2015). *Tarikh Shafahi va Jaygahan dar Tarikhnegari Moasere Iran*. Tehran: Institute of Islamic History.
- Rasuli, Abdul Rashid. (1392/2013). "Investigating Intellectual Property Violations in the Internet Space" (Master's thesis unpublished). Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- Reza Sharifabadi, Saeed. (1376/1997). "Malekiate manavi dar Asre Electronic". Quarterly Journal of *National Library Studies and Information Organization*, Autumn, 8(3), p20.
- Saeedi, Sina; Haji Hosseini, Hojatollah. (1392/2013). "Barrasi avamel bar naghze haghe Nashre". Journal of *Ethics in Science and Technology*, Summer, 8(2), p3.
- Sarmed, Zohreh; Bazargan, Abbas; Hejazi, Elahe. (1376/1997). *Raveshaye Tahghighedar Olome Raftari*. Tehran: Agah.
- Shops, Linda. (1395/2016). "Legal and Ethical Considerations in *Oral History*". (Translator: Farahnaz Esmailzadeh). Journal of Oral History, Summer, 2(2), p110.
- Stanford, Michael. (1386/2007). *An Introduction to the History of Research*. (Translator: Massoud Sadeghi). Tehran: Imam Sadegh University and Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities (samt).

English Translation of References

Books

- Abrams, Lynn. (1396/2017). "*Nazariye-ye tārix-e šafāhi*" (Oral history theory). Translated by Ali FathaliAshtiani. Tehran: Enteshārāt-e Sure-ye Mehr.[Persian]
- Comer, Douglas. (1391/2012). "*Mohandesi-ye internet baTiSiPi/ĀyPi*" (Internetwork-



- ing with TCP/IP). Translated by Hasan Taheri. Tehran: Danešgāh-e San'ati-ye Amir Kabir (Amir Kabir University of Technology). [Persian]
- McIlraith, Sheila, A.; Son, Tran Cao & Zeng, Honglei. (2007). *Semantic web services*. Stanford university.
- Neuenschwander, John. (forthcoming). "*Rāhnamā-ye tārix-e šafāhi va qānun*" (A guide to oral history and the law). Translated by Farahnaz Esmaelzadeh. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library and Archives of Iran). [Persian]
- Nouraei, Morteza & Abolhasani Taraghi, Mahdi. (1394/2015). "*Tārix-e šafāhi va jāyghāh-e ān dar tārix-negāri-ye mo'āser-e Irān: 1358-1385*" (Oral history and its place in the contemporary historiography: 1979-2006). Tehran: Pažuheškade-ye Tārix-e Eslām (Research Center for Islamic History). [Persian]
- Ritchie, Donald. (1995). *Doing oral history*. New York: Macmillan Publishing Company.
- Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas & Hejazi, Elaheh. (1376/1997). "*Raveš-hā-ye taḥ-qiḡdar 'olum-e raftāri*" (Book of research methods in behavioral sciences). Tehran: Āgah. [Persian]
- Stanford, Michael. (1386/2007). "*Darāmedi bar tārix-pažūhi*" (An introduction to the philosophy of history). Translated by Masoud Sadeghi. Tehran: Dānešgāh-e Emām Sādeq va Sāzmān-e Motāle'at va Tadvin-e Kotob-e 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-hā (Imam Sadeq University and the Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT)). [Persian]
- Weihs, Jean & Howarth, Lynne. (1988). *A brief guide to AACR2, 1988 revision, and implications for automated systems*. Canada: Canadian Library Association.

Articles

- Akbari, Ali Reza. (1385/2006). "Haq-e mo'allem dar internet" (Copyright in internet). *Fal-nāme-ye 'Elmiva Pažuheši-ye Motāle'āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmān-dehi-ye Ettelā'āt* (Journal of National Studies on Librarianship and Information Or-



- ganization)(previously “Ketāb”. (Book), 17 (1), Spring 2006, p. 100. [Persian]
- Benmayor, Rina. (2006). “Cyber-Teaching in the oral history classroom”. In *The Oral history reader*, (Edited by Robert Perks and Alistair Thomson). New York: Rutledge.
- JamaliMahmouei, Hamid Reza. (1385/2006). “Veb” (Web). InEbrahimAfsahr (Ed. in chief). “*Dāyerat al-ma’āref-e ketābdāri va ettelā-resāni*” (Encyclopedia of library and informationservices) (vol. 2) (p. 182). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Kazemi, Mohsen &KhosroBeigi, Houshang. (1395/2016). “*Tārix-e šafāhi*” (Oral history). *Do-Faslnāme-ye Tārix-e Šafāhi*(Iranian Journal of Oral history), 2(1), spring 2016. [Persian]
- KhoshMashrab, Soheila. (1394/2015). “Āršiv-e melli-ye Sangāpur” (National archive of Singapore). *Faslnāme-ye ElmivaPažuheši-yeMotālē’āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmān-dehi-ye Ettelā’āt* (Journal of National Studies on Librarianship and Information Organization) (previously “Ketāb” (Book), 1(4), winter 2015, p. 124. [Persian]
- Manjunatha, K. &Shivalingaiah, D. (1385/2006). “Dastresi be ettelā’āt dar ketābxānehā: Raveš-hā va masā’el” (Information access libraries: Methods and problems). *Faslnāme-ye Pardāzeš va Modiriāt-e Ettelā’āt* (‘OlumvaFannāvāri-ye Ettelā’āt) (Iranian Journal of Information Processing and Management (Information Sciences and Technology)), 21(3), fall 2006, p. 142.[Persian]
- Mansourian, Yazdan. (1382/2003). “Veb-e penhān čist va čeah ammiati dārad?” (What is invisible web and why does it matter?). *Majalle-ye Elektioniki-ye Pažuhešgāh-e Markaz-e Ettelā’āt va Madārek-e ‘Elmi-ye Iran (Namā)* (The Electronic Magazine of the Research Center of Iran Information and Documentation Center), 2, February 2003, p. 32.[Persian]
- Rezaei Sharif Abadi, Saeid. (1376/1997). “Mālekiat-e ma’navi dar asr-e elektionik” (Intellectual property in the electronics age). *Faslnāme-ye ElmivaPažuheši-ye*

Motāle'āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmān-dehi-ye Ettelā'āt (Journal of National Studies on Librarianship and Information Organization) (previously "Ketāb" (Book), 8(3), fall 1997.[Persian]

Saeidi, Sina; Haji Hosseini, Hojjatullah&Saidi, Saba. (1392/2013). "Barresi-ye avāmel-e mo'asser bar naqz-e haq-e našr tvassot-e kārbarān-e internet" (A survey of the effective factors on copyright violations by the internet users). *Fasnāme-ye Axlāq dar 'Olum va Fannāvāri* (Ethics in Science and Technology), summer 2013, 8(2), 52-61.[Persian]

Shops, Linda. (1395/2016). "Molāhezāt-e qanuni va axlāqi dar tārix-e šafāhi" (The handbook of oral history). Translated by FarahnazEsmaeelzadeh. *Do-Fasnāme-ye Tārix-e Šafāhi* (Iranian Oral History), 2(1), spring 2016.[Persian]

Dissertations

Ghandi, Arash. (1393/2014). "*Naqz-e hoquq-e mālekiat-e fekri dar fazā-ye sāiber ba negāhi be nezām-e hoquq-e keifāri-ye Irān va eyālāt-e mottahede-ye Āmrikā*" (The violation of intellectual property rights in cyberspace with an outlook on the criminal law system in Iran and the United States). (Unpublished Masters' thesis). Iran, Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University). [Persian]

Nasiri, Shadieh. (1385/2006). "*Hemāyat-e hoquqi va qarārdādi az kopirāit*" (Legal and contractual support of copyright). (Unpublished Masters' thesis). Iran, Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University).[Persian]

Rasouli, Abd Al-Rashid. (1392/2013). "*Barresi-ye naqz-e mālekiat-e fekri dar fazā-ye internet*" (A survey of the factors affecting intellectual property violations in the internet space). (Unpublished Masters' thesis). Iran, Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University). [Persian]

Digital Sources

"Vebgāh-e anjoman-e tārix-e šafāhi-ye Āmrikā" (Website of the Oral History Association of the United States). "Masāel-e axlāqi va qanuni-ye mosāhebe-hā-ye tārix-e



šafāhi” (Ethical and legal issues of oral history interviews). Retrieved in January 3rd, 2019, from <http://www.oralhistory.org/about/do-oral-history>.

“Vebgāh-e dānešgāh-e Hārvārd” (Harvard University website). “Porože-ye tārix-e šafāhi-ye dānešgāh-e Hārvārd” (Oral history project of Harvard University). Retrieved in January 10th, 2019, from <http://www.harvard.edu/copyright-issue>.

“Vebgāh-e Miler” (Miller center website). “Tārix-e šafvhi-ye Miler-Makaz-e riāsaťomhuri-ye Āmrikā” (Miller oral history-Presidential center of the United States). Retrieved in January 13th, 2019, from <http://presidentialcollections.org>.

“Vebgāh-e Nāsā” (NASA website). “Tārix-e šafvhi-ye Nāsā” (NASA oral history). Retrieved in January 10th, 2019, from [http://www.jsc.nasa.gov/history/JSC Oral History Project](http://www.jsc.nasa.gov/history/JSC%20Oral%20History%20Project).

“Vebgāh-e sāzmān-e asnād va ketābxāne-ye melli-ye jomhuri-ye eslāmi-ye Irān” (Website of the National Library and Archives of Islamic Republic of Iran). “Sāmāne-ye ketābxāne va asnād-e raqumi-ye melli” (National digital library and archive system). Retrieved in January 10th, 2019, from <http://dl.nlai.ir/UI/Search/Advanced-Search.aspx>. [Persian].



Applicability of METS in Open Archival Information Systems (OAIS) for Persian digital documents

Leli Seifi¹ | Zahra Mirzavand²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Seeks the views of experts about applicability of METS to OAIS for Persian digital records.

Method and Research Design: For data collection a questionnaire with 145 items, extracted as METS components, was sent to 30 digital preservation experts in Iran and abroad. The validity of the questionnaire was confirmed by professionals in the field. Cronbach's test (0/98) and bisection method were applied for reliability measurement.

Findings and Conclusion: Out of 145 items, the respondents considered 63 as important. Most of these items belonged to management, data management, and access. Overall, they found METS suitable for managing digital documents in packages and entities of the open archival information system.

Keywords:

Digital preservation, Open Archival Information System, METS, Persian documents, Iran.

1. Assistant Professor, Knowledge and Information Science, Faculty of psychology and Education, University of Birjand, Birjand, I.R. Iran
leli.seifi@birjand.ac.ir

2. MA. In Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, I.R. Iran
zm.pars1990@gmail.com

Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2343

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 142-164(23) | Received: 11, Jan. 2019 | Accepted: 17, Mar. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

امکان به کارگیری استاندارد متس در سامانه‌های اطلاعاتی آرشیوی باز برای اسناد رقمی فارسی

لیلی سیفی^۱ | زهرا میرزاوند^۲

چکیده:

هدف: تشخیص قابلیت به کارگیری استاندارد متس در سامانه‌های اطلاعاتی آرشیوی باز برای اسناد رقمی فارسی از دیدگاه صاحب‌نظران.

روش/ رویکرد پژوهش: ۱۴۵ مولفه استاندارد متس که قابلیت به کارگیری برای اسناد رقمی فارسی را داشتند استخراج شد. پرسش‌نامه‌ای بر مبنای این مولفه‌ها طراحی و بین ۳۰ تن از صاحب‌نظران حفاظت رقمی توزیع شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه را متخصصان حفاظت رقمی تأیید کردند. برای سنجش پایایی از دو روش تنصیف و آزمون آلفای کرونباخ (۰/۹۸) استفاده شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نظام اطلاعاتی آرشیوی باز برای ذخیره‌سازی، حفاظت، مدیریت، و بازیابی اسناد رقمی فارسی مناسب یافته شد. براساس یافته‌های پژوهش از میان ۱۴۵ گویه توصیف‌کننده بسته‌ها و بخش‌های مختلف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز، ۶۳ گویه برای اسناد رقمی فارسی اهمیت بیشتری دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که قابلیت‌های مدیریتی استاندارد متس برای مدیریت اسناد رقمی فارسی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز کاربردی است.

کلیدواژه‌ها:

حفاظت رقمی؛ نظام اطلاعاتی آرشیوی باز؛ استاندارد متس (METS)؛ اسناد فارسی؛ ایران.

۱. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی،

دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

(نویسنده مسئول)

Leili.seifi@birjand.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علم

اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بیرجند،

بیرجند، ایران

zm.pars1990@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۴۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۱۴۲-۱۶۴ (۲۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

مطالعات آرشیوی

مقدمه و بیان موضوع

سازمان‌ها برای انجام وظایف خود اسناد و مدارکی را تولید می‌کنند و برای ادامه فعالیت خود به نگهداری از این اسناد نیازمندند. با گذشت زمان، برخی از این اسناد اهمیت تاریخی، فرهنگی و... پیدا می‌کنند؛ بنابراین به نگهداری بلندمدت نیاز دارند تا نسل‌های آینده هم بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.

در سال‌های اخیر رقمی‌سازی تأثیر زیادی در حفاظت از منابع چاپی و دسترسی آسان به آن‌ها داشته‌است. اسناد رقمی قابلیت دسترسی و مقاومت بیشتری از نسخه چاپی دارند؛ بنابراین مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ها بر تهیه اسناد رقمی متمرکز شده‌اند (تریپاتی^۱، ۲۰۱۸). با رقمی‌سازی اسناد، موضوعاتی مانند چگونگی ذخیره‌سازی، سازمان‌دهی، مدیریت، و حفاظت از اسناد و دسترسی بلندمدت به آن‌ها مطرح می‌شود. استفاده از استانداردهای مناسب برای مدیریت بلندمدت اسناد رقمی امکان دسترسی به آن‌ها را برای نسل‌های آینده هم فراهم می‌کند. از میان استانداردهای حوزه حفاظت رقمی «نظام اطلاعاتی آرشیوی باز»^۲ چارچوبی مفهومی است که آرشیوهای بسیاری در جهان برای مدیریت و حفاظت بلندمدت اسناد از آن استفاده کرده‌اند (صمیعی، ۱۳۹۱).

نظام اطلاعاتی آرشیوی باز را «کمیته مشورتی نظام داده‌های فضایی»^۲ در ژوئن ۲۰۰۲ به‌عنوان استاندارد بین‌المللی در راستای آرشیوسازی اشیاء رقمی به رسمیت شناخت (کمیته مشورتی نظام داده‌های فضایی، ۲۰۱۲؛ لوآ، ۲۰۰۴). نظام اطلاعاتی آرشیوی باز سه نوع بسته دارد: «بسته اطلاعاتی آرشیوی»^۳؛ «بسته اطلاعاتی تحویلی»^۴؛ و «بسته اطلاعاتی اشاعه»^۵. افزون بر این در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز شش موجودیت وجود دارد: «دریافت و پذیرش»^۶؛ «ذخیره‌سازی آرشیوی»^۷؛ «راهبری»^۸؛ «برنامه‌ریزی حفاظت»^۹؛ «مدیریت داده‌ها»^{۱۰}؛ و «دسترسی»^{۱۱}.

علاوه بر «کتابخانه کنگره»^{۱۳}، کتابخانه ملی هلند با «نظام آرشیوی اطلاعات رقمی»^{۱۴}، کتابخانه ملی استرالیا با دو پروژه «حفاظت و دسترسی به منابع مستند شبکه‌ای استرالیا»^{۱۵} و «حفاظت دسترسی به اطلاعات رقمی»^{۱۶}، و انگلستان با پروژه حفاظت رقمی خود بانام سیدارز^{۱۷} برای ایجاد نظام‌های آرشیوی، دریافت، ذخیره‌سازی، دستیابی، مدیریت و حفاظت منابع رقمی خود از نظام اطلاعاتی آرشیوی باز استفاده می‌کنند.

«استاندارد انتقال و شناسه‌گذاری فراداده (متس)»^{۱۸} از دیگر استانداردهایی است که علاوه بر بافت کتابخانه‌ای و موزه‌ای قابلیت به‌کارگیری در بافت آرشیوی را نیز دارد. این استاندارد از زبان نشانه‌گذاری گسترش‌پذیر (ایکس.ام.ال)^{۱۹} استفاده می‌کند. این زبان با نظام اطلاعاتی آرشیوی باز سازگار است و ویژگی‌هایی مانند حفاظت و مدیریت اشیا

1. Tripathi
2. The Consultative Committee for Space Data Systems (CCSDS)
3. Lavoie
4. The Archival Information Package (AIP)
5. The Submission Information Package (SIP)
6. The Dissemination Information Package (DIP)
7. Ingest
8. Archival Storage
9. Administration
10. Preservation planning
11. Data Management
12. Access
13. Library of Congress
14. Digital Information Archival System (DIAS)
15. Preserving and Accessing Networked Documentary Resources of Australia (PANDORA)
16. Preserving Access to Digital Information (PADI)
17. CEDARS
18. Metadata Encoding and Transmission Standard (METS)
19. XML



رقمی را هم داراست. استاندارد متس به ابتکار فدراسیون کتابخانه‌های رقمی تهیه شده است. این استاندارد قالب ایکس.ام.ال را برای کدگذاری فراداده موردنیاز برای مدیریت اشیای کتابخانه رقمی یک مخزن و همچنین مبادله این اشیا میان مخازن مختلف و کاربران آن‌ها فراهم می‌کند. استاندارد متس برای کدگذاری انواع اشیاء رقمی کاربرد دارد و شامل هفت بخش اصلی است: «سرآیند متس»^۱؛ «فراداده توصیفی»^۲؛ «فراداده مدیریتی»^۳؛ «بخش فایل»^۴؛ «نقشه ساختاری»^۵؛ «پیوندهای ساختاری»^۶؛ و «رفتار»^۷ (کتابخانه کنگره، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی، به‌کارگیری استاندارد متس در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز را برای منابع رقمی بررسی کرده‌اند. رضوی (۱۳۹۳) در پژوهشی به شناسایی مهم‌ترین عناصر موجود در شش موجودیت نظام اطلاعاتی آرشیوی باز از دیدگاه آرشیویست‌ها پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که موجودیت دریافت بر موجودیت مدیریت داده و ذخیره‌سازی آرشیوی تأثیری مستقیم، قوی و معنادار دارد؛ ولی بر موجودیت برنامه‌ریزی حفاظت و راهبری تأثیری مستقیم، ضعیف و معنادار دارد.

رسولی جامبری (۱۳۹۰) پژوهشی را با هدف عرضه الگویی برای مدیریت عکس‌های رقمی بر مبنای نظام اطلاعاتی آرشیوی باز با روش پیمایشی با استفاده از سیاهه واریسی محقق ساخته انجام داده است. جامعه آماری این پژوهش ۳۲ نفر متخصص حوزه حفاظت رقمی بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که عناصر تولید بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی، پشتیبان‌گیری، کنترل دسترسی فیزیکی و نظایر این‌ها از مهم‌ترین عناصر تولید بسته‌های اطلاعاتی آرشیوی هستند.

سیفی، احمدزاده، و هاشم‌زاده (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف مدیریت ادواری‌های قدیمی فارسی بر مبنای استاندارد متس بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استاندارد متس، استاندارد مناسبی برای مدیریت ادواری‌های قدیمی فارسی رقمی است.

ویلسون^۸ (۲۰۱۷) با هدف عرضه الگو و سازوکاری برای حفاظت بلندمدت به این نتیجه دست یافت که نظام اطلاعاتی آرشیوی باز الگویی مرجع و مخزنی قابل اعتماد برای دسترسی و حفاظت بلندمدت منابع رقمی آرشیوی است. به بیان بال^۹ (۲۰۰۶) استاندارد متس به‌علت استفاده از زبان گسترش‌پذیر ایکس.ام.ال. توانایی بسته‌بندی اطلاعات موجود در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز را دارد. کنتارا^{۱۰} (۲۰۰۵) معتقد است که استاندارد متس منطبق با نظام اطلاعاتی آرشیوی باز طراحی شده است؛ نظامی که اشیاء رقمی و فراداده‌های

1. METS Header
2. Descriptive Metadata
3. Administrative Metadata
4. File section
5. Structural Map
6. Structural Links
7. Behavior
8. Wilson
9. Ball
10. Cantara



مربوط به آن‌ها را درون بسته‌های اطلاعاتی قرار می‌دهد. به بیان استینک^۱ (۲۰۰۸) بسته‌های اطلاعاتی نظام‌های آرشیوی قابلیت ذخیره‌سازی انتشارات علمی را دارد که به لحاظ ساختاری براساس استاندارد متس مدیریت می‌شوند. استینک روش‌های موجود برای استفاده از استاندارد متس در نظام‌های آرشیوی را مقایسه کرده‌است.

نتایج مطالعات دی^۲ (۲۰۰۴)، سمپل^۳ (۲۰۰۴)، کاپلان^۴ (۲۰۱۰)، لوآ^۵ (۲۰۱۴)، و تریپاتی^۶ (۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهد که در بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز می‌توان از استاندارد متس استفاده کرد.

رالسن^۷ (۲۰۱۳) در پژوهشی انعطاف‌پذیری و قابلیت همکاری استاندارد متس را در پروژه‌ها و مطالعه‌های موردی بررسی کرده‌است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دو ویژگی انعطاف‌پذیری و قابلیت همکاری از عوامل اصلی استفاده از استاندارد متس‌اند. فارب^۸ و ریجو^۹ (۲۰۰۴) به بررسی ساختار و شمای چندین استاندارد فراداده‌ای کتابخانه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که متس برای ذخیره‌سازی اشیاء رقمی استاندارد مناسب است و برای اشتراک‌گذاری و حفاظت بلندمدت اطلاعات با نظام اطلاعاتی آرشیوی باز سازگاری دارد.

نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استاندارد متس قابلیت لازم را برای عملکردهایی مانند حفاظت، انتقال و مدیریت منابع رقمی داراست. بیدهام و همکاران^۹ (۲۰۰۵) معتقدند که استاندارد متس به دلیل داشتن ویژگی‌هایی مانند فایل‌های محتوا، فراداده توصیفی، و فراداده مدیریت با بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز سازگار است.

مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که کتابخانه‌ها و آرشیوها برای مدیریت و حفاظت بلندمدت منابع اطلاعاتی از استانداردهای حوزه حفاظت رقمی استفاده می‌کنند. در این راستا، از استاندارد متس و نظام اطلاعاتی آرشیوی باز به دلیل انعطاف‌پذیری و سازگاری، به‌طور روزافزون در کتابخانه‌های مختلف جهان از جمله کتابخانه کنگره و کتابخانه ملی استرالیا استفاده شده‌است؛ بنابراین انتظار می‌رود که سازمان‌های آرشیوی و کتابخانه‌های بزرگ ایران برای به‌کارگیری این دو استاندارد در جهت مدیریت و حفاظت بلندمدت منابع فارسی برنامه‌ریزی کنند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تعداد پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اندک است. در پژوهش‌های انجام‌شده، استاندارد متس قابلیت به‌کارگیری در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز را برای منابع رقمی دارد، ولی مشخص نیست چه بخش‌ها یا مؤلفه‌هایی از این استاندارد به‌طور خاص قابلیت به‌کارگیری برای اسناد رقمی فارسی را دارا هستند؛

1. Steinke
2. Day
3. Sample
4. Caplan
5. Tripathi
6. Ralson
7. Farb
8. Riggio
9. Beedham, et al



از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی قابلیت به کارگیری استاندارد متس در بخش‌های مختلف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه حفاظت رقمی انجام شده است.

سؤالات پژوهش

۱. قابلیت به کارگیری بخش‌های مختلف متس در بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی از دیدگاه صاحب‌نظران به چه میزان است؟
۲. قابلیت به کارگیری بخش‌های مختلف متس در موجودیت‌های نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی از دیدگاه صاحب‌نظران به چه میزان است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی است و با روش پیمایشی انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته است.

منابع استفاده شده	مراحل
عزیزی، ۱۳۸۹؛ عزیزی، ۱۳۹۴؛ فدایی عراقی، ۱۳۹۴؛ زرین کلکی، ۱۳۸۷	استخراج ویژگی‌های اسناد رقمی فارسی
سند استاندارد متس؛ احمدزاده، ۱۳۹۳	استخراج مؤلفه‌های استاندارد متس براساس ویژگی‌های اسناد رقمی فارسی
رسولی جامبری، ۱۳۹۰	استخراج مؤلفه‌های نظام اطلاعاتی آرشیوی باز براساس قابلیت به کارگیری مؤلفه‌های استخراج شده استاندارد متس و اسناد رقمی فارسی
تیم پژوهش، تیم روایی محتوا (صاحب‌نظران داخلی متخصص در حیطه موضوع)	متناسب‌سازی مؤلفه‌های استاندارد متس با مؤلفه‌های نظام اطلاعاتی آرشیوی باز برای مدیریت اسناد رقمی فارسی
تیم پژوهش، تیم روایی محتوا (صاحب‌نظران خارجی متخصص در حیطه موضوع)	ترجمه پرسش‌نامه به انگلیسی

جدول ۱

روش طراحی پرسش‌نامه

جامعه پژوهش ۳۰ نفر از صاحب‌نظران داخلی و خارجی در حوزه حفاظت رقمی بودند. مبنای انتخاب صاحب‌نظران داخلی تجربه و انجام دادن پژوهش در این حوزه بود و برای صاحب‌نظران خارجی علاوه بر ویژگی‌های مذکور تسلط و تجربه کار با اسناد



فارسی هم مدنظر بود. پرسش نامه طراحی شده به صورت حضوری و الکترونیکی در اختیار صاحب نظران قرار گرفت و با پیگیری های مکرر ۲۳ نفر حاضر شدند پرسش نامه را تکمیل کنند. برای سنجش روایی پرسش نامه محقق ساخته، از روش روایی محتوا استفاده شد. برای تعیین میزان پایایی پرسش نامه از دو روش تنصیف (دونیم کردن) و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در روش تنصیف پرسش نامه به دو بخش تقسیم شد: بخش اول ۷۳ سؤال و بخش دوم ۷۲ سؤال؛ سپس ضریب همبستگی اسپیرمن-براون برای هر بخش محاسبه شد که برابر با ۰/۹۴ بود. مقدار آلفای کرونباخ هم برای بسته ها ۰/۹۶ و برای موجودیت ها ۰/۹۸ بود.

یافته های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی شامل درصد فراوانی، درصد فراوانی تجمعی و میانگین استفاده شد؛ بدین صورت که گویه های دارای درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالتر از ۷۰ درصد) به عنوان گویه های دارای اهمیت از دیدگاه صاحب نظران تشخیص داده شدند.

قابلیت به کارگیری استاندارد فراداده ای متس در بسته های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقیمی فارسی

نظام اطلاعاتی آرشیوی باز، سند یا هر نوع شیء اطلاعاتی را در قالب بسته اطلاعاتی تحویلی دریافت می کند؛ سپس در قالب بسته های اطلاعاتی آرشیوی اقدامات لازم را برای ذخیره سازی، مدیریت و حفاظت از اسناد انجام می دهد و در نهایت این اسناد را در قالب بسته اطلاعاتی اشاعه در اختیار استفاده کننده نهایی قرار می دهد. برای انجام فعالیت های ذکر شده، در بدو ورود اسناد به نظام اطلاعاتی آرشیوی باز اطلاعات پایه ای اسناد باید ثبت شود تا فرایند دریافت، ذخیره سازی، مدیریت و بازیابی اسناد آسان تر شود (کمیته مشورتی نظام داده های فضایی، ۲۰۱۲). از میان ۳۱ گویه استخراج شده برای بسته های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۱۳ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالتر از ۷۰ درصد)، از دیدگاه صاحب نظران دارای اهمیت تشخیص داده شده اند که در جدول شماره ۲ ذکر شده اند.



بخش	گویه	تعداد پاسخگویان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	میانگین گویه‌ها
سرآیند متس	استفاده از سرآیند متس برای ثبت تاریخ و زمان ایجاد سند رقمی فارسی	۲۳	۳۴/۸	۷۷/۳	۹۵/۷	۴/۰۴
	استفاده از سرآیند متس برای مشخص کردن نوع و نقش تولیدکننده سند رقمی فارسی (مثل فرد/سازمان، فرد/سازمان دارای حقوق مالکیت معنوی و...)	۲۳	۲۱/۷	۷۳/۹	۹۵/۷	۳/۸۶
	استفاده از سرآیند متس برای مشخص کردن شخص یا سازمانی که فراداده‌های موردنیاز را برای رمزگذاری سند رقمی فارسی فراهم می‌کند.	۲۳	۱۷/۴	۷۳/۹	۸۷	۳/۷۳
فراداده توصیفی	استفاده از شناساگرهایی مانند DOI, URN, URL در بسته‌های اطلاعاتی برای فایل‌های حاوی اسناد رقمی فارسی	۲۲	۴۰/۹	۹۵/۵	۱۰۰	۴/۳۶
	استفاده از شناساگرهایی مانند DOI, URN, URL برای نشان دادن محل فیزیکی محتوای فایل سند رقمی فارسی	۲۳	۳۰/۴	۷۷/۳	۹۱/۳	۴
	استفاده از فراداده توصیفی برای مشخص کردن نوع فایل‌های حاوی سند رقمی فارسی (مثل متن، تصویر و...)	۲۳	۳۹/۱	۷۷/۳	۸۷	۴/۰۴
فراداده مدیریتی	استفاده از فراداده منبع برای اسناد رقمی فارسی	۲۲	۲۲/۷	۷۷/۳	۹۰/۹	۳/۹۰
	استفاده از فراداده منبع برای مدیریت سند رقمی فارسی	۲۳	۲۱/۷	۸۲/۶	۸۷	۳/۹۱
	استفاده از فراداده رقمی منشأ برای حفظ محرمانگی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۳۴/۸	۹۱/۳	۹۵/۷	۴/۱۷
	استفاده از فراداده رقمی منشأ برای ذخیره‌سازی اسناد رقمی فارسی در فرمی مناسب	۲۳	۱۳	۷۳/۹	۸۷	۳/۶۹
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای تعیین اصل امضای رقمی	۲۲	۴۰/۹	۹۹/۱	۱۰۰	۴/۴۰
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای ثبت پدیدآور سند رقمی فارسی (به‌همراه ملیت، تاریخ تولد و وفات او)	۲۲	۳۱/۸	۷۲/۷	۹۵/۵	۴
بخش فایل	گروه‌بندی اسناد رقمی فارسی از نظر سطح محرمانگی (فایل‌های عمومی، فایل‌های اختصاصی وزارت خانه‌ها و سازمان‌ها)	۲۳	۳۰/۴	۷۳/۹	۹۱/۳	۳/۹۱

جدول ۲

گویه‌های بااهمیت در بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشویی باز



قابلیت به‌کارگیری استاندارد متس در موجودیت دریافت در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی فارسی

موجودیت دریافت، اسناد رقمی را در قالب بسته اطلاعاتی تحویلی برای تولید بسته اطلاعاتی آرشیوی و اطلاعات توصیفی دریافت و ذخیره می‌کند. در واقع وظیفه موجودیت دریافت در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز آماده‌سازی اسناد رقمی برای ذخیره‌سازی و مدیریت در قالب بسته اطلاعاتی آرشیوی است (کمیته مشورتی نظام داده‌های فضایی، ۲۰۱۲).

از میان ۲۳ گویه در نظر گرفته شده برای موجودیت دریافت در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۶ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌اند که در جدول شماره ۳ ذکر شده‌اند.

بخش	گویه	تعداد پاسخ‌دهندگان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	میانگین گویه‌ها
فرا داده مدیریت	استفاده از فراداده منشأ برای تعیین اصل یا کپی بودن اسناد رقمی فارسی	۲۳	۲۶/۱	۷۳/۹	۱۰۰	۴
	استفاده از فراداده منشأ برای تعیین اصل یا کپی بودن امضای الکترونیکی موجود در اسناد رقمی فارسی	۲۳	۳۰/۴	۷۷/۳	۹۵/۷	۴/۰۴
	استفاده از فراداده منشأ برای انتقال اسناد رقمی فارسی به نظام اطلاعاتی آرشیوی باز	۲۳	۱۳	۷۷/۳	۹۱/۳	۳/۸۲
	استفاده از استاندارد فراداده‌ای حفاظتی مانند پرمیس (object & preservation) برای ثبت اطلاعاتی دربارهٔ چگونگی ایجاد فایل‌ها، قالب‌ها و کاربرد آن‌ها	۲۳	۸۷	۸۲/۶	۹۱/۳	۳/۸۲
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای ثبت پدیدآور سند رقمی فارسی (به همراه ملیت، تاریخ تولد و وفات او) و تعیین وضعیت انتشار سند رقمی فارسی	۲۳	۳۴/۸	۷۷/۳	۹۵/۷	۴/۰۸
فیش فایل	دسته‌بندی سلسله‌مراتبی اسناد رقمی فارسی با استفاده از گویه گروه‌بندی فایل <fileGrp>	۲۳	۱۷/۴	۷۳/۹	۹۱/۳	۳/۸۲

جدول ۳

گویه‌های با اهمیت در موجودیت دریافت در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



قابلیت به کارگیری استاندارد متس در موجودیت ذخیره‌سازی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی فارسی

بعد از فراهم شدن مقدمات ذخیره‌سازی اسناد رقمی، نظام اطلاعاتی آرشیوی باز اسناد رقمی را از طریق موجودیت ذخیره‌سازی آرشیوی ذخیره‌سازی می‌کند. این عملکرد این موجودیت باعث می‌شود که در بلندمدت وقفه‌ای در چرخه فرایند مدیریت، ذخیره‌سازی، و حفاظت از اسناد رقمی ایجاد نشود.

از میان ۲۱ گویه در نظر گرفته شده برای موجودیت ذخیره‌سازی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۹ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌اند که در جدول شماره ۴ ذکر شده‌اند.

ردیف	گویه	تعداد پاسخگویان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	متوسط، کم، بسیار کم	درصد فراوانی تجمعی موافقت	میانگین گویه‌ها
فرا داده توصیفی	حفاظت از اسناد رقمی فارسی موجود در بسته اطلاعاتی آرشیوی با استفاده از استانداردهای فراداده‌ای (مانند پرمیس)	۲۳	۸۷	۷۳/۹	۹۵/۷	۳/۷۸	
	استفاده از فراداده منشأ رقمی برای حفظ محرمانگی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۲۶/۱	۷۳/۹	۹۱/۳	۳/۹۱	
فرا داده مدیریتی	استفاده از فراداده مدیریتی برای تعیین چگونگی ذخیره‌سازی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۱۳	۷۷/۳	۹۵/۷	۳/۸۶	
	استفاده از نقشه ساختاری برای ذخیره‌سازی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۸۷	۷۷/۳	۹۵/۷	۳/۸۲	
نقشه ساختاری	استفاده از نقشه ساختاری برای ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی از محتوای اسناد رقمی فارسی ذخیره‌شده	۲۳	۸۷	۷۷/۳	۱۰۰	۳/۹۱	
	استفاده از نقشه ساختاری برای سازمان‌دهی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۸۷	۸۲/۶	۱۰۰	۳/۹۵	
پیوندهای ساختاری	استفاده از پیوندهای ساختاری برای ذخیره‌سازی وبسایت‌های حاوی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۲۱/۷	۸۲/۶	۱۰۰	۴/۰۴	
	استفاده از پیوندهای ساختاری برای شرح معنای پیوندهای موجود میان گره‌ها (اسناد رقمی فارسی یا وبسایت‌های حاوی اسناد رقمی فارسی)	۲۳	۲۱/۷	۸۷	۱۰۰	۴/۰۸	
	استفاده از پیوندهای ساختاری برای ذخیره‌سازی پیوندهای ایجاد شده بین گروه‌بندی‌های صورت گرفته در بخش نقشه ساختاری	۲۳	۱۳	۷۷/۳	۱۰۰	۳/۹۱	

جدول ۴

گویه‌های با اهمیت در موجودیت ذخیره‌سازی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



قابلیت به‌کارگیری استاندارد متس در موجودیت مدیریت داده در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقیمی فارسی

از موجودیت مدیریت داده برای نگهداری اسناد رقیمی و مدیریت عملیات داخلی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز استفاده می‌شود. از میان ۱۵ گویه استخراج شده برای موجودیت مدیریت داده نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۱۱ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت شناخته شده‌اند که در جدول شماره ۵ ذکر شده‌اند.

بخش	گویه	تعداد پاسخ‌گوینان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	میانگین گویه‌ها
فراداده توصیفی	استفاده از فراداده توصیفی برای توصیف اطلاعات توصیفی موجود در بسته‌های اطلاعاتی	۲۳	۱۳	۷۲/۹	۸۷	۲/۷۳
	توصیف فراداده‌های توصیفی‌ای که نظام اطلاعاتی آرشیوی باز از آن‌ها استفاده می‌کند.	۲۳	۱۳	۷۲/۹	۹۱/۳	۲/۱۸۷
فراداده مدیریتی	توصیف فراداده‌های مدیریتی‌ای که نظام اطلاعاتی آرشیوی باز به‌کار می‌گیرد.	۲۲	۴/۵	۷۷/۳	۹۰/۹	۲/۷۷۲
	استفاده از فراداده منشأ برای بررسی اصالت اسناد رقیمی فارسی موجود در فایل‌های بسته اطلاعاتی آرشیوی	۲۲	۲۲/۷	۷۲/۷	۹۵/۵	۲/۹۰
	توصیف فراداده‌های منشأ که نظام اطلاعاتی آرشیوی باز از آن‌ها استفاده می‌کند.	۲۲	۹/۱	۷۷/۳	۱۰۰	۲/۸۶
	توصیف فراداده‌های فنی‌ای که نظام اطلاعاتی آرشیوی باز از آن‌ها استفاده می‌کند.	۲۲	۲۷/۳	۸۶/۴	۱۰۰	۴/۱۳
بخش فایل	گروه‌بندی اسناد رقیمی فارسی برای نگهداری آن‌ها در پایگاه داده آرشیوی	۲۲	۱۳/۶	۷۲/۷	۹۵/۵	۲/۸۱
نقشه ساختاری	استفاده از نقشه ساختاری در بخش مدیریت داده	۲۲	۱۸/۲	۷۷/۳	۱۰۰	۲/۹۵
	استفاده از نقشه ساختاری برای ایجاد و نگهداری اسناد رقیمی فارسی	۲۲	۱۳/۶	۸۱/۸	۱۰۰	۲/۹۵
	استفاده از نقشه ساختاری برای ارزیابی محتوای پایگاه داده حاوی اسناد رقیمی فارسی	۲۲	۹/۱	۷۲/۷	۹۰/۹	۲/۷۷۲
	استفاده از نقشه ساختاری برای ایجاد امکان دسترسی به اسناد رقیمی فارسی	۲۲	۱۳/۶	۸۱/۸	۱۰۰	۲/۹۵

جدول ۵

گویه‌های بااهمیت در موجودیت مدیریت داده در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



قابلیت به کارگیری استاندارد فراداده‌ای متس در موجودیت راهبری در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی فارسی

موجودیت راهبری بر بهره‌برداری کلی از نظام اطلاعاتی آرشیوی باز نظارت دارد. این موجودیت مسئولیت مذاکره با تولیدکننده سند، مدیریت پیکره‌بندی نظام، به‌روزرسانی اطلاعات آرشیوی، کنترل دسترسی فیزیکی، و ایجاد استانداردها و خط‌مشی‌ها را برعهده دارد (کمیته مشورتی نظام داده‌های فضایی، ۲۰۱۲).

از میان ۱۷ گویه استخراج‌شده برای موجودیت راهبری در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۱۱ گویه با کسب فراوانی جمعیتی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌اند که در جدول شماره ۶ ذکر شده‌اند.

بخش	گویه	تعداد پاسخ‌گویان	درصد فراوانی جمعیتی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی جمعیتی موافقت زیاد	درصد فراوانی جمعیتی بسیار کم	میانگین گویه‌ها
سرآیند متس	کنترل دسترسی به سند رقمی فارسی به‌وسیله شخص یا سازمان دارنده حقوق مالکیت معنوی (که این شخص یا سازمان در سرآیند متس مشخص شده‌است)	۲۲	۱۷/۲	۷۷/۳	۹۵/۵	۲/۹۰
	استفاده از فراداده توصیفی برای شناسایی، ارزیابی و انتخاب اسناد رقمی فارسی در هنگام تبیین خط‌مشی‌های لازم برای بازیابی اسناد رقمی فارسی	۲۲	۹/۱	۷۷/۳	۹۵/۵	۲/۸۱
فراداده مدیریتی	استفاده از فراداده مدیریتی در هنگام تبیین خط‌مشی‌های بودجه‌حفاظتی	۲۲	۹/۱	۷۷/۳	۱۰۰	۲/۸۶
	استفاده از فراداده مدیریتی برای تعیین سودمندی و اهمیت اسناد رقمی فارسی	۲۲	۲۲/۷	۷۷/۳	۸۶/۴	۲/۸۶
	استفاده از استانداردهای فراداده‌ای (مانند پرمیس) برای تعیین نوع قالب‌های ذخیره‌سازی اسناد رقمی فارسی (jpeg, gif, tiff)	۲۲	۹/۱	۷۷/۳	۱۰۰	۲/۹۵
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای معرفی پدیدآورنده اسناد رقمی فارسی (در قرارداد میان صاحبان اسناد و نظام اطلاعاتی آرشیوی باز)	۲۲	۲۲/۷	۸۱/۸	۱۰۰	۴/۰۴
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای تعیین خط‌مشی‌های مالکیت معنوی اسناد رقمی فارسی	۲۲	۲۲/۷	۷۷/۳	۹۵/۵	۲/۹۵
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای تعیین وضعیت انتشار اسناد رقمی فارسی	۲۲	۱۷/۲	۸۶/۴	۱۰۰	۴/۰۴
	استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای تعیین خط‌مشی‌های کنترل دسترسی فیزیکی به اسناد رقمی فارسی	۲۲	۲۷/۳	۷۲/۷	۱۰۰	۴

جدول ۶

گویه‌های بااهمیت در موجودیت راهبری در
نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



میانگین گویه‌ها	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	تعداد پاسخگویان	گویه	بخش
۳/۸۶	۱۰۰	۸۱/۸	۹/۱	۲۲	استفاده از بخش فایل برای تعیین نوع قالبی (jpeg, tiff, gif) که سند رقمی فارسی از طریق آن به نظام اطلاعاتی آرشیوی باز تحویل داده می‌شود. (نوع قالب در قرارداد بین صاحبان اسناد و نظام اطلاعاتی آرشیوی باز تعیین می‌شود).	بخش فایل
۴/۰۴	۹۵/۵	۷۷/۳	۳۱/۸	۲۲	کنترل شاخص‌های موردنیاز برای دسترسی کاربران به اسناد رقمی فارسی با استفاده از بخش رفتار	بخش رفتار

ادامه جدول ۶

گویه‌های بااهمیت در موجودیت راهبری در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز

قابلیت به‌کارگیری استاندارد فراداده‌ای متس در موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی فارسی

موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی در راستای تحقق اهداف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز مسئولیت طراحی خط‌مشی‌های حفاظتی را برعهده دارد. از میان ۶ گویه در نظر گرفته شده برای موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۳ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌اند که در جدول شماره ۷ ذکر شده‌اند.

میانگین گویه‌ها	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	تعداد پاسخگویان	گویه	بخش
۳/۸۶	۹۵/۵	۸۱/۹	۴/۵	۲۲	استفاده از فراداده منع (مانند پرمیس) برای حفاظت از اسناد رقمی فارسی	فراداده مدیریتی
۴/۰۴	۹۵/۵	۷۲/۸	۱۷/۲	۲۲	استفاده از استانداردهای فراداده‌ای (مانند پرمیس) برای توسعه راهبردهای حفاظتی (انتقال، شبیه‌سازی، و حفاظت فناوری)	
۴/۰۴	۱۰۰	۸۱/۸	۲۲/۷	۲۲	ایجاد امکان دسترسی بهتر به اسناد رقمی فارسی با استفاده از پیوندهای ساختاری‌ای که به‌صورت دقیق مشخص شده‌اند.	پیوندهای ساختاری

جدول ۷

گویه‌های بااهمیت در موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



قابلیت به کارگیری استاندارد متس در موجودیت دسترسی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز در بخش اسناد رقمی فارسی

هدف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز از ذخیره‌سازی، مدیریت و حفاظت از اسناد رقمی قراردادن آن‌ها در اختیار استفاده‌کننده است. موجودیت دسترسی نیز با این هدف در راستای فراهم کردن امکان دسترسی استفاده‌کننده به شیء رقمی، نقش ایفا می‌کند (کمیتة مشورتی نظام داده‌های فضایی، ۲۰۱۲).

از میان ۲۳ گویه در نظر گرفته شده برای موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۱۰ گویه با کسب فراوانی تجمعی موافقت زیاد (بالاتر از ۷۰ درصد) از دیدگاه صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌اند که در جدول شماره ۸ ذکر شده‌اند.

بخش	گویه	تعداد پاسخگویان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط کم، بسیار کم	میانگین گویه‌ها
سرآیند متس	استفاده از گویه یادداشت برای مشاهده یادداشت‌های سند رقمی فارسی	۲۲	۴/۵	۷۲/۷	۱۰۰	۳/۷۷
فراوده توصیفی	استفاده از فراداده توصیفی برای حصول اطمینان از بازیابی سند رقمی فارسی	۲۲	۱۸/۲	۷۷/۳	۱۰۰	۳/۹۵
	استفاده از فراداده توصیفی برای حفظ یکپارچگی سند رقمی فارسی‌ای که در دسترس کاربر قرار می‌گیرد.	۲۲	۱۳/۶	۷۷/۳	۹۵/۵	۳/۸۶
نقشه ساختاری	استفاده از ساختار سلسله‌مراتبی برای پیمایش (جست‌وجوی) اسناد رقمی فارسی	۲۳	۸/۷	۷۳/۹	۱۰۰	۳/۸۲
پیوندهای ساختاری	استفاده از پیوندهای ساختاری برای دستیابی به فایل‌های حاوی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۸/۷	۷۸/۳	۱۰۰	۳/۸۶
	استفاده از پیوندهای ساختاری برای پیوند دادن دو صفحه وب حاوی اسناد رقمی فارسی	۲۳	۲۶/۱	۷۳/۹	۹۱/۳	۳/۹۱

جدول ۸

گویه‌های بااهمیت در موجودیت دسترسی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز



بخش	گونه	تعداد پاسخگویان	درصد فراوانی تجمعی موافقت بسیار زیاد	درصد فراوانی تجمعی موافقت متوسط، کم، بسیار کم	میانگین نمره‌ها
بخش رفتار	استفاده از بخش رفتار برای عرضه اسناد رقمی فارسی به کاربر	۲۳	۲۶/۱	۷۷/۳	۴
	استفاده از بخش رفتار برای مشخص کردن شاخص‌های مورد نیاز برای در دسترس قراردادن فایل‌های حاوی اسناد رقمی فارسی به کاربران	۲۳	۸/۷	۷۳/۹	۳/۷۳
	استفاده از بخش رفتار برای دادن اطلاعاتی درباره چگونگی عرضه اسناد رقمی فارسی به کاربران	۲۳	۲۱/۷	۷۳/۹	۳/۹۱
	تعیین نوع شناساگر (URL, DOI, URN) استفاده شده برای دسترسی کاربر به سند رقمی فارسی	۲۳	۶۵/۲	۸۷	۴/۵۲

ادامه جدول ۸

گونه‌های با اهمیت در موجودیت دسترسی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز

بحث و نتیجه گیری

نظام اطلاعاتی آرشیوی باز با ذخیره‌سازی اسناد، محلی ویژه و منحصر به فرد برای هر سند در نظر می‌گیرد. همان‌طور که برای مشخص شدن محل یک کتاب در کتابخانه از شماره رده‌بندی استفاده می‌شود، برای مشخص شدن محل قرار گرفتن سند رقمی هم از شناساگرهایی مانند URL, DOI, URN استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد به دلیل این که شناساگرها بازیابی اسناد را در محیط پرازدحام وب تسهیل می‌کنند، استفاده از شناساگرها از دیدگاه صاحب نظران دارای بیشترین اهمیت بوده است.

مهرها و امضاهای موجود در سند نشانه هویت پدیدآورنده آن سندند؛ ولی ممکن است فردی امضای پدیدآورنده سند را جعل کند و یا این که در محتوای سند امضا شده دست برد، به این ترتیب اعتبار سند به خطر می‌افتد. یکی از راه‌هایی که از طریق آن می‌توان درباره اعتبار و اصالت سند رقمی اطمینان حاصل کرد امضای الکترونیکی است. احتمالاً



امضای الکترونیکی علاوه بر تعیین هویت پدیدآورنده سند، تأمین کننده اعتبار و اصالت سند نیز هست. در این راستا از دیدگاه صاحب نظران، استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای تعیین اصالت امضای الکترونیکی دارای بیشترین اهمیت بوده است. نتایج پژوهش سیفی، احمدزاده، و هاشم‌زاده (۱۳۹۷) نشان داده است که استفاده از فراداده حقوق مالکیت معنوی برای مدیریت ادواری‌های قدیمی فارسی اهمیت دارد؛ این موضوع می‌تواند تأییدی بر نتیجه پژوهش حاضر باشد. در بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز آن چیزی که درباره اسناد رقمی بسیار اهمیت دارد، تعیین اصالت اسناد، تعیین محلی برای قرارگیری اسناد و در نهایت مدیریت آن‌هاست تا این منابع ارزشمند در اختیار استفاده‌کننده نهایی قرار گیرند. نتایج پژوهش حاضر با مطالعات دی (۲۰۰۴)؛ سمپل (۲۰۰۴)؛ کاپلان (۲۰۱۰)؛ لوآ (۲۰۱۴)، و تریپاتی (۲۰۱۸) که کاربری استاندارد متس را در بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز، تأیید کرده‌اند، همسوست.

محتوای اسناد رقمی انتشار یافته در محیط وب ممکن است به یکدیگر مرتبط باشند، بنابراین لازم است تا پیوندهایی میان این اسناد ایجاد شود. برای نمونه دو سند با پدیدآورنده یکسان ممکن است بر روی دو وبسایت جداگانه قرار گرفته باشند. در این صورت لازم است تا برای افزایش احتمال بازیابی این اسناد، پیوندهایی میان آن‌ها ایجاد و ذخیره شود. با ذخیره‌سازی این پیوندها، وبسایت‌های حاوی این اسناد نیز آرشیو می‌شوند.

اسناد در قالب فایل‌هایی که در درون بسته‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرند، ذخیره و مدیریت می‌شوند تا در نهایت در بسته اطلاعاتی اشاعه در اختیار استفاده‌کننده قرار گیرند. فراداده فنی با عرضه اطلاعاتی درباره نوع فایل‌ها و قالب آن‌ها بازیابی اسناد را راحت‌تر می‌کند؛ این موضوع می‌تواند دلیلی بر اهمیت فراداده فنی از دیدگاه صاحب نظران بوده باشد. با به کارگیری فراداده حقوق مالکیت معنوی می‌توان از حقوق صاحبان اسناد رقمی پشتیبانی کرد. هم‌چنین با استفاده از این فراداده می‌توان محدودیت‌هایی برای دسترسی به اسناد رقمی ایجاد کرد، به طوری که تعیین چگونگی وضعیت انتشار سند بر عهده صاحبان اسناد رقمی باشد.

استفاده از استانداردهای مناسب یکی از راهبردهای حفاظتی‌ای است که در حال حاضر سازمان‌های مختلف بین‌المللی برای حفاظت، مدیریت و سازمان‌دهی منابع اطلاعاتی خود از آن استفاده می‌کنند. اسناد رقمی به عنوان نوعی از منابع اطلاعاتی، برای سازمان‌دهی و بازیابی به روش‌هایی نظام‌مند نیاز دارند. استانداردهای فراداده‌ای نیز روش‌هایی نظام‌مندند که سازمان‌دهی و مدیریت مؤثرتر اسناد را در محیط‌های رقمی فراهم می‌کنند. می‌توان گفت که استانداردهای فراداده‌ای به دلیل داشتن ویژگی‌هایی از جمله شناسایی، توصیف

و مکان‌یابی منابع اطلاعاتی رقمی به‌عنوان راهبردی حفاظتی استفاده می‌شوند. در واقع استانداردهای فراداده‌ای روش‌هایی نظام‌مندند که منابع اطلاعاتی را برای استفاده‌کننده دسترس‌پذیرتر می‌کنند. احتمالاً به‌دلیل این‌که موجودیت برنامه‌ریزی حفاظتی مسئولیت توسعه استانداردها و راهبردهای حفاظتی را برعهده دارد، استفاده از استانداردهای فراداده‌ای به‌عنوان یک توسعه راهبردی حفاظتی از نظر صاحب‌نظران دارای اهمیت بوده‌است. کاربرد استفاده‌کننده از نظام اطلاعاتی آرشیوی باز به‌دنبال دستیابی به اسناد رقمی است. هدف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز نیز حفاظت از اسناد رقمی است تا درنهایت در اختیار استفاده‌کننده قرار گیرد. این مسئولیت در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز برعهده موجودیت دسترسی است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از فراداده توصیفی و بخش رفتار، می‌توان اطلاعات موردنیاز را برای دسترسی به اسناد رقمی به‌دست آورد.

نظام اطلاعاتی آرشیوی باز با استفاده از قابلیت‌های موجودیت‌های خود می‌تواند اسناد رقمی فارسی را ذخیره‌سازی، حفاظت، مدیریت، و بازیابی کند. براساس یافته‌های پژوهش حاضر از میان ۱۴۵ گویه توصیف‌کننده بسته‌ها و بخش‌های مختلف نظام اطلاعاتی آرشیوی باز، ۶۳ گویه از دیدگاه صاحب‌نظران بااهمیت تشخیص داده شده‌اند. باتوجه‌به تعداد گویه‌های بااهمیت در موجودیت‌های نظام اطلاعاتی آرشیوی باز می‌توان گفت که بخش‌های مختلف استاندارد متس در موجودیت‌های مدیریت، مدیریت داده، و دسترسی بیش‌ترین میزان اهمیت را داشته‌اند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که باتوجه‌به قابلیت‌های مدیریتی استاندارد متس می‌توان از این استاندارد برای مدیریت اسناد رقمی فارسی در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز استفاده کرد. نتایج مطالعات فارب و ریجو (۲۰۰۴) و بیدهام و همکاران (۲۰۰۵) حاکی از آن است که استاندارد متس به‌دلیل داشتن ویژگی‌هایی مانند بخش فایل، فراداده توصیفی، فراداده مدیریت، قابلیت سازگاری برای ذخیره‌سازی اشیاء رقمی، و حفاظت بلندمدت از اطلاعات با نظام اطلاعاتی آرشیوی باز سازگاری دارد؛ این موضوع تأییدی بر یافته‌های پژوهش حاضر است.

پیشنهاد‌های پژوهش

باتوجه‌به استخراج ۶۳ قابلیت گوناگون برای استاندارد متس در نظام اطلاعاتی آرشیوی باز برای بخش اسناد رقمی فارسی از دیدگاه صاحب‌نظران، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های گوناگونی که با اسناد سروکار دارند در جهت کاربست این عناصر استخراج‌شده بر مبنای نتایج پژوهش حاضر اقدام کنند.

باتوجه‌به قابلیت انعطاف‌پذیری و سازگاری متس در بسته‌های اطلاعاتی و موجودیت‌های



نظام اطلاعاتی آرشیوی باز، از این دو استاندارد برای مدیریت منابع اطلاعاتی مختلف از قبیل نسخ خطی، پایان‌نامه‌ها و غیره استفاده شود.
همچنین پیشنهاد می‌شود که از بسته‌های اطلاعاتی نظام اطلاعاتی آرشیوی باز برای ذخیره‌سازی، دریافت و دسترس‌پذیری اسناد فارسی رقمی استفاده شود.

منبع

کتاب

فدایی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*. تهران: سمت.
عزیزی، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). *مدیریت اسناد الکترونیکی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مقاله

زرین کلکی، بهناز. (۱۳۸۷). «اسناد الکترونیکی و مدیریت آن». فصل‌نامه گنجینه اسناد، ۱۸(۲)، صص ۸۳-۹۴.
سیفی، لیلی؛ احمدزاده، نشمیل؛ هاشم‌زاده، محمدجواد. (۱۳۹۷). «مدیریت ادواری‌های قدیمی فارسی رقمی شده بر مبنای استاندارد فراداده‌ای متس». پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۴(۲)، صص ۹۲۳-۹۴۵.
صمیعی، میترآ. (۱۳۹۱). «فراداده حفاظت و تطابق آن با استاندارد الگوی مرجع سیستم اطلاعاتی آرشیوی باز (ای. آی. اس)». *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۳(۴)، صص ۱۵۲-۱۶۹.
عزیزی، غلام‌رضا. (۱۳۸۹). «سند از دیدگاه‌های گوناگون». *گنجینه اسناد*، ۸۱، صص ۱۲۱-۱۵۱.

پایان‌نامه

احمدزاده، نشمیل. (۱۳۹۳). «مدیریت ادواری‌های قدیمی فارسی رقمی بر مبنای استاندارد فراداده‌ای متس». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
رسولی جامبری، زهره. (۱۳۹۰). «مدیریت عکس‌های دیجیتالی معاونت اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (آرشیو ملی ایران) بر مبنای مدل مرجع نظام اطلاعاتی آرشیوی باز (ای. آی. اس)». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
رضوی، نسیم. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی مدیریت منابع ویدئویی دیجیتال سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مدل مرجع نظام اطلاعاتی آرشیوی باز (ای. آی. اس)». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

منابع لاتین

- Ball, Alex. (2006). "Briefing Paper: the OAIS reference model". *UKOLN, University of Bath*. Retrieved from: www.ukoln.ac.uk/projects/grand-challenge/papers/oais-Briefing.pdf (accessed October 2016).
- Beedham, Hilary; Julie Missen, Julie; Palmer y, Matt; Ruusalepp, Raivo. (2005). "Assessment of UKDA and TNA Compliance with oais and mets Standards". London: JISC, UK Data Archive". Retrieved from: <http://www.jisc.ac.uk/media/documents/programmes/preservation/oaismets.pdf> (Accessed April 2016).
- Cantara, Linda. (2005). "METS: The Metadata Encoding and Transmission Standard". *Cataloging & classification quarterly*, 40(3-4), pp 237-253. Retrieved from: http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1300/J104v40n03_11 (accessed April 2017)
- Caplan, Priscilla. (2010). "DAITSS, an OAIS-based preservation repository". In *Proceedings of the 2010 Roadmap for Digital Preservation Interoperability Framework Workshop*. DOI: 10.1145/2039274.2039291.
- Day, Michael. (2004). "Preservation metadata initiatives: practicality, sustainability, and interoperability". *UKOLN, University of Bath*. Retrieved from: <http://www.ukoln.ac.uk/preservation/publications/erpanet-marburg/day-paper.pdf> (accessed May 2017).
- Farb, Sharon; Riggio, A. (2004). "Medium OR message? A now look at the standards, structures, and schemata for managing electronic resource". *Library Hi Tech*, 22 (2), pp 144-152. DOI: <http://dx.doi.org/10.1108/07378830410524576>.
- Lavoie, Brian. (2004). "The Open Archival Information System Reference Model: Introductory Guide". *Microform and digitization review*, 33(2), pp 68-81.
- Lavoie, Brian. (2014). "The Open Archival Information System (OAIS) Reference Model: Introductory Guide" (2nd Edition). Retrieved from: <https://www.dpconline.org/docs/technology-watch-reports/1359-dpctw14-02/file> (accessed July 2017).
- Library of Congress. (2019). "METS: An Overview & Tutorial". Retrieved from: <http://www.loc.gov/standards/mets/METSOverview.v2.html> (accessed March 2019).
- METS. (2010). "Metadata Encoding and Transmission Standard: Primer and reference Manual". Retrieved from: <http://www.loc.gov/standards/mets/METSPrimer.pdf> (accessed June 2017).
- National Library of Australia (2017). Retrieved from: <https://www.nla.gov.au> (accessed



June 2017).

Ralson, Katherine N. (2013). "METS: Flexibility v. Interoperability". *Library Philosophy and Practice*. Retrieved from: <http://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/1074> (accessed April 2017).

Simple, Najla. (2004). "Developing a digital preservation strategy at Edinburgh University Library". *VINE*, 34(1), pp 33-37 <https://doi.org/10.1108/03055720410530979>.

Steinke, Tobias. (2008). "Harvester results in a digital preservation system". *IPRES 2008*, 159. Retrieved from: www.bl.uk/ipres2008/presentations_day1/25_Steinke.pdf (accessed June 2017).

The Consultative Committee for Space Data Systems (CCSDS). (2012). "Towards an Open Source Repository and Preservation System". Retrieved from: <https://public.ccsds.org> (accessed June 2017).

Tripathi, Sneha. (2018). "Digital preservation: some underlying issues for long-term preservation". *Library Hi Tech News*, 35(2), pp 8-12. <https://doi.org/10.1108/LHTN-09-2017-0067>.

Wilson, Thomas C. (2017). "Rethinking digital preservation: definitions, models, and requirements". *Digital Library Perspectives*, 33 (2), pp 128-136.

English Translation of References

Books

Azizi, Gholam Reza. (1394/2015). "*Modiriāt-e asnād-e elekteroniki*" (Electronic documents management). Tehran: Sāzmān-e asnād va ketāb-xāne-ye melli-ye jomhuri-ye eslami-ye Irān (The National Library and Documents Center of Islamic Republic of Iran). [Persian]

FadaeiAraghi, Gholam Reza. (1394/2015). "*Moqaddame-yi bar šenāxt-e asnād-e āršivi*" (An introduction to archival documents). Tehran: SAMT.[Persian]

Lavoie, Brian. (2014). "*The Open Archival Information System (OAIS) reference model: Introductory guide*" (2nd Edition). Retrieved from: <https://www.dpconline.org/docs/technology-watch-reports/1359-dpctw14-02/file> (accessed July 2017).

Articles

Azizi, Gholam Reza. (1389/2010). "Sanad az didgāh-hā-ye gunāgun" (Document from



- a variety of perspectives). *Ganjine-ye Asnād*, 81, 121-151.[Persian]
- Ball, Alex. (2006). "Briefing paper: the OAIS reference model". *UKOLN, University of Bath*. Retrieved from: www.ukoln.ac.uk/projects/grand-challenge/papers/oais-Briefing.pdf (accessed October 2016).
- Beedham, Hilary; Julie Missen, Julie; Palmer y. Matt & Ruusalepp, Raivo. (2005). "Assessment of UKDA and TNA compliance with OAIS and METS standards". London: *JISC, UK Data Archive*. Retrieved from: <http://www.jisc.ac.uk/media/documents/programmes/preservation/oaismets.pdf> (Accessed April 2016).
- Cantara, Linda. (2005). "METS: The metadata encoding and transmission standard". *Cataloging & classification quarterly*, 40(3-4), 237-253. Retrieved from: http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1300/J104v40n03_11 (accessed April 2017)
- Caplan, Priscilla. (2010). "DAITSS, an OAIS-based preservation repository". In *Proceedings of the 2010 roadmap for digital preservation interoperability framework workshop*. DOI: 10.1145/2039274.2039291.
- Day, Michael. (2004). "Preservation metadata initiatives: Practicality, sustainability, and interoperability". *UKOLN, University of Bath*. Retrieved from: <http://www.ukoln.ac.uk/preservation/publications/erpanet-marburg/day-paper.pdf> (accessed May 2017).
- Farb, Sharon & Riggio, A. (2004). "Medium OR message? A now look at the standards, structures, and schemata for managing electronic resource". *Library Hi Tech*, 22 (2), pp 144-152. DOI: <http://dx.doi.org/10.1108/07378830410524576>.
- Lavoie, Brian. (2004). "The Open Archival Information System reference model: Introductory guide". *Microform and digitization review*, 33(2), 68-81.
- Ralson, Katherine N. (2013). "METS: Flexibility v. interoperability". *Library Philosophy and Practice*. Retrieved from: <http://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/1074> (accessed April 2017).
- Samiei, Mitra. (1391/2012). "Farā-dāde-ye hefāzat va tatāboq-e ān bā estāndārd-e olgu-ye marja'-e system-e ettelā'āti-ye āršivi-ye bāz (o.ey. āy.es)" (Preservation metadata and its accordance with the Open Archival Information System (OAIS) reference model). *Motāle'āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmān-dehi-ye Ettelā'āt* (National Studies on Librarianship and Information Organization), 23 (4), 152-169.[Persian]



- Seifi, Leili; Ahmadzaeh, Nashmil&Hashemzadeh, Mohammad Javad. (1397/2018). "Modiriat-e advāri-hā-ye qadimi-ye Fārsi-ye raqamišode bar mabnā-ye estāndārd-e farā-dāde-ieMETS" (Management of digitized old Persian periodicals based on METS). *Pažuheš-nāme-ye Pardāzeš va Modiriat-e Ettelā'āt* (Iranian Journal of Information Processing Management), 34 (2), 923-945.[Persian]
- Semple, Najla. (2004). "Developing a digital preservation strategy at Edinburgh University Library". *VINE*, 34(1), pp 33-37 <https://doi.org/10.1108/03055720410530979>.
- Steinke, Tobias. (2008). "Harvester results in a digital preservation system". *IPRES 2008*, 159. Retrieved from: www.bl.uk/ipres2008/presentations_day1/25_Steinke.pdf (accessed June 2017).
- Tripathi, Sneha. (2018). "Digital preservation: some underlying issues for long-term preservation". *Library Hi Tech News*, 35(2), 8-12. <https://doi.org/10.1108/LHTN-09-2017-0067>.
- Wilson, Thomas C. (2017). "Rethinking digital preservation: definitions, models, and requirements". *Digital Library Perspectives*, 33 (2), 128-136.
- ZarinKelki, Behnaz. (1387/2008). "Asnād-e elekteroniki va modiriat-e ān" (Electronic documents and their management). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 18 (2), 83-94.[Persian]

Dissertations

- Ahmadzadeh, Nashmil. (1393/2014). "*Modiriat-e advāri-hā-ye qadimi-ye Fārsi-ye raqumi bar mabnā-ye estāndārd-e farā-dāde-iemets*" (Management of digitized old Persian periodicals based on METS reference model). (Masters' dissertation). Birjand, Iran: University of Birjand.[Persian]
- Rasoulijambari, Zohreh. (1390/2011). "*Modiriat-e ax-hā-ye dijitali-ye mo'avenat-e asnād-e melli, sāzmān-e asnād va ketāb-xāne-ye melli-ye jomhuri-ye eslami-ye Irān (ārsiv-e melli-ye Irān) bar mabnā-ye modele marja'-e nezā'im-e ettelā'āti-ye ārsivi-ye bāz (o.e.y.ay.es): Olgu-ye pišnahādī*" (Management of digitized pictures in possession of the National Library and Documents Center of Islamic Republic of Iran based on the Open Archival Information System (OAIS) reference model: Proposed pattern". (Masters' dissertation). Tehran, Iran: Alzahra University.[Persian]



Razavi, Nasim. (1393/2014). "*Erā'e-ye olgu-ye modiriat-e manābe'e video-yi-ye digital-e sāzmān-e sedā va simā-ye jomhuri-ye eslāmi-ye Irān bar mabnā-ye modele marja'-e nezām-e ettelā'āti-ye āršivi-ye bāz* (o.ey.ay.es)" (Presenting a pattern for the management of digital video references belonging to the Islamic Republic of Iranian Broadcasting (IRIB) based on the Open Archival Information System (OAIS) reference model). (Masters' dissertation). Tehran, Iran: Islamic Azad University. [Persian]

Digital Sources

Library of Congress. (2019). "*METS: An overview & tutorial*". Retrieved from: <http://www.loc.gov/standards/mets/METSOverview.v2.html> (accessed March 2019).

METS. (2010). "*Metadata encoding and transmission standard: Primer and reference manual*". Retrieved from: <http://www.loc.gov/standards/mets/METSPrimer.pdf> (accessed June 2017).

National Library of Australia (2017). Retrieved from: <https://www.nla.gov.au> (accessed June 2017).

The Consultative Committee for Space Data Systems (CCSDS). (2012). "*Towards an open source repository and preservation system*". Retrieved from: <https://public.ccsds.org> (accessed June 2017).





Iranian Marriage Contracts of the 19th Century

Roghaye Shokri¹ | Yazdan Farrokhi²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper aims to explore the social and economic status of the brides and grooms in the indicated time period, based on the content and the form of marriage contracts.

Method and Research Design: Data extracted from marriage contracts held at the National Archives of Iran was categorized and added into tables. Inferences were made based on such data.

Findings and Conclusion: Social status of the couple had influence on the size, appearance and the content of the contracts. Mahriyyeh (=the sum of money, property, or valuable items that the bridegroom undertakes to pay the bride) varied, largely based on the economic and social status of the two sides. In the rural and tribal areas Mahriyyeh often included orchard, farmland, the share of irrigation water rights and sheep. In the urban areas, in addition to money, it consisted of gold, silver, slaves, and property. Marriage often took place among relatives with similar occupations or public positions and in close vicinities.

Keywords:

Marriage Contracts; Iran; Qajarids.

1. MA. In History of Iran, National Library and Archives of Iran, Tehran, I. R, Iran

ro.shokri49@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Payame noor University.

y_farrokhi@pnu.ac.ir

Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«113»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2344

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 1, Spring 2019 | pp: 166-194(29) | Received: 4, Feb. 2018 | Accepted: 5, Aug. 2018

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

محتوا و شکل نکاح‌نامه‌های دوره ناصری (۱۲۶۵-۱۳۱۳ ق)

رقیه شکری^۱ | یزدان فرخی^۲

چکیده:

هدف: شناسایی وضعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین در نیمه دوم قرن سیزدهم در ایران براساس محتوا و شکل نکاح‌نامه‌ها.

روش/ رویکرد پژوهش: در این پژوهش پس از استنساخ و بازخوانی اسناد نکاح‌نامه‌های موجود در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اطلاعات مربوط به محتوای تاریخی نکاح‌نامه‌ها از جمله پایگاه اجتماعی زوج و زوج و مشخصات ساختار سندی نکاح‌نامه‌ها دسته‌بندی شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی زوجین بر قطع، ظاهر، و محتوای عقدنامه‌ها تأثیر داشته‌است. میزان مهریه بسته به شأن اقتصادی زوجین متغیر بوده‌است. در نکاح‌نامه‌های مناطق روستایی و عشایری مهریه به‌جای پول بیشتر باغ، آب نهر، زمین زراعی، و گوسفند است. در نکاح‌نامه‌های مربوط به اهالی شهر علاوه بر پول رایج، طلای خالص غیرمسکوک صیرفی، نقره، کنیز و غلام، و خانه در میان اقلام مهریه دیده می‌شود. بیشتر ازدواج‌ها بین خانواده‌هایی با شغل و منصب مشابه و یا نزدیک به هم، و در محدوده جغرافیایی یکسان و مجاور انجام می‌شده‌است.

کلیدواژه‌ها:

اسناد؛ نکاح‌نامه؛ مهریه؛ قاجار؛ ناصرالدین شاه.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران
ro.shokri49@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور.
y_farrokhi@pnu.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۴۴

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۸ | صص: ۱۶۶-۱۹۴ (۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۴

مطالعات آرشئولوژی

مقدمه

ازدواج سنگ بنای خانواده و عامل اساسی شکل‌گیری و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود. جوامع گوناگون براساس نظام فرهنگی و عقاید دینی خود روش‌های خاص خود را برای ازدواج به‌وجود آورده‌اند. ازدواج در ایران باستان کاری پسندیده و دارای رسم و رسومی خاص بود. ازدواج در فرهنگ اسلامی نیز جایگاهی ویژه داشته‌است. ازدواج و مسائل مربوط به آن مانند سن ازدواج، چگونگی انتخاب همسر، نقش پدر و خانواده، اصل و نسب، مهریه، جهیزیه، و انواع ازدواج جزء موضوعات مهم فرهنگ ایرانی و اسلامی‌اند و از این رو عرصه‌ای مهم برای پژوهش محسوب می‌شوند.

پژوهش حاضر نکاح‌نامه‌های دوره‌ناصری را از نظر سندشناسی بررسی کرده‌است. از میان انبوهی از نکاح‌نامه‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ۹۵ نکاح‌نامه مربوط به سال ۱۲۶۵ق تا ۱۳۱۳ق از طبقات اجتماعی و مناطق گوناگون ایران بررسی شدند. اولین نکاح‌نامه بررسی شده مربوط به سال ۱۲۶۵ق و آخرین مربوط به سال ۱۳۱۳ق است. نکاح‌نامه‌های بررسی شده، به قشرهای گوناگون جامعه از جمله شاهزادگان، روحانیون، دیوانیان، تجار، کسبه (خیاط، کفاش، بزاز و...) تعلق دارند.

قباله‌های ازدواج با گذشت قرن‌ها اهمیت حقوقی خود را از دست داده‌اند؛ ولی منبعی ارزشمند برای محققان تاریخ و حوزه سندشناسی محسوب می‌شوند.

روش تنظیم نکاح‌نامه‌ها و میزان و نوع مهریه آن‌ها را براساس طبقه اجتماعی و سطح زندگی افراد می‌توان بررسی کرد. ایران در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار در آستانه انقلاب مشروطه و آشنایی با تجدد قرار داشت. هم‌از این جهت و هم از جهت تنوع اسناد بر جای مانده از این دوره امکان تحقیق و پژوهش روی اسناد گوناگون این دوره به‌ویژه نکاح‌نامه‌ها وجود دارد.

پرسش پژوهش: پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی محتوای نکاح‌نامه‌های دوره ناصرالدین‌شاه موجود در سازمان اسناد به این پرسش پاسخ دهد که چه ارتباطی میان تعیین مهریه با طبقه اجتماعی زوجین وجود داشته‌است؟

فرض پژوهش: به نظر می‌رسد که منصب و شغل پدران زوجین (سلطنتی، دیوانی، روحانیت، تجار، کسبه و...) و در یک کلام طبقه اجتماعی زوجین تا حد زیادی تعیین‌کننده میزان مهریه است؛ هم‌چنین شکل ظاهری نکاح‌نامه‌ها مانند داشتن تذهیب و نقوش، و قطع آن‌ها (دفترچه‌ای، طوماری، برگ) هم، تا حد زیادی نشان‌دهنده میزان مهریه است.

درزمینه اسناد آرشیوی^۱ دوره قاجار مطالعات فراوانی انجام شده‌است و مجال اشاره به همه آن‌ها در این جا وجود ندارد. گذشته از تحقیق مقدماتی و راهگشای جهانگیر قائم‌مقامی

۱. اسناد آرشیوی چون شکل اولیه تدوین خود را حفظ کرده‌اند و پیوندشان با وقایع نزدیک و ناگسستنی است، بیش‌از سایر اسناد تاریخی اعتبار دارند (روستایی، ۱۳۸۱، ص ۶۴).



در زمینه معرفی انواع اسناد و دسته‌بندی آن‌ها (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۲) به تحقیقی باید اشاره کرد که درباره ساختار و محتوای «اسناد شرعی» انجام شده و درباره نکاح‌نامه‌ها هم مصادیقی عرضه کرده‌است (رضایی، ۱۳۸۷، صص ۶۱-۶۷)؛ از تحقیق رضایی در پژوهش حاضر استفاده شده‌است.

هم‌چنین می‌توان به برخی پایان‌نامه‌هایی اشاره کرد که به جنبه‌هایی از نکاح‌نامه‌های دوره قاجار و به‌ویژه ناصرالدین‌شاه پرداخته‌اند. برای نمونه علی‌زاده بیرجندی و دیگران (۱۳۸۵) به مهرنامه‌های دوره قاجار در بیرجند پرداخته‌اند و آزاده عباسیان (۱۳۹۰) به توصیف محتوای شماری از «نکاح‌نامه‌های عصر قاجار» به‌طور کلی توجه کرده‌است. در آثار پژوهش‌گران اخیر نمونه‌های گوناگونی از نکاح‌نامه‌ها بررسی شده، ولی در آن‌ها به پایگاه اجتماعی و اقتصادی زوجین توجه نشده‌است.^۱ شماری از تلاش‌های انجام‌شده در حوزه اسناد نکاح‌نامه، صرف معرفی و بررسی نکاح‌نامه‌ها از نظر شکل، قالب و جنبه‌های هنری شده‌است (عبدلی آشتیانی و نورائی آشتیانی، ۱۳۸۹، صص ۸۳۹-۸۵۲).

تعریف، قالب و ساختار نکاح‌نامه‌ها

«نکاح‌نامه»^۲ در ایران بانام «عقدنامه» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۷۹۳۷) شهرت دارد. این اصطلاح به نوعی از اسناد^۳ «رسمی» اشاره دارد که در زمره «اسناد حقوقی و قضایی» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۲) و یا به تعبیری دقیق‌تر نوعی از «اسناد شرعی»^۴ محسوب می‌شود. این دسته از اسناد در تاریخ ایران و به‌ویژه در دوره قاجار با عناوین دیگری هم‌چون صدق‌نامه، قبالة نکاحیه، قبالة مناکحه، نکاح‌نامه، عقدنامه‌چچه، نکاح‌نامه ازدواج، مهرنامه، سند ازدواج، قبالة، و قبالة زناشویی نیز به‌کار رفته‌است (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۶۲). نکاح‌نامه نوعی سند شرعی است که ماهیت فقهی دارد؛ ولی در عین حال نوعی قرارداد اجتماعی هم هست. نکاح‌نامه به‌نسبت شأن و مرتبه اجتماعی و اقتصادی افراد، متفاوت بوده‌است؛ بنابراین این اسناد به این جهت هم زمینه‌ای برای پژوهش محسوب می‌شوند.

نکاح‌نامه‌ها معمولاً به‌شکل طوماری، کتابچه‌ای، و برگه فراهم می‌شده‌اند. کاغذ در نکاح‌نامه‌های طوماری، شبیه به فرمان‌ها کشیده و بلند است؛ ولی در نکاح‌نامه‌های کتابچه‌ای تحت تأثیر سنت کتاب‌آرایی ایرانی فراهم می‌شده‌است. بعضی از نکاح‌نامه‌ها نیز به‌صورت تک‌برگی و بدون تذهیب نوشته شده‌اند. این تفاوت‌های ظاهری گذشته از جنبه‌های هنری بیان‌کننده شأن اجتماعی و وضعیت اقتصادی زوجین هم هستند. به این نحو که معمولاً عقدنامه‌های تک‌برگی مربوط به افراد عادی و کسبه (طبقات فرودست جامعه) بوده و عقدنامه‌های طوماری و کتابچه‌ای مخصوص افراد متمول و دارای جایگاه اجتماعی بالا

۱. اخیراً پژوهشی به مطالعه آماری پایان‌نامه‌های حوزه اسناد تاریخی و نسخ خطی دوره صفوی تا قاجار پرداخته‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در میان اسناد مختلف بررسی‌شده «عقدنامه‌ها» در کمترین میزان توجه دانشجویان قرار داشته‌اند (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲).

۲. درباره موضوع «نکاح» و شرایط و وضعیت آن در جهان اسلام تحقیقاتی مفصل انجام شده‌است؛ از جمله دانش‌نامه جهان اسلام به معرفی پژوهش‌ها و نظرات گوناگون درباره نکاح در بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران پرداخته‌است (Layish and Shaham, 1995, pp 29-32).

۳. درباره موضوع «سند» تعاریف و مصادیق آن تحقیقی جامع انجام شده‌است (عزیزی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۰-۱۵۱).

۴. اصطلاح «اسناد شرعی» را برخی از پژوهش‌گران در مقابل اسناد «عرفی» قرار داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا باتوجه به مبانی صدور آن‌ها به تقسیم‌بندی آن‌ها بپردازند. در این تعریف اسناد شرعی از مباحث فقهی (معاملات، احکام و عبادات) برآمده‌اند (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۴).

بوده است. نکاح‌نامه‌های دوره ناصری در کتابخانه ملی بیشتر به صورت طوماری‌اند و از نظر ترکیب‌بندی، نقش، رنگ، ابعاد، خط و تزیینات باهم فرق دارند. بعضی از نکاح‌نامه‌ها تذهیب‌هایی پُر نقش و نگار و مجلل دارند و برخی هم ساده و بدون تذهیب‌اند. متن نکاح‌نامه‌ها از بخش‌های گوناگون تشکیل شده است، از جمله: بسمله، دیباچه، مشخصات کامل زوج همراه با توصیفات ادبی، مشخصات زوجه همراه با توصیفات و شرایط لازم برای ازدواج، صداق، اظهار صیغه نکاح دائم، تاریخ تحریر، شاهدان و امضاء و مهر ایشان (رضایی، ۱۳۸۷، صص ۶۴-۶۵).

نخستین جزء نکاح‌نامه‌ها «بسمله» است که در بالای نکاح‌نامه‌ها قرار دارد و معمولاً ذکر نام خداوند است (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۶۳). چند نمونه از بسمله‌های به کار رفته در نکاح‌نامه‌های بررسی شده در این پژوهش عبارت‌اند از: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، «هُوَ الْمُؤَلَّفُ» (ساکما، ۲۷۱۴۴-۹۹۹)؛ «هُوَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ» (ساکما، ۲۳۸۷۶-۲۹۶)؛ «هُوَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ عِبَادِهِ» (ساکما، ۲۷۲۸۴-۹۹۹)؛ «هُوَ اللَّهُ تَعَالَى هُوَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ» (۱۶۹۰۷-۲۹۶)؛ «و به نستعین» (ساکما، ۲۸۷۷۴/۹۹۹)؛ «هُوَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ الْإِبْصَارِ» (ساکما، ۲۷۲۵۱-۹۹۹)؛ «هُوَ الْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» (ساکما، ۲۵۹۲۳-۲۹۶).

پس از بسمله «دیباچه» ذکر می‌شود که با حمد و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) شروع می‌شود؛ مانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَلَّ النِّكَاحَ وَ حَرَّمَ السِّفَاحَ وَ الزُّنَا، وَ الْفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ بَعْدَ الْفِرَاقِ وَ الشَّقَاقِ، وَ أَنْسَهُم بِالرَّأْفَةِ وَ الصَّلَاحِ، ثُمَّ الصَّلُوةُ وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (ساکما، ۲۵۹۱۲-۲۹۶)؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلُوةُ وَ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقٍ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ»؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَلَّ التَّرْوِيجَ وَ النِّكَاحَ وَ نَدَبَ إِلَيْهِ وَ حَرَّمَ الزُّنَا وَ السِّفَاحَ وَ تَوَعَّدَ عَلَيْهِ وَ صَلَّى اللَّهُ أَشْرَفَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ طَاهِرِينَ» (ساکما، ۲۷۱۴۷-۹۹۹). برخی از نکاح‌نامه‌ها بدون بسمله و دیباچه تهیه شده است و فقط در آن‌ها از نام‌های زوج و زوجه و القاب پدرانشان و مبلغ مهریه و تاریخ عقد و شهود سخن به میان آمده است (ساکما ۲۴۶۹۱-۲۹۶).

در ادامه دیباچه -که بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین بخش یک سند محسوب می‌شود- با استفاده از واژگانی مانند «بعد، وَا مَابَعْد، مَابَعْد، بَعْدَ حَمْدٍ وَ الصَّلُوةِ، بَعْدَ الْحَمْدِ وَ الصَّلُوةِ» (ساکما ۹۹۷-۷۲) بخش دیگری آغاز می‌شود که بنابر دانش کاتب و نیز شأنیت زوجین مطوّل و یا مختصر نوشته می‌شود. آیات و احادیث و جمله‌ای مشهور مبنی بر یگانگی خداوند در این بخش بیان می‌شود. هم‌چنین اشعاری درباره حکمت ازدواج و فواید آن، از جمله بقای نسل، انجام فریضه دینی، وسعت روزی و نظایر آن غالباً با نثری پیچیده ذکر می‌شود. نکاح‌نامه‌ها در



پژوهش انجام شده در موارد تعلق زوج و زوجه به طبقات اجتماعی مرفه از نظر مقدمه و اشعار طولانی تر و از نظر ترکیب بندی، ساختار و تذهیب مفصل تر است (ساکما، ۲۷۱۴۵-۹۹۹).

در نکاح نامه‌ها بعد از مقدمه آیات و احادیثی درباره اهمیت و ضرورت ازدواج و مطالبی در رابطه با حمد و ثنا و وحدانیت خداوند آورده می شود؛ از جمله: «وَأَنْكُحُوا الْيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره نور: آیه ۳۲) و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ» و حدیث نبوی «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» آمده است (ساکما، ۷۲-۹۹۷) و حدیث از پیامبر اکرم: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۸).

پس از ذکر دیباچه، قسمت اصلی نکاح نامه‌ها یعنی مشخصات کامل زوج و زوجه با کنیه و القاب آن‌ها می آید. در بعضی از نکاح نامه‌ها شغل و منصب پدر عروس و داماد به عنوان مبین موقعیت اجتماعی زوجین ذکر شده است. القاب با مقام اجتماعی زوج یا پدران زوجین ارتباط دارد. پسوند جغرافیایی و شغلی پس از نام افراد، در شناخت روابط خانوادگی و میزان ازدواج‌های درون خاندانی نقشی مهم دارد. در تمام نکاح نامه‌های بررسی شده نام عروس پس از نام داماد ذکر شده و فقط در یکی از نکاح نامه‌ها نام زوجه قبل از نام زوج آمده است: ازدواج «بی بی صبیئه فخر التجار کربلایی محمدخان اسکندرالله با آقامیرزا غلام حسین معروف به میرزا آقا» (ساکما، ۱۶۷۲۲-۲۹۶).

در بسیاری از نکاح نامه‌ها نوع عقد با عباراتی مانند «عقد مناکحه صحیحه شرعیه دائمه جازمه ملیه اسلامیه» بیان شده است. با بیان این عبارات تأکید می کردند که عقد به صورت صحیح و درست، بر اساس اصول شرعی، و دائمی و استوار است و ملیه و اسلامی هم یعنی عقد طبق آیین و رسوم و دین کشور انجام شده است. در بعضی از نکاح نامه‌ها هم، عبارت «صیغه مناکحت و مزاجت» یا «عقد مناکحه میمونه و مزاجه صحیحه شرعیه» قید شده است (ساکما، ۲۷۱۴۴-۹۹۹).

بر اساس شغل و منصب ذکر شده در نکاح نامه‌ها تاحدودی به طبقه اجتماعی افراد نیز می توان پی برد. دو نمونه از نکاح نامه‌های بررسی شده در این پژوهش به این شکل است: «عقد صحیح شرعی و دینی دائمی مشتملاً علی الايجاب و القبول بین الناکح عالی قدر مشهدی علی ولد محمدعسکر کفاش و المنکوحه عصمت پناه عاقله بالغه باکره رشیده، فضه ابنه عالی قدر استاد حسین کفاش» (ساکما، ۲۵۹۱۷-۲۹۶). «الزوج عالی شأن شاب بالغ رشید آقامحمد رضا خلف صدق حاجی محمدباقر تاجر کاشانی، الزوجه علیاجانب شابه بالغه رشیده سلطان بنت عالی شأن آقامحمدعلی تاجر کاشانی» (ساکما، ۲۶۳۲۰-۲۹۶).

۱. هرکس ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است؛ پس در نیم دیگر از خدا پروا کنید.



بخش «صداق» یا «مهریه»^۱ هم از لحاظ ساختار ادبی و هم از لحاظ محتوی و مندرجات با دیگر قسمت‌های نکاح‌نامه تفاوتی اساسی دارد. این بخش با متنی دقیق و جدی، با اقلام و ارقام مشخص نوشته شده و در بعضی از نکاح‌نامه‌ها در بالای مقدار مهریه، عدد آن با سیاق هم نوشته شده است (ساکما، ۲۷۱۵۳-۹۹۹).

در نکاح‌نامه‌های مناطق روستایی و عشایری برخی از عناصر زندگی روزمره مانند باغ، آب نهر، زمین زراعی، و گوسفند^۲ برجسته‌تر از پول است؛ چون با زندگی کشاورزی و دامداری مستقیم ارتباط دارد (ساکما، ۳۰۶۰-۹۹۹). در نکاح‌نامه‌های مربوط به اهالی شهر افزون بر پول رایج، طلای خالص غیرمسکوک صیرفی، نقره، کنیز و غلام، و خانه در میان اقلام مهریه آمده است (ساکما، ۱۶۹۰۷-۲۹۶). قرآن (کلام‌الله مجید) نیز به‌عنوان هدیه الهی جزء اقلام مهریه آورده شده است.

بعلاز ذکر مهریه در نکاح‌نامه‌ها دعای خیر برای عروس و داماد نوشته شده است؛ از جمله: «اللَّهُمَّ الْفَ بَيْنَهُمَا وَ طَيِّبْ نَسْلَهُمَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ» (ساکما ۲۵۰۴۱-۲۹۶)؛ و «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمَا وَ اجْمَعْ شَمْلَهُمَا وَ طَيِّبْ نَسْلَهُمَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ» (ساکما، ۱۶۸۷۹-۲۹۶).

در پایان نکاح‌نامه‌ها تاریخ دقیق عقد نوشته شده که در آن روز و ماه و سال قمری آمده است. در بعضی از نکاح‌نامه‌های بررسی شده نام سال به ترکی نیز نوشته شده است. از جمله تاریخ عقد نکاح‌نامه «آقامحمدادی پوس‌پرداز^۳ ولد استاد آقاجان پوس‌پرداز با همایون سلطان صبیئه حاجی محمدهاشم قنّاد» که جمادی‌الاول ۱۲۹۲ مطابق با «تنگوزئیل»^۴ ذکر شده است (ساکما، ۲۸۷۷۶-۹۹۸).

افزون بر این، نقش مهرها هم از جمله اجزاء قابل توجه اسناد نکاح‌نامه‌اند. محل نقش مهر در نکاح‌نامه‌ها بیشتر در حاشیه سمت راست قرار دارد. شاهدان عقد، تاریخ عقد و نام خود را در آن نوشته‌اند و در کنار آن مهر زده‌اند. در نکاح‌نامه‌های دفترچه‌ای برای مهر و امضای شهود جایی را در انتهای صفحات اختصاص داده‌اند (ساکما، ۲۸۷۷۶-۹۹۹). در نکاح‌نامه‌های بررسی شده مهرهای بیضی و مربع دیده می‌شود. شاهزادگان و وابستگان دستگاه شاهی به‌عنوان شهود نقش‌هایی را با مضامین و متن‌های «موزون» و با «القاب» در حاشیه نکاح‌نامه‌ها مهر زده‌اند. روی این مهرها نوشته‌هایی به‌صورت هنری، کلام مذهبی و شعر حک شده‌اند؛ نظیر سجع مهر بیضی (عبدی محمدصالح ابن محمدعلی) در حاشیه بالا، سجع مهر مربع (لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمدزمان) در حاشیه سمت راست و پایین، و سجع مهر بیضی (ابوالفضل و حسین) در حاشیه سمت چپ یک نکاح‌نامه (ساکما، ۷۲-۹۹۷).

بعضی از مهرها احتمالاً به افراد معمولی با حرفه‌های معمولی تعلق دارد و به‌نظر می‌رسد

۱. صداق (مهریه) از لحاظ فقهی و قانونی گونه‌هایی مختلف دارد (نک: علی‌زاده بیرجندی و دیگران، ۱۳۸۵، صص ۲۳-۲۴).
۲. هرچند وجود این اقلام در نکاح‌نامه‌ها در مناطق شهری هم دیده می‌شود، ولی در مناطق روستایی و عشایری بیشتر مورد توجه بوده است.
۳. پوست‌پرداز؛ دَبَّاح
۴. این ترکیب ترکی به معنای «سال خوک» است. واژه «ئیل» به معنای سال و «تنگوز» به معنای خوک در ترکی به‌کار رفته است. این تقویم حیوانی به‌ویژه از زمان مغول‌ها در ایران رواج یافته و ریشه‌ای چینی و اویغوری دارد. در این زمینه پژوهشی ارزشمند منتشر شده است (Melville, 1994, pp 83-98).



بیشتر در بین افراد بی‌سواد یا کم‌سواد جامعه مرسوم بوده‌است، چون به صورت ساده و ابتدایی طراحی شده‌است. در نکاح‌نامه «علی و یردی» با «خدیجه بنت کربلایی مصطفی» در ۱۲۹۱ ق مهر به شکل بیضی و با سبع مهر «محمدحسن» در بالای نکاح‌نامه آمده‌است (ساکما، ۲۷۶-۲۸۰-۹۱).

در روزگار حکمرانی ناصرالدین شاه فرمانی صادر شد که مطابق آن لازم بود تا «اسناد و قباله‌ها» برای رسمیت یافتن با «مهر دیوان‌خانه مبارکه دولت ایران» تأیید شوند. مدتی بعد از آن نیز قباله‌ها را «وزارت عدلیه اعظم» با درج مهر مخصوص «تسجیل» یا سَجَل می‌کرد. این رویه را در شهرستان‌ها نماینده دولت انجام می‌داد (عباسیان، ۱۳۹۰، ص ۹). بعداً که اداره ثبت و قانون دولتی در سال ۱۳۰۳ ق/۱۲۶۴ ش برقرار شد، این اداره کار تأیید اسناد و رسمیت دادن به آن‌ها را برعهده گرفت و در صورت گم شدن قباله، نسخه ثبت شده آن در حکم اصل قباله بود. با وقوع انقلاب مشروطه نیز رویه به آن صورت شد که اشخاص قباله خود را با «الصاق تمبر دولتی» از طریق «وزارت عدلیه» رسمی می‌کردند. با تصویب قانون ازدواج در مرداد ۱۳۱۰ ش ازدواج و طلاق صورتی رسمی‌تر به خود گرفت و اجرای این قانون و نظارت بر آن تماماً به دست وزارت عدلیه افتاد؛ به این شکل که ازدواج باید در یکی از «دفاتر رسمی» ثبت می‌شد؛ به این ترتیب رویه‌های عرفی و شرعی پیش از آن کنار نهاده شد (عباسیان، ۱۳۹۰، صص ۹-۱۰).

شاهدان علاوه بر زدن مهر، معمولاً سند نکاح را هم امضاء می‌کردند. برای نمونه در حاشیه سمت راست نکاح‌نامه «سیداحمد» با «خدیجه» از اهالی اشکذر یزد در رجب ۱۲۸۰ ق امضاء و مهر شهود مشاهده می‌شود (ساکما، ۲۷۲۷۸-۹۹۹).

جنبه‌های اجتماعی نکاح‌نامه‌ها

در تحلیل نکاح‌نامه‌های موجود اطلاعاتی از مشاغل و مناصب و طبقات اجتماعی (شاهزادگان، روحانیون، دیوانیان، تجار و اصناف) به دست می‌آید. در میان اصناف نام مشاغلی مانند بزاز، کفاش، چیت‌ساز، دوره‌گیر، دلال و حکاک در ادامه نام پدران زوجین آمده‌است.

بر اساس القاب ذکر شده قبل از نام زوجین و مشاغل ذکر شده بعد از نام پدران زوجین در نکاح‌نامه‌های بررسی شده می‌توان گفت که بیشتر ازدواج‌ها بین خانواده‌هایی با شغل و منصب نزدیک به هم و یا مشابه انجام شده‌است؛ و در برخی از ازدواج‌ها زوج و زوجه از خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی (شغل و منصب) نزدیک به هم هستند؛ از جمله: زوج از طبقه دیوانیان و زوجه از طبقه شاهزادگان (ساکما، ۷۲-۹۹۷)؛ زوج از روحانیون، زوجه از دیوانیان



(ساکما، ۲۷۱۴۵-۹۹۹)؛ زوج از خوانین و زوجه از شاهزادگان (ساکما، ۱۶۹۲۶-۲۹۶)؛ زوج از خوانین و زوجه از کسبه (ساکما، ۱۷۸۹۸-۲۹۶)؛ زوج از شاهزادگان و زوجه از دیوانیان (ساکما، ۲۷۹۶۴-۲۹۶)؛ زوج از دیوانیان و زوجه از روحانیون (ساکما، ۲۳۲۶۹-۲۹۶).

از مجموعه آمارهای به دست آمده از این تحقیق چنین استنباط می شود که در نکاح نامه شاهزادگان به طور طبیعی و اقتضای موقعیت، مهریه زیادتر بوده است. نکاح نامه های شاهزادگان بیشتر به صورت طوماری و دفترچه ای اند و تسمیه، تحمیدیه و مقدمه طولانی چندین سطری دارند که در آن ضرورت و اهمیت ازدواج بر اساس آیات و احادیث و هم چنین وحدانیت خداوند با ادبیاتی زیبا بیان شده است. به دلیل تمکن مالی این افراد نکاح نامه های آن ها زیباتر است و تذهیب بیشتری دارد و رنگ، سرلوح، شمسه، جدول کمند و... در آن دیده می شود. شهود حاضر، وقوع عقد را با زدن مهر در حاشیه نکاح نامه ها، تأیید می کردند. در مهریه طبقه شاهزادگان علاوه بر پول اقلام دیگری مانند ملک و طلا، و غلام و کنیز نیز وجود دارد. بیشترین مقدار مهریه در نکاح نامه های بررسی شده مربوط است به نکاح نامه «حاجی میرزا محمدحسین ملک الکتاب با مرضیه ملقب به شاهزاده گلین به صدق دو هزار و یک صد تومان وجه قران جدید الصرب، ده عددی یک تومان عددی بیست و چهار نخود وزن مسکوک به سکه مبارکه سلطان ایران خلداله ملکه و سلطانه که یک صد تومان از این وجه بازا هدیه یک جلد کلام الله مجید [است] و تمام وجه مسطور این است بر ذمه و رقبه ناکح المعظم له که ان شاء الله تعالی عند القدرة و الاستطاعة با مطالبه مخدره معزیه الیها متی شانت^۱ و حیث ارادت کارسازی دارند» در تاریخ ۱۳۰۸ ق در شهر لنگرود (ساکما، ۱۶۱۵۹-۹۹۷).

در نکاح نامه های بررسی شده در طبقه شاهزادگان این القاب برای ناکح و پدران زوجین آمده است: عالی جناب، عزت المعالی، رفعت دستگاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، جلالت و نجابت انتباه، مجدت و نجدت دستگاه، مقرب الخاقان، اصالت اکتناه زمرة الخوانین العظام، عمدة الاشراف، نتیجه النجباء العظام، جلالت دستگاه و... هم چنین برای منکوحه این القاب آمده است: علیا حضرت، علیا مخدره، علیا جناب، خدارت و طهارت دستگاه، اسوة المخدرات، العفیفه، النجیبه، العاقله، الباکره، الرشیده، المختاره، المنصور، الممتاز، نواب علیه، بلقیس العصر و الدوران، بلند مکان، شوکت دستگاه، علین مکان، فردوس و خلد اشیان، بلقیس مکان، خدیجه زمان، فاطمه دوران، محرره مستوره، عقیفه مکرمه، خورشید اصحاب و...

نکاح نامه های روحانیون طوماری و دفترچه ای است و دارای تسمیه، تحمیدیه، مقدمه طولانی و تذهیب است. علاوه بر پول و ملک، جاریه^۲ نیز در مهریه آن ها وجود دارد. القاب ناکح و پدران زوجین در این نکاح نامه ها عبارت اند از: «علماء العظام، شریعت مآب، قدس القاب، ستوده آداب، فضایل و فواصل انتساب، علامه فهام، علامه علماء، جامع العقول و المنقول،

۱. متی شانت: وقتی بخواهد.
۲. زن جوان، دختری که به سن بلوغ نرسیده است؛ کنیز کوچک، کنیز (دهخدا، ۱۳۳، ص ۶۴۳).



النجباء العظام» و... و القاب منکوحه عبارت‌اند از: «علیاجناب، خدارت و طهارت انتساب، اسوةالمخدرات، العفیفة النجیبة العاقلة الباکرة الرشیده» و... القاب سادات نیز برای ناکح «سلالة السادات العظام، دوحه شجرة طیبه، قدسی المآب، الطابع العلوی الفاطمی الکامل الهادی» و برای منکوحه «سیده، علویه، فاطمه» آمده است.

نکاح نامه‌های خوانین، رئیس ایلات، صاحب منصبان حکومتی و به صورت طوماری و دفترچه‌ای‌اند و بیشتر آن‌ها دارای تسمیه، تحمیدیه، مقدمه و تذهیب‌اند و بعضی بدون تذهیب‌اند. مهریه در این طبقه نیز متفاوت است شامل: پول، طلا، نقره، خانه، زمین، انگشتر الماس، شال کشمیر، آب، کلام‌الله مجید و... نکاح نامهٔ ازدواج مربوط به «محمدحسن خان ابن المرحوم نواب میرزا محمدعلی خان هندی با نزهة الزمان دختر جهانگیر خان ایل بیگی که مهریهٔ آن یک جلد کلام‌الله مجید، دوازده مثقال طلا و مبلغ یک هزار تومان وجه نقد اشرفی هجده نخود ناصرالدین شاه‌ی و سه دانگ از یک باب خانۀ واقع [در] دارالعم شیراز و سه دانگ بستان واقع در جلیان فسا می‌باشد، یک فرد غلام حبشی و یک فرد جاریۀ حبشیه و مقدار یک من ابریشم خام نیز جزء ارقام مهریهٔ نزهة الزمان است» که بیانگر موقعیت اجتماعی زوجین است (ساکما، ۱۶۷۹۰-۲۹۶). در این طبقه القاب ناکح و پدران زوجین به این شرح است: «معمد السلطان، مقرب الخاقان، عالی جاه، معلی جایگاه، عزت و سعادت همراه، شوکت و جلالت دستگاه، شمس‌الفلك الرفعه، بدر السماء الشوکه، نتیجة الخوانین العظام، رفیع جایگاه، عالی حضرت، ستوده خصلت، بلند منزلت و... و القاب منکوحه عبارت‌اند از: علیاحضرت، خورشیدمنزلت، مریم فطرت، زهرهٔ فلک، عصمت قمر، برج خدارت و طهارت، مستورهٔ سراپردۀ اجلال و سراق نشین پردهٔ مکرمهٔ و اقبال، اسوة الخوانین المکرمة و المخدره» (ساکما، ۹۹۸/۱۴).

در بین نکاح نامه‌های بررسی شده تعداد نکاح نامهٔ اصناف و کسبه بیش‌تر از سایر گروه‌هاست. این نکاح نامه‌ها به صورت طومار و برگ‌اند و بعضی از آن‌ها بدون تذهیب و حتی فاقد تسمیه، تحمیدیه و مقدمه‌اند. در نکاح نامه‌های این طبقه هم، آیات و احادیثی دربارهٔ ازدواج، اسم ناکح و منکوحه و پدرانشان، وکیل، شهود حاضر و در پایان تاریخ وقوع عقد آمده است. نکاح نامه‌های متعلق به طبقهٔ تجار عبارت‌اند از: «محمد رضا تاجر کاشانی با سلطان بنت آقامحمدعلی تاجر کاشانی» (ساکما، ۲۶۳۲۰-۲۹۶)؛ نکاح نامهٔ «آقامحمدحسین فرزند محمدکاظم کاشانی با خانم جان فرزند حاجی محمود تاجر کاشانی» (ساکما، ۲۳۸۹۲-۲۹۶)؛ نکاح نامهٔ «محمدعلی فرزند محمدتقی تاجر کاشانی با گوهرشاد بیگم» (ساکما، ۲۴۴۱۹-۲۹۶). در هر سه ازدواج، زوج و زوجه از طبقهٔ اجتماعی مشابه‌اند. در نکاح نامهٔ «علی ولد محمدعسکر کفاش با فضاہ ابنهٔ استاد حسین کفاش» زوج و زوجه هر دو از یک صنفاًند

(ساکما، ۲۵۹۱۷-۲۹۶).

بررسی انواع و میزان مهریه در نکاح‌نامه‌ها

مهریه در بیشتر نکاح‌نامه‌های بررسی شده متفاوت است. از جمله اقلام مهریه پول، خانه، باغ، زمین مزروعی، قنات، آب، نقره، فرش، مس، طلا، رختخواب، ترمه، گلیم عربی، میش جوان بره‌دار، آینه، صندوق، لباس و... است. القاب ناکح و پدران زوجین عبارت‌اند از: «العاقل، البالغ، رشید، شاب خصلت، شاب مکرم، عالی حضرت، نیکوفطرت، سیادت و نجابت و جلال‌ت مآب، رفیع جایگاه، عزت و سعادت‌نشان، عزت‌شعار، اطوار امین، عالی قدر رفیع‌مقدار ستوده‌اطوار، هو الشاب الموفق و...» و القاب منکوحه هم عبارت‌اند از: «العاقله، الرشیده، الباکره، الحرّة بالغه، الکامله، مختاره، عفت و عصمت‌پناه، خدارت‌همراه، ستوده‌طینت، خدارت‌اکتساب، عفت‌مآب، علیاجناب» (ساکما، ۲۶۳۲۰-۲۹۶).

نکاح‌نامه «آقاسیدمیرزا ابن مرحوم آقامیر عبدالباقی با آمنه‌خانم بنت علی اکبر ابن حسین تُمّاجی» عقد تمتع^۱ است و مدت آن چهار ماه متوالی است و مبلغ مهریه آن هشت هزار دینار از قرار روپیه رایج‌المعامله ناصرالدین‌شاهی است (ساکما، ۲۴۹۳۱-۲۹۶). نکاح‌نامه «احمد ابن آخوند ملاحسن با بی‌بی بیگم ابنه سیدمهدی علاوه بر پول و طلا و جاریه و وسایل زندگی و غیره ناکح اختیار مسکن را به منکوحه واگذار نموده که در هر کجا زوجه مسکن نماید، چه در وطن چه در غربت با منکوحه باشد و نیز شرط شده از ناکح به منکوحه که خود را مطلقه نماید به هر نوع طلاق که خواسته باشد» (ساکما، ۲۵۹۱۴-۲۹۶).

نکاح‌نامه مربوط به سال ۱۲۷۰ق در ماه شعبان مربوط به «سیداحمد فرزند میرزاتقی شیرازی با بی‌بی بیگم خاورسلطان دختر میرزاسیدمحمد» است که به شکل دفترچه‌ای است. این نکاح‌نامه شامل ۹ صفحه و ۶ برگ است و بعد از تسمیه، تحمیدیه، مقدمه، معرفی زوجین و مهریه و غیره در انتها جای امضاء و مهر شهود مشخص شده است (ساکما، ۲۸۱۷۴-۹۹۹). ۷۵٪ نکاح‌نامه‌های بررسی شده در این پژوهش طوماری، ۹٪ دفترچه‌ای، و ۱۶٪ تک‌برگی است. بیشترین تعداد نکاح‌نامه‌ها قطع طوماری است که بعضی از آن‌ها تذهیب و نقوش زیبایی دارند و بیشتر به طبقات ممتاز جامعه (شاهزادگان، دیوانیان و روحانیون) تعلق دارند و بعضی هم فاقد تذهیب‌اند. ابعاد نکاح‌نامه‌های بررسی شده در این پژوهش عبارت‌اند از: قطع طوماری، با ابعاد ۹۰×۴۵ سانتی‌متر (ساکما، ۲۷۱۴۵-۹۹۹)، ۱۱۵×۵۵ (ساکما، ۹۹۷-۷۲)، و ۵۴×۳۸ (۲۳۸۷۶-۲۹۶)؛ نکاح‌نامه‌های دفترچه‌ای با ابعاد ۲۳×۱۶/۵ (ساکما، ۱۶۱۵۹-۲۹۶)، ۲۳×۱۶ (ساکما، ۲۳۳۲۹-۲۹۶)، و ۲۶/۵×۱۷/۵ (ساکما، ۲۸۱۷۶-۹۹۹)؛ و نکاح‌نامه‌های تک‌برگی با ابعاد ۲۱/۵×۱۷ (ساکما، ۲۷۳۹۴-۹۹۹)، ۱۶/۵×۱۱ (ساکما، ۲۷۳۰۰-۹۹۹)، و

۱. تُمّاج: روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان کاشان در استان اصفهان.
۲. تمتع: متعه؛ صیغه؛ ازدواج موقت.



۲۲×۱۸ (ساکما، ۲۵۳۰۵-۲۹۶).

از جهت شکل ظاهری هم ۴۸ درصد نکاح‌نامه‌ها دارای تذهیب و ۵۲ درصد بدون تذهیب‌اند. نکاح‌نامه‌های دارای نقوش تزیینی معمولاً به خانواده‌های تحصیل کرده، شاهزادگان، اعیان، خوانین، سلاطین، و تجار تعلق دارند. نقوش، طرح‌ها و رنگ‌های به‌کاررفته در این نکاح‌نامه‌ها ظرافت خاصی دارد. در نکاح‌نامه‌های دارای تذهیب از رنگ‌های متنوع شنگرف، لاجورد، آب طلا، قرمز، سبز و... استفاده شده است؛ نقوش تزیینی بیشتر در حاشیه‌ها، سرلوح، و تمهیدیه دیده می‌شود. نوع این نقوش بیش‌تر ترنج با گل و برگ‌های ختایی و اسلیمی است (ساکما ۲۷۱۴۵-۹۹۹).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش محتوای ۹۵ نکاح‌نامه دوره ناصری از شهرهای مختلف ایران بررسی شد و تلاش شد تا تأثیر اقتصاد و منزلت اجتماعی زوجین بر نحوه تنظیم این نوع از اسناد نشان داده شود. بررسی ۹۵ نکاح‌نامه مذکور نشان داد که منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی زوجین تأثیری فراوان بر قطع، ظاهر (تزیین) و محتوای عقدنامه‌ها داشته‌است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش عقدنامه زوج‌های متعلق به گروه‌های حکومتگر و مناصب اداری، و کسبه متنفذ و ثروتمند (مانند تجار قدرتمند) از جهت متن، مفصل، پرطمطراق، و باشکوه است و از جهت جنبه‌های هنری دارای تذهیب، رنگ، سرلوح، شمسه، و جدول کمند است و نقوش تزیینی آن اسلیمی، گیاهی، و هندسی است. به‌طور کلی وجود تفصیل در عقدنامه و ذکر عناصری مانند تسمیه، تمهیدیه، مقدمه مفصل و استناد به آیه‌های قرآن، احادیث به زبان عربی و اشعار، استفاده از القاب، خطوط پیچیده پرطمطراق، نگارش نام‌ها و القاب با رنگی متفاوت (قرمز) ابزاری برای نشان‌دادن موقعیت و منزلت والای اجتماعی پدر هریک از زوجین بوده‌است. این دسته از عقدنامه‌ها عمدتاً به‌صورت طوماری و دفترچه‌ای فراهم شده‌است؛ چنان‌که از کل نکاح‌نامه‌های بررسی‌شده این تحقیق ۷۵ درصد طوماری، و ۹ درصد دفترچه‌ای است.

نکاح‌نامه گروه‌های فروم‌رتبه مانند کسبه و پیشه‌وران فرو دست (مانند حکاک، چیت‌ساز و کفاش) با محتوایی مختصر و ظاهری ساده و به‌شکل «برگی» تنظیم شده‌است؛ این نوع نکاح‌نامه‌ها ۱۶ درصد از کل نکاح‌نامه‌های بررسی‌شده هستند. این عقدنامه‌ها بدون تذهیب و تسمیه و تمهیدیه و مقدمه‌اند؛ بنابراین سطرهای کمتری دارند؛ از جمله نکاح‌نامه «آقا محمد حسین» فرزند «محمد کاظم کاشانی» با «خانم جان» فرزند «حاجی محمود کاشانی». نکته ارزشمند دیگر در عقدنامه‌ها ذکر منطقه جغرافیایی است که برای شناخت جغرافیای

انسانی ملاکی معتبر است. از بررسی نکاح‌نامه‌هایی که نام محل در آن‌ها ذکر شده است (۴۹ عدد) چنین برمی‌آید که ازدواج‌ها در محدوده جغرافیایی یکسان و مجاور انجام می‌شده است؛ این اسناد به شهرها و مناطقی مانند اصفهان، یزد، همدان، لنگرود، لاهیجان، فارس و کاشان تعلق دارند.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۷۶-۲۸۰: ۵۰-۲۸۰؛ ۷۳۷-۲۸۰؛ ۲۷۶۹۱-۲۸۰؛ ۲۵۹۲۱-۲۹۳؛ ۲۵۹۳۳-۲۹۳؛ ۷۵۱۱-۲۹۶؛ ۸۹۱۳-۲۹۶
۱۱۴۶۵-۲۹۶؛ ۱۱۶۹۵-۲۹۶؛ ۱۶۱۵۹-۲۹۶؛ ۱۶۷۲۲-۲۹۶؛ ۱۶۷۹۰-۲۹۶؛ ۱۶۸۱۷-۲۹۶؛ ۱۶۸۱۳-۲۹۶؛ ۱۶۹۰۳-۲۹۶
۱۶۹۰۷-۲۹۶؛ ۱۶۹۲۵-۲۹۶؛ ۱۷۳۳۴-۲۹۶؛ ۱۷۵۹۶-۲۹۶؛ ۱۷۶۶۲-۲۹۶؛ ۱۷۷۲۲-۲۹۶؛ ۱۷۸۹۸-۲۹۶؛ ۱۸۰۸۲-۲۹۶
۱۸۶۷۴-۲۹۶؛ ۲۰۸۸۱-۲۹۶؛ ۲۰۸۸۹-۲۹۶؛ ۲۰۹۳۴-۲۹۶؛ ۲۰۹۳۵-۲۹۶؛ ۲۱۲۲۵-۲۹۶؛ ۲۱۲۲۴-۲۹۶؛ ۲۱۲۳۳-۲۹۶
۳۳۰۴۷-۲۹۶؛ ۳۳۲۶۷-۲۹۶؛ ۳۳۲۶۹-۲۹۶؛ ۳۳۳۷۰-۲۹۶؛ ۳۳۳۲۹-۲۹۶؛ ۳۳۸۱۶-۲۹۶؛ ۳۳۸۹۲-۲۹۶؛ ۳۴۰۴۲-۲۹۶
۳۴۰۷۶-۲۹۶؛ ۳۴۴۱۹-۲۹۶؛ ۳۴۴۸۴-۲۹۶؛ ۳۴۵۷۶-۲۹۶؛ ۳۴۶۴۱-۲۹۶؛ ۳۴۶۴۴-۲۹۶؛ ۳۴۶۴۵-۲۹۶؛ ۳۴۶۸۵-۲۹۶
۳۴۶۸۱-۲۹۶؛ ۳۴۶۹۱-۲۹۶؛ ۳۴۶۹۲-۲۹۶؛ ۳۴۶۹۵-۲۹۶؛ ۳۴۹۳۱-۲۹۶؛ ۳۵۰۴۱-۲۹۶؛ ۳۵۳۰۵-۲۹۶؛ ۳۵۵۴۱-۲۹۶
۲۵۹۱۲-۲۹۶؛ ۲۵۹۱۶-۲۹۶؛ ۲۵۹۱۷-۲۹۶؛ ۲۶۳۳۰-۲۹۶؛ ۲۶۶۹۷-۲۹۶؛ ۲۷۲۵۳-۲۹۶؛ ۲۷۳۰۰-۲۹۶
۳۵۰-۹۹۹؛ ۷۲-۹۹۷؛ ۱۴-۹۹۸؛ ۹۰-۹۹۸؛ ۴۳-۳۷۱؛ ۴۴-۳۷۱؛ ۴۵-۳۷۱؛ ۴۷-۳۷۱؛ ۹۹۹-۳۷۱؛ ۳۵۰-۹۹۹
۳۷۱۵۳-۹۹۹؛ ۳۷۲۱۱-۹۹۹؛ ۳۷۲۱۵-۹۹۹؛ ۳۷۲۲۴-۹۹۹؛ ۳۷۲۵۱-۹۹۹؛ ۳۷۲۵۲-۹۹۹؛ ۳۷۲۵۶-۹۹۹؛ ۳۷۳۷۸-۹۹۹
۳۷۲۸۴-۹۹۹؛ ۳۷۳۹۴-۹۹۹؛ ۳۷۵۶۵-۹۹۹؛ ۳۷۶۲۲-۹۹۹؛ ۳۷۹۶۴-۹۹۹؛ ۲۸۱۸۵-۹۹۹؛ ۲۸۱۷۴-۹۹۹؛ ۲۸۱۷۶-۹۹۹
۳۰۰۶۰-۹۹۹.

کتاب

انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. (محمد معین و جعفر شهیدی، ناظران). تهران: دانشگاه تهران.
رضایی، امید. (۱۳۸۷). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.
طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴). *الأمالی. تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه و مؤسسة البعنه*. قم: دارالتقافه.
علی‌زاده بیرجندی، زهرا و دیگران. (۱۳۸۵). *نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجاریه در بیرجند*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.
قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.



مقاله

- روستایی، محسن. (۱۳۸۱). «دیدگاهی آرشیوی پیرامون نگهداری اسناد». کتاب *ماه کلیات*، مهر و آبان ۱۳۸۱، شماره ۵۸ و ۵۹.
- عبدلی آشتیانی، اسدالله؛ نورائی آشتیانی، محمدعلی. (۱۳۸۹). «عقدنامه‌ای از روزگار ناصرالدین شاه قاجار به سال ۱۳۱۲ هـ. ق». *پیام بهارستان*، سال ۲، شماره ۷، صص ۸۳۹-۸۵۲.
- عزیزی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «بررسی تعریف سند از دیدگاه‌های گوناگون». *گنجینه اسناد*، س ۲۱، دفتر اول، صص ۱۲۰-۱۵۱.
- محمدی، امین. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر پایان‌نامه‌های حوزه اسناد تاریخی و نسخ خطی». فصل‌نامه *نقد کتاب میراث*، سال دوم، شماره ۵، بهار، صص ۲۰۵-۲۳۶.

پایان‌نامه

- عباسیان، آزاده. (۱۳۹۰). «نکاح‌نامه‌های عصر قاجار (از ابتدای دوره ناصری تا پایان قاجاریه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش اسناد و مدارک آرشیوی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- Layish, A; Shaham, R. (1995). "Nikāh: The Arab, Persian and Turkish lands of the Middle East". *Encyclopedia Of Islam*, Leiden: Brill, vol. VIII, pp 29-32.
- Melville, Charles. (1994). "The Chinese -Uighur Animal Calendar in Persian Historiography of the Mongol Period". *Iran*, vol. 32, PP 83-98.

English Translation of References

Documents

- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran)

Books

- AlizadehBirjandi, Zahra et al. (1385/2006). "*Negareši bar mehr-nāme-hāye asr-e Qājār dar Birjand*" (An outlook on marriage contracts in Birjand during Qajar period). Tehran: Sāzman-e Mirās-e Farhangi va Gardešgari-ye Ostān-e Xorāsān-e Jonubi



- (Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of South Khorasan Province). [Persian]
- Anvari, Hasan. (1381/2002). "*Farhang-e bozorg-e soxan*" (Sokhan comprehensive dictionary). Tehran: Soxan.[Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1373/1994). "*Loqat-nāme*" (Dehkhoda Dictionary). Supervised by Mohammad Moeen&JafarShahidi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University). [Persian]
- Ghaem-maghami, Jahangir. (1350/1971). "*Moqaddame-ie bar šenāxt-e asnād-e tārixi*" (An introduction to recognizing historical documents). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (The Association of National Works).[Persian]
- Layish, A. &Shaham, R. (1995). "Nikāh: The Arab, Persian and Turkish lands of the Middle East". In *Encyclopedia of Islam* (vol. VIII) (pp 29-32). Leiden: Brill.
- Rezaei, Omid. (1387/2008). "*Darāmedi bar asnād-e šar'i-ye dowre-ye Qājār*" (An introduction to the religious documents of Qajar period). Tokyo: Mo'assese-ye motale'āt-e zabān-hā va farhang-hā-ye Āsiā va Āfriqā(Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa (ILCAA)). [Persian]
- Tousi, Mohammad Ibn-e Hasan. (1414 AH/ 1994). "*Āfāmāli*" (Book of dictations). (al-be'sah institute: 1st ed.). Qom: Dār al-seqāfah (House of Culture). [Persian]

Articles

- AbdoliAshtiani, Asadollah&NourayiAshtiani, Mohammad Ali. (1389/2010). "Aqd-nāme-ie az ruzegār-e Nāsered-Din Šāh-e Qājārbe sāl-e 1312 hejri-ye qamari" (A marriage certificate from Nasser Al-Din Shah period in 1312 AH/1895 AD). *Payām-e Bahārestān*, 2nd year (7), 839-852. [Persian]
- Azizi, Gholam Reza. (1390/2011). "Barresi-ye ta'rif-e sanad az didgāh-hā-ye gunāgun" (Investigating the definition of document from a variety of perspectives). *Ganjine-ye Asnād*, 21 (1), 120-151. [Persian]
- Melville, Charles. (1994). The Chinese-Uighur animal calendar in Persian historiography of the Mongol period. *Iran*, 32, 83-98.



Mohammadi, Amin. (1394/2015). "Tahlili bar pāyān-nāme-hā-ye hoze-ye asnād-e tārixi va nosax-e xatti" (An analysis of the theses on historical documents and manuscripts). *Fasl-nāme-ye naqd-e ketāb-e miras* (Heritage Quarterly Book Review), 2nd year (5), 205-236. [Persian]

Roustayi, Mohsen. (1381/2002). "Didgāhi āršivi pirāmun-e negah-dāri-ye asnād" (An archival outlook to document storage). *Ketāb-e Māh-e Kollīāt*, 2002, October & November, 58 & 59. [Persian]

Dissertations

Abbasian, Azadeh. (1390/2011). "*Nekāh-nāme-hā-ye asr-e Qājār: Az ebtedā-ye dore-ye Nāseri tā pāyān-e Qājārie*" (Marriage certificates in Qajar period: From the beginning of Nasser era to the end of Qajar period). (Masters' dissertation in History, field orientation of Archival Documents). Tehran University, Faculty of Literature and Humanities. [Persian]



پیوستها

ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۱	۲۹۶-۲۴۶۹۵	آقا حسین فرزند ملاعلی اصغر ابیانهای	ام‌نساء خانم فرزند حاجی کریم ویانی	کسبه
۲	۹۹۷-۷۲	میرزا محمد زمان نوری (امین) دیوان‌خانه مبارکه	شاهزاده حمیده سلطان خانم	زوج از طبقه دیوانی و زوجه از طبقه شاهزادگان
۳	۹۹۹-۲۷۲۵۳	زین‌العابدین خلف حسین بن نصیر	فاطمه خانم صبیّه اسماعیل خیاط	کسبه
۴	۲۹۶-۲۶۳۲۰	آقا محمد رضا خلف حاج محمد باقر تاجر کاشانی	سلطان بنت آقا محمد علی تاجر کاشانی	کسبه
۵	۲۹۶-۲۶۶۹۷	میرزا قلی بیگ	نازی خانم	کسبه
۶	۲۹۶-۲۳۸۷۶	محمد باقر خان افشار فرزند سرخوش خان افشار	پری سلطان خانم فرزند نجف قلی خان	دیوانی
۷	۹۹۹-۲۸۷۷۴	سید احمد فرزند میرزا تقی شیرازی	بی‌بی بیگم خاور سلطان دختر میرزا سید محمد	روحانیون
۸	۹۹۹-۲۷۱۴۵	آخوند ملا عبد‌الکریم خلف حاج ابوالقاسم	فاطمه سلطان صبیّه میرزا حسین علی مستوفی نوری	زوج از طبقه روحانیون زوجه از طبقه دیوانی
۹	۹۹۹-۲۷۱۴۴	محمد حسن	کوچک سلطان صبیّه محمد ضیاع	شاهزادگان
۱۰	۲۹۶-۱۶۹۰۷	عیسی خان	فاطمه خانم	دیوانی
۱۱	۲۹۶-۱۶۹۲۵	حاجی سید علی ولد حاجی میرزا محمد حسین	فاطمه سلطان خانم	زوج از طبقه خوانین و زوجه از طبقه شاهزادگان
۱۲	۲۹۶-۱۷۸۹۸	شیر محمد خان	حبیبه خانم بنت میرزا	زوج از طبقه خوانین و زوجه از طبقه کسبه

جدول ۱

گروه‌های اجتماعی در
نکاح‌نامه‌های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۱۳	۲۹۶-۲۵۹۱۲	اسمعیل ولد ابراهیم	مرضیه ابنة علی	کسبه
۱۴	۲۹۶-۲۴۶۸۸	استاد مهدی فرزند آقازین العابدین ابیانه	فاطمه خانم فرزند آقاعلی	کسبه
۱۵	۹۹۹-۲۷۲۸۵	غلامرضا ولد بابایی یزدی	فاطمه نساء	کسبه
۱۶	۲۹۶-۲۰۸۸۹	آقامحمد ولد آقامحمد ابراهیم	سکینه سلطان خانم	دیوانی
۱۷	۲۹۶-۲۵۹۱۷	علی ولد محمد عسکر کفاش	فضه ابنة استاد حسین کفاش	کسبه
۱۸	۲۹۶-۲۵۰۴۱	شاهزاده مهدی قلی میرزا فرزند حشمت الدوله	عصمت سلطان خانم دختر نورالدهر میرزا	شاهزادگان
۱۹	۲۹۶-۲۴۵۷۶	آقامحمد یوسف فرزند حاجی باقر	رقیه سلطان خانم فرزند آقانظر علی	دیوانی
۲۰	۲۹۶-۲۵۵۴۱	ابوالقاسم بن محمد علی	سیده ام کلثوم	دیوانی
۲۱	۲۹۶-۱۷۶۶۲	رضاقلی خان خلف آقا محمد حسن ابرقوئی	شاهزاده خانم (سیده نساء عالمیان)	زوج از طبقه خوانین و زوجه از طبقه شاهزادگان
۲۲	۲۹۶-۲۳۸۹۲	آقامحمد حسین فرزند محمد کاظم کاشانی	خانم جان فرزند حاجی محمود تاجر کاشانی	کسبه
۲۳	۹۹۹-۲۷۲۷۸	سید احمد	خدیجه از اهالی اشکدر یزد	کسبه
۲۴	۲۹۶-۱۸۶۷۴	آقا اسمعیل	راضیه خانم ساکن رودبار	کسبه

ادامه جدول ۱

گروه های اجتماعی در نکاح نامه های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۲۵	۲۹۶-۱۶۷۹۰	محمدحسن خان ابن المرحوم نواب میرزا محمدعلی خان هندی	نزهة الزمان دختر جهانگیرخان ایل بیگی ایالت فارس	دیوانی
۲۶	۲۹۶-۲۴۰۴۲	آقا حسن ولد عبدالله	خاتون خانم بنت اکبر	کسبه
۲۷	۲۹۶-۲۴۶۴۴	محمدتقی بیگ فرزند حسین علی	کلثوم خانم فرزند علی افضل خان	دیوانی
۲۸	۹۹۹-۲۷۱۴۷	عباس ولد عبدالحسین	آقای بیگم صبیة محمدحسین چیت ساز	کسبه
۲۹	۹۹۹-۲۷۲۱۵	حسن ولد علی رضا	سیده فاطمه خورنقی	کسبه
۳۰	۲۹۶-۱۶۸۱۳	میرزا محمد رضا	جهان بیگم	شاهزادگان
۳۱	۲۹۶-۲۴۴۱۹	محمد علی فرزند محمدتقی تاجر کاشانی	گوهرشاد بیگم	کسبه
۳۲	۹۹۹-۲۷۱۵۱	علی اکبر خلف مشهدی حسن ساکن قریه مبارکه	مریم مشهور به خورشید بیگم بنت ملا عبد الوهاب	روحانیون
۳۳	۲۹۶-۲۴۶۹۱	محمد حسن فرزند حاجی علی محمد	شهربانو خانم فرزند محمد از اهالی ایبانه	کسبه
۳۴	۲۹۶-۲۰۹۳۵	سید مهدی	لیلی بیگم دختر سید صادق	کسبه
۳۵	۹۹۹-۲۷۱۴۳	عبدالحسین چیت ساز خلف محمد اسمعیل	فاطمه سلطان بنت محمد امین	کسبه
۳۶	۹۹۹-۲۷۲۵۲	میرزا علی	صغری سلطان	کسبه

ادامه جدول ۱

گروه های اجتماعی در
نکاح نامه های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۳۷	۹۹۹-۲۷۲۵۶	آقاغلام حسین	صاحب خانم	کسبه
۳۸	۹۹۹-۲۷۶۲۲	محمد صالح	حلیمه	کسبه
۳۹	۲۹۶-۲۴۶۴۱	میرزا محمد بزاز	سکینه سلطان بنت محمد حسن	کسبه
۴۰	۹۹۹-۲۷۲۲۴	سید رضا	صاحب جان	کسبه
۴۱	۹۹۹-۲۷۲۵۱	عبدالکریم اشکذری	خدیجه بنت علی عسکر اشکذری	کسبه
۴۲	۹۹۹-۲۷۹۶۴	شاهزاده محمد میرزا	بی بی	زوج از طبقه شاهزادگان و زوجه از طبقه دیوانی
۴۳	۲۹۶-۱۱۴۶۵	میرزا محمد صادق خلف مرحوم آخوند ملا عبدالغنی	فاطمه بیگم خانم بنت آقامیرزا احمد	روحانیون
۴۴	۹۹۹-۲۷۲۱۱	محمد ابراهیم خلف عبدالکریم	ام کلثوم صبیئه مرحوم جعفر دوره گیر	کسبه
۴۵	۹۹۹-۲۷۱۵۳	میرزا اسد الله ولد میرزا فتح الله منشی	آمنه بیگم بنت میرزا حسین علی نوری	دیوانی
۴۶	۹۹۷-۳۵۰	بابا خان	بی بی گل	کسبه
۴۷	۹۹۹-۲۸۷۷۶	محمد هادی پوس پرداز	همایون سلطان دختر حاجی محمد هاشم قناد	شاهزادگان
۴۸	اسناد همدان	عبدالحسین ولد حاج عبدالوهاب	ربابه سلطان خانم صبیئه حاج محمود	شاهزادگان
۴۹	۲۹۶-۲۴۶۴۵	آقا سید علی اکبر فرزند حاجی سید مرتضی	بیگم سلطان فرزند آقا سید علی ملقب به ارباب	شاهزادگان
۵۰	۲۹۶-۲۴۶۸۵	آقا سید ابراهیم فرزند میر بابایی مظفری	خانم جان (شیرین) فرزند رجب علی از ساکنین قریه ویان در نطنز	کسبه

ادامه جدول ۱

گروه های اجتماعی در نکاح نامه های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۵۱	۹۹۹-۲۷۲۸۴	محمدعلی	فاطمه بنت محمدباقر	کسبه
۵۲	۲۹۶-۲۴۶۹۲	آقا باقر فرزند آقا اسماعیل هیمة شکن کاشانی	فاطمه جان فرزند آقا حسین کاشانی	کسبه
۵۳	۲۹۶-۱۷۲۳۴	مشهدی عبدالله ولد مرحوم مشهدی اسدالله اصفهانی	زهراسطان	کسبه
۵۴	۲۹۶-۱۱۴۶۵	مشهدی میرزا زین العابدین	معصومه خانم	روحانیون
۵۵	۲۹۶-۱۸۰۸۲	میرزا عبدالرحمن	خدیجه خانم	شاهزادگان
۵۶	۹۹۹-۲۷۵۶۵	ابراهیم	حوایبگم	کسبه
۵۷	۲۹۶-۲۴۹۳۱	آقا سید میرزا ابن مرحوم آقا میر عبدالباقی	آمنه خانم بنت علی اکبر ابن حسین تتماعی	کسبه
۵۸	۲۹۶-۱۱۶۹۵	آقا میرزا علی محمد طباطبایی	زیباخانم	شاهزادگان
۵۹	۲۹۶-۱۷۵۹۶	استاد علی عسکر نمدمال خلف آقا عبدالکریم یزدی	خدیجه سلطان خانم	شاهزادگان
۶۰	۹۹۹-۲۸۱۸۵	سید عبدالکریم خان	افسانه کردستانی	شاهزادگان
۶۱	۲۹۶-۱۶۹۰۳	آقا هاشم	زهرخانم	دیوانی
۶۲	۲۹۶-۲۱۲۲۵	آقا نقی بزاز فرزند آقا نجف بزاز	ملوس خانم فرزند کریلای حسین	کسبه
۶۳	۹۹۹-۲۷۳۹۴	سید علی اکبر	سلطان بیگم صبیة ابراهیم دلالت	شاهزادگان
۶۴	۲۹۶-۲۳۲۶۷	محمد عباس ساکن قریه کربکند	ماه سلطان	کسبه
۶۵	۲۹۶-۲۴۴۸۴	آقا علی اکبر فرزند محمد حسین	فاطمه نساء خانم صبیة محمدعلی	کسبه
۶۶	۲۹۳-۲۵۹۲۳	نصرالله سلطان	بنت مرحوم مشهدی اسمعیل طهات (جهان ارسجا)	کسبه
۶۷	۲۹۶-۱۶۸۷۹	آقا میرزا محمود (فرزند میرزا محمدعلی)	فاطمه سلطان بیگم (میرزا محمدرضا)	شاهزادگان
۶۸	۲۹۶-۷۵۱۱	آقا میرزا خلف آقا برهیم منشی	سیده حلیمه خانم صبیة آقا سید علی (دلالتشه) لنکردی	دیوانی

ادامه جدول ۱

گروه‌های اجتماعی در
نکاح‌نامه‌های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۶۹	۲۹۶-۲۳۰۴۷	احمدخان فرزند حاج محمد رضاخان	سلطنت خانم فرزند بهرام خان	دیوانی
۷۰	۲۹۶-۱۶۱۵۹	حاجی میرزا محمد حسین ملک الکتاب	مرضیه ملقب به شاهزاده گلین	زوج از طبقه دیوانی و زوجه از طبقه شاهزادگان
۷۱	۲۹۶-۲۰۸۸۸	آقامیرزا علی اکبر	سلطان خانم	شاهزادگان
۷۲	۲۹۶-۲۳۳۲۹	میرزا زین العابدین مشهور به البرز	قدسی خانم دختر میرزا شفیع مستوفی	دیوانی
۷۳	۲۹۶-۵۳۰۵	احمد بیک ولد محمد بیک	شاه نبات فرزند میرزا علی بک	کسبه
۷۴	۹۹۹-۳۰۰۶۰	آقانصرالله فرزند محمد حسن فیروز آبادی	هاجر سلطان بگم دختر حاجی سید مهدی طرزجانی	کسبه
۷۵	۹۹۹-۲۷۳۰۰	علی خلف شاطر عبدالرحیم	بی بی فاطمه	روحانیون
۷۶	۲۹۶-۲۳۳۷۰	الباقر ابن علی	خدیجه خانم	کسبه
۷۷	۹۹۸-۹۰	آقامیرزا عباس قلی کرگانی	صاحب خانم	دیوانی
۷۸	۲۹۶-۲۳۳۶۹	محمد حسن فرزند محمد هاشم کارلادانی ۱	فاطمه سلطان فرزند آخوند ملا محمد حسین	زوج از طبقه دیوانی و زوجه از طبقه روحانیون
۷۹	۲۹۶-۲۵۹۱۶	استاد محمد باقر ولد محمد تقی راینی	معصومه بنت استاد محمد مهدی حدلو	کسبه
۸۰	مدیریت یزد	رضاقلی خان ولد آقا محمد علی	خورشید صبیئه مصطفی خان امیرنجه	دیوانی
۸۱	اسناد همدان	آقا محمد مهدی خلف حاج طیب	خدیجه سلطان خانم صبیئه مرحوم حاج محمود	شاهزادگان
۸۲	۹۱-۲۸۰-۷۳۷	آقا محمود خلف کر بلائی هادی	معصومه خانم صبیئه مشهدی عباس	کسبه
۸۳	۲۹۶-۲۰۹۳۴	حاج سید محسن	خدیجه بیگم	روحانیون
۸۴	۲۹۶-۲۱۲۲۳	مشهدی غلام حسین فرزند کر بلائی فتح علی حکاک	صاحب سلطان خانم فرزند کر بلائی مهدی بزاز	کسبه

ادامه جدول ۱

گروه های اجتماعی در نکاح نامه های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	پایگاه اجتماعی زوجین
۸۵	۲۹۶-۲۴۰۷۶	آقامحمدعلی خلف آقا محمدحسین محمدآقا باقر ساکن قریه سرشک	فاطمه سلطان خانم فرزند ملامحمدعلی آقامحمدحسن	کسبه
۸۶	۹۹۹۸-۹۰	شیخ علی پسر فتح الله نویس	لیلی خانم دختر معمدالسلطان اسدالله خان سرهنگ	زوج از طبقه روحانیون و زوجه از طبقه خوانین
۸۷	۹۹۸-۱۴	معمدالسلطان آقامیرزا محمدخان آقامیرزا مصطفی مستوفی گرگانی	آسیه خانم دختر میرزارفیع خان مستوفی گرگانی	دیوانی
۸۸	۲۹۶-۲۱۲۲۴	کربلایی آقا (برا) بزاز فرزند کربلایی مهدی بزاز	ملوس خانم فرزند کربلایی حسین	کسبه
۸۹	۲۹۳-۲۵۹۲۱	علی بیگ خلف زین العابدین	فضه بنت نجف بیگ	کسبه
۹۰	۲۹۶-۲۵۹۱۴	احمد بن آخوند ملاحسن	بی بی بیگم ابنه سیدمهدی	شاهزادگان
۹۱	۲۹۶-۸۹۱۳	آقا رفیع ولد مشهدی علی اکبر	(نرجس خواتون) خانم بنت عزت آقا	کسبه
۹۲	۹۱-۲۸۰-۲۷۶	عباس بیگ خلف عبدالله بیگ	شهربانو خانم بنت علی محمد بیگ	کسبه
۹۳	۹۱-۲۸۰-۷۳۷	آقامحمود خلف مرحوم کربلایی هادی	معصومه خانم صبیئه مرحوم مشهدی میرزا	کسبه
۹۴	۹۱-۲۸۰-۵۰۰	آقانوروز ولد مرحوم کربلایی	کشور سلطان خانم بنت مرحوم آقا علی اکبر	کسبه
۹۵	۲۹۶-۱۶۷۲۲	آقامیرزا غلام حسین معروف به میرزا آقا	بی بی صبیئه فخرالتجار کربلایی محمدخان اسکندرالله	کسبه

ادامه جدول ۱

گروه های اجتماعی در
نکاح نامه های بررسی شده



ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه ای	برگی	تذهیب دارد	تذهیب ندارد	ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه ای	برگی	تذهیب دارد	تذهیب ندارد
۱	۲۹۶-۲۶۶۹۵	✓				✓	۱۳	۳۹۶-۲۶۶۸۸	✓				✓
۲	۹۹۷-۷۲	✓			✓		۱۴	۹۹۹-۳۲۸۸۵	✓			✓	
۳	۹۹۹-۳۷۲۵۳	✓				✓	۱۵	۳۹۶-۲۰۸۱۹	✓			✓	
۴	۲۹۶-۲۶۳۳۰	✓				✓	۱۶	۳۹۶-۲۵۹۱۷	✓				✓
۵	۲۹۶-۲۶۶۹۷	✓				✓	۱۷	۳۹۶-۲۵۰۴۱	✓			✓	
۶	۲۹۶-۳۲۸۸۶	✓			✓		۱۸	۳۹۶-۳۴۸۱۶	✓				✓
۷	۹۹۹-۲۸۷۷۴		✓		✓		۱۹	۳۹۶-۲۵۵۴۱	✓				✓
۸	۹۹۹-۲۷۱۴۵	✓			✓		۲۰	۳۹۶-۱۷۶۶۲	✓			✓	
۹	۹۹۹-۳۷۱۴۴	✓			✓		۲۱	۳۹۶-۳۲۸۹۲	✓				✓
۱۰	۲۹۶-۱۶۹۰۷	✓			✓		۲۲	۹۹۹-۲۷۲۷۸	✓				✓
۱۱	۲۹۶-۱۶۹۲۵	✓			✓		۲۳	۳۹۶-۱۸۶۷۴	✓				✓
۱۲	۲۹۶-۲۵۹۱۲	✓				✓	۲۴	۳۹۶-۱۶۷۹۰	✓				✓

جدول ۲

مشخصات ظاهری نکاح نامه ها
(قطع و تزین)



ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچهای	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد	ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچهای	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد
۲۵	۲۹۶-۲۴۰۲۲	✓				✓	۳۷	۹۹۹-۲۷۶۲۲			✓		✓
۲۶	۲۹۶-۲۴۶۴۴	✓			✓		۳۸	۲۹۶-۲۴۶۴۱	✓			✓	
۳۷	۹۹۹-۲۷۱۴۷	✓			✓		۳۹	۹۹۹-۲۷۲۲۴	✓				✓
۳۸	۹۹۹-۲۷۲۱۵	✓				✓	۴۰	۹۹۹-۲۷۲۵۱	✓				✓
۳۹	۲۹۶-۱۶۸۸۳	✓			✓		۴۱	۹۹۹-۲۷۹۶۴	✓				✓
۴۰	۲۹۶-۲۴۴۱۹	✓			✓		۴۲	۲۹۶-۱۱۲۶۵	✓			✓	
۴۱	۹۹۹-۲۷۱۵۱	✓			✓		۴۳	۹۹۹-۲۷۲۱۱			✓		✓
۴۲	۲۹۶-۲۴۶۹۱			✓		✓	۴۴	۹۹۹-۲۷۱۵۳	✓			✓	
۴۳	۲۹۶-۲۰۹۲۵			✓		✓	۴۵	۹۹۷-۳۵۰	✓			✓	
۴۴	۹۹۹-۲۷۱۴۳	✓			✓		۴۶	۹۹۹-۲۷۸۷۶		✓		✓	
۴۵	۹۹۹-۲۷۲۵۲			✓		✓	۴۷	۲۹۶-۲۴۶۴۵	✓			✓	
۴۶	۹۹۹-۲۷۲۵۶			✓		✓	۴۸	۲۹۶-۲۴۶۸۵	✓			✓	

ادامه جدول ۲

مشخصات ظاهری نکاح نامه‌ها
(قطع و تزیین)



ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه ای	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد	ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه ای	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد
۴۹	۹۹۹-۲۷۲۸۴	✓				✓	۶۱	۹۹۹-۲۱۲۲۵	✓			✓	
۵۰	۹۹۹-۲۱۲۲۴	✓			✓		۶۲	۹۹۹-۲۷۳۹۴	✓				✓
۵۱	۹۹۹-۲۴۶۹۲			✓		✓	۶۳	۹۹۹-۲۳۲۶۷	✓			✓	
۵۲	۹۹۹-۱۷۲۳۴	✓			✓		۶۴	۹۹۹-۲۴۴۸۴	✓				✓
۵۳	۹۹۹-۱۱۴۶۵	✓			✓		۶۵	۹۹۹-۲۵۹۲۳			✓		✓
۵۴	۹۹۹-۱۸۰۸۲	✓				✓	۶۶	۹۹۹-۱۶۸۱۹	✓			✓	
۵۵	۹۹۹-۲۷۵۶۵					✓	۶۷	۹۹۹-۲۵۱۱۱			✓		✓
۵۶	۹۹۹-۲۴۹۳۱					✓	۶۸	۹۹۹-۲۳۰۴۷	✓				✓
۵۷	۹۹۹-۱۱۶۹۵	✓			✓		۶۹	۹۹۹-۱۶۱۵۹		✓		✓	
۵۸	۹۹۹-۱۷۵۹۶			✓		✓	۷۰	۹۹۹-۲۰۸۸۱	✓			✓	
۵۹	۹۹۹-۲۸۱۸۵					✓	۷۱	۹۹۹-۲۳۳۲۹		✓		✓	
۶۰	۹۹۹-۱۶۹۰۲	✓			✓		۷۲	۹۹۹-۲۵۲۰۵			✓		✓

ادامه جدول ۲

مشخصات ظاهری نکاح نامه ها
(قطع و تزئین)



ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه‌های	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد	ردیف	شناسه سند	طومار	دفترچه‌های	برگ	تذهیب دارد	تذهیب ندارد
۷۳	۹۹۹-۳۰-۶۰	✓				✓	۸۵	۳۹۶-۲۵۹۱۴	✓				✓
۷۴	۹۹۹-۲۳۰۰			✓		✓	۸۶	۳۹۶-۸۱۳	✓				✓
۷۵	۳۹۶-۳۳۲۷۰	✓				✓	۸۷	۳۹۶-۱۷۸۹۸	✓				✓
۷۶	۹۹۸-۹۰		✓		✓		۸۸	۹۱-۲۸-۳۷۶	✓				✓
۷۷	۳۹۶-۳۳۲۶۹		✓		✓		۸۹	۹۱-۲۸-۳۷۶	✓				✓
۷۸	۳۹۶-۲۵۹۱۶			✓		✓	۹۰	۹۱-۲۸-۱۷۳۷	✓			✓	
۷۹	۳۹۶-۲۰۹۳۴	✓				✓	۹۱	۹۱-۲۸-۵۰۰	✓			✓	
۸۰	۳۹۶-۳۱۳۳۳	✓			✓		۹۲	۹۱-۲۸-۱۷۳۷	✓			✓	
۸۱	۳۹۶-۲۴۰۷۶	✓				✓	۹۳	۹۰-۹۹۸		✓		✓	
۸۲	۹۹۸-۱۴		✓		✓		۹۴	اسنادهمدان	✓			✓	
۸۳	مدیریت یزد	✓			✓		۹۵	اسنادهمدان	✓			✓	
۸۴	۲۵۹۳۱-۲۹۳	✓				✓						✓	

ادامه جدول ۲

مشخصات ظاهری نکاح‌نامه‌ها
(قطع و تزئین)



جدول ۳

آمار مشخصات ظاهری
نکاح‌نامه‌ها (قطع)

مشخصات ظاهری نکاح‌نامه‌ها (قطع)			
مشخصات ظاهری	طومار	دفترچه‌ای	برگ
تعداد	۷۱	۹	۱۵

جدول ۴

آمار مشخصات ظاهری
نکاح‌نامه‌ها (تزیین)

مشخصات ظاهری نکاح‌نامه‌ها (تزیین)		
مشخصات ظاهری	تذهیب دارد	تذهیب ندارد
تعداد	۴۶	۴۹

نمونه‌ای از نکاح‌نامه‌های بررسی شده

متن‌سأ سند: ۷۲-۹۹۷

تاریخ سند: جمادی الثانی ۱۲۶۶ ق

«بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَلَّ النِّكَاحَ وَ اباح وَ حَرَّمَ الزَّنا وَ السَّفاح وَ ازاج زواج بين الاشباح زواج و الارواح كما عقد على المزين للرياح ذوات الارتياح و الصلوة و السلام على خير خاطب^۱ بعد الحمد و الثناء عقود جواهر حمد و ثنا توشیح کردن [گردن؟!]. عروس ستایش کبریایی را سزاست که مشاطة مشعش [?!]. عروسان چمن در هر بهار زلف گل و چمن آراسته از جمله نواری [انوار] حلیه که ساحت بیهوده آورد و قابله قدرتش بقای نسل مکنونات را از ارتباط آبابی سبعة امهات اربعه تولید موالید ثلث لازم دارد شاهد خوب چهر مهر را جامه زربار صبا از او دربر است و طرة لیلاى لیل را از عطر آمیزی نسیم عیانیش غالیه عنبر، دوشیزگان اغصان از نفحات الطاف او بارور و اثمار ثمار و اتراب کواعب کواکب از اطراب تربیتش در سماع و دوآر. الحمد لله الذى لم يتخذ صاحبة ولا ولدا و لم يكن له شريك فى الملك و درودی شایان شاباش عروس قبول تبار بارگاه عرش انتباه رسول مختاری رواست که اداره توعیت [?!]. سامعة افروز انجمن حسن و نشر و سجل محضر رسالتش به خاتم خاتمت مشحون و معتبر است. سمع شفاعتتش در محفل امید است چون چراغ عینش نیک به جنان تا صبح قیامت فروز است به جور مجمر رحمتش در معرض تعمیم فیض عطرافزای مشام عالمیان محمد سجع جمیع آفرینش چراغ افروز ختم اهل بینش صلی الله علیه و آله سیمما صهره و زوج [انبیه] علی و ابا و پیغمبر چو مَعْمَر بحق زهیر نظام عقد هفت اختر به فرق اخترائش، اما بعد باعث

۱. خواستگار؛ عاقد



ازدواج بکلهها معانى بدیع با الفاظ شریعت ترصیع آنکه چون به مقتضای نصوص آیات و اخبار و واضعات امر مناکحت و مزاجت نورس مولده شرع مطاع و تابع فعلش مطبوع طباع اتباع و اشیاع است؛ كما قال الله تبارک و تعالی عزّ من القرآن: وانکحو الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یكونوا فقراء ینعنهم الله من فضله و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی. فعلى هذا المعانى در اشرف الساعات و اترک اوقات به مبارکى و فیروزى عقد مناکحه صحیحه شرعیه دائمه الانصار الاسلامیه واقع شد فی مابین عالی جاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراہ جلال و نجابت انتباه مجددت و نجدت دستگاہ مقرب الخاقان میرزا محمد زمان نوری امین دیوان خانه مبارکه و علیاجناب قمر نقاب خورشید اصحاب بلقیس مکان خدیجه الزمان فاطمه الدوران مخدره مستوره شاهزاده محترمه عقیفه مکرّمه المسماء حمیده سلطان خانم به صدق مبلغ یک هزار تومان اشرفی [به سیاق ۱۰۰۰ تومان] هیجده نخود وزن یک تومان رواج سکّه مبارکه ناصر الدین شاهى به انضمام یک جلد کلام الله بیست تومان [به سیاق ۲۰ تومان] معلوم و در فقرات مسطورہ صیغه جاری شد تحریراً فی سنه ۱۲۶۶.

حاشیه‌های داخل کادر سند:

بالا سمت راست: قد وقع النکاح كما رقم فيه فی ۱۵ جمادى الثاني ۱۲۶۶، سجع مهر

بیضی: زین العابدین

بالا سمت چپ: بسم الله و الحمد لله وقع النکاح الدائم المقرون بالفوز و الفلاح على ما

حرّر فيه من الصداق لدى الجانی

سجع مهر بیضی: «عبدی محمد صالح ابن محمد علی» و «یا سریع الرضا»

حاشیه‌های سمت راست: اما شاهد بما سطر فی المثنی، سجع مهر مربع: لا اله الا الله

الملك الحق المبين عبده محمد زمان (؟) (؟) جمادى الثاني، سجع مهر مربع: لا اله الا الله الملك

الحق المبين عبده محمد زمان

حاشیه سمت چپ: كما رقم المبارك المزبور قد وقعت النکاح الميمون المبارك المزبور

كما رقم فيه فی ۱۵ شهر جمادى الثاني ۱۲۶۶. مجموع مهریه مبلغ یک هزار و بیست تومان

است که مبلغ بیست تومان آن به جهت هدیّه یک جلد کلام الله مجید است تا واضح باشد

تحریراً ۱۵ شهر جمادى الثاني ۱۲۶۶

سجع مهر بیضی: ابو الفضل و حسین

سجع مهر مربع در پایین سند: لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد زمان»





نمایه سال ۱۳۹۷ فصلنامه گنجینه اسناد

سید محمود سادات بیدگلی^۱

نمایه عنوان‌ها

ایران (۱۳۳۴ق-۱۱۹۵ق) (۱۱۰:۳۳-۶)	آستان قدس رضوی ۱۱۱:۳۰-۶
تجزیه و تحلیل محتوای نکاح‌نامه‌های منطقه بيمرغ گناباد در عصر قاجار ۱۱۰:۳۴-۵۷	ارزیابی تأثیر متغیرهای دما، فعالیت آبی (aw)، غلظت یون هیدروژن (pH)، و زمان بر رشد قارچ‌های آسپرژیلوس نایجر، پنی‌سیلیوم و آلترناریا آلترناتا در کاغذهای تاریخی ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲
تحلیل دیپلماسی عمومی امریکا در ایران براساس اسناد سفارت امریکا در ایران ۱۱۱:۳۲-۶۳	امحای اوراق زائد در آیین‌نامه‌های ارزشیابی اسناد مراکز آرشیوی ایرانی و خارجی: یک مقایسه ۱۹۵-۱۶۶:۱۱۲
تحلیل عملکرد آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران براساس مدل SWOT ۱۰۹:۱۰۸-۱۳۱	امکان‌سنجی ایجاد آرشیو در دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی کشوری ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵
دستورالعمل‌های دیپلماتیک در ایران دوره قاجار ۱۰۹:۳۲-۶	بررسی تأثیر نور بر ثبات رنگی معصفر (فام زرد) استفاده‌شده در مرمت نسخ خطی (براساس دستورالعمل‌های رنگرزی کاغذ در متون تاریخی) ۱۱۰: ۱۴۶-۱۷۴
سامان‌دهی منابع و ذخایر آب شهر قم در دوره قاجار (با تکیه بر اسناد کاخ گلستان) ۱۰۹:۳۴-۵۵	بررسی جایگاه منصب مهنداری در آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا قاجار ۱۱۱:۳۰-۶
سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش ایران در عصر قاجار ۱۱۱:۶۴-۹۳	بررسی موضوع، مضمون و ترکیب‌بندی تمبرهای دوره جمهوری اسلامی از مجموعه اهدایی محمود کاظمی محفوظ در موزه ملی ملک ۱۱۰:۱۰۶-۱۳۱
سیاست‌های روسیه در تسلط اقتصادی بر مسیرهای تجاری شمال و شمال غرب ایران از طریق ساخت راه (با تأکید بر اسناد امتیازنامه‌های راه تبریز به قزوین در دوره قاجار) ۱۰۹:۵۶-۸۶	تأثیر روابط تجاری با هند بر اقتصاد و تولیدات داخلی
شناخت انواع دوخت به کاررفته در صحافی نسخه‌های خطی متعلق به دوره صفویه تا قاجار موجود در مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس ۱۰۹: ۱۳۲-۱۵۰	

۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
m.sadat@yahoo.com



شناسایی مواد و رنگ‌دانه‌های به‌کاررفته در تابلوی
رنگ‌روغن دوره قاجار (منسوب به ابوالقاسم
اصفهانی) ۱۰۹: ۱۵۲-۱۷۴
صندوق عدالت: تداوم سنت یا زمینه‌ساز تجدید ۱۱۱:
۱۱۷-۹۴

کاربرد سیستم استنتاجی عصبی-فازی تطبیقی در
پیش‌بینی فرسایش بیولوژیکی ناشی از فعالیت قارچ
آلترناریا آلترناتا در کاغذهای تاریخی ۱۱۲: ۱۹۶-۲۱۶

کاربردپذیری استاندارد توصیف محتوایی آرشیوی
آمریکا (دکس) در توصیف اسناد الکترونیکی
۱۱۱: ۱۱۸-۱۴۶

مسئله احمدوندیها در دوره حکومت ظل‌السلطان بر
کرمانشاهان (۱۲۹۸-۱۳۰۵ ق) ۱۱۰: ۵۸-۷۵

مشکلات نگهداری و ترمیم راه‌های سنگ‌فرش و
شوسه‌مازندران در دوره شاه‌عباس اول و دوره ناصری
برپایه سند قرارداد واگذاری تعمیر و نگهداری راه
لاریجان به سیف‌الملک ۱۱۲: ۸۸-۱۲۵

منابع دیداری-شنیداری: دسترسی و حفاظت ۱۱۰:
۱۴۴-۱۳۲

مناسبات فرهنگی و اجتماعی آمریکا با ایران در دوره
پهلوی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش (مطالعه موردی شهر اصفهان)
۱۱۰: ۷۶-۱۰۴

منشآت‌های دوره تیموری (براساس تحلیل
منشأالانشاء) ۱۱۲: ۶-۲۵

ناصرالدین‌شاه در جستجوی معادن طلا ۱۱۲: ۲۶-۵۰
نحوه برخورد علمای ایرانی ساکن عتبات با واقعه
بست‌نشینی تجار ایرانی ساکن کربلا در مجاورت
کنسول‌گری انگلیس (۱۳۳۴ ق) ۱۰۹: ۸۸-۱۰۶

نقش سبک‌های تفکر در جهت‌گیری ارزشی به
آرشیوسازی منابع شخصی ۱۱۱: ۱۴۸-۱۶۵
یک نمونه از موانع بر سر راه اصلاحات ارضی: قتل
رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد در آبان ۱۳۴۱: ۱۱۲:
۸۷-۵۲

نمایه‌نویسندگان

آبام، زویا ۱۱۲: ۱۶۶-۱۹۵
آزادی بویاچی، مهرناز ۱۰۹: ۱۳۲-۱۵۰: ۱۱۱: ۱۶۶-
۲۰۲: ۱۱۲: ۱۹۶-۲۱۶
اتحادیه، منصوره ۱۱۱: ۶۴-۹۳
احمدی رهبریان، حسین ۱۰۹: ۳۴-۵۵
اسدی یونسی محمدرضا ۱۱۱: ۱۴۸-۱۶۵
اسماعیلی نصرآبادی، حسین ۱۰۹: ۵۶-۸۶
افشارپور، مریم ۱۱۰: ۱۴۶-۱۷۴: ۱۱۱: ۱۶۶-۲۰۲: ۱۱۲:
۱۹۶-۲۱۶
بهارلو، فرزانه ۱۱۱: ۱۱۸-۱۴۶
بهشتی سرشت، محسن ۱۰۹: ۶-۳۲
بیگدلو، رضا ۱۱۱: ۳۲-۶۳
پاسبان حضرتی، فتانه ۱۱۰: ۳۴-۵۷
پناهی، عباس ۱۱۰: ۳۴-۵۷
پورمحمدی املشی، نصرالله ۱۰۹: ۶-۳۲
پیری، محمد ۱۱۰: ۶-۳۳
جلالی فراهانی، الهام ۱۱۲: ۱۶۶-۱۹۵



- حدادی، محمد ۱۰۹:۱۳۲-۱۵۰
- حسن آبادی، ابوالفضل ۱۱۲:۶-۲۵
- خداداد شهری، نیره ۱۰۹:۳۴-۵۵
- خدیری زاده، علی اکبر ۱۰۹:۸۰-۱۰۶
- خسروی، فریرز ۱۰۹:۸۰-۱۳۱
- خسروی زاده، صباح ۱۰۹:۶-۳۲
- رجبی، وحید ۱۱۰:۱۰۶-۱۳۱
- رضایی شریف آبادی، سعید ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵
- رنجبر، محمد علی ۱۱۲:۸۰-۱۲۵
- روحي، صديقه ۱۱۰:۱۴۶-۱۷۴
- زارعی، مریم ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵
- زندیه، حسن ۱۰۹:۳۴-۵۵
- سامانیان، کورس ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴؛ ۱۱۰:۱۴۶-۱۷۴
- سرپوش، راضیه ۱۰۹:۱۳۲-۱۵۰
- سعیدی نیا، حبیب الله ۱۱۲:۵۲-۸۷
- سلیمانی، زهرا ۱۰۹:۸۰-۱۳۱
- سیدبنکدار، سیدمسعود ۱۱۲:۲۶-۵۰
- سیفی، لیلی ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵
- شهنود، علی ۱۱۲:۵۲-۸۷
- صفاری، زهره ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵
- عزیزی، غلامرضا ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵
- عسکرانی، محمدرضا ۱۱۰:۶-۳۳
- عظیمی کیا، عباس ۱۱۱:۳۲-۶۳
- غائبی، امیر ۱۰۹:۸۰-۱۳۱؛ ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶
- فلاح توتکار، حجت ۱۰۹:۶-۳۲
- فیاض انوش، ابوالحسن ۱۱۰:۷۶-۱۰۴
- فیروزنیا، افسانه ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴
- قلی زاده، محمدرضا ۱۱۲:۵۲-۸۷
- کجیاف، علی اکبر ۱۰۹:۵۶-۸۶
- کریلا آقایی کامران، معصومه ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶؛ ۱۱۲:
- ۱۲۵-۱۶۵
- گل محمدی، علی ۱۱۱:۹۴-۱۱۷
- گودرزی بروجنی، معصومه ۱۱۰:۷۶-۱۰۴
- محسنیان، سیده سمیه ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲؛ ۱۱۲:۱۹۶-
- ۲۱۶
- محمدی آیین، شهرزاد ۱۱۲:۲۶-۵۰
- مطلبی، مطلب ۱۱۰:۵۸-۷۵
- مظفر، فرهنگ ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲؛ ۱۱۲:۱۹۶-۲۱۶
- ملایی، مصطفی ۱۱۱:۶۴-۹۳
- موسوی، آمنه ۱۱۱:۶-۳۰
- موسوی، سید احمد ۱۱۲:۸۰-۱۲۵
- مهریزی، محبوبه ۱۱۰:۱۳۲-۱۴۴
- نورائی، مرتضی ۱۰۹:۸۶-۱۱۰؛ ۱۰۴:۷۶-
- یوزباشی، عطیه ۱۱۰:۱۰۶-۱۳۱
- آب ۱۰۹:۳۴-۵۵
- آذربایجان ۱۰۹:۵۶-۸۶

نهایه موضوعی

آب ۱۰۹:۳۴-۵۵

آذربایجان ۱۰۹:۵۶-۸۶



آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۸:۱۰۹-۱۳۱	ایل احمدوند ۱۱۰:۷۵-۵۸
آرشیو ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶؛ ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵، ۱۹۶-۲۱۶	برنامه ریزی راهبردی ۱۰۹:۱۰۸-۱۳۱
آرشیوسازی رقمی شخصی ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵	بست نشینی ۱۰۹:۸۸-۱۰۶
آسپرژیلوس نایجر ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲	بیمرغ ۱۱۰:۳۴-۵۷
آسیب بیولوژیک ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲	پژوهش‌های اسنادی ۱۱۲:۶-۲۵
آلترناریا آلترناتا ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲؛ ۱۱۲:۲۱۶-۱۹۶	پنی‌سیلیوم ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲
آمریکا ۱۱۰:۷۶-۱۰۴؛ ۱۱۱:۳۲-۶۳	پهلوی ۱۱۲:۵۲-۸۷
آیین‌نامه ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵	پیش‌بینی ۱۱۲:۱۹۶-۲۱۶
ابوالقاسم اصفهانی ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴	تابلوی رنگ و روغن ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴
ارزشیابی اسناد ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵	تاریخچه ۱۱۱:۶-۳۰
استاندارد توصیف محتوایی آرشیوی آمریکا ۱۱۱:	تجار ۱۰۹:۸۸-۱۰۶
۱۴۶-۱۱۸	تجهیزات ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵
اسناد ۱۱۱:۶-۳۰	تحلیل SWOT ۱۰۹:۱۰۸-۱۳۱
اسناد الکترونیکی ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶	تحلیل محتوا ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵
اسناد تاریخی ۱۰۹:۶-۳۲	ترکیب بندی ۱۱۰:۱۰۶-۱۳۱
اسناد شرعی ۱۱۰:۳۴-۵۷	تشکیلات اداری ۱۱۱:۶-۳۰
اصفهان ۱۱۰:۷۶-۱۰۴	تمبر جمهوری اسلامی ۱۱۰:۱۰۶-۱۳۱
اصلاحات ارضی ۱۱۲:۵۲-۸۷	تنظیم و توصیف ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶
اقتصاد ۱۰۹:۵۶-۸۶	تولید و تجارت ۱۱۱:۶۴-۹۳
اقتصاد داخلی ۱۱۰:۶-۳۳	جوان میرخان ۱۱۰:۵۸-۷۵
امحای اوراق ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵	جهت‌گیری ارزشی ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵
امکان‌سنجی ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵	چرخه عدالت ۱۱۱:۹۴-۱۱۷
انگلیس ۱۱۰:۶-۳۳	حسام‌الملک ۱۱۰:۵۸-۷۵
ایران ۱۰۹:۵۶-۸۶؛ ۱۱۰:۶-۳۳؛ ۱۰۴-۷۶؛ ۱۱۱:۳۲-۶۳	حفاظت ۱۱۰:۱۳۲-۱۴۴؛ ۱۱۲:۱۹۶-۲۱۶
ایرانیان ۱۰۹:۸۸-۱۰۶	



رنگ‌ها ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴	حکومت قاجار ۱۰۹:۸۱-۱۰۶
روابط ۱۱۰:۵۸-۷۵	خان‌های قشقایی ۱۱۲:۵۲-۸۷
روسیه ۱۰۹:۵۶-۸۶	خزانه ۱۱۲:۲۶-۵۰
روش کیفی ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵	دانشگاه بیرجند ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵
زمان ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲	دسترسی ۱۱۰:۱۳۲-۱۴۴
زمین‌داران ۱۱۲:۵۲-۸۷	دستورالعمل ۱۱۲:۱۶۶-۱۹۵
ساختمان ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵	دستورالعمل دیپلماتیک ۱۰۹:۶-۳۲
سازمان هواپیمایی کشوری ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵	دستورالعمل‌ها ۱۰۹:۶-۳۲
سبک‌های تفکر ۱۱۱:۱۴۸-۱۶۵	دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی
سرحد ۱۱۰:۵۸-۷۵	کشوری ۱۱۲: ۱۶۵-۱۲۵
سفارت آمریکا در ایران ۱۱۱:۳۳-۶۳	دکس ۱۱۱:۱۱۸-۱۴۶
سندشناسی ۱۰۹:۶-۳۲	دما ۱۱۱:۱۶۶-۲۰۲
سوانح هوایی ۱۱۲:۱۲۵-۱۶۵	دوخت عطف ۱۰۹:۱۳۲-۱۵۰
سیاست ۱۰۹:۵۶-۸۶	دوره پهلوی ۱۱۰:۷۶-۱۰۴
سیستم استنتاجی عصبی-فازی تطبیقی (ANFIS)	دوره تیموریان ۱۱۲:۶-۲۵
۱۱۲:۱۹۶-۲۱۶	دوره صفویه ۱۱۲:۸۱-۱۲۵
سیف‌الملک ۱۱۲:۸۱-۱۲۵	دوره قاجار ۱۰۹: ۶-۳۲، ۳۴-۵۵، ۵۶-۸۶، ۱۵۲-۱۷۴:
شاه‌عباس اول ۱۱۲:۸۱-۱۲۵	۱۱۲: ۸۱-۱۲۵
شرکت‌های غربی ۱۱۱:۶۴-۹۳	دولت عثمانی ۱۰۹:۸۱-۱۰۶
شهر قم ۱۰۹:۳۴-۵۵	دیپلماسی عمومی ۱۱۱:۳۲-۶۳
صحافی ۱۰۹:۱۳۲-۱۵۰	ذخایر آبی ۱۰۹:۳۴-۵۵
صندوق عدالت ۱۱۱:۹۴-۱۱۷	راه شوسه ۱۱۲:۸۱-۱۲۵
صندوق عرایض ۱۱۱:۹۴-۱۱۷	راه‌سازی ۱۰۹: ۵۶-۸۶، ۱۱۲:۸۱-۱۲۵
صنعت فرش ۱۱۱:۶۴-۹۳	رسانه ۱۱۱:۳۲-۶۳
طلا ۱۱۲:۲۶-۵۰	رنگ‌آمیزی ۱۰۹:۱۵۲-۱۷۴

- علمای عتبات ۱۰۹: ۸۸-۱۰۶
- غلظت یون هیدروژن (pH) ۱۱۱: ۱۶۶-۲۰۲
- فعالیت آبی (aw) ۱۱۱: ۱۶۶-۲۰۲
- قاجار ۱۱۰: ۶-۳۳، ۳۴-۵۷: ۱۱۱: ۶۴-۹۳
- قراردادها ۱۱۲: ۸۸-۱۲۵
- کاغذ تاریخی ۱۱۱: ۱۶۶-۲۰۲
- کاغذهای تاریخی ۱۱۲: ۱۹۶-۲۱۶
- کالاهای بازرگانی ۱۱۰: ۶-۳۳
- کاوند ۱۱۲: ۲۶-۵۰
- کتب خطی ۱۰۹: ۱۳۲-۱۵۰
- کربلا ۱۰۹: ۸۸-۱۰۶
- کنسولگری انگلیس ۱۰۹: ۸۸-۱۰۶
- کتابخانه و موزه ملی ملک ۱۱۰: ۱۰۶-۱۳۱
- کرمانشاهان ۱۱۰: ۵۸-۷۵
- مازندران ۱۱۲: ۸۸-۱۲۵
- مدل سازی ریاضی ۱۱۲: ۱۹۶-۲۱۶
- مدیریت اسناد و کتابخانه ملی فارس ۱۰۹: ۱۳۲-۱۵۰
- مراکز آرشیوی ۱۱۲: ۱۶۶-۱۹۵
- مرمت ۱۰۹: ۱۳۲-۱۵۰، ۱۵۲-۱۷۴
- مشاغل ۱۱۱: ۶-۳۰
- مشروطه ۱۱۱: ۹۴-۱۱۷
- مضمون ۱۱۰: ۱۰۶-۱۳۱
- معدن ۱۱۲: ۲۶-۵۰
- مقایسه ۱۱۲: ۱۶۶-۱۹۵
- ملک عابدی ۱۱۲: ۵۲-۸۷
- منابع دیداری-شنیداری ۱۱۰: ۱۳۲-۱۴۴
- مناسبات اجتماعی ۱۱۰: ۷۶-۱۰۴
- مناسبات فرهنگی ۱۱۰: ۷۶-۱۰۴
- منشآت ۱۱۲: ۶-۲۵
- منشأ الانشاء ۱۱۲: ۶-۲۵
- موضوع ۱۱۰: ۱۰۶-۱۳۱
- مهردار ۱۱۱: ۶-۳۰
- ناصرالدین شاه قاجار ۱۱۱: ۹۴-۱۱۷، ۱۱۲: ۲۶-۸۸، ۵۰-۱۲۵
- نظامی باخرزی ۱۱۲: ۶-۲۵
- نظریه داده بنیاد ۱۱۲: ۱۶۶-۱۹۵
- نقاشی قهوه خانه ای ۱۰۹: ۱۵۲-۱۷۴
- نکاح نامه ۱۱۰: ۳۴-۵۷
- والی بغداد ۱۰۹: ۸۸-۱۰۶
- وزارت امور خارجه ۱۰۹: ۶-۳۳، ۸۸-۱۰۶
- هند ۱۱۰: ۶-۳۳



Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.29, No.1, (Spring 2019)

Ser.No: 113

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

- Consequences of the state monopoly of foreign trade in the 1930s for the Iranian economy\ **Seyyed Hassan Shojaee-Divkalaee** **6-30(25)**
- Iran's 3rd Development Plan (1962-1968) and rural migrant employment\
Mohammad-Javad Abdollahi **32-53(22)**
- Tudeh Party activities in Khorasan schools 1942-1957\
Kobra Nodehi, Aliakbar Kajbaf, Morteza Nouraei, Hadi Vakili **54-84(31)**
- Iranian Women Problems in the First Decade of Reza Shah Government (1920-1929)
as Reflected in Two Women's Magazines of the Time\ **Aliakbar Khedrizedeh** **86-108(23)**

Archival Studies

- Legal requirements for publication of oral history interviews in the cyberspace\
Paymaneh Salehi, Golamreza Azizi **110-141(32)**
- Applicability of METS in Open Archival Information Systems (OAIS) for Persian
digital documents\ **Leili Seifi, Zahra Mirzavand** **142-164(23)**
- Iranian Marriage Contracts of the 19th Century\
Roghaye Shokri, Yazdan Farrokhi **166-194(29)**
-
- The Index of Articles Published in Ganjine-ye Asnad(2018-2019)
Seyyed-Mahmood Sadat-Bidgoli **195-200 (6)**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.29, No.1, Spring 2019

(113)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeed Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Mahdi Farhani Monfared, Associate Professor, Alzahra University, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahrannia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

Robabeh Motaghedi, Assistant Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 26405621

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

